استاد تاریخ ایران دانشکده ادبیات تهران

تهران

۱۳۳۷

چاپخانه دانشگاه

بها : ۱۰۰ ریال

فهرست علائم اختصاری

A. F. IV	Archives Nationales Fonds de la Secretairerie d' Etat Consulat et Empire
London P. R O. P. FO 60:	London Public Record Office· Foreign Office Records Persia FO 60
Paris: A. F. P. :	Paris. Archives du Ministére des Affaires Etrangères

فهرست مندرجات

از صفحه تا صفحه

فصل چهارم

فصل پنجم

قسمت سوم

دورهٔ فترت میان دو جنك

فصل اول

قسمت چهارم

جنك دوم ایران وروس (۱۲۴۱-۱۲۴۳)

فصل اول

فصل دوم

مقدمه

آشنائی کامل بتاریخ جدید ومعاصر ایران بدون داشتن اطلاعات کافی ازدورهٔ صدونه سالهٔ اخیراین کشور (۱۱۳٤تا ۱۲٤۳هجری قمری) مطابق (۱۷۲۲-۱۸۲۸ میلادی) خالی ازاشکال نیست .

قبل ازسال ۱۱۳٤ که مصادف با حملهٔ افاغنه و شکست سپاهیان صفوی در گلناباد بدست محمود افغان است دامنهٔ متصرفات ایران تا قفقاز میرسید و استقلال ایران کامل بود .

پس ازحملهٔ افغان دولتهای روس وعثمانی هم از اوضاع آشفتهٔ داخلی کشورما استفاده کردند وازشمال و مغرب بدست اندازی پرداختند . مخصوصاً دولت روسیهٔ تزاری برای پیشرفت نقشه‌های امپراطوری خود و انتزاع قفقاز از ایران آنی غافل نمی‌نشست

سال ۱۲٤۳ (۱۸۲۸) درتاریخ معاصر ایران سال مشخصی بشمار میرود . انعقاد پیمان ترکمن چای دراین تاریخ ختم بحران طولانی وشروع دورهٔ جدیدی را در تاریخ ایران آغاز میکند . دراین دورهٔ جدید ایران از نظرسیاسی ضعیف وازلحاظ ارضی کوچك وبسیاری از ولایات خود را ازدست داد وحتی استقلالش بخطرافتاد .

در سال ۱۲٤۳ (۱۸۲۸) ثروتمند ترین ایالات ایران مابین کوههای قفقاز و رودخانهٔ ارس جزء متصرفات دولت تزاری روسیه درآمد .

بااستقرار رژیم قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) فتحعلی شاه برای جانشینان ضعیف خود کشوری را بارث گذاشت که پیوسته گرفتارطغیان وقیام رؤسای خوانین وایلات برضد دولت مرکزی بود . تاریخ سلطنت فتحعلی شاه که درواقع پایه و اساس تاریخ معاصر ایرانرا تشکیل میدهد تاریخ یك دورهٔ بحرانی است که سیاست ودیپلوماسی دولتهای اروپائی بخصوص دول روس وانگلیس وفرانسه درآن نافذبوده

اثرات مهمی بخشیده است .

تاریخ این دوره که بی‌شك ازمهم ترین ادوار تاریخ ایرانست چنانکه باید روشن نیست کتب ورسالات متعددی راجع بمعاهدات سن پطرزبرگ و استامبول و ترکمن‌چای وطرز حکومتی که درنتیجهٔ انعقاد معاهدهٔ اخیر درایران بوجود آمده نوشته شده است .

ولی مطالعاتی که راجع بشرایط و کیفیات انعقاد این معاهدات تاکنون بعمل آمده ناقص وبلکه نادراست. اسنادومدارك سیاسی وزارت امورخارجهٔ فرانسه وانگلستان مربوط باین دوره درحقیقت گنجینه های گرانبهائی است که هنوزهم کاملا مطالعه و بررسی نشده است .

باید متذکر بود که دولت انگلستان زودتراز رقیبان سیاسی خود باسناد ومدارك ایرانی وروسی دست می‌یافت . چنانکه امروزهم اینگونه اسناد در انگلستان بیشتر بدست میآید زیرا باوجود مأمورین سری بریطانیای کبیر هیچگونه فعالیت اجنبی درایران ازدولت مزبور مخفی نمی‌ماند . وجود همین اسناد است که اغلب ما را از شرح وقایع مطلع میسازد ــ البته پی بردن بهمه فعالیت‌های مأمورین سری بریطانیای کبیر که غالباً اسرارآمیز بنظرمیرسد بسیارمشکل است و شواهدی برای اثبات این مدعا وجود دارد .

ما کوشش خواهیم کرد نکات برجستهٔ این دوره را مورد مطالعه قراردهیم و طبعاً درجریان این تحقیق بامطالبی مواجه خواهیم‌بود که مستلزم شرح وبسط بیشتر خواهد بود .

درآغاز این دوره ازتاریخ ایران دولتهای معظم اروپائی که درمغرب باهم‌در تماس بودند درممالك شرق نزدیك بخصوص در ایران بایکدیگرمواجه شده صحنهٔ دیگری درمبارزات سیاسی ودیپلماسی تشکیل دادند .

زیرا کشورباستانی ایران که مهدیکی ازتمدنهای درخشان روی زمین بود با انحطاط وزوال خاندان صفویــه روبقهقرا و انحطاط رفت واین انحطاط در بحبوحهٔ

سیاستهای متجاوزانهٔ دولتهای غربی لاینقطع شدیدتر میشد وبالمآل ایرانرا در کشاکش رقابتهای جهانی بصورت دولتی ضعیف و مغلوب درآورد .

تاریخ داخلی ایران دراین دوره یك قسمت از جریانهای سیاسی دول ذینفع خارجی رانیز روشن میسازد .

بحرانهای داخلی درهر کشورغالباً یکی ازعلل تجاوزات وپیشرفتهای دولتهای خارجی بشمارمیرود چنانکه ضعف وفتور درارکان دولت صفویه مسبب ومحرك فتنه افغان وتجاوز روس وعثمانی بایران بود وضعف دولت قاجارنیز فکرتوسعه طلبی روس وانگلیس را تقویت کرد . البته تعیین وتشخیص میزان تحریکات ومداخلات دولتهای بیگانه درایجاد بحرانها واغتشاشات داخلی ایران کار آسان نیست .

در روابط خارجی ایران از گلناباد تا ترکمن چای سه دورهٔ متمایز تشخیص داده میشود .

دورهٔ اول از ۱۱۳٤ تا ۱۲۱۷ (۱۷۲۲ـ ۱۸۰۳) که در این دوره دولت ایران در داخله باانقراض خاندان صفویه وتسلط یاغیان افغانی ودرخارج بادشواریهای سیاسی بزرگ مواجه شد . زمام داران روس وعثمانی ازاشکالات داخلی ایران استفادهٔ کامل کردند وبی اطلاع دولت ایران درسن پطرزبرگ وقسطنطنیه بتقسیم متصرفات شمال و شمالغربی ماپرداختند . البته باید حکومت باعظمت نادررا ازاین جریان مستثنی دانست زیرا دولت مقتدر وی خوش درخشید ولی مستعجل بود.

دورهٔ دوم از ۱۲۱۷تا۱۲۲۸ (۱۸۰۳-۱۸۱۳) دراین دوره سیاست ودیپلوماسی دولت ناپلئون درایران باسیاست ودیپلوماسی دولتین روس وانگلیس مواجه گردید وتغییرات وتحولاتی کـه درحوادث جنگهای روس وایران مشاهده میشود مستقیماً با وقایع اروپا مربوط است .

بطوریکه درجریان این حوادث میتوان ایرانرا بمهرهٔ شطرنجی درصحنهٔ جنگهای ناپلئون ودشمنان اروپائی اوتشبیه نمود .

دورهٔ سوم از ۱۲۲۸تا۱۲٤۳(۱۸۲۸ـ۱۸۱۳) فرانسویان دراین دوره ازصحنهٔ

سیاست ایران طرد شدند و روسها بسهولت سیاست استعمار و توسعه طلبی خود را تعقیب کردند. در این سیاست روسها تا حدی بکمك انگلیسها در نتیجهٔ انعقاد معاهدهٔ ترکمن چای توانستند ارادهٔ خود را بدولت ضعیف ایران تحمیل کنند.

در جلد اول این کتاب در ضمن مطالعهٔ روابط سیاسی و دیپلوماسی ایران با دولتهای روس و عثمانی و انگلیس و فرانسه آغاز توجه دولت روس را بطرف ایران شرح و استقرار آن دولت را در قفقاز در اراضی ایران با انعقاد معاهدهٔ گلستان بیان خواهیم کرد. سپس به پیشروی دولت روسیهٔ تزاری تا رود ارس که بموجب معاهدهٔ ترکمن چای صورت گرفت اشاره خواهیم نمود و در اطراف نتایج معاهدهٔ ترکمن چای که مواد آن فشار و تحمیلات ناروا و فوق العاده سنگین در مدت یکقرن بایران وارد آورده و در روابط سیاسی ایران با سایر دولتهای اروپائی نیز تأثیر فراوان داشته است سخن خواهیم گفت.

قسمت اول

آغاز توجه دولت روسیه بجانب ایران

قسمت اول

آغاز توجه دولت روسیه بجانب ایران

سیاست متجاوزانهٔ دولت روس درتاریخ دو کشور مدتها قبل از تشکیل دولت واقعی روسیه آغازمیشود . پیش‌ازتشکیل دولت واقعی و واحد روسیه امرای مسکو مکررمصمم شدند که برای دسترسی بدریای خزر واستقرار درناحیهٔ قفقازمتصرفات خود را بطرف جنوب توسعه بدهند . قبل از کشف راه هندوستان بوسیلـهٔ واسکو دو گاما در۱٤۹۷ (۹۰۳ هجری قمری) قسمت عمدهٔ مال التجاره‌های هند از طریق دریای خزروارد روسیه‌میشد . مقداری‌ازاین کالاها درداخلهٔ روسیه باپوستهای‌قیمتی مبادله میگشت وبقیه بکشورهای شمال اروپا فرستاده میشد . این تجارت وخرید و فروش پوستهای قیمتی‌برازدیادثروت روسیه‌فوق‌العاده کمك میکرد. پس‌جای‌تعجب نیست وقتی مشاهده میشود که امرا وتجار روس درادوارمختلف بانواع‌وسائل‌متشبث میشده اند تا بـا هندوستان تجارت مستقیم دایر نمایند و بتوانند محصولات کشور خویش را بلاواسطه بهندوستان بفرستند و در عوض محصولات هند را از دست اول دریافت نمایند .

با توجه باین نکته باید متذکرشد که نه تنها شاهراه مشهور ابریشم ازداخلهٔ ایران میگذشت و بطرف آسیای صغیر وسوریه متوجه میشدبلکه جادهٔ دیگری‌نیز از سراسر خاك ایران عبور میکرد و از طریق قفقاز داخلهٔ روسیه را بـا هندوستان مربوط میساخت .

این تجارت که از راه خشکی با هندوستان انجام مییافت با تجارتی که پس‌از کشف واسکودوگاما از راه دریا ایجاد گردید قابل مقایسه نیست زیرا پیش از این اکتشاف‌بارکاروانهاعبارت‌بود ازمال‌التجاره‌های سبك وزن وسنگین‌قیمت‌مانندپارچه های قیمتی‌سنگهای پربهاانواع ادویه وغیره که بعلت مسافت واشکالات راه وخطرات

جانی بقیمت گزافی بفروش میرسید .

مدام که تجارت اشیاء قیمتی وسبك وزن وجود داشت مساعی شاهزادگان روس برای اینکه حتی الامکان بایالات ساحلی دریای خزر وناحیه قفقاز نزدیك شوند منطقی وموجه بنظر میرسید ولی ازوقتی که پرتقالیها ازدماغهٔ امیدواری گذشتند ومال التجارهٔ آسیا را بقیمت نازلتری باروپا حمل کردند بالطبع از اهمیت این سیاست کاسته شد بطوریکه قیمت محمولاتی که قبلا ازمغرب ایران بآسیای صغیر میرسید ودر اروپای غربی بوسیلهٔ تجار بنادر ونیزوژن توزیع میگشت ویا ازشمال ایران بروسیه میرفت ودر اروپای شمالی بوسیله روسها پخش میشد ، بـا قیمت ارزان محمولات پرتقالیها قابل مقایسه نبود .

با این ترتیب ازاین زمان روسیه منابع تجارت فوق العاده مهمی را کـه قرنها باعث ازدیاد ثروت آندولت شده بود ازدست داد . ولی باز تزاران روسیه کـه ازعلت واقعی انحطاط این تجارت بـی اطلاع نبودند برمساعی خود برای پیدا کردن راه تازه بطرف هندوستان افزودند و این یکی از علل مهمی است که ایوان واسیلویچ[1] وجانشینان وی را بر آن داشت که متصرفات خود را تاقفقازوآنطرف رود ترك بسط وتوسعه دهند وروابط قدیمی روسیه را با هندوستان وفرمانروایان آسیای مرکزی بر قرار سازند .

دراین زمان که پرتقالیها تسلط خود را براوقیانوس هند مستقر ساخته بودند انگلیسها تصمیم گرفتند نواحی شمالی را کشف کنند وراه دیگر بطرف آسیا بیابند. درسال ۹٦۰ هجری قمری (۱۵۵۲ـ میلادی) ریشاردشانسلور[2] که بقصد سیاحت به لاپونی[3] در شمال اسکاندیناوی حرکت کرده بود بعلت طوفان دریـا به بندر ارخانگلس[4] از متصرفات روسیه رسید وبا اجازهٔ ایوان مخوف تزار روسیه درمسکو شرکتی بنام «شرکت مسکو» تأسیس کرد .

1– Yvon – Vassilievitch
2– Richard – Chancellor
3– Laponie
4– Archangelsk

پس‌از مرگ ریشارد درسال ۹٦٤ (۱۵۵۷) آنتونی جنکینسن[1] انگلیسی که درمسافرت روسیه همراه وی‌بود فرمانده کشتیهای‌شرکت مسکو گردید وباتفاق دو نفردیگرازاعضاء شرکت مأموریت یافت که ازطریق دریای مازندران باب تجارت‌را میان روسیه وممالك آسیای مرکزی مفتوح سازد.

پس‌ازمراجعت جنکنسن‌ازاین سفرشرکت مسکو باصواب دیدایوان‌مخوف برای تعقیب نقشهٔ دیرین خودمصمم شدوی‌را مأمورایران نماید تا با ولایات شمالی ایران درساحل بحرخزرکه مرکزتهیه ابریشم بودرابطهٔ تجارتی مستقیم دایرکنند وبدینطریق باتجارپرتقالی که تجارت ابریشم ایرانرا منحصره بخود ساخته و از را خلیج فارس وجنوب افریقا باروپا حمل میکردند رقابت نماید.

جنکنسن برای پیشرفت کار خویش از طرف ایوان مخوف با درنظر گرفتن اینکه این مأموریت به‌نقشهٔ دیرین روسیه کمك میکرد و همچنین از طرف ملکه الیزابت انگلستان عنوان سفارت تحصیل کردودرسال ۹٦۹ (۱۵٦۲) بریاست‌هیئتی راه ایران را پیش گرفت.

هیئت درذیحجه ۹٦۹ به دربند وازآنجا بقزوین پایتخت شاه‌طهماسب‌صفوی رفت. فرمانده کشتی‌های شرکت‌مسکوبا تجلیل تمام ازطرف شاه طهماسب پذیرائی شد ولی بعلل سیاسی و مذهبی در انجام مأموریت توفیق حاصل نکرد و بمسکو مراجعت نمود.

جنکنسن زمستان ۹۷۰ (۱۵٦۳) را درمسکوماند ومجدداً عازم ایران شد. ولی درضمن مسافرت یکی ازهمراهان وی بقتل رسید وخود اونیزبدون‌اخذنتیجه مراجعت نمود.

دوسال‌بعد یعنی‌در۹۷۲شرکت‌مسکو هیئتی بریاست‌آرتورادوارد[2] بقزوین فرستاد. شاه‌طهماسب نهایت مساعدت وملاطفت را درحق این هیئت مبذول داشت

1– Anthony-jenkinson

2-Arthur - Edward

وفرمانی صادر کرد که مطابق آن شرکت مسکواز پرداخت حقوق گمرکـی و راه داری معاف شد و تجار انگلیسی اجازه یافتند که در تمام ایران مسافرت کنند و تجارت نمایند .

بالاخره مأموریت سر آنتونی شرلی[1] ازطرف دولت انگلستان بایـران در سال ١٠٠٦ (١٦٩٨) و اقدامات روبرت شرلی ومأموریت وی ازطرف دربـار ایران باروپا درسال ١٠١٦ (١٥٠٨) بر روابط سیاسی وتجاری ایران باانگلستان افزود تـا اینکه درنتیجهٔ تأسیس شرکت هند شرقی ازطرف انگلستان باب تجارت ازراه خلیج فارس بوسیله کشتی های شرکت هندشرقی و تجارت نواحی شمالی ایران از طریق روسیه باروپا دایر گردید .

ایجاد روابط تجارتـی مناسبات سیاسی دولتین ایران و روسیه را رفته رفته نزدیکتر کرد واین روابط تا ١١٣٠ (١٧١٧) ادامه داشت . معاهدات سیاسی که در این دوره میان دولتین منعقد شده بخصوص برضد دولت عثمانی بوده ودرامور تجارتی ازبرقراری این روابط حسنه سیاسی استفاده شده است. بطوریکه درطول قرن هیجدهم بازهم یك فعالیت مهم تجارتی میان روسیه وهند وجودداشته که بیشتر مدیون وضع جغرافیائی ایران وموقع حساس این کشور بوده است بنابراین اشغال ایالات شمال غربی ایران برای تزاران روسیه دو فایدهٔ بزرك داشت : یکی آنکه بـا اشغال این ناحیه یك منزل بهندوستان نزدیکتر میشدند و دیگر آنکه اجـرای این تصمیم بهره برداری ازایـالات ثروتمند شمالی ایران را تأمین مینمود بطوریکه تعقیب و اجرای سیـاست توسعهٔ ارضی پیشرفت سیاست توسعهٔ اقتصادی را تقویت میکرد .

1- Sir Anrhony Cherldy

فصل اول

۱ ـ انحطاط دولت صفویه و آغاز سیاست متجاوزانهٔ دولت روسیهٔ تزاری

با جلوس شاه سلطان حسین بر تخت سلطنت ایران که انقراض خاندان صفویه را تسریع نمود و با ظهور قدرت پطر کبیر در روسیه در روابط ایران و روس که تا آن زمان جنبهٔ تجارتی داشت تغییراتی حاصل شد و روابط حسنهٔ موجود میان دو دولت بروابط خصمانه مبدل گردید.

تا آنزمان دولت روسیه باتمام وسائل کوشش میکرد که تماس خود را بادولت ایران بیشتر نماید و حتی در بعضی موارد تقاضای کمك مالی و نظامی نیز از ایران مینمود. با سلطنت پطر کبیر در روسیه این وضع بکلی دگرگون شد بطوریکه نمایندگان شاه سلطانحسین و پسرش تقاضای کمك از روسیه برضد افاغنهٔ مهاجم نمودند و با مداخلهٔ روسیه بعنوان کمك مقدمهٔ دست‌اندازیها و تجاوزات مداوم تزاران روسیه درخاك ایران آغاز گشت و این حالت قریب دوقرن یعنی از ۱۱۳۵ تا ۱۳۳۶ (۱۷۲۲ ـ ۱۹۱۷) ادامه داشت و با سقوط رومانفها از میان رفت.

قبل از آنکه خاندان رومانف بقدرت برسد مسکوی دولت بزرگی بود که بهیچ یك از دریاهای آزاد دسترسی نداشت بنابراین برنامهٔ اساسی و سیاست اصلی زمامداران روسیه دست یافتن بدریای آزاد و توسعهٔ سرحدات آنکشور تا دریاهای گرم و آزاد بود. برای انجام این مقصود روسها از چهار طرف بجانب دریا های آزاد پیشرفتند.

۱ـ ازشمال بطرف اوقیانوس منجمد شمالی

۲ـ ازمشرق بسوی اوقیانوس ساکن

۳ـ ازمغرب بجانب اروپای غربی و دریای بالتیك

۴ـ ازجنوب بطرف آسیای مرکزی و خلیج فارس

وازاین جمله موضوع پیشرفت روسیه بسوی خلیج فارس واوقیانوس هندمورد بحث ما خواهد بود.

پطر کبیرسلطان مقتدر وفعال که درنتیجهٔ قدرت ونفوذ وی روسیه داخل در جرگهٔ دول اروپائی گردید، ازدیرزمانی مصمم بودایالات شمالی ایرانرا که در راه هندوستان اولین منزل بشمارمیآید بتصرف خوددرآورد. علت اتخاذ این تصمیم با وصیتی که بوی نسبت داده میشود روشن ترمیگردد. گرچه درصحت این وصیت نامه تردید است ولی نظربا ینکه بندنهم آن: سیاست امپراطوری روس را درمشرق بطور جالب توجهی بیان میکند بدرج آن مبادرت میکنیم: «هرچه بیشتربایدباسلامبول وهندوستان نزدیك شد. کسی که دراینجاها حکومت کند سلطان حقیقی جهان خواهد بود. بنابراین بایستی جنگهای مداوم گاهی برضد ایرانیها ایجاد کرد. لازم است مؤسسات کشتی سازی درساحل دریای سیاه ایجاد نمودوبتدریج این دریا ودریای بالتیك را که دونقطهٔ لازم و ضروری برای پیشرفت و انجام نقشهٔ ماست بتصرف آورد.

دراضمحلال ایران باید تسریع کرد و برخلیج فارس دست یافت و درصورت امکان راه تجارتی قدیم مشرق را از طریق سوریه تا هندوستان که بمنزلهٔ انبار دنیاست دایر کرد. وقتی بـه آنجا رسیدیم میتوانیم ازطلای انگلستان صرف نظر کنیم [۱] »

اغتشاشات داخلی ایران در ابتدای قرن هیجدهم میلادی (دوازدهم هجری) عامل مؤثری در اجرای طرح دولت روسیه یعنی نزدیك شدن بهندوستان و عبور ازقفقاز بود.

پس ازسلطنت باعظمت شاه عباس کبیردولت شاهنشاهی صفویه درنتیجهٔ ضعف دولتهای مرکزی به خانات متعددومستقلی تجزیه شده ومخصوصاً مخالفت شدیدی بین

1-jillet: «La perse dans l'équilibre politique universel, P.3 Thieury-(Ivles): «Documents pour servir des relations entre la France et la Perse P.26»

ایرانیان شیعه وافغانان سنی وجود داشت وشاید یکی ازعلل ضعف ایران درقرن جدید مخالفت دوملت سنی درمشرق ودرمغرب یعنی افغانها وعثمانیها با ایرانیها باشد. این ضعف وتجزیهٔ ایران درست با دوره‌ای مطابقت میکند که روسیه باوج قدرت خود رسیده وپطر کبیر در ۱۷۰۹ میلادی (۱۱۲۱ هجری) درپولتاوا[1] به بزرگترین فتح خود برشارل دوازدهم پادشاه سوئد نایل آمده است.

شاهزادگان گرجی که مکرر حمایت تزاران روسیه را برضد تسلط ایران خواسته بودند برای تجدید تقاضاهای خود موقع را مناسب یافتند وبدین منظور حاکم گرجستان پسرعموی خود را برای جلب توجه تزار بطرف ایالات جنوبی دریای خزر بمسکو اعزام داشت.

این تقاضا کمك مؤثری برای اجرای نقشه‌های پطر کبیر بود ولی نظر باینکه تزار بدون کسب اطلاع قبلی دربارهٔ ایران مایل نبود هیچ نوع اقدامی کند درسال ۱۱۲۷ هجری (۱۷۱۵) مصمم شد آرتمی والنسکی[2] را با اختیارات تام برای انعقاد یك معاهدهٔ تجارتی با یران اعزام دارد. پطر کبیر میخواست اطلاعات صحیحی راجع بایالات مجاور بحرخزر و بنادر ورودخانه‌های این دریا کسب کند. بعلاوه مایل بود مطلع شود آیا رودخانه‌ای وجود دارد که ازهند سرچشمه گرفته و بدریای خزر بریزد! والنسکی مخصوصاً مأموریت داشت اطلاعاتی راجع بایالت گیلان تحصیل کند وازشاه سلطانحسین بخواهد ارامنه را که تجارت ابریشم ایران دردست آنهاست مجبور کند کالای خود را بجای اینکه مثل سابق باز میرو حلب بفرستند به سن پطرزبرگ روانه کنند. نمایندهٔ روس درماه جمادی الاول ۱۱۲۹ (مارس ۱۷۱۷) باصفهان رسید و موفق شد معاهده‌ای منعقد کند که مطابق آن معاهده حقوق گمرکی ومبادلهٔ کالاهای مجاز بین دو کشور تعیین میشد. بعلاوه انعقاد این معاهده بروسیه حق میداد یك نفر کنسول دائمی در گیلان داشته باشد.

1– Poltava

2– Arthemy --Valinsky

والنسکی با پشت کاروذ کاوتی که داشت خیلی زود ازاوضاع ایران مطلع شدو تشخیص داد که باوجود جنگ بین دولتین سوئد وروسیه دولت اخیر قادراست باقوای مختصری نقشه‌های خودرا بسهولت درآسیا بموقع اجرا بگذارد در مراجعت خود در ۱۱۳۱ (۱۷۱۹) سفیر روسیه زمستان رادرشماخی گذرانید و درآنجا تشخیص داد که رابطه میان‌قفقازوایران خیلی‌بی‌بنیان است وازعلاقهٔ ملل عیسوی قفقازمخصوصاً گرجی‌ها اطلاع حاصل کرد .[۱] والنسکی در گزارشهای خود شروع اغتشاشاتی را پیش‌بینی مینمود وراجع‌بخطرحتمی وقریب‌الوقوع افغان درایران وبخصوص‌ایالات جنوبی دریای‌خزر ایمان داشت . نامبرده معتقد بود که برای ازدیاد نفوذ روسیه در قفقازدولت امپراطوری ناچاراست دیریا زود باین ناحیه وحتی بداخلهٔ ایران لشکر کشی کند .

این گزارش‌طوری با نظریات ونقشه‌های تزارموافق بود که والنسکی ازطرف دولت روسیه‌بحکومت حاجی‌طرخان منصوب گردیدتا درآنجا بتواند نقشه‌های‌خود را تکمیل نماید .

کمی‌بعد پیش‌بینی والنسکی‌تحقق‌یافت وبمرحلهٔعمل رسید . هجوم‌واستیلای افغان زوال‌قدرت‌ایرانرا اعلام‌نمود . برای‌اطلاع‌ازوضع‌ایران درآن‌زمان مختصری‌از چگونگی‌حملهٔ افغان را درزیرشرح میدهیم :

شاهنشاهی ایران که در دوران حکومت شاه‌عباس کبیراز نوعظمت سابق‌خود

۱ـ آرتمی والنسکی که بعدها بمقام وزارت رسید درتاریخ ۱۷۲۵ درمراجعت از اصفهان بامپراطور پطر کبیرمیگفت: «تصورمیکنم که نابودی واضمحلال‌نهائی‌ایران‌نزدیك است هرگاه سلطان جدیدی‌برتخت‌نه‌نشیند ووضع کشوررا بهبود ندهد درهمه‌جاانقلابات واغتشاشات رخ خواهد داد وجائی نخواهد ماند که درآنجاآتش اغتشاش زبانه نکشد با اینکه جنگ فعلی ما باسوئد اشکالاتی برای ما تولید میکند بعلت ضعف ایران میتوانیم بدون هیچ ترسی‌مخاصمات را برضدآندولت شروع کنیم تنها یکدسته کوچك سرباز برای ضمیمه کردن قسمتی‌ازخاك ایران کافیست ولی برای گرفتن نتیجه بایستی ازموقع استفاده شود زیرا هرگاه درآتیه‌تشکیلات این کشور درنتیجهٔ مساعی شاه جدیدی منظم گردد وضع بکلی تغییر خواهدکرد . M. Pavlowitch : La Briga de Russe en Perse P.

را بدست آورد پس ازوی مجدداً بحکومتهای کوچك مستقلی تجزیه گردید. شاهزاده گرگین خان ازخانوادهٔ سلطنتی باگراتی[1] ازطرف شاه سلطانحسین بحکومت کرمان و گرجستان منصوب شده بود ودر دربار میزیست . وزرا وخواجه سرایان وحتی خود پادشاه ازوجود این شاهزاده دراصفهان نگران بودند بهمین مناسبت وی رابعنوان سرکوبی قندهار که همواره درحال عصیان وسرکشی بود ازپایتخت دورساختند . گرگین با همراهان گرجی خودموفق شدبآسانی انقلاب آنجاراخاتمه دهد. ولی تعدیات واجحافات وی وبدرفتاری سربازان گرجی باندازه‌ای باهالی آن سامان صدمه رسانید که این بار مقدمات یك انقلاب عمومی فراهم گردید .

طوایف افغان قندهارمیرویس یکی ازرؤسای ایل رابریاست برداشتند. میرویس گرگین راکشت ودریك شبیخون قندهار را متصرف شد وگرجیان رابیرون راند . میرویس که گرگین رایکنفر یاغی بدربارقلمداد کرده بودموافقت شاه رانیز بدست آورد. وقتی دربارازاین قضایااطلاع یافت دیربود ومیرویس وسایل دفاعی متصرفات خویش را تقویت کرده بود بطوریکه لشگریان ایران که ازسربازان هراتی وگرجی وتبریزی و غیره تشکیل می یافت یکی پس ازدیگری منهدم شدند میرویس پس ازپنجسال حکومت درقندهار درسال ۱۱۲۷ (۱۷۱۵) درگذشت .

اختلاف افاغنه سنی باایرانیان شیعی مذهب بامرگ میرویس متوقف نشد میر محمود پسرمیرویس عنوان پادشاهی اختیار کرد ووضع نامطلوب شاهنشاهی ایران جاه طلبی وبلندپروازی افاغنه راتقویت وتأییدمیکردزیرا هجوم بیگانگان وانقلابات داخلی درسال ۱۱۳۰ (۱۷۱۷) استقلال ایران را تهدید مینمود :

درنتیجهٔ شورش ابدالی‌های هرات حاکم شهر بقتل رسیده وشهرهرات بدست یاغیان افتاده بود وابدالی‌ها باکمك ازبکان یکدسته ازقوای سلطنتی رامغلوب کرده از پای درآورده بودند .

در سال ۱۱۳۱ (۱۷۱۹) کردان یاغی نیز بحوالـی همدان و اصفهان دست

1– Bagration.

اندازی کردند .

از گیهای داغستان هم بشهرهای همجوار می‌تاختند و خسارت میزدند و در گرجستان‌شاهزاده کارتیل[1] (ازنواحی گرجستان) بعنوان‌جلوگیری‌ازلزگیهامشغول جمع آوری اسلحه بود .

بااین وضع‌میرمحمود دریافت که فرصت برای فتح‌ایران مناسب است . برای اجرای‌تصمیم‌خودباده هزارتن‌راه صحرای‌سیستان و کرمان‌پیش گرفت وشهر کرمان را بتصرف‌آورده و درآنجا منتظر ورود لطفعلی خان فرمانده کل قوای دولتی شد . لطفعلی‌خان با بیست هزار نفرسرباز افاغنه را درپای دیوار شهر کرمان مغلوب و متفرق ساخت ۱۱۳۲ (۱۷۲۰) ولی بسبب همین پیروزی مورد حسد درباریان‌واقعشد وبزندان‌افتاد . درسال‌۱۱۳۳ (۱۷۲۱) حادثهٔ دیگری برمشکلات کارشاه‌سلطانحسین اضافه شد .

کوه نشینان لزگی‌شماخی راتصرف کردند واهالی‌را قتل‌عام وشهرشماخی را که انبار کالاومرکزتجارتی‌مهمی‌بین‌ایران وروسیه‌بودغارت نمودند. ضررتجارروسی دراین حادثـه دو میلیون روبل تخمین زده میشد و از قتل یك شاهزاده روسی بنام چرکاسکی[2] اختلافاتی پدیدآمد .

دراین‌موقع محمود مجدداً با ۱۵ هزارتن افغان از صحرا گذشت و کرمان را یکبار دیگربتصرف‌آورد ربیع‌الثانی‌۱۱۳٤ (ژانویه ۱۷۲۲) . چون‌قلعه واستحکامات یزد مانع عبورقوای افغان بود ازصحرای ریگزاربجانب اصفهان تاخت و درگلناباد سه فرسخی آنشهر اردو زد . درآنجا مهاجمین بفتح بزرگی‌نائل شدند وپایتخت را تهدید نمودند ۲۲ رجب ۱۱۳٤ (۸مه‌۱۷۲۲) نبرد گلناباد بایستی پایتخت وخودشاه سلطان حسین را تسلیم افاغنه نماید ولی مقاومت باعث شد که اهالی ببدترین وضعی گرفتار شده و زجر و شکنجه ببینند مخصوصاً بعلت بروز قحطی حتی گوشت آدم

1– Car Talie

2– Tcherkasski

درمقابل بیرحمی‌های محمود حتی افاغنه‌نتوانستند تسلط یکنفرجابر دیوانه‌ومریض را تحمل کنند وبالاخره محمود در۱۲ شعبان ۱۱۳۷ (۲٦ آوریل ۱۷۲۵) در ۲۷ سالگی بدست افغانان بقتل رسید واشرف برادرزادهٔ میرویس پسر میر عبدالله (میر عبدالله بدستور محمود بقتل رسیده بود) بجانشینی محمود منصوب گشت . اشرف با رعایت احترام نسبت باجساد صد نفر شاهزادگان صفویه که بدست محمود بقتل رسیده بودند ازایرانیان دلجوئی نمود .

۲ - رقابت روس و عثمانی در ایران

و معاهدهٔ اسلامبول ۱۱۳۶ (۱۷۲۴)

پطر کبیر دو اعتراض برایران داشت : یکی غارت مال‌التجاره های‌اتباع روس درشماخی ازطرف‌ازگیها ودیگر قتل شاهزاده چرکاسکی بدست ازبکان صحرا گرد. بنابراین ایران بایستی خطای قطاع‌الطریقانی‌را که خود ازدست آنان فوق‌العاده در زحمت بود بنام اتباع‌ایران جبران نماید . جنگ شمال مانع این بود که تزاربطرف ایران توجه کند. بهمین سبب درسال ۱۱۳۲(۱۷۲۰) یك هیئت‌نظامی‌تحت‌سرپرستی بوسکاکوف [۱] برای تنظیم نقشهٔ سوق‌الجیشی مأمور شد درهٔ ترك را ازراه خشکی تا گیلان از نظر اکتشاف نظامی مطالعه کند واطلاعات لازم را بستاد کل روس بفرستد .

همینکه تزاربانعقاد معاهدهٔ صلح نیستاد [۲] در ۱۷۲۱ (۱۱۳۳) از طرف سوئدآسوده خاطرشد توجه خود را بنواحی جنوبی امپراطوری روسیه معطوف داشت . پطر کبیر برای تصرف ایالات ساحلی بحرخزر وممانعت از نزدیك شدن عثمانیها باین ناحیه میخواست ازهرج ومرجی که در داخلهٔ ایران حکمفر ماست استفاده کند .

هنگامیکه کار سلسلهٔ صفویه درایران یکسره میشد پطر کبیرسفیری بدربار شاه سلطان حسین فرستاد .

نمایندهٔ روس وقتی باصفهان رسید که شاه اسیر محمود افغان بود ۱۱۳٤ (۱۷۲۲) سفیر ناچار خود را بافغان فاتح معرفی کرد وازوی تقاضای تنبیه قاتلین شاهزاده چرکاسکی‌وجبران خسارت نسبت به‌تجاری که درشماخی مال‌التجاره های

---

1 - Boskakoff
2 - Nystadt

خودرا ازدست داده بودند کرد .

محمود که ازسیاست خارجی اطلاعی نداشت بنمایندهٔ مسکو اظهارنمود که نمیتواند عملیات از بکها ولزگیهارا مراقبت کند ودرحقیقت با این بیان بنمایندهٔ مسکو تلویحاً گفت که تزار میتواند منافع اتباع خویش را در ناحیهٔ شمال غرب حمایت نماید .

درنتیجهٔ این اتفاقات ومذاکرات بود که درماه شوال ۱۱۳٤ (ژوئیه ۱۷۲۲) سی هزارسربازمنظم ازجنگجویان نبرد سوئد وسی هزار ازافراد چریك بفرماندهی تزاربقصد حاجی طرخان ازولگا گذشتند .

پطرکبیردرسرراه خود ایالات ساحلی را مطیع ساخته وبه مصب رود ترك در داغستان رسید ۲۱ شوال ۱۱۳٤ (٤ اوت ۱۷۲۲) درداغستان تزاربیانیه‌ای صادر کرد واعلام نمود که منظور وی ازاین لشکرکشی توسعهٔ ارضی نیست و این اقدام فقط برای نجات شاه ازظلم وتعدی افاغنه است . تزارحرکت خودرا بطرف جنوب ادامه داد وپس ازمطیع ساختن لزگیهاازداغستان عبورنمود ودربندرا گرفت بیستم ذیقعده ۱۱۳٤ (سپتامبر ۱۷۲۲) سپس برای اجرای این منظوربمعاونین خود تعلیمات لازم داد وبمسکومراجعت کرد .

درزمستان سال بعدسپاهیان افغان رشت را محاصره کردند. حکام ایالات شمالی نماینده‌ای به حاجی طرخان فرستاده پیشنهاد کردند لشکریان روس وارد این منطقه شوند . روسها از این موقع وفرصت خوب استفاده کردند و گذشته از رشت تمام مازندران واسترآبادرانیزمتصرف شدند تابستان ۱۱۳٥(۱۷۲۳) باکونیزمورد حمله سپاهیان روس گردیدوبالاخره تسلیم شد .

بااین ترتیب تمام ساحل جنوبی بحرخزر بدست لشکریان تزار افتاد ولی بعلت بدی آب وهوا وظهورمالاریا تلفات زیادی بروسها واردآمدواین نقاط درواقع قبرستان سربازان روس شد .

ازطرف دیگر درمقابل روسها باب عالی که باانعقاد معاهدهٔ پاسار وویتز [۱] ۱۱۲۶(۲۱ژوئیهٔ۱۷۱٤) ازجنك بااطریش خلاص شد وشهرهای صربستان وبانات [۲] وتمسوار [۳] و قسمتی ازوالاشی راازدست داده بود میخواست خسارات مذکور را ازطرف مشرق جبران نمایدوبهمین سبب جنك مذهبی رابرضدایرانیان شیعه آغاز کرد.

بنابراین محمود پس از رسیدن بقدرت ناچار بود با دو دولت قوی جنك کند. عثمانیهای سنی برضد محمود که وی نیزسنی بود جنك مذهبی را ادامه دادند ودرمقابل فتوحات روس گرجستان را باتفلیس اشغال کردندولی در نزدیکی گنجه شکست خوردند.

دراین مدت شاه طهماسب سعی داشت اساس متزلزل سلطنت خویش را برپایهٔ استواری مستقرسازد. درموقع تصرف باکوازطرف روسها ۱۱۳۵ (۱۷۲۳)پطر کبیر سفیری بایران فرستاده واطلاع داده بود که اشتغال این شهرفقط بمنظور قلع وقمع اشرار است. نمایندهٔ روس درضمن مأموریت داشت بدربارایران اخطار کند درصورتی که شاه طهماسب مایل باشد ، دولت روس حاضراست برای خاتمه دادن باغتشاشات داخلی ایران مبادرت بلشکر کشی نمایدودرمقابل این کمك روسیه واگذاری ایالات شمالی را ازطرف ایران تقاضا میکرد . وقتی نمایندهٔ روس بایران رسید که محمود دراصفهان مستقرشده بود .

سفیر روس مجبورشدبسمت قزوین مقرفرماندهی شاه طهماسب حرکت کند. شاه طهماسب ضعیف که قادرنبود باافاغنه مهاجم مقابله نماید پیشنهاد های نمایندهٔ روس را قبول کرد و اسماعیل بیك از محترمین دربار رابنمایندگی بسن پطرزبورك فرستاد . نمایندهٔ ایران در تاریخ ۱۱ ذیحجه ۱۱۳۵ (۱۲ سپتامبر ۱۷۲۳) معاهدهٔ ائتلافی امضاء نمود که بموجب آن ایران دربندو گیلان ومازندران را بروسیه واگذار

۱- Passarowitz ازشهرهای صربستان معاهدهٔ ۱۱۷٤ میان اتریش و ونیزوباب عالی دراین شهر منعقد شده

2 - Banat

3 - Temesvar

میکرد و در عوض تزار روس وعده میداد که برای اخراج محمود از ایران بشاه کمك کند .

درحالیکه روسیه حاضر شده بود بانمایندگان شاه طهماسب داخل مذاکره شود عثمانیها هم که جز محمود باهیچکس نمیخواستند داخل مذاکره گردند بفرستادگان شاه طهماسب اظهار داشتند که آیا دربار ایران حاضر است تبریز و ایروان راکه بابعالی مصمم است بزور اشغال کند بدولت عثمانی واگذار کند؟

سرعت فتوحات روس درایران زمامداران عثمانی رانگران ساخت و وحشت فراوان درقسطنطنیه حکمفرماشد. عثمانیها نمیخواستند که کشورهای اسلامی بدین نحو بدست کفار بیفتد. داماد ابراهیم صدراعظم سلطان احمدسوم شورای محترمین کشورورؤسای مذهبی را دعوت کرده وآنانرا برضد تسلط روسها در کشور های مسلمان تهییج نمودودرآنجا تصمیم گرفته شد که اعلان جهادبرضد روسیه دادهشود ودرنتیجه بدستوردولت عثمانی نپلویف[۱] سفیرروس بزندان افکنده شد .

دوبوناك[۲] سفیر فرانسه در قسطنطنیه که اصرارداشت ازبروز اختلاف میان روسیه وعثمانی جلوگیری کند نمایندهٔ خودرا نزد صدراعظم فرستادتاویرا متوجه سازد که جنك عثمانی وروسیه فقط بنفع اطریش تمام خواهد شدوبرای احتراز از چنین پیش آمدی وساطت دولت فرانسه را پیشنهاد کرد . وساطت دوبوناك ازطرف دولت عثمانی مورد قبول گشت ومذاکرات آغاز شد .

سفیرفرانسهبدون دریافت تعلیمات ازطرف دولتخوددرتاریخ اولشوال۱۱۳۶ (۲۳ژوئن ۱۷۲٤) بامضای معاهدهٔ اسلامبول توفیق یافت که مطابق آن داغستان و شمال شیروان وایالات ساحلی دریای خزروگیلان ومازندران متعلق بروسیهمیشد وعثمانیها نواحی متصرفی خوددرشمالغرب ایران یعنی جنوب شیروان و گنجه و ایروان ومغان وقرهباغ وآذربایجان وعراقرا نگه میداشتند .

---

1 - Neplcuief
2 - De - Bonac

برای آن قسمتی که جهت دولت ایران باقی میماند دولتین روسیه و عثمانی توافق حاصل کردند اگر شاه طهماسب معاهدهٔ اسلامبول را قبول کند حقوق وی محترم شمرده خواهد شد درغیر اینصورت دودولت پس ازمشاوره برای انتخاب پادشاه دیگری جهت سلطنت ایران اقدام خواهند نمود .

سه سال بعد یعنی در ۲٦ صفر ۱۱٤۰ (۱۳ اکتبر ۱۷۲۳) فرستادگان اشرف جانشین محمود با عثمانیها معاهده‌ای منعقد کردند کـه مطابق آن دولت ایـران فتوحات عثمانی را برسمیت شناخت وسلطان را جانشین حقیقی خلفا قبول کرد. سلطان نیز بنوبهٔ خود اشرف را پادشاه قانونی ایران شناخت . باستنادو بااستفاده ازانعقاداین معاهده روسیه نیز موفق شد نواحی اشغالی خودرا برسمیت بشناساند وبدین ترتیب تجزیهٔ ایران عملا انجام یافت وخط سرحدی میان دومنطقهٔ اشغالی روس و عثمانی بعدها ازطرف دولتین تعیین گردید .

۳ ــ نادرشاه افشار

استقرار امنیت در داخله
و اخراج روس و عثمانی از ایران

اشرف‌افغان بمحض اینکه ازخطرعثمانی‌آسوده شد باخطر بزرگتری‌مواجه گردید .

طهماسب میرزای ولیعهد در هنگامی که اصفهان درمحاصرهٔ افغانها بود بصوابدید جمعی ازرجال دولت برای تهیه وسایل نجات اصفهان به قزوین اعزام شد ولی تاسقوط اصفهان کاری ازپیش نبرد وپس‌ازمدتها سرگردانی‌باسترآباد رفته مساعدت‌وهمکاری متنفذین‌آن ناحیه وازجمله فتحعلیخان رئیس ایل قاجاررابرای سرکوبی اشرف تقاضا کرد . دیری نگذشت که شاهزاده صفوی از کمك نادرقلی که بعدها بدستیاری اوازخطر افغان نجات یافت ودربرابر اراده‌وپافشاری وی‌روسها و عثمانیها نیز مجبور شدند از کلیهٔ فتوحات خود در ایران صرف‌نظر کنند برخوردارشد .

نادربا‌پنجهزارتن سواران‌جنگی خود بکمك طهماسب میرزا که‌بافتحعلیخان قاجارعازم خراسان شده بود شتافت. دراولین جنك وبرخورد مشهدرا تسخیر کرده سپس بدفع افاغنه ابدالی که برهرات مسلط شده بودند پرداخت و پس از سه روز جنك ابدالیهارا وادار بتسلیم کرد وازجانب سرحدات شرقی خراسان‌آسوده خاطر شد درنتیجه این فتوحات نادر بدریافت عنوان فرماندهی کل قوای سلطنتی و لقب طهماسبقلی نائل گردید . پس ازاین موفقیت ها نادر جنك را بر ضد اشرف افغان ادامه داده وشکست فاحشی بقوای وی ابتدا درمهماندوست دامغان وسپس در مورچه‌خورت اصفهان واردآورد اشرف باصفهان فرارکرد وچون اهالی شهربرضد

وی قیام کردند درحال یأس و نا امیدی پایتخت را ترك گفت وبطرف فارس فراری شدنادراصفهان‌را متصرف‌شدوبرای ورود طهماسب‌میرزا تهیه مجللی‌دیدشاه‌طهماسب دوم با جلال وشکوه خاصی وارد اصفهان شد و بدیدار مادر پیر خود که مدت هفت سال درلباس‌مبدل کنیزی میکرد نائل آمد .

(رجب ١١٤٢ ژانویه ١٧٣٠) نادر اشرف را تعقیب کرد لشکریان‌افغان‌را در حوالی زرقان فارس ازپای درآورد . اشرف به لار گریخت واز آنجا عازم قندهار شد ودربلوچستان بدست بلوچها بقتل رسید .

پس ازاخراج افاغنه ازایران شاه طهماسب تصمیم گرفت برای استردادنواحی اشغالی باعثمانیها وارد مذاکره شود داماد ابراهیم صدراعظم عثمانی پس از انقلابی که دراسلامبول در ١٨ربیع‌الاول ١١٤٣ (اول اکتبر ١٧٣٠) رخ داد ازکاربر کنار وسلطان احمدسوم درنتیجه این انقلاب ازسلطنت خلع وسلطان محمد اول‌جانشین وی گردید وبروز این حوادث در اسلامبول باعث قطع مذاکرات با ایران شد . نادر که بادامهٔ مذاکرات مخالف بود جنك را درآذربایجان وعراق برضد عثمانی ادامه داد .

عملیات نادر بانهایت موفقیت پیش میرفت ولشکریان وی که در کرمانشاه فاتح بودند تبریز واردبیل را نیز اشغال کرده بودند . هنگامیکه نادربمحاصرهٔشهر ایروان‌مشغول بود بعلت بروز انقلاب درمشرق ایران مجبور شد بسمت خراسان حرکت کند .

نادر برای تجدید مذاکرات سفیری باسلامبول نزد دولت جدید عثمانی فرستاد قبل ازآنکه‌نتیجه این‌سفارت معلوم گردد شاه طهماسب که نسبت بموفقیت های نادر حسادت میورزید تصمیم گرفت شخصاً باعثمانیها وارد جنك شود .

پس از دوبار شکست در ظرف یکماه آنچه را که نادر در نتیجهٔ فعالیت‌و فداکاری تحصیل کرده بود شاه طهماسب ازدست داد ودربغداد در خیمهٔ احمد پاشا درتاریخ رجب ١١٤٤ (ژانویه ١٧٣٢) معاهدهٔ موهونی امضاء کرد .

مطابق این معاهده شهرهای گنجه وتفلیس و ایروان ونخجوان و شماخی و داغستان یعنی تمام گرجستان وارمنستان تاسرحدارس به عثمانیها واگذارشد تبریز و کرمانشاه و لرستان برای ایران باقیماند . بعلاوه دولت عثمانی تعهد کرد که لشکریان خودرا برای اخراج روسها ازنواحی که بوسیلهٔ پطر کبیر فتح شده ودر تصرف آنها است بکمك لشکریان ایران اعزام دارد .

دراین هنگام نادر که بعلت بی‌مهری شاه طهماسب درخراسان بسر میبرد مشغول تقویت سپاهیان خود بود .

شکست‌های پی‌درپی شاه طهماسب ومعاهدهٔ ننگین بغداد بمخالفت‌واعتراضات نادر کمك میکرد . شاه‌طهماسب بی‌مطالعه وبدون توجه به‌نتایج اقدام خود نادر را باصفهان احضار کرد وی دررأس‌پنجاه هزار سواران زبده خود وارد پایتخت گردید وشاه را خلع و باسارت بخراسان اعزام داشت . چون نادر هنوز مصلحت نمیدید عنوان سلطنت اختیار کند بهمین‌جهت پسرشیرخوارشاه طهماسب را باسم شاه عباس سوم به‌پادشاهی انتخاب کرد وخودرا نایب‌السلطنه خواند .

پس از این موفقیت نادر بلافاصله ضمن یادداشت تمسخر آمیزی استرداد ایالات اشغالی ایران را از دولت عثمانی تقاضا کرد بابعالی که از این یادداشت نادر متوحش‌بودتوپال‌عثمان پاشای‌طرابوزان‌را که‌لایقترین‌ومعروفترین‌سرداران‌عثمانی بود مأمورتمرکزقوای عثمانی نمود ۱۱۴۶ (۱۷۳۳) نادرپس ازیك‌نبردخونین‌بعلت بروزانقلاب‌درشیراز و کرمان مجبورشدپیمان متارکه‌ای دربغداد بااحمدپاشاامضاء و برای سرکوبی یاغیان بجنوب ایران عزیمت کند ۳ رجب ۱۱۴۶ (۱۰ دسامبر ۱۷۳۳) .

نادر روسهارا فراموش نکرده بود باخنده میگفت بایك‌جاروب آنهاراازایران بیرون خواهد کرد .

نادرقبلااسترداد ایالات اشغالی را ازدولت سن‌پطرز بورگ درخواست کرده بود، با مرك پطر کبیر سیاست توسعه طلبی دولت روسیه خاتمه پیدا کرد ملکه

آنا [۱] امپراطریس صلحجو که تشخیص داد وضع ایران بکلی عوض شده باانعقاد معاهدهٔ رشت اول فوریه ۱۷۳۲ (٤ شعبان ۱۱٤٤) که درضمن پیمان اتحادی برضد دولت عثمانی بود ایالات مازندران و گیلان‌را بایران مسترد داشت.

بعلت خودداری سلطان محمداول ازامضای معاهدهٔ منعقد میان نادر وحاکم بغداد جنك ایران و عثمانی مجدداً شروع شد دراین جنك عبدالله کپرلی پاشا فرماندهی قوای عثمانی را عهده‌دار بودنادر بجای اینکه بطرف بغدادمتوجه گردد ازراه تبریزبسمت تفلیس حرکت کرد شکست سختی دردشت آرپا چای نصیب لشکریان عثمانی شد ۲۱ محرم ۱۱٤۸ (۱٤ ژوئن ۱۷۲۵) و در نتیجهٔ این فتح گرجستان وشیروان بتصرف نادر درآمد.

باب عالی که درصدد بود جنك‌را برضد دولت روسیه شروع کند باعجله به نادر پیشنهاد صلح کرد وباانعقاد معاهدهٔ اسلامبول در ۱۱٤۹ (۱۷۳۶) دولت‌عثمانی باستثنای بغداد ازتمام فتوحات خود درایران صرفنظر کرد.

نادر ازبروز جنك بین دولتین عثمانی وروس استفاده کرده وازدولت اخیر استرداد شهرهای باکو ودربندرا خواست ودرضمن دولت روسیه را تهدید کرد که درصورت عدم قبول‌این تقاضا دولت ایران پیمان اتحادی بادولت عثمانی برضددولت روسیه منعقد خواهد کرد دولت روس که در وضع سیاسی بدی قرار داشت ناچار تقاضای‌قهرمان‌ایران‌رااجابت کردوشهرهای‌باکوودربندراتخلیه‌ومستردداشت‌نبایداز نظر دورداشت.مادامیکه‌دولت‌عثمانی‌نواحی‌مجاوردریای‌خزرراتهدیدمیکردسیاستی که ازطرف پطرکبیرتعیین گردیده بود بقوت خود باقی بود منتهی باسلطنت‌مقتدر نادر درایران که‌توانست در مقابل تجاوزات احتمالی دولتین روس‌وعثمانی مقاومت کند سیاست دولت روس موقتاً بحال وقفه باقیماند.

نادرپس ازآنکه ایران را ازخرابی واضمحلال قطعی نجات داد موقع‌رابرای

---

1 – Anna

انتخاب عنوان سلطنت مناسب دید بزرگان کشور ورؤسای قبایل که برای تعیین تکلیف سلطنت ایران دردشت مغان جمع شده بودند بادرنظر گرفتن فداکاریها و خدمات گرانبهای نادر که ازسقوط حتمی ایران جلوگیری کرده بود ویرادرهشتم رمضان ۱۱٤۸ (۲۲ ژانویه ۱۷۳٦) بسلطنت ایران برگزیدند.

مراسم تاجگذاری قهرمان ونجات دهنده ایران درماه شوال همین‌سال‌انجام پذیرفت.

در سالهای اول سلطنت منطقه قندهار راکه مرکزاصلی فتنه وفسادبشمار میرفت وطغیان افغانها از آنجا شروع شده بود ازوجود گردنکشان مصفا ساخت وبا تسخیرهندوستان صحنه پرافتخاری درتاریخ ایران گشود و سپس با فتح ترکستان حدود ایران را به دورهٔ ساسانیان رسانید.

بدبختانه سلطنت کوتاه نادر درتاریخ طولانی ایران بمنزلهٔ سرعت صاعقه‌ای بود وی درشب یازدهم جمادی‌الثانی ۱۱٦۰ (۲۰ ژوئن ۱۷٤۷) درفتح‌آباد قوچان بدست چندتن ازسران قزلباش بقتل رسید وقتل وی ایران را باردیگرتسلیم تخطی ودست‌اندازی مداوم همسایگان کرده خرابکاریها وهرج ومرج و لجام‌گسیختگی داخلی را دامن‌زد ودرحقیقت باید گفت دولت مقتدر نادر خوش درخشیدولی‌دولت مستعجل بود.

٤ ـ جانشینان نادر

بین مرك نادروتاجگذاری آغامحمدخان ٥٠ سال طول کشید ١١٦٠ ـ ١٢١٠ (١٧٤٧ ـ ١٧٩٥) که آن را میتوان بسه دوره تقسیم کرد .

دورهٔ اول از ١١٦٠ تا ١١٧٢ دراین دوره دوازده ساله تاریخ ایران صحنهٔ خونین وتأثرانگیزی است که بگفته صاحب مجمع التواریخ «ارادهٔ ازلی قرار یافت که عموم اهل ایران بچهارموجه بحور بلاافتاده سزا وجزا یابند تازمانیکه قابل ترحم و تفضّل باریتعالی گردند» قدرت عظیمی که نادر بچنك آورده بود پرده ضخیمی در مقابل دیدگان اونهاد واورا ازتقدیر وسرنوشت بیخبر گذاشت بطوری که نتوانست آینده را به‌بیند وپس ازخودبرای مملکت چاره‌ای بیندیشد اخلاف وی نیزفرزانگی اورا نداشتند .

پس ازقتل نادر علیقلیخان برادرزادهٔ او که درهرات بود به‌مشهد آمد وتحت عنوان سلطان علیعادلشاه به‌تخت نشست وبقتل‌عام‌شاهزادگان خاندان‌خودپرداخت ازجمله رضاقلی میرزا ونصرالله میرزا و امامقلی میرزا فرزندان نادر را کشت فقط شاهرخ میرزا پسررضاقلی میرزارا باقی گذاشت که اگر کارسلطنتش بنیانی نگیرد ازعلاقه مردم‌بخاندان صفوی استفاده کرده اورا که دخترزادهٔ شاه سلطان حسین‌بود بسلطنت انتخاب نماید وباسم اوحکمرانی کند .

عادلشاه برادر کوچك خود ابراهیم خان را سردار عراق نموده روانهٔ اصفهان ساخت‌سال بعد ابراهیم خان‌براوشوریده‌خودرا ابراهیم شاه خواند. عادلشاه از طریق مازندران متوجه‌جنك برادرشد ونخست بامحمدحسنخان قاجار در کناررودسیمبار جنگی سخت کرده اورا منهزم وفراری نمودوپسر صغیراو آقامحمدخان‌را گرفتار کرده مقطوع النسل ساخت ولی در جنك با برادر که در سلطانیه روی داد شکست

خورده بتهران گریخت حاکم تهران اورا دستگیرساخته بفرمان ابراهیم شاه کور کرد . خبرنابیناشدن اوبوسیلهفراریان که ازجنك بین دو برادر گریخته بودند بخراسان رسید امرا وسرداران خراسان متفق شدند وشاهرخ میرزای سابق الذکر را بسلطنت برداشتند ومستعد جنك باابراهیم‌شاه شدند ابراهیم‌شاه نیز که مهیای جنك بود کاری از پیش نبرد و بدست هواداران شاهرخ بین قزوین و ساوه بقتل رسید .

میر سید محمد متولی استان قدس رضوی دخترزاده شاه سلیمان صفوی که سلطنت را حق خاندان خود میدانست شاهرخ را دستگیر ونابینا کرد وخود بنام شاه سلیمان ثانی به‌تخت نشست ولی پس ازچهل روز مردم مشهد اورا کور کرده شاهرخ نابینارا دوباره بسلطنت برداشتند .

این حوادث خونین که درخراسان رخ داد خاندان نادری ومدعیان سلطنت راازپای درآورد وبداینجهت‌شاهرخ توانست‌تاسال ۱۲۰۱ که سال وفات‌اواست‌بآرامی وبدون مدعی‌برحوزهٔ خراسان حکومت کند اما هرج‌ومرج وجنك وجدال‌درسایر نقاط ایران طولانی‌ترشد .

احمدخان ابدالی‌یکی ازسران افاغنه که بنام طایفهٔ مخصوص خود به احمد خان درانی نیز اشتهارداشت سپاهیان افغان اردوی نادری را بقندهار بردومقدمات استقلال افغانستان را فراهم کرد ویکی ازعاملین بزرك جدا شدن ایران شرقی از ایران غربی گردید .

یکی دیگر ازسرکردگان افغانی نادر بنام‌آزادخان افغان در آذربایجان قدرتی فراهم کرده بنای سرکشی گذاشت .

حکومت اصفهان که بدستور شاهرخ‌بدابوالفتح‌خان‌بختیاری تعلق گرفته بود سبب طغیان یکی دیگرازسرداران بختیاری بنام علیمردان‌خان شد و اصفهان‌را ما به‌النزاع این دوسردارساخت .

مدعی دیگر محمد حسنخان قاجار بود که عده‌ای از ترکمانان قاجاررا در گرگان ومازندران بدورخود گرد آورده بود .

مدعی قوی پنجه وزورمند دیگر کریمخان رئیس ایل زند بود .

جنگ بین این مدعیان نیز قریب به ۸ سال طول کشید و سبب خونریزیهای فراوان درشمال ومغرب ومرکز ایران گردید و بکلی آسایش و آرامش را سلب کرد درپایان این منازعات طولانی وخونین کریمخان زند فاتح وفیروز درآمدوبا کشته شدن آخرین سردارمدعی یعنی محمد حسنخان قاجاررئیس طایفه زند برتمام ایران دست یافت وبنام وکیل الرعایابتخت سلطنت ایران جلوس نمود ۱۱۷۲ (۱۷۵۸)تنها بپاس حق نعمت نادرشاه متعرض خراسان وشاهرخ میرزا نشد و تا سال فوت خود ۱۱۹۳ (۱۷۷۹) بعدل وانصاف حکومت کرد .

در دورهٔ سلطنت ۲۱ ساله کریمخان که آن را دورهٔ دوم مینامیم واقعه مهمی که آرامش مردم را برهم زند رخ نداد در نقاط مختلف ایران بخصوص در فارس خرابیهای وارده تا حدی ترمیم شد . طغیانهای پی درپی که درسالهای آخر سلطنت نادر براثرستمکاریهای بی‌حدوحصر او ودر دورهٔ جانشینانش روی داد تجارت ایران را باخارج مختل ساخت ورشته ارتباط ایران را ازهم گسیخت ولی سکونتی که در دوران حکومت کریمخان پیش آمد باردیگراروپا را بفکرایران انداخت وتجدید روابط متروک مورد توجه شد انگلیسیهاوروسها اجازه گرفتند که درسواحل خلیج فارس دربحرخزر دارالتجاره تأسیس کنند هلندیها و پرتقالیها در جزیره هرمز و خارك بگرفتن این امتیاز نائل آمدند ولی انقلابات دوران جانشینان کریمخان باعث شد که دول مذکور باستثنای انگلیس‌ها تجارتخانه‌های خودرا رها ساختند ادامهٔ ارتباط آنان نیز بمناسبت منافعی بود که درهندوستان داشتند واین ارتباط هم غیرمداوم وچندان مثمر ثمر نبود .

دوره سوم دورهٔ جانشینان کریمخان است وتا سال ۱۲۱۰ (۱۷۹۵) یعنی ۱۷

سال طول کشید. فوت کریمخان باردیگر ایران را میدان تاخت وتاز ستیزه جویان ومدعیان سلطنت قرارداد بازماندگان کریمخان بوضع شگفت انگیزی بجان یکدیگر افتاده خاك فارس را ازخون هم رنگین ساختند خونریزی واغتشاش از ساعت فوت کریمخان شروع شد تاجائیکه نعش کریمخان سه روز برزمین ماند زکیخان برادر مادری کریمخان ۱۵ تن ازبزرگان زندیه‌را بقتل رسانید وپس از این فجایع ابوالفتح خان پسربزرك کریمخان‌را بسلطنت برداشت وبرادرش محمد علیخان‌رانیز که داماد اوبود درسلطنت شریك ساخت وخود زمام اموررا بدست گرفت‌علیمردان یکی ازسرداران کریمخان که از طرف او مأمور اصفهان شده بود بر زکی خان شورید زکیخان بقصد دفع او عازم اصفهان شد ولی درایزدخواست بدست سپاهیان خود بقتل رسید صادقخان برادر دیگر کریمخان وپسرش جعفرخان اطاعت‌ابوالفتح خان را گردن نهادند وچون ابوالفتح‌خان لاابالی وعشرت طلب‌بود وبامور حکومت وسلطنت چندان توجهی نداشت اگرچه درظاهرعنوان پادشاهی داشت ولی درواقع رتق و فتق امور باصادق خان بود.

صادقخان درجنك با علیمردان خان کشته شدوبدستورعلیمردان‌خان‌ابوالفتح خان وسایر فرزندان کریمخان نابینا گردیدند علیمردان خان ازاین پس مجبوربود ازیکطرف بادشمنان خانگی وازسوئی با آقـا محمدخان قاجار که شرح حال او عنقریب خواهدآمد بجنگد وبدون اینکه موفقیتی تحصیل کند سرانجام درمورچه خورت در گذشت وجعفرخان جانشین او گردید.

جعفرخان دونوبت باآغا محمدخان جنگید وشکست یافت وسرانجام‌مسموم شد پسر رشید وزیبای او لطفعلیخان که مأمور بنادروسواحل خلیج بود همین که ازقتل پدراطلاع حاصل نمود شیرازرا گرفت وقاتلین پدررا کشت.

زندگانی او از۱۲۰۳ تا ۱۲۰۹ یعنی مدت شش سال بازدوخورد باخان‌قاجار وتوأم با آوارگی ودربدری گذشت ودراین مدت قهرمانیها ودلاوریهائی از خود

نشان داد که از فصول جالب توجه تاریخ ایران بشمار میرود سرانجام در کرمان از آغا محمدخان شکست خورده گرفتار وبوضع فجیعی بدستور خان قاجار زندگی وی پایان یافت .

۵ - ایران هنگام ظهور سلسلهٔ قاجار

پیدایش سلسلهٔ قاجاریه

درطی مدت ۱۷ سالی که جانشینان کریمخان برای رسیدن بقدرت و زد و خورد بودند آغامحمد خان یکی ازمؤسسین سلسلهٔ قاجار موفق شد وحدت ظاهری ایران را عملی کند چون ظهور این سلسله مقارن باورود دولت روسیه درصحنه سیاست ایران بود وازهمین تاریخ تامدت قریب یکقرن ونیم مقدرات کشورمارا این سیاست دردست‌داشت وعامل مؤثر آن بشمارمی‌آید لازمست برای اطلاع از سیاست همسایگان ووضع داخلی ایران جریانات این دوران تحول را با دقت بیشتری مطالعه کنیم .

ایل قاجار از طوایف ترکی هستند که درحدود قرن هشتم هجری بنواحی مغرب‌رفته درسرزمین های‌بین‌ایران وشام ونیزدرحدود ارمنستان‌سکونت گزیده‌اند ودرهنگام ظهورسلسلهٔ صفویه یکی از ۷ طایفهٔ قزلباشی بوده‌اند که بشاه اسمعیل صفوی دررساندن او بسلطنت کمك کرده‌اند وازآن پس درتاریخ ایران نام و نشان یافته دراکثروقایع وحوادثی که در تاریخ ایران روی داده است دخالت داشته‌اند شاه عباس بزرگ آنان را سه دسته کرد دسته‌ای را در خراسان و حدود مرو برای جلوگیری از حملهٔ ازبکان سکونت داد و دسته‌ای را هم بحدود گرگان برای جلوگیری از حملهٔ ترکمانان فرستاد و دسته سوم را در حدود قراباغ مسکن داد عده‌ای که در گرگان ساکن شدند دو قسمت گردیدند قاجار های ساکن ساحل راست رود گرگان بنام یوخاری باش و آنهائیکه در ساحل چپ سکونت گزیدند اشاقه باش نامیده شدند بین این دوطایفه غالباً برسرچراگاهها نزاع درمیگرفت و بهمین سبب با هم دشمنی میورزیدند در زمان هجوم افاغنه فتحعلی خان قاجار

از رؤسای آشاقه‌باش بیاری شاه طهماسب دوم برخاست و هنگامی که در خدمت او به محاصرهٔ مشهد اشتغال داشت بتحریك نادر کشته شد پسرش محمد حسنخان درزمان نادردرمیان ترکمانان متواری‌میزیست وپس ازمرك او به گرگان بر گشته بادعای سلطنت برخاست و چنانکه گفتیم درمقابل علی قلی‌خان عادلشاه برادرزادهٔ نادرشکست خورد و آغا محمد خان ارشد نه پسر او که دراین وقت پنج سال داشت بدست عادلشاه اسیروبفرمان وی مقطوع النسل شد این بدبختی علت خونخواری و کینه توزی پادشاه خواجه‌را بخوبی روشن می کند .

سایکس نویسندهٔ انگلیس میگوید ایرانیان از کمترشخصی مانندآغامحمد خان به‌بدی یاد می کنند

آغا محمدخان پس ازمرگ‌عادلشاه ازخراسان گریخت ونزد پدرآمد و در مبارزاتی که بین‌پدرش وسایر مدعیان سلطنت‌روی میداد شرکت داشت؛پس‌از کشته شدن پدر بهمراهی برادران چندی درمیان ترکمانان یموت بسر بـرد سپس چنین مصلحت دید که به‌بزرگواری وجوانمردی کریمخان پناه برد و درتهران بخدمتش رسید، کریمخان اورا که دراین وقت سی‌سال داشت باخود بعنوان گروگان بشیراز برد وبرادران وخواهران اوراباخویشان وی درقزوین گذاشت؛چندی بعدحسینقلی خان‌برادرش‌برای‌دیدن‌اوبشیرازآمدودرمراجعت بحکومت‌دامغان منصوب گردید .

حسینقلی خان دردامغان بر کریمخان عصیان کرد وپس از ۷ سال تاخت‌وتاز در گرگان‌بدست‌ترکمانان کشته شد، آغامحمدخان‌موقع‌مرگ کریمخان شیرازرا ترك گفته بمازندران فرار کرد ۱۱۹۳ (۱۷۷۹) وازطرف سران ایل‌وا کثریت اهالی مورد قبول واقع شد، برادرناتنی وی مرتضی قلیخان که عنوان شاهی اختیار کرده بود برای‌تقاضای کمك‌از کاترین دوم‌بروسیه فرار کرد وبدون اینکه‌نتیجه‌ای‌بگیرد تاسال ۱۲۱۲ در دربار کاترین بسربرد ودرهمانجا نیزوفات یافت .

با این ترتیب آغا محمد خان توانست تسلط خویش را در ایالات بحرخزر بلامعارض مسلم کندوپس‌ازتصرف‌این‌نواحی جنگهای موفقیت‌آمیزی برضداخلاف

خانوادهٔ زند شروع کرد ودرنتیجه اصفهان وشیراز و کرمان را بتصرف آورد ۱۱۹۳ ۱۲۰۸ (۱۷۹٤ ـ ۱۷۷۹) آخرین صحنه‌های این زد وخوردها در کرمان اتفاق‌افتاد وچنانکه قبلا اشاره کردیم در آنجا لطفعلیخان آخرین مدعی سلطنت ازخانوادهٔ زند آخرین مقاومت خویش را تهیه دیده بود پس از چهارماه محاصره بالاخره شهر کرمان با مساعدت وراهنمائی حاج ابراهیم خان کلانتر شیراز سقوط کرد ولطفعلی خان که باسارت آغا محمد خان در آمده بود کور گردید وقتل عام موحش اعلام شدمعروف است که قاجار خونخوار دستور داد بیست هزارجفت‌چشم بوی‌نشان دهند و بافتخار اسارت لطفعلیخان بفرمان آغا محمد خان شش هزار نفر اسیر را سر بریدند ودر اجرای این دستور حتی بزنان‌و بچه‌ها نیز رحم نکردند این‌فتح موفقیت نفوذ آغامحمد خان‌را در کرمان تأمین کرد ولی تسلط برتمام‌ایران که در آن‌زمان بایالات مستقلی تجزیه شده بود کار آسانی‌نبود

خراسان اسماً دردست شاهرخ نوهٔ نادر بود ولــی عملا میان رؤسای مستقلی تقسیم شده بود درمغرب ایران نواحی مجاور با دولت عثمانی از پاشای بغداداطاعت میکرد در کرمانشاه کردها خودرا مستقل خــوانده ووالی اردلان ازصحنه مرکــز اقامت خویش بقسمت اعظم ایران غربی حکومت میکرد بقیهٔ ایران از بحرخزر تا خلیج فارس صحنهٔ زدو خورد مدعیان زیادی بود که برای کسب قدرت باهم‌رقابت میکردند

بااطلاع ازجریانات داخلی ایران لازم است وضع ممالك مجاور یعنی‌دولتین عثمانی وروس وسیاست آندو دولت‌را نسبت بایران باختصار بیان کنیم دولت عثمانی که‌درچند قرن اخیرحالت تعرّض دربارهٔ ایران اتخاذ کرده بود دیگر نمیتوانست در کارهای ایران علاقه داشته باشد زیراسیاست دول اروپائی بکلی آن دولت‌راسر گرم و گرفتار کرده بود .

سلطنت نادر درایران موقتاً برای پنجاه سال یعنی تا پیدایش سلسلهٔ قــاجار دولت‌روسیه‌راازاجرای‌نقشهٔ پطر کبیرممانعت کرد ودرنتیجه پیشرفت روس‌درایران

بتأخیر افتاد .

ولی باوجود این روسها ازفعالیت خود دست برنداشته وبدستور کاترین دوم‌در ۱۱۹۰ (۱۷۷٦) درشمال قفقاز بساختمان یکرشته استحکامات اقدام‌شد وهمین استحکامات پایهٔ محکمی برای سرعت عملیات جانشینان کاترین گردید پنج سال بعد یعنی در ۱۱۹۵ (۱۷۸۱) وقتی که آغا محمدخان درمازندران مستقرشد نیروی دریائی روس ومرکب از هفت فروند کشتی بادی دراشرف لنگر انداخته واجازهٔ تأسیس یك تجارتخانه را تحصیل کرد روسها ببهانهٔ حمایت تجارتخانه بساختمان استحکاماتی درشهر اقدام کردند پس ازآنکه ساختمان استحکامات خاتمه یافت حاکم اشرف افسران روسی را بمهمانی دعوت کرده وتهدید نمود اگر استحکامات را خراب نکنند بقتل خواهند رسید

افسران روسی درمقابل این تهدید استحکامات را خراب کرده با کشتیهای خود مراجعت نمودند .

٦ - سیاست دولت روسیهٔ تزاری در گرجستان

گرجستان درادوار تاریخ ایران وبخصوص در دوران صفویه همیشه جزء ایران بوده است ولی چون اکثریت ساکنین گرجستان مسیحی بوده‌اند حکام آن ناحیه نیز در امور داخلی تاحدی استقلال داشته‌اند در حکومت صفویه همیشه چندتن از شاهزادگان گرجی دردربار ایران بصورت گروگان میزیسته‌اند بین بزرگان ایران و متنفذین گرجستان ارتباط دولتی و خویشاوندی برقرار بوده و بعضی از بزرگان ایران زن گرجی داشته‌اند شاهزادگان صفوی نیز باشاهزاده خانمهای گرجی ازدواج میکرده‌اند اهالی گرجستان درطول مدت تاریخ هیچگاه مانند دورهٔ آغا محمدخان آرزوی تحصیل استقلال نکرده بودند .

قبلا تااندازه‌ای وضع ایران را پس ازقتل نادرشرح دادیم کنت دو گوبینو[1] مورخ و نویسندهٔ فرانسوی دراینخصوص مینویسد « بلافاصله پس از قتل قهرمان هزاران ستمگر کوچك پدیدار شد:طوایف صحرا گرد زندگی خود را بضرر شهرنشینان تأمین کرده وشهرنشینان همدیگر را غارت کردند؛ اراضی بایر و بدون زراعت ماند و آنجاهائیکه مختصری زراعت میشد متروك گردید» .

درچنین وقتی که هرحاکمی سعی وجدیت داشت خویشتن را درحوزهٔ فرمانروائی خود مستقل کند ارکلی[2] والی گرجستان که در جنگهای نادر شرکت جسته و ویرا بصداقت خدمت کرده بود کوشش میکرد بلکه حوزهٔ قلمروی خودرا ازتسلط ایران خلاص دهد. ارکلی دراجرای تصمیم خویش موفق گردیدوتوانست با استقرارصلح

---

1 – Comte de Gobineau
2 - Heraclius

در گرجستان حتی قسمتی ازخاك ایران‌را نیزضمیمه متصرفات‌خود کند این‌سیاست تجزیه طلبی را که پایهٔ آن ازدیرزمانی گذاشته شده بود وباجرای نقشهٔامپراطوری روسیه کمك میکرد میتوان عکس‌العمل آنی عملیات بیرحمانه‌آغـا محمدخان در ایران دانست .

والی گرجستان پیش بینی میکرد که این جسارت برایش گران تمام‌خواهد شد وی میدانست روزی که ایران وحدت خودرا درتحت حکومت سلطان مقتدری عملی‌سازد گرجستان‌نخواهد توانست خودرابدون حمایت و کمك یك‌دولت‌خارجی مدت‌زیادی حفظ کند بنابراین ارکلی معاهدهٔ اتحاد سری تعرضی وتدافعی بادولت روسیه منعقد کرد ۲۳ شعبان ۱۱۹۷ (۲٤ ژوئیه ۱۷۸۳) دولت روسیه دراین زمـان برمتصرفات جنوبی خود افزوده و با گرجستان همسایه شده بود مطابق مـواد این معاهده (یا باصطلاح سند تحت‌الحمایگی) ارکلی پیرمرد که از قرنها باینطرف اجداد وی از ایران تبعیت کرده بودنـد خـویشتن را تحت حمایت دولت روسیهٔ تزاری قرار داده روابط خود را بـا ایران بکلی قطع و باطاعت کاترین درآمد . در مقابل، کاترین ازطرف خود و جانشینان‌ارکلی را حمایت کرده و نه تنها متصرفات کنونی گرجستان را تضمین کرد بلکه اراضی نیز که امکان داشت درآتیه بتصرف ارکلی درآید شامل این تضمین گردید .

درنتیجهٔ انعقاد این معاهـده یك لشکر روسی برای حفاظت تحت‌الحمایگی جدید بگرجستان اعزام شد .

انعقاد معاهدهٔ۱۱۹۷(۱۷۸۳) دولت‌ایرانرابوحشت‌انداخت. این پیش‌آمدعلت آنی‌بروزجنك‌طولانی‌بین‌دولتین‌ایران‌وروس گردید که‌باستثنای‌متار که‌خیلی کوتاه دورهٔ حکومت پل[1] اول تا امضای معاهدهٔ گلستان ۱۲۲۸ (۱۸۱۳) بطول انجامید.

---

1 - **Paul 1**

چنانکه خود ارکلی پیش‌بینی میکرد قابل تصور نبود که سلطان مقتدری پس ازایجادنظم واتحاد درداخل کشور راضی شود که یکی ازبهترین و زرخیزترین ایالات ایرانرا بریگان ازدست بدهد .

آغا محمدخان وقتی رقیب خود لطفعلیخان زند را از بین برد و قدرت خود را در ایالات جنوبی مسلم گردانید تصمیم گرفت ارکلی‌را وادار باطاعت کند.

قبل ازاقدام به لشکرکشی بطرف گرجستان رئیس قاجار ارکلی را تهدید کرد که ازهوسرانی استقلال دست برداشته مالیات معمولی را بپردازد وبرای‌اظهار اطاعت بدربارپادشاه قاجارحاضرشود . مجلهٔ دنیای اسلام [1] درشمارهٔ ژانویهٔ ۱۹۱۰ ترجمهٔ فرمان آغا محمدخان را که‌دراین‌خصوص‌بوالی گرجستان خطاب شده‌منتشر کرده‌است‌دراین‌فرمان آغامحمدخان عملیات‌خلاف گرجیهارا که شصت سال قبل در قندهاررخ‌دادومنجربه‌فتنهٔ افغان گردیدیادآوری کرده‌متذکرمیشود: شمامیدانید که‌ازصدها سال‌پیش‌مطیع ایران بودید وحالا بانهایت تعجب باطلاع مارسیده که با روسها متحد شده‌اید درصورتیکه‌آنان درایران منظوری جزتجارت ندارند .بااینکه مذهب ما یکی نیست شما علائق دائمی باایران داشتید .

درایران گرجی وارمنی و تاتار وپیروان دیگرمذاهب زندگی میکنند شما بایستی درمقابل آنان شرمنده باشید . امروز که ما بمنتهای قدرت رسیده‌ایم اخطار میکنیم تمام‌روابط خودرا باروسیه قطع کن والادراشکرکشی که قریباً بگرجستان خواهم کرد بقدری خون روس و گرجی خواهم ریخت که مانند رود کر جاری خواهد شد .

برای‌اینکه ازاوضاع فعلی و وضع‌حقیقی اطلاع حاصل کنی این فرمان‌بامر ما صادر شد .

متأسفانه نفوذ و تسلط کاترین در گرجستان بحدی زیاد شده بود که

---

1 - Revue du monde musulman

ار کلی نمیتوانست ازحمایت دولت روسیه صرف نظر کند بنابراین والی گرجستان جواب داد کـه وی فقط سلطنت کاتـرین دوم امپراطریس روسیه را بـرسمیت میشناسد .

۷_لشکر کشی بسمت گرجستان

فکر تأسیس تجارتخانــه در اشرف و انعقاد معاهدۀ ۱۱۹۷ (۱۷۸۳) میان کاترین دوم و ار کلی بخوبی نشان داده و ثابت میکرد که تزار جاه طلب ازدرهم گسیختگی امور داخلی ایران استفاده کرده و تصمیم دارد نقشۀ سلف مشهور خود پطر کبیر را تعقیب نماید حتی برای اجرای این تصمیمم قبلا بابابعالی نقشۀ تقسیم ایالات شمالغربی ایرانرا طرح وتهیه دیده بود.

بادرنظر گرفتن رفتار ووضع دولت روسیه ومتن‌مواد معاهدۀ ۱۱۹۷ (۱۷۸۳) یقین بود که تزارین نقشه های وسیع‌تری داشته و عقد معاهده با ار کلی یك اتحاد ساده‌ای نیست . پس تصادفات وسیاستهای‌مهم دیگراروپائی لازم بود که دولت‌روسیه را از جریان نقشۀ خود درایران بازدارد. چنانکه گذشت موضوع تأسیس تجارتخانه دراشرف بدون هیچگونه عکس‌العملی ازطرف سن بطرز برگ مسکوت گذاشته شد وحتی جای بسی تعجب است قوائی که برای کمك شاهزادۀ گرجی‌اعزام‌شده‌بود پس ازچهارسال اقامت در گرجستان وقتی که دستجات روسی مشغول محاصرۀ شهر گنجه بودند غفلتاً احضار گـردید . برای پی بردن بعلل این رویۀ سیاسی لازم است اوضاع اروپا وسیاست رولت تزاری روسیه را درمغرب روشن کنیم. بایددانست که دراین زمان بابروز انقلاب کبیر فرانسه دراروپا کاترین خیلی نگران و گرفتار بود . بعلاوه سیاست تقسیمات لهستان واجرای نقشه‌های یونان جهت تجزیۀ دولت عثمانی‌مانع ازاین‌میشد که تزارین بتواند به تحت‌الحمایگی جدیدیعنی گرجستان کمکی بکند . قبل ازبروزانقلاب کبیر فرانسه بود که کاترین برای تشکیل اتحاد چهارگانه ازدول‌روسیه واطریش ودوخانوادۀ بوربن (فرانسه واسپانی) بادولت لوئی شانزدهم مذاکرات جدی آغاز کرد . منظور وی ازتشکیل این اتحادیه‌جلوگیری

ازادعاها وبلند پروازی های دولت انگلستان وتجاوزات دولت پروس بود . ولی بروز انقلاب فرانسه سیاست امپراطریس روسیه را تغییرداد . زیرا ازهمـان شروع انقلاب فرانسه کاترین دوم متوجه بود که نبایستی به کمك دولتی که گرفتارتحولات اوضاع داخلی خود میباشد حساب کرد .

تزارین که ازانتشارونفوذ افکارواصول ومبادی انقلاب وحشت داشت مناسبات دیپلوماسی خودرا بادولت فرانسه قطع کرد وسفیرفرانسه را مرخص نمود و مانـع ورود کشتی‌های این دولت به بنادر روسی گردید . کاترین گوستاو [1] سوم پادشاه سوئدرا برای اقدام برضد دموکراسی تشجیع کردوبدولت انگلستان اصرارمیورزید که برای برقراری سلطنت درفرانسه کمك کند همچنین دولتین پروس واطریش را برضد فرانسه تحریك میکرد. بااین تفصیل امپراطریس کاملا مواظب بود که خودرا درسیاست اروپا گرفتارنکند زیرا اظهارمیداشت مقام من معلوم ونقشی را که لازم است درمیدان سیاست بازی کنم تعیین گردیده است .

من تعهد میکنم عثمانیها ولهستانی‌ها وسوئدیها را که پس ازمرگ گوستاو سوم بافرانسویان متحد گردیده‌اند تحت نظارت قراربدهم .

البته تنبیه آزادی خواهان عثمانی ولهستانی برای کاترین آسانتر و مخصوصاً پرنفع‌تر بود . همین سیاست و طرز رفتار تزارین از اقراری که به اوسترمن [2] صدراعظم خود کرده‌روشن میگردد:

« دلایلی هست که من نمیتوانم بدربار وین وبرلن بگویم من میخواهم آنها را دراین قضایا وارد کنم تا آزادی عمل مطلق داشته باشم زیرا من کارهای ناتمـام زیادی دارم وباید وضعی ایجاد شود که آنها سرگرم شده من‌را دراجرای نقشه‌هائی که درپیش دارم آزاد گذارند .

بدین ترتیب هنگامیکه سیاست اروپائی تمام فعالیت سیاسی ونظامی روسیه رابخود معطوف میداشت آغا محمدخان باشغال گرجستان مصمم گردید.دولت ایران

---

1 - Gustave III 2- Ostermann

مخصوصاً توجه داشت باسرعت عملیات نظامی از وصول کمك های امپراطریس به ارکلی جلو گیری کند .

پس از آنکه آغامحمدخان ارکلی را در رمضان ۱۲۰۹ (آوریل ۱۷۹۵) تهدید کرده وباطاعت وفرمانبرداری دعوت نمود وجواب منفی شنید فرمان داد قوای مسلح که تعداد آن به شصت هزار نفر بالغ بود در حوالی تهران متمرکز گردند. راز سوق الجیشی چنان مستور ماند که تاموقع حرکت قوا احدی به نقشهٔ پیش بینی شده آگاه نبود آغا محمدخان سپاهیان خودرا بسه ستون تقسیم کرد :

ستون اول از راه مغان بسمت شیروان وداغستان متوجه گردید ستون دوم که ۱۵۰۰ گرجی جزء آن بود بجانب ایروان پایتخت ارمنستان حرکت کرد ستون سوم تحت فرماندهی مستقیم آغا محمدخان مأمور شوشی قلعهٔ مهم قره باغ واقع درساحل چپ رود ارس شد. ستون اول بمانع شدیدی برخورد نکرد رؤسای ایالات بارسیدن لشکریان ایران یا اطاعت کردند ویا فرار نمودند ودوستون دیگر با مقاومت خانهای ایروان وشوشی که از طرف ارکلی تشویق وتحریك میشدند مواجه گردیدند .

سپاه آغا محمدخان فقط از سواره نظام تشکیل یافته وفاقد توپخانه بود وهمین نقیصه تسخیر قلاع ایروان وشوشی را تقریباً غیرممکن میساخت .

رئیس ایل قاجار وقتی عدم امکان تصرف این دو قلعه را تشخیص داد باطاعت ظاهری حکام این دو ناحیه قناعت کرد وقسمتی از لشکریان را برای تأمین محاصرهٔ ایروان وشوشی مأمور ساخته خود باعمده قوی بطرف تفلیس پایتخت گرجستان حرکت کرد در گنجه باستونی که از مغان حرکت کرده بود بدون برخورد با مقاومت تماس گرفت واز آنجا باعده‌ای که دوقسمت مهم آن درمقابل شوشی و ایروان مانده بود یعنی فقط باچهل هزار نفر برای مقابله ارکلی حرکت کرد. شاهزادهٔ گرجی بااینکه درنتیجه سرعت عملیات دشمن غافلگیر شده بود واز کمك های دولت روسیه محروم مانده بودوباوجود کمی تعداد نفرات که بیك چهارم قوای ایران بالغ میشد مصمم شد جنك کند .

ار کلی برای تأمین وضع پایتخت تا ۳۷ کیلومتری تفلیس پیشرفت جسارت و پشتکار سپاهیان گرجی کمی تعداد نفرات آنان را جبران نکرد و تفلیس بدون مقاومت تسلیم شد . بفرمان آغا محمدخان قتل عام فجیعی درشهر رخ داد بااین‌عمل فاتح تفلیس قصد داشت مللی‌را که درآینده بخواهند ازقدرت وی سرپیچی کنند تنبیه سازد .

۸ - اشغال اراضی ایران ازطرف لشکریان روس

۱۲۱۱ (۱۷۹٦)

آغامحمد خان پس ازتنبیه گرجستان وانقیاد ایالات شمال غربی ایران بـه پایتخت مراجعت کرد بااینکه رئیس ایل قاجار ازقدرت ومزایای سلطنتی برخوردار بود وای هنوز تاجگذاری نکرده بودتااینکه درمراجعت ازعملیات فاتحانهٔ گرجستان گرچه درظاهر عدم تمایل نشان میداد بالاخره بانجام تشریفات تاجگذاری رضایت داد ۱۲ رمضان ۱۲۱۰ (۲۱ مارس ۱۷۹٦)

بااجرای این مراسم نفوذ پادشاه قاجار بیش ازپیش توسعه یافت پادشاه قاجار تصمیم گرفت باوضاع خراسان که بوسیلهٔ شاهرخ نوهٔ نادر اداره میشد سروسامان داده وازدست اندازیهای ازبکان جلوگیری کند پس بقصد زیارت عازم مشهد شد شاهرخ میرزا که شمه‌ای ازشرح حال اورا بیان کردیم چون درخود یارای مقاومت ندیـد بابزرگان شهر باستقبال شتافت. آغامحمدخان باو تأمین داد آنگاه جواهرات زیادی را ازاوخواستارشدوچون اوازتسلیم جواهرات سرباز زدبشکنج ورنج ازاومطالبه گردید وناچار آنچه‌را که داشت تسلیم کرد.

در میان این جواهرات یاقوت بزرگی بود که وقتی زینت تاج اورنك زیب پادشاه هندوستان بوده است

آغامحمدخان بقول صاحب ناسخ‌التواریخ «ازبدست کردن آنهمه لالی آبدار وجواهرشاهوار چندان شاد خاطر شد که بفرمود در رواقی نطعها بگستردند وآن جواهررا برزبر نطع بریختند آنگاه رواق را ازبیگانه بپرداخت وچندنوبت ازاین سوی رواق تابدانسوی را باپشت وپهلو غلطان غلطان برفت» آغا محمد خان پس از

اینواقعه شاهرخ‌را با کسانش بتهران فرستاد ولی شاهزادهٔ نگون بخت دربین‌راه‌براثر جراحاتی که براثر شکنجه‌باورسیده بود درسن‌شصت‌وچهارسالگی بدرود حیات گفت وبامرگ او خاندان افشارمنقرض گردید .

در جریان این عملیات آغا محمدخان بمنظور عقد اتحادی جهت فتح بخارا نماینده‌ای‌بدربار زمانشاه به‌کابل‌اعزام داشت و نیز نماینده‌ای مستقیماً سوی‌بیکی‌جان از بك پادشاه ترکستان فرستاد .

بیکی جان وقتی نامهٔ آغامحمدخان را دریافت کرد بقولی گفت « اخته‌خان هرچه گوید کند مراطاقت مقاومت باوی نیست » وبقول سرجان ملکم بامرای خراسان نوشت که شنیده‌اماخته‌خان درمیان شماآمده‌است اگرمیتوانیداورابگیرید واگرنمیتوانید بمن اطلاع دهید تاخودم اقدام کنم .

زمانشاه نیزحاضر بعقد اتحاد گردید وآغا محمدخان درصدد برآمد که‌نقشهٔ خودرا عملی سازد که ناگهان ازعملیات نظامی روس برضد ایران درقفقاز اطلاع حاصل کرد ربیع‌الاول ۱۲۱۱ (سپتامبر ۱۷۹۶) ولی بواسطهٔ فرارسیدن زمستان و فصل سرما که با ادامهٔ عملیات نظامی مساعد نبود سپاهیان را مرخص کرد .

دراین هنگام دودانشمند فرانسوی برونیر[۱] و اولیویه[۲] که ظاهراً از طرف دولت جمهوری فرانسه برای انجام مأموریت علمی اعزام شده بودند بدربار آغا محمد خان باریافتند درحقیقت نمایندگان فرانسه دراین مأموریت دو هدف اصلی داشتند :

اول مطالعه برای ایجاد و برقراری روابط دوستانه و مبادلات تجارتی میان ایران وفرانسه . دوم عقد پیمان اتحاد نظامی میان ایران وعثمانی برضد دولت‌روسیهٔ تزاری[۳]

---

1 - Brugniére
2 - Olivier
۳ ـ نمایندگان اعزامی‌حامل نامه‌ای‌ازطرف ریموندورنیناك R. verninac سفیر فوق‌العادهٔ دولت جمهوری فرانسه درباب عالی بعنوان حاج ابراهیم صدراعظم ایران

(بقیه حاشیهٔ‌در صفحهٔ بعد)

درروسیه کاترین دوم قسمتی ازنقشه‌های خود را عملی کرده وجنگ باعثمانی

بقیه حاشیه از صفحه قبل

بودند نظر باینکه ازطرفی این نامه ازتجدید روابط دولتین ایران وفرانسه که پس از انقراض دولت صفویه شده بود صحبت میکند ، وازطرف دیگرمی توان آنرا مقدمات سیاست ایرانی ناپلئون اول دانست لذا ترجمهٔ نامه و خلاصهٔ جواب دولت ایران را در زیر درج می کنیم :

اسلامبول ۱۳ فروکتی دور Fructidor سال سوم جمهوری- سفیرفوق العادهٔ دولت جمهوری فرانسه در باب عالی بجناب صدراعظم شاهنشاهی ایران :

صدراعظم :

حس قدردانی وصمیمیت که فرانسویان و ایرانیان را متحد میسازد مانند تاریخ دوامپراطوری قدیمی است . اگردرمکاتبات میان دولتین انقطاعی رخ داد علت آن اوضاع وحوادث بودوگرنه دراتحاد صمیمانه‌ای که میان ملتین وجودداشت کمترین خدشه‌ای حاصل نگردیده است .

جناب شما قطعاً موفقیت‌های درخشانی راکه وضع جدید درفرانسه بوجود آورده است شنیده‌اید .

موضوع قابل دقت تصادف عجیب فتوحات جمهوری فرانسه بافتوحاتی است که در همان زمان نصیب ایرانیان گردیده . این فتوحات نشانه‌ای ازدوران زمامداری باسعادت وکیاست شما میباشد .

اجازه بدهید این تصادف را بفال نیك بگیریم زیرا برای سعادت متقابل دو ملت نمیتوان فرصت مناسب‌تری جهت تحکیم روابط حسن تفاهم که ازقدیم میان آنان موجود بوده بدست آورد . تنها بهمین منظور است که این نامه را برای آنجناب مینویسم. اتباع دولت فرانسه اولیویه و بروئیردوعالم طبیعی‌دان ضمن تسلیم نامهٔ من بآنجناب شرح وبسط کافی راجع بوضع فعلی، کارهای ما ومنافع متقابلی که باابرازتوجه واهمیت بیشتری از برقراری روابط سیاسی وتجاری ممکن است عاید طرفین گرددخواهد داد .

علی العجاله دومسافررا بحسن نیت شماسپرده امیدوارم آن جناب تسهیلات ومساعدت های لازم راکه برای توفیق درتحقیقات نیاز دارند وهدف آن پیشرفت علوم است درحق آنان مبذول خواهند فرمود .

صدراعظم خواهشمندم مراتب قدرشناسی کامل مرا به پذیرید. افتخاردارم خدمتگذار ناقابل ومطیع آنجناب باشم .

امضاء - ریموندورنیناك

(بقیه حاشیه در صفحه بعد)

بامعاهدهٔ یاسی [۱] در۲۳صفر ۱۲۰۷ (۹نوامبر ۱۷۹۲) خاتمه یافته بود.

تقسیم دوم لهستان میان دولتین پروس وروسیه در ۱۲۰۸ (۱۷۹۲) وآخرین تقسیم این کشور که‌منجربانهدام کامل جمهوری لهستان گردید بامعاهدهٔ سن پطرز بورگ درتاریخ سوم ژانویه ۱۷۹۵ (۱۱ رجب ۱۲۰۹) عملی شده بود. بااین‌ترتیب تزارین قادربود نقشه‌های خودرا برای تصاحب ایالات شمالغربی ایران تعقیب کرده‌و دریای خزررا کاملا تحت تسلط دولت روس قرار دهد.

هنگامیکه آغامحمدخان درخراسان مشغول بود کاترین ظاهراً متأثرازاینکه نتوانسته‌است بموقع تحت‌الحمایهٔ خودرا کمك نماید تصمیم گرفت حوادث تفلیس‌را جبران کند. تزارین میخواست قدرت آغامحمدخان‌را درهم شکسته‌ایالات‌شمالغربی ایران را جزء امپراطوری‌آسیائی خود کرده وحتی‌مرتضی‌قلیخان برادر تبعید شدهٔ شاه‌قاجار را که ازمازندران فرار ازمازندران در دربار سن پطرزبورگ میزیست‌به‌تخت سلطنت ایران بنشاند.

گودوویچ [۲] ژنرال روسی دراواخرسال ۱۲۱۰ (۱۷۹۵) مأموریت یافت با عده‌ای بطرف در بند پیشروی کرده وزمستان را در آنجا بگذراند. در بهار۱۷۹۶

(بقیه حاشیه‌از صفحه قبل)

خلاصهٔ قسمتی از نامهٔ حاج ابراهیم صدراعظم آغامحمدخان به ورنیناك:
بعداز عنوان ... نامهٔ آنجناب بوسیلهٔ اولیویه وبرونیر هنگامی رسید که آغا محمدخان پس از حمله وفتح خراسان ازبکان وافغانانرامتفرق ساخته و برای استراحت بپایتخت مراجعت کرده بود. ما متون معاهدات سابق موجود میان دولتین را مطالعه وبحسن نیت شما جهت افتتاح باب روابط دوستانه که متضمن استقرار وراحتی تجار و مسافرین است متوجه شدیم بهمین علت مایلیم اساس حسن تفاهم را برقرار کرده و امیدواریم‌شما نیزبنوبهٔ‌خود همین رویه‌را بادادن اطلاعات ازاخبار دوکشورواعزام سفرا وادامهٔ مکاتبات دوستانه‌که باب اتحاد واتفاق رامفتوح میسازد تعقیب فرمایند...
بایگانی اسناد ملی ـ دورهٔ کونسولی وامپراطوری
Archives Nationales Fonds de la secretairerie D' Etat : Consulat et Empire AF. IV 1686

---

1 - Yassi
2 - Goudowich

(۱۲۱۰) یك سپاه سی‌هزارنفری روسی بفرماندهی والرین زوبوف[۱] (معروف‌بقزل ایاغ) به قوای گودوديچ ملحق گرديد بسرعت عمليات جدی‌تری از طرف روسها شروع وقلاع دربند وباکووطالش و گنجه‌تسليم‌وياالطاعت کردند بااين ترتيب‌روسها تسلط خودرا برتمام ساحل دريای خزر ازمصب رود اترك تـامصب رود کر محرز کرده موفق گرديدند يك خط ارتباطی در طول رودخـانه کر با گرجستان داير کنند .

پس ازاين موفقيت‌ها زوبوف باعمده قوای خود از رود ارس گذشته‌وقرارگاه زمستانی خودرا دردشت مغان انتخاب کرد از اين نقطه تمام‌آذربايجـان در معرض تهديد قوای روس قرار گرفت بطوری که باتسليم اين‌ايالات احتمال داشت پس ازيك حملهٔ عمومی پايتخت ايران نيزسقوط کند .

قوائی که‌مأموراشغال گرجستان بود پشت‌سپاه زوبوف‌را حمايت ميکردجبههٔ چپ زوبوف بوسيلهٔ قوائی که ازحاجی طرخان حرکت کـرده بود حفاظت ميشد پيش قراولان قوای اعزامی‌ازحاجی طرخان‌لنکران را اشغال کرده و رشت وانزلی‌را تهديد ميکردند .

از مدتهای مديد باينطرف خطر خارجی ايران را باين شدت تهديد نکرده بود خوشبختانه برای مدت کوتاهی اين طوفان سهمگين بامرك امپراطريس کاترين برطرف گرديد ۱۷۹۶ (جمادی‌الاول ۱۳۱۱)

سلطنت پل‌اول پسروجانشين کاترين ظاهراً بايك‌سياست صلح طلبانه‌ای آغاز شد وی قانون سربازگيری را که مطابق اين قانون هرپانصدنفر مجبوربـود سه نفر سربازبدهد موقوف الاجری گذاشت .

امپراطور روس دستور داد ارتش ايران مراجعت کرده و گرجستان را بحال خودرها نمود پل ضمن بخشنامه‌ای که به اوسترمن[۲] ديکته کرد بـدول خارجی اعلام داشت که ازسال ۱۷۵٦ باينطرف درجهان تنها دولت روسيه لاينقطع درجنك

1- Valerien –Zuboff

2 - Oster mann

بوده مدت چهل سال جنك ملت‌را ازپای درآورده است رأفت وبشردوستی‌امپراطور اجازه نمیدهد صلحی‌راکه آرزوی رعایای محبوب وی میباشد رد کند ارتش‌اشغالی گرجستان‌تحت فرماندهی‌والرین زوبوف بدون‌برخورد بکمترین مقاومت‌عقب‌نشینی وبروسیه مراجعت کردملکم می گوید کینهٔ پل اول نسبت بفرمانده این‌عده که‌برادر پلاتن زوبوف محبوب کاترین بود یکی ازعللی است که نقشه ایران را بهم زددستور مخصوص‌بهر سرهنگی مستقیماً فرستاده شد بدون اینکه‌ژنرال فرمانده نیرو اطلاع داشته باشد .

این کینه وانزجار خاطرپل‌اول عکس‌العمل تحقیرهائی‌بود که مقربین کاترین مخصوصاً پلاتن زوبوف درحق وی مرعی داشته بودند .

آغا محمد خان از این فرصت خوب استفاده کرده و تصمیم گـرفت مجدداً گرجستان را اشغال کند سپاهیان ایران درشوال ۱۲۳۱ (مـارس ۱۷۹۶) ازتهران حرکت کردند .

آغا محمدخان تقریباً درصد کیلومتری ارس بود که اهالی شوشی‌بعلت بـد رفتاری حاکم را بیرون کرده وسلطان قاجار را برای تصاحب قلعه دعوت کـردند آغا محمدخان پس ازیك راه پیمائی معجل بمقابل رود ارس کـه درمنتهای طغیان بود رسیدولشکریان وی رودخانه‌را قسمتی با کشتی وقسمتی بحال شنا عبور کـرده واردشوشی گردیدند این بارپس ازچندین سال مقاومت قلعهٔ شوشی‌بدست ایرانیان افتاد این موفقیت خوب فتوحات درخشانی‌را بسپاهیان آغا محمد خان نوید میداد متأسفانه درحینی که لشکریان ایران ازفتوحات‌احتمالی آیندهٔ خویش‌مسروربودند آغامحمد خان در۲۱ ذیقعدهٔ ۱۲۱۹ (۱۸ مه۱۷۹۶) بدست افراد گارد مخصوص‌خود بسن ۶۳ سالگی بقتل رسید .

شهامت وخست انتقام و کـینه جوئی جاه طلبی و پیمان شکنی بـی‌رحمی و حیله گری سخت گیری وحق ناشناسی از صفات خاصه‌آغا محمد خان ومورد تأیید اکثرمورخین معاصر اواست که اگربرآنها کاردانی ولیاقت وتدبیر وسرعت در عمل

علاقه‌مندی بسپاهی‌را علاوه کنیم مجموعهٔ صفات اورا بیان کرده‌ایم .

درباره هیئت ظاهری اوسرجان ملکم چنین نوشته است «اندامی ضعیف داشت چنانچه از دور مانند پسری چهارده ساله بنظرمی‌آمد چهرهٔ بی‌موی پرچینش‌چون زنان سالخوده مینمود صورتش اگرچه درهیچوقت ازدیدن نیکونبود ولی‌درهنگام غیبت حالتی مهیب می‌یافت وهم بدین سبب خود نمی‌خواست کسی بر صورت وی نگاه کند»

گرچه زندگانی آغا محمدخان بعلت جنایت‌های وحشتناك وفجیع مانندقتل عام کرمان وتفلیس آلوده است ولی دوران سلطنت وی ازافتخارات بزرك نظامی بی‌بهره نمی‌باشد .

۹ - ایران هنگام جلوس فتحعلیشاه

پس ازمرگ آغا محمدخان هرج ومرج فوق‌العاده درداخلهٔ ایـران رخ داد سرداران سپاه‌برسرتقسیم غنایم باهم درنزاع بودند وحتی انجام تشریفات تدفین‌جسد پادشاه متوفی چند روزی بتأخیرافتاد ولشکریان بی‌سرپرست متفرق گردیدند .

درحین بروز این حادثه ذیعقده ۱۲۱۱ (ژوئیه ۱۷۹۶) پسرحسینقلی‌خـان قاجار برادرزاده وجانشین آغا محمدخان حاکم‌فارس بود وی‌بنام جدش فتحعلیخان نامیده شده بود وبهین سبب آغا محمدخان اورا باباخان خطاب میکرد .

باباخان درتحت نفوذ وتلقین وزیرخویش حاج ابراهیم تصمیم گرفت باقوای کافی بسمت تهران حرکت کـند قبل از ورود باباخان بـدستور میرزا محمد خان بیگلربیگی تهران ومیرزا شفیع صدراعظم دروازه‌هـای شهربروی مدعیان سلطنت که دراطراف تهران تجمع وخیال تصرف شهررا داشتند بسته شد باباخان در تاریخ ۲۰ صفر ۱۲۱۲ بدون‌برخورد بمقاومت وارد تهران گردید ودرنوروز همان‌سال که مقارن عید فطر بود تاج گذاری کـرده و باسم فتحعلیشاه به تخت سلطنت نشست (۱۷۹۸) .

چنانکه ذکرشد خبرقتل آغا محمد خان مجدداً به بـروز اغتشاشات داخلی کمك کردصادقخان شقاقی یکی ازسرداران آغامحمدخان که درلشکرکشی‌شوشی شرکت کرده بود پس ازمرگ سلطان‌جواهرات سلطنتی را تصاحب کرد وبا پانزده هزار سوار که در اختیار داشت بنای خودسری را گذاشته واز طرف خود حکامی در شهرهای آذربایجان‌تعیین کرد وپس ازتصرف تبریزبسمت قزوین پیشرفت صادقخان درنزدیکی‌این‌شهرازقوای فتحعلیشاه شکست خورد ونظربا ینکه جواهرات سلطنتی

راکه بغارت برده بود مسترد داشت مورد عفو قرار گرفت وبحکومت گرمرود و سراب منصوب شددرجنگ باصادقخان کشندگان آغا محمدخان گرفتارشدند وبا کارد ودشنه جمیع مفاصل ایشان ازهم جدا گردید .

مدعی دیگر علیقلی‌خان برادرآغا محمدخان بود که چون ازقتل برادرآگاه شد با سپاهی‌ازایروان حرکت کرده درقریه علیشاه پنج فرسنگی تهران اقامت کرد فتحعلیشاه اورا بتهران دعوت کرد تادرکار سلطنت بااومشورت کند وبمحض وروداو را ازهردوچشم نابینا ساخت ومأمورتوقف دربارفروش (بابل) مازندران کرد .

گویند وقتی‌علیقلیخان قلع وقمع برادرانش‌را بدست‌آغا محمدخان مشاهده کردبیمناك شده‌ازحضوربدرگاه خودداری کردوبه‌برادر پیغام‌داد شنیده‌ام وقتی‌بیکی ازمحارم خود گفته‌ای تا پسرهای محمد حسن شاه زنده‌اند سلطنت خود را پایدار نمی‌بینم ومیدانم که ازمن نخواهی گذشت‌آغامحمد خان پاسخ پیغام اورا چنین داد آنچه شنیده‌ای صحیح است درحق پسر های پدرم این خیال را کردم نه در حق دخترانش من ترا دخترمحمد حسن شاه میدانم وبعد روبه باباجان کردو گفت که برادرم علیقلی‌خان تامن زنده‌ام دخترمحمد حسن شاه است وقتی نوبت سلطنت بتو رسید اوپسرمحمدحسن شاه خواهد شد اورا ازدیده نابینا کن .

مدعی‌سوم‌فتحعلیشاه محمدخان پسرزکیخان زندبود که دربصره اقامت‌داشت وی نیزپس ازقتل آغامحمدخان بفارس آمده وباکمك نجف خان سپاهی‌فراهم کرد واصفهان رابتصرف خود درآورد فتحعلیشاه برای‌سرکوبی محمدخان اقدام کرد و ویرا درحوالی اصفهان شکست داد محمدخان بلرستان گریخت ودرآنجا مشغول جمع‌آوری قوای شد و برای دفعهٔ دوم در مقابل فتحعلیشاه ظاهر شد ولی تاب مقاومت نیاورده ازمیدان جنك فرار کرد ودرحوالی تبریز گرفتار وبامر سلطان قاجار کور گردید .

یاغی گریهاوقیام برضد شاه جوان خاتمه نیافته بود که رقیب چهارم درصحنهٔ عملیات ظاهرشد حسینقلی خان قاجار برادر شاه که درجنك برضد صادقخان شقاقی

معروفیت پیدا کرده بود حکومت فارس را داشت وی کـه اوقات خـودرا بعیش و خوشگذرانی و آزار مردم فارس تلف میکرد ازاستماع خبرانتصاب یـکنفرازتهران بفرماندهی قوای‌فارس ناراضی شده علم طغیان بر افراشته و حتی نمایندهٔ فتحعلیشاه را باچند نفردیگرمحبوس کرد .

دراین موقع سلیمان خان قاجار پسر عموی فتحعلیشاه حاکم آذربایجان از بروز اختلاف درخانواده سلطنتی استفاده کرده حکومت آذربایجان‌را مستقل‌ساخته وقوائی بطرف تهران اعزام داشت سلیمان خان نقشه‌ای طرح کرده و تصمیم گرفته بود بیکی‌از دوبرادر که ازجنك فاتح بیرون می‌آیـد و قهراً درنتیجهٔ جنك ضعیف میشود حمله کرده و حکومت دا دردست بگیرد ولی نقشهٔ سلیمان خان بهم خورد زیرا دوبرادر درنتیجه مداخله ملکه مادرسازش کردند وبرحسب تقاضای‌حسینقلی خان حکومت کرمان نیزضمیمهٔ حکومت فارس گردید .

سلیمان خان که درسرحدآذربایجان منتظراجرای نقشهٔ خود بود ازشنیدن خبرسازش میان دوبرادر درشگفت‌مانده ناچار بتهران‌آمده پوزش طلبیده وتقاضای عفونمود فتحعلیشاه درنهایت فتوت و مردانگی باوی رفتار کـرد حتی ویرا مجدداً بحکومت آذربایجان منصوب ساخت . ۱۲۱۳ (۱۷۹۸) .

افاغنه که ازاوضاع ایران باخبربودند ازبروز اغتشاشات داخلی استفاده کرده از راه سیستان بکرمان حمله کردند ولی عملیات آنان در نتیجه اقدامات سریـع حسینقلیخان خنثی گردید ومهاجمین خاك ایران‌را ترك گفتند .

حسینقلی‌خان باردیگر بهوای سلطنت افتاد این بارنیز ازفتحعلیشاه شکست خورده در دزآشیب شمیران محبوس شد وتا مادر زنده بود در حبس میزیست پس ازفوت ملکه مادرازهردوچشم نابیناشد ویکسال بعد فوت کرد .

آخرین‌حریف مهم‌فتحعلیشاه نادرمیرزا پسرشاهرخ نوهٔ نادربود هنگامی که آغا محمدخان درخراسان‌شاهرخ‌را شکنجه میداد پسرش‌پدررا درچنك دشمن‌قهار تنها گذاشته بافغانستان پناه برد نادرمیرزا همین که خبر قتل اولین سلطان قاجاررا

شنید بتحریك زمانشاه افغانستان را ترك کرده بخراسان آمده ومشهدرا تصرف نمود فتحعلیشاه برای اخراج نادرمیرزا واستقرار نفوذ دولت مجبور شد بسمت خراسان لشکر کشی کند شهر هـای نیشابور وتربت حیدریه در مقابل حملات سپاهیـان فتحعلیشاه تسخیرشد وقتی قوای دولتی بدروازه‌های شهرمشهد رسید نـادرمیرزا در نتیجهٔ فشارمتنفذین شهررا رها کرده درحین فراردستگیرشد اورا غل‌وزنجیر کرده بطهران آوردند ودر آنجا بفرمان فتحعلیشاه خفه شد. ۱۲۱٤ (۱۷۹۹) .

چنانکه خواهیم دید در ۱۲۱۵ (۱۸۰۰) لشکر کشی مجددی باصرار دولت انگلیس ازطرف ایران برضد افغانستان بعمل‌آمد که درنتیجه زمانشاه کابل‌را ترك گفت :

بااین ترتیب سالهای اول سلطنت فتحعلیشاه به تحکیم قدرت ونفوذ دولت‌در داخلهٔ کشورمصروف گردید .

این جنگها وقتل وغارت‌ها ولشکر کشی‌ها استعداد کار وفعالیت را فلج‌ساخته بنیهٔ مالی کشوررااز‌بین‌برده وفقرمردم‌را زیاد کردمسافرین متعددی که دراین‌زمان بایران آمده‌اند اظهارمیدارند که‌درنتیجهٔ جنگهای داخلی کشورایران ازپای‌درآمد ومبدل‌بخرابهٔ وسیعی گردیده که دردشتهای بایرولم‌یزرع‌وپهناورآن مردمان‌فقیری سکونت‌دارند فتحعلیشاه تصمیم گرفت‌شهرهاوقصبات را معمور کندولی‌عدم اطلاع از کاروسستی وحرص وولع پول وخست ولئامت وی بدبختی‌هارا مضاعف‌نمود .

فصل اول

نظری بوضع جغرافیائی وطبقات مردم و سازمانهای کشوری ایران

دراوایل قرن سیزدهم (اوایل قرن ۱۹ میلادی)

۱- نظری بوضع جغرافیائی ایران

مساحت مجموع فلات ایران درحدود ۰۰۰ ۲۶۰۰ کیلو متر مربع‌است و از این‌مقدار مساحت ایران کنونی بیش از ۱۹۵ ۱۶۴۸ کیلو متر نیست و بقیه متعلق بافغانستان و بلوچستان و غیره است.اطراف فلات ایرانرا کوههائی بشکل مثلث فرا گرفته است بطوریکه درون فلات هموار و اطرافش مرتفع است و بطور کلی فلات ایران درجنوب مرتفع تراز شمال ونشیب آن از جنوب بشمال است.مقایسۀارتفاعات شهر های کرمان (۱۵۸۶متر) مشهد (۱۰۱۰متر) وتبریز(۱۲۰۰متر) این موضوع را روشن‌میسازد.

اطراف این فلات را کوههای بلندی مانند حصار احاطه کرده است. از قبیل کوههای سلیمان و رشتۀهندوکش در شمال شرقی کوههای‌خراسان و البرزدر شمال و کوههای ارمنستان و کوه‌جودی یا آرارات در شمالغربی و کوههای کردستان و پشت کوه (یازاگروس)در مغرب ودرجنوب کوههای ساحلی خلیج وبلوچستان.

مساحت فعلی ایران $\frac{۲}{۳}$ فلات ایرانو $\frac{۱}{۳۳۴}$ وسعت زمین و $\frac{۱}{۲۵}$ آسیا است.طول آن از کوه آرارات تا گواتر ۲۲۱۰ کیلومترو عرضش ازسرخس تا دهانۀ شط‌العرب ۱۴۰۰ کیلومتراست.نصف‌ایران کوهستانی‌وچهاریك‌خاکش‌حاصلخیزو $\frac{۱}{۴}$ دیگرش دریاچه‌های شور وبیابانهای‌بی آب وعلف‌است. بنابر این سطح حاصلخیز ایران‌بیش

از تمام خاك فرانسه است .

تمام مرزهای بری وبحری کشور تقریباً ۸۱۰۰ کیلو متراست که ازاین جمله ۵۰۵۰ کیلومترمرزخاکی وبقیه دریائی است .

کوههای فلات ایران ازحیث ساختمان طبیعی وموقع وبلندی وسایرعوامل طبیعی بایکدیگرتفاوت محسوسی دارد وهر کدام دارای مشخصات مخصوصی است واختلافات طبیعی این کشوررا ازشمال به جنوب بطورفاحش محسوس ساخته است. مثلا کوههای غربی که باسم زاکروس یا پاطاق معروفست ازتودهٔ عریض و ممتدی تشکیل شده که چین‌های آن بی‌اندازه منظم است. برخلاف کوههای البرز که عرض آن نسبتاً کم ودارای قلل آتش فشانی وبواسطهٔ نزدیکی بدریای خزردامنه‌های شمالی آن مرطوب ودارای جنگلهای انبوه است . ازطرف دیگر کوههای خراسان کـه از شاه کوه تا کوه بابا در افغانستان امتداد دارد کـم ارتفاع وخشك است . کوههـای آذربایجان دنبالهٔ کوههای قفقاز است وبواسطهٔ قلل آتشفشانی مهم ازقبیل آرارات و سبلان وسهند رشتهٔ درهم و برهم کـوههای ارسباران(قره‌جه‌داغ) را بوجود آورده وبواسطهٔ شکست های زیادی که دراثر آتش فشانی‌ها رخ‌داده معادن زیاددارد .

در کوههای ساحلی جنوب بواسطهٔ خشکی زیاد وعدم رطوبت رود مهمی دیده نمیشود وبهمین جهت آمد وشد ازمرکز فلات بدریا وخلیج فارس ازطریق این کوه ها بسیارسخت ومشکل است .

ازآنچه درباب کوهها گفته شد میتوان باوضاع اقلیمی داخل فلات پی برد که خشکی وبیحاصلی درهمه‌جا حکمفرماست ووجود کوههای مرتفع گذشته ازاینکه مانع رسیدن جریانهای مرطوب وآب باین نقاط شده باعث شدت گرما نیزمیگردد.

اراضی این ناحیه چون از رسوب کوهها تشکیل شده غالباً مستعد واگرباران باندازهٔ کافی بیاید بسیارحاصلخیزاست وازاینرو غالباً آبادیها دراینگونه نقاط واقـع شده است وفقط همان اراضی پست ونمکزار و کویراست که قابل زراعت نیست وفاقد هر گونه آبادی است .

عوامل مؤثری که در تغییر واختلاف اقلیم ایران دخالت دارد عبارتست از ارتفاع زمین ـ باد ـ موقعیت جغرافیائی .

بطور کلی قسمت عمدهٔ فلات ایران دارای آب وهوای خشك وبری است وعلت این خشکی یکی کمی بادهای بحری مرطوب ودیگر قلت باران سالیانه ودیگر غلبهٔ بادهای خشك و بری است . در شمال بواسطهٔ وجود رشتهٔ جبال عظیم البرز رطوبت بحر خزر بداخلهٔ فلات نمیرسد وتمام آن درولایات ساحلی یعنی گرگان ومازندران و گیلان متوقف گشته تولید بارندگیهای زیادمیکنند وتنها قسمت ایران که رطوبت کافی دارد همین سواحل است .

درجنوب یعنی درقسمتهای ساحلی خلیج فارس وبحرعمان بواسطهٔ وجود بادهای جنوب غربی (عربستان) وشدت حرارت آفتاب نواحی بسیار گرم و خشك است درداخلهٔ فلات نیز باد های بری خشك فراوان میوزد وخط سیر این باد ها از شمال غربی بجنوب شرقی است .

باید گفت که در کمتر نقطهٔ دنیا بیابانی به خشکی صحرای لوت یافت میشود. درجهٔ حرارت آن دراوایل بهار به ۳۶ درجه میرسد وبادهای مسموم که اوقات تابستان درصحرای لوت وبندرعباس میوزد بسیار مهلك وتحمل ناپذیر است .

این نکته نیز ناگفته نماند کــه لطافت وخوبی آب وهوای بعضی نقاط ایران باندازه‌ای است که ازحیث آب وهوا ازبهترین نقاط دنیا محسوب میشود و اهالی آن عمر طبیعی یافته واکثر بیش ازصد سال زندگی میکنند وبیشتر نقاط ایران استعداد آنرا دارد که بواسطهٔ عملیاتی مانند ایجاد دریاچه‌ها واستفاده از آبهای زیرزمینی و ایجاد جنگلهای مصنوعی دارای آب وهوای معتدلی بشود .

بحر خزر

که بزرگترین دریاچه‌های دنیاوسطحش ۲۶ متر پست‌تر از سطح اقیانوس است از بقایای دریای بزرك قدیمی مرکــزی آسیاست که سابقاً بدریاچهٔ آرال اتصال داشته آبش شور وتلخی آن بیش ازسایر دریاها است وسواحل آن مشترك بین ایران واتحاد جماهیرشوروی روسیه است . طــول این

دریاچه ۱۲۶۰ کیلومتر و پهن‌ترین نقاط آن ۵۵۰ کیلومتر و باریکترین نقاط آن بین شبه‌جزیرهٔ آبشوران و دماغهٔ تارنتا ۵۰۰ متر است و طول سواحل آن به ۶۳۸۰ کیلومتر میرسد که ۹۹۲ کیلو متر متعلق بایران است ولی مانند تمام دریاچه‌های داخلی چون آبش زیاد تبخیر میشود سواحلش پیوسته تغییر میکند.

دریای خزر بواسطهٔ اینکه بین دو قطعهٔ آسیا واروپا واقع شده دارای اهمیت بسیار است و در تمام دوره‌های تاریخی منظور نظر اقوام کشورهای مجاور بوده. پادشاهان صفوی اهمیت زیاد باین دریاچه میدادند وراههائی از نقاط داخلی تا کرانه ساختند بنادری مانند بهشهر (اشرف) وفرح آباد در کنار دریای خزر ایجاد نمودند وپیوسته آبادی و ترقی سواحل آن در تزاید بود. نادرشاه افشار هم اقدامات صفویه را تعقیب کرد وامروز این اهمیت بواسطهٔ وجود معادن نفت از یکطرف وموقعیت سیاسی واقتصادی ونظامی از طرف دیگر چندین برابر گردیده است.

خلیج فارس در جنوب ایران واقعست واز دلتای شط‌العرب تا تنگهٔ هرمز مجاور ایران است. رودهای فرات ودجله وکارون هر سال مقدار زیادی رسوب باین دریا وارد میکند بطوریکه هر ساله مقداری از دریارا خاك میپوشاند وتقریباً ۵۳ متر خشکی در دریا پیش میرود و گمان میرود که در مدت سه هزار سال ۱۵۰ کیلو متر کرانهٔ خلیج در آب پیش رفته است.

طول خلیج از ۱۸۰ تا ۱۲۵۰ کیلومتر تغییر میکند و باریکترین نقاط آن در تنگهٔ هرمز ۵۳ کیلومتر است. وسعت آن قریب ۲۵۰ هزار کیلومتر مربع و کرانهٔ شمالی آن دارای کوههائی است که بموازات یکدیگر قرار گرفته وبواسطهٔ ارتفاع زیاد از دور بخوبی دیده میشود.

موقعیت خلیج فارس از نظر جغرافیائی برای کشور ما بسیار مهم است زیرا تنها راهی است که ایرانرا بدریای آزاد مربوط میسازد. بازرگانی ایران وهندوستان در قرون پیش از راه خلیج فارس بوده وبنادر قدیمی آن مانند ریشهر یا بوشهر امروز یکه اکنون خرابه‌های آن نزدیك بندر طاهری دیده میشود و **گمرون** (بندرعباس کنونی)

مراکز بازرگانی با کشورهای دوردست وازهمین بنادربوده که کالاهای ایران بخارج برده میشد و روابط بازرگانی ایران و هندوستان و چین از همین دریا بر قرار بوده است .

مطالعهٔ مختصری که از جغرافیای ایران بعمل آمد وجود اختلافات شدیدطبیعی را درفلات ایران روشن کرده . باین اختلافات طبیعی بایستی اختلاف زندگی انسانی واجتماعی را نیز اضافه کنیم مانند :

الف ـ اختلاف زندگی دشوار وپرمشقت ساکنین نواحی کم استعداد داخلی ایران و زندگی نسبتاً مرفه ساکنین حواشی خوش آب و هوا ومرطوبی مرتفع و کوهستانی .

ب ـ اختلاف میان قدرت چند نفر رئیس مقتدر و متنفذ و وضع فلاکت بار تودهٔ مردم .

ج ـ اختلاف میان زندگی چادرنشینان صحرا گرد که دائماً درجستجوی مراتع در حرکتند و زندگی مستقر واحه نشینان داخلی و سکنهٔ کرانه های مزروع .

د ـ بالاخره اختلاف میان افکار مطیع سکنهٔ ثابت و مستقر دهات و شهر ها وافکار و روحیات کاملا مستقل چادرنشینان و گله‌دارانی که بزندگی آزاد در افق وسیع عادت نموده وبرای ادامهٔ این زندگی ومقاومت درمقابل قدرت مرکزی همواره کوشش میکنند .

با وجود اختلافات طبیعی واجتماعی که شرح آن گذشت بحث ومطالعه در اطراف سازمانهای داخلی این کشور دراوایل قرن سیزدهم (اوایل قرن نوزدهم میلادی) بعلت فقدان اسناد ومدارك رسمی امریست بسیارمشکل ـ تنهامنابعی که ممکنست راجع باین موضوع مورد استفاده قرار گیرد عبارتست از سفرنامه ها و مشاهدات مسافرین ، آثار وقایع نگاران واشارات و کنایاتی که درمکاتبات مأمورین سری دول بیگانه پیدا میشود .

اینها منابع ناچیزی است که برای تحقیق و مطالعه در بارهٔ این موضوع مهم در اختیار داریم . اشکال دیگری که در موقع مطالعه پیش میآید که متأسفانه در ایران آنزمان سازمان متحد الشکلی وجود نداشته است که بااطلاع ازاوضاع یك ناحیه بتوان از آن اطلاعات برای کلیهٔ نواحی کشور استفاده کرد زیرا درهر ناحیه اخلاق و عادات سکنهٔ آن ، نفوذ و قدرت رئیس ایل و ارزش شخصی هر حکمرانی سازمانی را بوجود میآورده که به بی‌شباهت با سازمانهای قرون وسطائی اروپا نبوده است .

۲ ـ طبقات مختلف مردم

درمیان سکنهٔ شهرها ودهات بجزچند نفرمالك بزرگ طبقات زیر تشخیص داده می‌شود :

اول طبقهٔ علماء وروحانیون یا حکام شرع که مأمور تفسیر قوانین و مقررات دینی بودند .

دوم طبقهٔتجارو کسبه ـ این‌طبقه محترمین افراد جامعه‌وازامتیازات‌متعددی برخوودار بودند وازتجارت‌آنان عایدات سرشاری برای کشور فراهم میشد . شغل تجارت بارث ازپدربه‌پسرمیرسید . تجارعموماً به‌پاکدامنی و دیانت معروف بودند . طبقهٔ سوم پول‌واندوختهٔ خودرا برای‌بهره‌برداری بانهایت اطمینان بدست‌سوداگران می‌سپرد وبااین ترتیب درواقع عمل بانك که درآنزمان دراروپا معمول بود بوسیلهٔ تجارانجام میبافت . کسبه وپیشه‌وران بارعارت مقررات صنف ، رؤسای‌خودراانتخاب میکردند ودرواقع یکنوع اتحادیه صنفی تشکیل میدادند منتخبین هر صنف بکار های عمومی صنف و گرفتاریهای اعضای اتحادیه رسیدگی مینمودند .

کارگران فوق‌العاده جدی وقابل بودند ومانند امروزدر کار بخصوصی‌تخصص نداشتند . طرزتقسیم کاربشکل فعلی در کارگاهها و کارخانجات عملی نشده بود ودر واقع هرصنعت گری جزئیات ووسائل وعوامل کاررا بتنهائی تهیه میکرد وبالنتیجه محصول‌راشخصاً آماده میساخت‌وبمعرض فروش‌میگذاشت. هیچ‌نوع‌سازمان کارگری وجود نداشت . دستمزد کارگران متحد الشکل نبود و در حقیقت مقدرات کارگر دستخوش ارادهٔ صاحب حرفه بود .

سوم روستائیان وبرزگران ـ نظر بعادت وطرز زندگی این طبقه را بایستی طبقهٔفاصل‌بین‌چادرنشین وشهرنشین‌محسوب نمود. بعقیدهٔ الیزه رکلو[1] جغرافی‌دان

1-Elisé–Reclut

فرانسوی یك سوم مجموع سکنهٔ ایران آنزمان را زارعین تشکیل میدادند ولی وسعت زمینی که بدست این طبقه زراعت میشد از یك پنجم مجموع اراضی قابل زراعت ایران تجاوز نمیکرد و حتی این مقدار جزئی زمین قابل زراعت نیز متعلق بزارع نبود بگفتهٔ رکلو این آمار تقریبی نشان میدهد که در دنیا کمتر مملکتی هست که در آنجا رژیم مالکیت بزرگ مانند ایران رواج داشته باشد . دهقانان در تحت نفوذ وسلطه کامل دولت قرار داشتند و تحمیلات دولت را بدون چون و چرا تا آخرین حد توانائی و بدبختی اطاعت وتحمل میکردند . موقعی که فشار مأمورین وصول مالیات به منتهی درجه میرسید زمین مزروعی وخانه وزندگی خودرا ترك گفته فرار میکردند وصحرا نشین میشدند .

روستائیان از میان معمرین ومحترمین دهکده یکنفر را بعنوان ریش سفید انتخاب میکردند که مسئول تعیین سهم مالیات وسرشکن نمودن آن درمیان اهالـی ده بود . این شخص باختلافات مردم قریه رسیدگی میکرد و درواقع بمنزلهٔ قاضی محلی تلقی میشد .

دونوع مالیات ازرعیت وصول میشد یکی بعنوان سهم دولت ودیگری بعنوان عایدی دائمی سهم ارباب ـ مالك نمیتوانست سهم اربابی را بمیل خوداضافه کند.چون باخراب شدن ملك عایدی مالك نیز ازبین میرفت مالك درمقابل تقاضاهای بی حدوحصر مأمـورین مالیه در واقع حـامی رعیت محسوب میشد ـ نظر باینکه سهم ارباب متناسب بامحصول بودبدین لحاظ مالك نیز درعمران ملك خودذیعلاقه بوده کوشش میکرد .

چهارم سکنهٔ صحرا نشین ایران ـ این طبقه ازمردم ایران طرز زندگی و سازمان مخصوصی داشت .

عدهٔ زیادی ازایلات بزرك ایران صحرانشین بودند وقسمت اعظم سکنهٔ ایرانرا تشکیل میدادند . افراد ایل معمولا درسواری وتیراندازی مهارت داشتندودرموقـع لزوم یك قدرت نظامی بوجود میآوردند . هرایل بزرك بطوایف و تیره‌های کوچك

تقسیم میشد ـ هر طایفه یاتیره رئیس خودرا انتخاب میکرد و مطیع رئیس ایل بود در این سازمان بترتیب معمرترین افراد خانواده یا قبیله یا ایل را احترام قائل بودند ـ تمام افراد ایل باهم متحد بودند و برای دفاع از منافع عمومی ایل متفقاً در جنگ شرکت میجستند.

راجع بچگونگی وطرز مالکیت ایلات چنین حدس زده میشود که در موقع ورود بایران قسمتی از اراضی بعنوان وام برای مدتی بایلات واگذار شده و بالاخره استفاده طولانی از اراضی واگذاری مالکیت را بآنان مسلم گردانیده است ـ رؤسای ایلات در واقع مالکین نواحی هستند که در آنجا زندگی کرده واز مزایائی بر خوردار شده‌اند که از اجدادشان بآنها بارث رسیده است باین ترتیب اغلب رؤسای ایل مالکین اراضی وسیعی بودند وچندین هزار افراد ایل راتحت فرمان خود داشتند ـ ادامهٔ این وضع که بتدریج بر قدرت ونفوذ رؤسای ایل میافزود منجر به تشکیل نیروهای قابل توجهی شد که دائماً مایهٔ مزاحمت دولت مرکزی بود بطوریکه میتوان گفت دولتهای کوچکی در داخل دولت مرکزی تشکیل گردید ویکنوع ملوك الطوایفی بوجود آمد. برای داشتن تأمین کافی وتضمین وفاداری ایلات دولت گروگانهائی بدربار میفرستاد ودر موقع سرپیچی وشورش معمولا گروگان ایل بعنوان مجازات بقتل میرسید. رؤسای ایل نیز باتمام وسایلی که دراختیار داشتند همواره درصدد بودند که خود را ازقدرت ونفوذ دولت مرکزی آزاد کنند وحتی الامکان از انجام این تعهد شانه خالی میکردند. بااینکه رؤسای ایل قدرت پادشاه را برسمیت میشناختند عملا از مداخلهٔ مأمورین دولت مرکزی درامور حکومت ناحیه‌ای که درتحت فرمان آنان بود جلوگیری میکردند ـ مهمترین ایلات ایران عبارتند از:

اول ـ **ایلات کرد** (۱) که طوایف متعددی دارند ودر نقاط مختلف ایران پراکنده میباشند مهمترین ایلات کرد عبارتند از ایل اردلان که درحوالی سنندج مسکن دارند. اکراد باباجائی وقبادی وزردوئی وشاه‌قبادی که دراطراف جوانرود ونواحی گرمسیر

---

۱ ـ برای کسب اطلاع بیشتر راجع بایلات ایران به جغرافیای مفصل ایران تألیف جناب آقای مسعود کیهان مراجعه شود .

سرحدی بسر میبرند . طایفهٔ شیخ اسماعیلی حوالی لرستان وذهاب واکراد زنگنه‌و کندوله و عثمانوند در طالان دشت و هلیلان و کندوله زندگی میکنند . ایلات سنجابی و کلیائی وبهتوئی‌بترتیب درمغرب وشمال وشمالشرقی شهر کرمانشاه‌مسکن دارند . ایل کرند درپاطاق ومغرب کرمانشاه و ایل بایروند درشمال شرقی این شهر زندگی میکنند .

طوایف پیشکوه که عبارتنداز اکراد حسنوند و یوسفوندو کولی‌وندوفك‌الدین و غیره که درنواحی رودخانهٔ کاکارضا وتنك رباط والیشتر و کنار رودخانهٔ سیمره مسکن دارند . اکراد دلفان عبارتند ازطوایف کاکاوند و موسی وند و اوحد قباد و بیژنوند و غیره که درشمالغربی لرستان بین کرمانشاه و هرسین والیشتر مسکن دارند .

اکراد ناحیهٔ طرهان که طوایف عمدهٔ آن سوری و کراوند ورماوند و غیره است ودرجنوت غربی خرم آباد وجنوب دلفان سا کنند .

طوایف‌بالا گریوه وهرو که عبارتند ازا کراد سگوندودیر کوندوبیرانوند که درحدود ازنا و کرخه وجنوب خرم آباد وشمال دزفول و کوه طاق‌وتنك‌عزیزوتنك دینارمسکن دارند .

طوایف‌پشتکوه‌ازاکراد بالاوند و کبیر کوهی وملك‌شاهی وزینل‌وندودشتی واحمد حسینی وزیروندی‌وغیره تشکیل میگردد که‌درجنوب کرمانشاه ورودخانهٔ سیمره ودزفول سا کنند

دوم - **ایل بختیاری** مسکن ایلات‌بختیاری‌ازطرف جنوب بخوزستان‌ازسمت مشرق بفارس ازشمال باصفهان وازمغرب بخاك لرستان وبروجرد منتهی میگردد . مهمترین طوایف بختیاری عبارتند از :

الف ـ ایلات هفت لنك که طوایف عمدهٔ آن شهی واوسیوند وقندعلی وبابا احمدی وعالی افوروعکاشه وململی وبختیاروند وغیره میباشند .

ب ـ ایلات چهارلنگ که طوایف عمدهٔ آن عبارتند ازمحمود صالح‌وممزائی

و کیومرسی وهی‌هاوند وغیره .

سوم – **ایل قشقائی** طوایف مهم‌ایل قشقائی عبارتند از : دره شولی‌و کشکولی وشش بلوکی وصفی خانی ونمدی گله زن ومیچك گله زن قزللو گله‌زن‌بیات‌سست علی‌بیات‌شاهوردی‌ورحیمی‌واصلانی‌وشاه‌لو، چگنی‌وفیلی زنگنه، کوشك، بهمن‌بیگلو وغیره که دردشت سیمرم علیا وحوالی اردکان و گردنهٔ ویزك و حوالی شیراز و یزد وبیضا ساکن‌اند .

چهارم - **ایلات خمسهٔ فارس** که عبارتند ازاینانلو وبهارلووعرب‌وباسری و نفرکه در رامجرد ومرودشت وداراب وفسا ودشت ایزد خواست و لارستان و بلوك سبعهٔ فارس وسروستان وارسنجان ساکنند .

پنجم – **طوایف کوه گیلویه** که بسه شعبهٔ عمدهٔ تقسیم میشود :

یك – آقاجری که به‌تیره های‌افشاروبگدلی وتیلکوداودی وشعری‌وقره‌باغی وغیره منشعب شده ودرحوالی‌بهبهان‌مسکن‌دارند .

دو – باوی که تیره های عمدهٔ آن عبارتند از علیشاه و موسائی و بر آفتابی وقلعه‌ای .

سه – جاکی که بدو شعبهٔ بزرگ چهاربینچه ولیراوی تقسیم میشود .

الف – چهار بینچه که مشتمل برچهار قسمت بویر احمدی – چرام – دشمن زیاری ونوئی‌است .

ب – لیراوی که ازدو قسمت عمدهٔ لیراوی دشت ولیراوی کوهستانی تشکیل میشود .

مسکن عمدهٔ ایلات کوه گیلویه درشمالغربی شیراز واقع شده حدود آن از طرف شمال عبارت است ازبختیاری ازمشرق ممسنی و سرحد شش ناحیه از جنوب خلیج فارس ودشتستان ازمغرب بلوك را مهرمز وفلاحی .

ششم – **ایلات ممسنی** که‌ازچهارطایفهٔبزرك . یکش وجاویدی ودشمن‌زیاری ورستم تشکیل میشود .

محل سکونت الوار ممسنی ازطرف شمال و مغرب به‌بلوك شش ناحیه و کوه گیلویـه از سمت مشرق به بلوك اردکان و از سمت جنوب بناحیهٔ کازرون محدود میشود .

هفتم - **طوایف خوزستان** عبارتند ازقبیلهٔ بنی کعب - قبیلهٔ باوی -آل کثیر اعراب منتفج (بنی‌مالك) - چنانه - گندزلو- بنی‌طرف .

قبیلهٔ بنی کعب که‌طوایف عمدهٔ آن عبارتند ازمحیسن- ادریس- نصار-آلبغبش عساکره عتقیه - البصوف وغیره که درقسمتی ازخاك خوزستان درسمت رود کارون‌و محمره وفلاحیه وجزیره الخضر واهواز وبعضی نیزدرخاك عراق مسکن دارند .

قبیلهٔ باوی دراسماعیلیه واهواز وبند و کنارشرقی کارون سکونت دارند .

آل کثیر که بخانواده های سعد وعنافجه وضیاغمه وغیره تقسیم‌شده ودرنقاط غربی وجنوبی رود دزفول درسیاه چادرها تا کنارنهرهاشم اقامت دارند .

اعراب منتفج (بنی‌مالك) این اعراب میان سبعه وام‌التمسیر در ضلع غربـی کارون سکونت دارند .

ایل چنانه دراطراف دزفول بسرمیبرند .

گندزلو ازایلات شوشتراندومحل سکونت آنان ازبندداود تاشوشتر واطراف دزفول امتداد پیدا میکنند .

بنی‌طرف طوایف عمدهٔ آن‌عبارتند ازسواری وشرفه وبنی‌صالح‌ومروان‌وقاطع که درحویزه وبساطین وفیلی ونهرهاشم زندگی میکنند .

هشتم - **طوایف وایلات کرمان و بلوچستان** : مهاجرین ایرانی که پس از فتح اعراب ازمغرب ایران مهاجرت کردند بنواحی شرقی وجنوبی ایران پناه برده پس از مدتی درنتیجهٔ معاشرت باسکنه وطوایف آن نواحی اختلاط پیدا کردنـد و طوایف کنونی این‌نواحی‌را که از کردوترك وعـرب واهالی محلی‌مرکب‌اندتشکیل دادنـد .

نظر باینکه نواحی ییلاقی وقشلاقی طوایف کرمان و بلوچستان مشترك است

مهمترین ایلات این دوناحیه‌رادریکجاذکر میکنیم : **بلوچ گل بخشی** که درسردسیر حیدرآباد ونعمت آباد و گرمسیرجیرفت‌ورودبارزندگی‌میکنند **بدوئی قلعه‌سنگی** درسردسیرقلعه‌سنگی باغ بزمو گرمسیرجیرفت ورودبار بسرمیبرند **بدوئی‌حاجی کاکائی** در سردسیر حاجی کاکا و گرمسیر جیرفت و رود بار مسکن دانند **طایفهٔ خواجوئی** درسردسیراطراف‌سیرجان‌وپاریزوفریدون‌و گرمسیراطراف کوه‌خاجوئی زندگی میکنند **طایفهٔ زنخی** که در راوژ اقامت دارند افشاردربافت و چهار گنبد و سیرجان سردسیر کرده ودر دشت جیرفت گرمسیردارند .

ایل بچاقچی مهمترین طوایف این ایل عبارتند ازقراسعیدلو-سوارسعیدلو-عباس‌لو- سیرجان کهنه ـ سوخته‌چالی ـ چهار گنبدی ـ ریگی ـ اسماعیل‌زائی ـ یاراحمد زائی وغیره

طوایف ناحیهٔ سروان عبارتند از باران زائـی ـ ده ناهو ـ کوهك ـ سرجو ـ پسکوه ـ رئیسی ـ کهنه داود ـ سر کوهی ـ عبدل زهی ـ احمد زهـی و غیره .

طوایف بلوچستان مرکزی یاناحیهٔ بمپور عبارتند ازسیاه خانی ـ جمشید زهی صلاحی کوهی ـ زرد کوهی ـ دامنی ـ بزمـان ـ عبدالهی حاجی زائـی و غیره .

طوایف‌ناحیهٔ مکران عبـارتند از دشتیاری ـ قصر قند ـ فنوج ـ لاشـار ـ جاسك وغیره .

طوایف ترکمن عبارتندازجعفربای ـ آقابای ـ سلاك ـ کجوخ ـ چاکرقراول بای ایندر ـ کاناز- داری ـ شیخ حاجی ـ تختایش ـ قزل ـ آق ـ عرب وغیره

طوایف مختلف که درحدود شاهرود وبجنوردساکن میباشند: طایفه‌فارسیان طایفه کردهای شادلو ـ طایفهٔ ترکهای تیمورتاش وغیره

نهم ـ **ایلات آذربایجان** ایلات اطراف اردبیل عبارتنداز : یورتچی- فولادلو خامس‌لو ـ تکله ـ اینانلو ـ جهان خاتونلووغیره

ایلات اطراف اجارود عبارتند از نوروزعلی بیک‌لو ـ بالا بیک‌لو ـ آلارلو و غیره .

ایلات اطراف مشکین عبارتند ازفوجه بیک‌لو ـ سیدلوـ ساری جعفرلو ـ حاجی خواجه‌لو ـ اجرلو ـ یکه‌لو ـ زر گرلووغیره

ایلات اطراف خلخال عبارتند ازشاطرانلو ـ کیشانلوـ دریلووغیره

ایلات اطراف ساوجبلاغ‌مکری عبارتند ازمامش‌ـبیگزادهٔ حیدری‌ـمنگور سیوسنی ـ قره پاپاق وغیره

ایلات اطراف‌سلماس عبارتند از کوهستی ـ شکاک‌وغیره .

ایلات اطراف رضائیه عبارتند ازهر کی‌میدان ـ بیگزاده ـ تمرنیان ـ زرزا و غیره .

دهم ـ **ایلات اطراف تهران** ـ ساوه وزرند وقزوین عبارتند از : هداوند ـ اصانلو ـ ایکائو ـ عرب میش مست ـ کردبچه ـ بختیار‌ـنفرنانکلی ـ گاوباز‌ـ افشار ـ غیاثوند ـ مافی ـ رشوند ـ جلیلوند ـ کاکاوند عمارلو ـ اینانلو وغیره .

تمام ایلات تقریباً زندگی صحرا نشینی داشتند و معمولا در چادر بسر برده مطابق قواعد صحرانشینی درزمستان دردشت قشلاق میکردند و در تابستان در قلل ودامنهٔ کوهها زندگی مینمودند. گله داری ومحصول آن معمولا احتیاجات آنانرا برطرف میساخت وبزراعت کمترتوجه داشتند هیچگاه باندازهٔ احتیاج مصرفی خود نمی‌کاشتند و بهمین مناسبت دائماً بکشت دهاتیها تعدی میکردند و عایدی دولت که اصولا از محصول زراعتی وصول میگشت با وقوع این قبیل تعدیات نقصان می‌یافت .

۳ـ قدرت پادشاه و عوامل متنفذ در تشکیلات مملکتی

پادشاه اصولا فعال مایشاء ودارای قدرت مطلق و تصمیمات وی غیرقابل نقض بود وحق سلب مالکیت وحق حیات ومرگ نسبت برعایای خود داشت.

هیچگونه مجلسی شبیه بمجلس نمایندگان ملت یا مجلس اعیان وشورای علما وجود نداشت. عملا هر رئیس ایل ویاحاکمی درناحیه‌ای که حکومت میکرد خود را سلطان کوچکی می‌پنداشت ومیکوشید که حتی‌الامکان نفوذ وقدرت سلطان را درآن منطقه ازمیان بردارد ـ تعیین وتشخیص قدرت وحدود اختیارت سلطان بسیار مشکل بود واین امربستگی بشخصیت واخلاق و کفایت پادشاه داشت.

پادشاه درپایتخت ونواحی مجاور آن مانند یك قاضی عرف ازقدرت خود استفاده می کرد ومجتهد مقام اولین حاکم شرع وسنت را داشت.

بیگلربیگی یاحکام ایالات وولایات ازطرف شخص پادشاه منصوب میشدندو داروغه یارئیس شهربانی ازطرف بیگلربیگی یاحاکم تعیین میگشت. کلانتران و صاحبمنصبان عدلیه وادارات و کدخدایان محله‌های مختلف شهرهاازطرف حاکم از میان محترمین اشخاص هرشهری انتخاب میگشتند.

رؤسای بزرك ایلات درتشکیلات دولتی صاحبمنصبان ارشد محسوب میشدند و در حوزهٔ فرمانروائی خود مطلق العنان بودند و اقتدار تام داشتند و هر گاه حکومت مرکزی رو بضعف میگذاشت و نفوذ دولت از میان میرفت بدبختیهای ساکنین شهرها و دهات نیز که در قلمرو یك مشت جابر بسرمیبردند مضاعف میگشت.

٤ ـ مالیات وطرز وصول آن

در اوایل قرن‌سیزدهم‌هجری درحکومتی مانند حکومت ایران که اختیارات درواقع دردست چند خانوادهٔ متقدر بودو در کشوری که درآنجا منافع عمومی بهیچوجه منظورنظر نبودواصطلاحات اقتصاد اداری وسیاسی ونظم‌وانضباط مفهومی نداشت بسهولت میتوان دریافت که هنگام مطالعه وتحقیق در مالیاتهای عمومی چه اشکالاتی پیش‌میامده است. معمولا چهارمنبع‌بزرگ عایدی وجود داشت: مالیات و **صادر** پیشکش‌و گمرکات .

۱ ـ مالیات : عبارت ازیکنوع عایدی‌بود که ازاراضی وشهرها وصول میشدو شامل مالیاتهای نقدی وجنسی میگشت دردهات مالیات جنسی بمحصولات عمدهٔ از قبیل حبوبات وابریشم وپنبه وغیره تعلق میگرفت . مالیاتهای نقدی ازسبزی و میوه وسایر محصولات جزئی وفاصدشدنی وصول میگشت .

ساکنین شهرهادونوع مالیات میپرداختند: باسم خانه شماری ازتعدادخانه‌ها مالیات گرفته میشد و باسم سرشماری مالیات برعدهٔ نفرات خانوده تعلق میگرفت و برای دارائی شخص هیچگونه مالیاتی قائل نبودند .

۲ـ صادر ، یکنوع مالیات جبری واتفاقی بود که در واقع کمرشکن‌ترین مالیاتها محسوب میشد . بعنوان صادردرمواقع غیرعادی مثلاً بمناسبت مسافرت شاه وعبوراشخاص بزرك‌وسفرا ویاقشون ، همچنین بعنوان ساختمان وعروسی یکی از افراد خانوادهٔ سلطنتی وغیرمالیاتهائی گرفته میشد .

۳ ـ پیشکش : عبارت بود ازهدایائی که حکام وصاحبمنصبان ارشد بایستی بمناسبت عید نوروز بدربارسلطنتی بفرستند .

۴ـ گمرکات:وصول‌عوارض گمرکی‌درتیول‌رؤسای‌مستقلی‌بود.مالیات گمرکی

بدون تمایز شامل محصولات ایران و بیگانه میشد. نرخ عوارض گمرکی ثابت نبود واز شهری بشهر دیگر تغیر مییافت ـ علاوه بر عوارض گمرکی در جاده‌ها «راه‌دار» مالیات راه وصول میکرد. با اینکه دولت عوارض راه دریافت مینمود خود را برای تهسیل ایاب وذهاب وحمل مال التجاره ملزم ومسئول نمیدانست وبدین عنوان فقط مالیات میگرفت.

ایلات که هرگونه دخالت مأمورین دولتی رادر امور داخلی خود بسختی قبول میکردند حاضر میشدند جمعی از جوانان ایل را بعنوان سرباز تجهیز کنند ومالیاتی ازبابت اراضی اشغالی خود بپردازند. مجوع این مالیاتها بوسیلهٔ رؤسای ایل در میان افراد سرشکن میشد وبتوسط حکام وصول میگشت. طرز وصول مالیات که از روی ممیزی های ادوارقدیم بعمل میآمد معایب فراوان داشت واین ترتیب ممیزی که بهیچوجه با حجم واقعی محصول تطبیق نمیکرد مایهٔ اجحافات و زیاده رویهای بیشمار میگشت

چنانکه گفته شد طرز وصول مالیات ونرخ آن درنواحی مختلف مملکت و حتی درقسمتهای مختلف یك ناحیه تغیر مییافت. حاکم که مأمور وصول مالیات بود مأمورین خودرا برای دریافت آن بقصبات میفرستادنمایندگان حکام کوشش میکردند که هرقدر بتوانند اعمال زور کنند و بیشتر بگیرند زیرا علاوه بردولت حاکم و نمایندهٔ وی نیزبایستی سهم خودرا بردارند. بااین ترتیب پس ازچند روزچانه‌زدن مأمورین دوسوم آنچه راکه در آغاز امر تقاضا کرده بودند وصول میکردند و در مراجعت سهم خودرا برداشته مالیات وصول شده را تحویل حاکم میدادند ـ حاکم بنوبهٔ خویش پس ازپرداخت سهم رؤسای مافوق وبرداشت حصهٔ خود حداقل سهم را تسلیم خزانهٔ دولت میکرد.

نصف مبالغی که بااین ترتیب وارد خزانهٔ سلطنتی میشد معمولا بمصرف هزینه های ضروری میرسید. این هزینه ها عبارت بود ازپرداخت مقرری چند وزیرواعضاء دربارونگهداری یك قشون بی معنی وتأمین هزینه‌های درباری وبلهوسی های پرخرج

سلطنتی مخصوصاً دردورهٔ فتحعلی شاه که در آن زمان قصور سلطنتی از زنان متعدد واولاد آنان مملو بود .

بقیهٔ عایدات به‌شمش یا احجار و یا اشیاء دیگر ذیقیمتی که حمل آن نسبتاً آسان بود تبدیل می‌یافت . این ثروت در مواقع ضروری برای تنبیه رؤسای بزرك و ایلات که دائماً مترصد بودند خودرا از نفوذ وسلطه وقدرت مرکزی خلاص کنند بکار می‌رفت .

فصل دوم

سازمان نظامی ایران در اوایل قرن سیزدهم

اوایل قرن نوزدهم میلادی

معلمین ومتخصصین نظامی که برای تعلیم وتربیت سپاهیان ایران ازسال ۱۳۲۱ (۱۸۰۷) از کشورفرانسه بایران آمدند در سازمانهای نظامی ایران تغییراتی دادند. برای روشن شدن مطلب سازمان دستجات مختلف لشکریان ایرانرا در دو مرحلهٔ متمایز بشرح زیر مطالعه میکنیم:

الف ـ وضع نظامی ایران قبل ازرسیدن مربیان ومتخصصین اروپائی

ب ـ سازمان نظامی ایران پس ازورود مربیان ومتخصصین اروپائی

الف ـ **وضع نظامی ایران قبل ازرسیدن مربیان و متخصصین اروپائی**

هنگامیکه دولت ایران برضد دولت روسیهٔ تزاری بجنك پرداخت علاوه بر اینکه فاقد نیروی قابل توجه وسازمان صحیح نظامی بود بجرأت می‌توان گفت که درایران آنزمان حتی دستگاهی که شبیه‌باسازمانهای‌اروپا باشد پیدا نمیشد-سپاهیان ایران بخصوص ازسواران صحرا نشین تشکیل می‌یافت که وضع ایشان بی‌شباهت بوضع سواران قرون وسطائی اروپا نبود.

ایران سپاه‌دائمی وموظف نداشت ـ جنگجویان فقط هنگام‌جنك‌وبروزخطر جمع آوری ومتمرکزمیشدند ـ برای جمع آوری وتمرکزآنان بودجه واعتبارنبود وهزینهٔ نگهداری این دستجات ازطریق مصادره تأمین‌میگشت. تعداد لشکریانیکه باین ترتیب ممکن بود جمع آوری شوند ازیکصد و بیست هزار نمیگذشت ـ علاوه

براین سواران ، افراد چریك زیادی بوسیلهٔ شهرها و ایلات جمع آوری ونگهداری میشد چنانکه می‌بینیم پیش ازورود مربیان نظامی اروپائی لشکریان ایران از عدهٔ سواروافراد چریك تشکیل میشد :

۱ - **سواران** : دستجات سوار از میان افراد ایلات صحرانشین جمع آورد میشد . این دستجات مرکب از واحد هائی بود که هر کدام از یك رئیس اطاعت میکردند .

سواران فقط هنگام‌جنك احضار میشدندو گارد سلطنتی را تشکیل میدادند.

آدرین دوپره[۱] فرانسوی که ازسال **۱۳۲۲** تا سال **۱۳۲٤ (۱۸۰۷ -۱۸۰۹)** درنواحی‌مختلف ایران سیاحت کرده می‌نویسد که این‌سواران درحین‌تاخت بانهایت مهارت در تمام جهات خواه بجلو و خواه بعقب تیراندازی میکنند .

این‌طرزجنك سواران اشکانی‌را بخاطرمیآورد که‌درحال فرارتیراندازی کرده و حملات ناگهانی آنان لژیونهای رومی را که ازتعاقب سواران ایرانی عاجز بودند مأیوس وناامید میساخت .

دستجات سواربواحدهای هزارنفری قسمت میشد . هرواحدی از ده گروه‌صد نفری‌تشکیل می‌یافت وهر گروه‌نیزبنوبهٔ خودبده‌جوخهٔ ده‌نفری تقسیم‌میشد.درجات نظامی‌رؤسائی که واحدهای مختلف درتحت فرمان‌آنان قرارداشت بهیچ‌وجه‌باارزش نظامی‌فرماندهان‌تطبیق نمیکرد - عنوان ودرجهٔ افسران به تعداد نفرات که‌بلافاصله با کلمهٔ ترکی « باشی » استعمال میشد معین ومشخص میگشت بااین‌ترتیب‌فرمانده یکدستهٔ سوارهزارنفری‌را « مین‌باشی » یعنی رئیس هزارنفروفرمانده یك گروه صد نفری‌را « یوزباشی » یعنی‌فرمانده صد نفر ومسئول یك جوخهٔ ده‌نفری‌را « اون‌باشی » یعنی رئیس ده‌نفرمینامیدند .

یکنفر « اون‌باشی » ممکن‌بود آناً مقام « یوزباشی » وحتی « مین‌باشی » رااحراز کندزیرا برای بدست‌آوردن‌این عنوان کافی‌بود که صدیاهزارنفر گردآورده‌وتحت

1– A.Dupré

فرمان خود قرار دهد .

هر قبیله یعنی خانواده های مختلفی که از نظر اخلاق و عادت و زبان در تحت فرمان رئیسی قرار داشتند موظف بودند تعداد معین سوار تهیه کنند .

کنت آلفرد دو گاردان[1] میگوید « جیرهٔ این سواران یکنواخت نبود تسلیحات آنان عبارت از تفنك دراز و سپری بقطر ۴۰ سانتیمتر بود که مانع از عبور گلوله نمیشد ترکمانان هنوز هم تیر و کمان بکار میبرند و شمشیرهای بسیار خوب دارند و مانند اجداد خود نیزه های دراز و بسیار سبك بدست میگیرند که در کمال مهارت بکار میبرند. سواران معمولا اسبان خوبی دارند که با یك لگام هدایت میشود » .

ایران قادر بود در حدود یکصد و بیست هزار نفر از این سواران را که در مقابل امتیازات ارضی و آزادی مرتع خدمت نظام را انجام میداد بسیج نماید. هر رئیس ایل وظیفه داشت هنگام بروز جنك سهمیهٔ سوار متناسب با تعداد نفرات ایل را تهیه کند. هر سوار در حین جنك برای خود و مرکبش آذوقه دریافت میکرد و جیرهٔ مختصری میگرفت که در سال از ۵ تا ۶ تومان بیشتر نبود. این مبلغ معمولا از مالیات عمومی وصول میگشت . افراد سوار از روی استیصال غالباً همین مبلغ ناچیز را باضرر زیادی تسعیر میکردند ـ علاوه بر جیرهٔ نقدی هر سوار سالیانه دو بار الاغ گندم دریافت میداشت .

جیرهٔ افسران نسبت بنفرات معمولا بیشتر بود و در هر صورت جیرهٔ نقدی سالیانه از ۱۵ تا ۲۰ تومان و جیرهٔ جنسی از ۴ تا ۵ بار الاغ گندم تجاوز نمیکرد .

درصورتیکه دولت میخواست جیرهٔ گندم را به پول نقد تبدیل کند هر بار الاغ را یك تومان منظور میداشت .

یکدسته سوار که تعداد آن از سه تا چهار هزار بیشتر نبود و غالباً افراد آن از میان غلامان گرجی و یا پسران نجبای کشور انتخاب میشدند گارد مخصوص سلطنتی را تشکیل میداد که غلامشاه می نامیدند ـ سواران گارد مخصوص اسبان ممتازی

---

1 - A.Du.gardan

داشتند. اسلحهٔ ایشان از طرف دولت تهیه میشد و درسال از ۲۰ تا ۳۰ تومان جیرهٔ نقدی میگرفتند این مبلغ معمولا ازعایدات عمومی پرداخت میشد وافراد گارد مجاز بودند جیرهٔ خودرا شخصاً وصول کنند سواران گارد مخصوص نیز هیچوقت فرصت را ازدست نمیدادند واصولا بیش از آنچه داشتند تقاضا میکردند وبرای رسیدن بمقصود اشکالی پیش نمیآمد زیرا این افراد فقط باسم غلامشاه ویاسوار گارد مخصوص سلطنتی ممکن بود یك یا چندین قصبه را تحت شکنجه وفشارقراردهند.

۳ ـ چریك: تقریباً تمام افراد سالم کشورممکن بود وارد دستجات چریك گردد. نیروی چریك درهرناحیه یاازافراد طوایف کوه نشین ویا ازاهالی شهرها و دهات تشکیل می یافت ـ نگهداری افراد چریك بعهدهٔ ایالات یاشهریادهکدهای بود که بوسیلهٔ این دستجات دفاع وحمایت میشد. ممکن بود عندالّلزوم سپاهیان چریك بخدمت شاه دعوت شوند در اینصورت هریك ازافرادآن درسال از ۵ تا ۷ تومان جیره دریافت میداشت.

ملکم معتقد است که تعداد نفرات چریك بیکصدوپنجاه هزار نفربالغ میگشت همین افرادچریك وسوارانی که توصیف کردیم وسیلهٔ اصلی فتوحات آغامحمدخان بود

ب ـ سازمان نظامی ایران پس ازورود مربیان ومتخصصین اروپائی

برای مقابلهٔ باروسها وتحکیم وتقویت نفوذ دولت، فتحعلی شاه با کمك مربیان اروپائی پیاده نظامی بسبك ارتشهای اروپائی بوجودآورد. افرادپیاده ازدوقسمت مهم سرباز وجانباز تشکیل می یافت:

۱ ـ سرباز: پیاده نظام سرباز ۱۲ قسمت یا ۱۲ هنك هزارنفری داشت که بوسیلهٔ عباس میرزا ولیعهد ایران تشکیل ونگهداری میشد. تمام افراد سربازتحت فرمان ولیعهد وعموماً ازاهالی آذربایجان بودند.

علاوه برنفرات سربازپیاده نظام. عباس میرزا یك هنك سوارهنظام هزارودویست نفری ویك هنك توپخانهٔ سوار که از ۲۰ عراده توپ مرکب بود تهیه دیده بود.

سازمان پیاده نظام وتوپخانه درآغازامر بوسیلهٔ افسران فرانسوی داده شد. پس

ازحرکت ژنرال گاردان ومیسیون فرانسوی ازایران انگلیسها برای تربیت سربازان جانشیش فرانسویان گردیدند . اهمیتی که اینقسمت ازلشکریان ایران پیدا کرددر واقع مدیون شخصیت عباس‌میرزا بود زیراولیعهد ایران سعی‌وکوشش بسیاربکاربرد که لباس و تجهیزات سربازان ایـران شبیه لباس و تجهیزات ارتشهای منظم اروپـا باشد. میان تمام سپاهیان ایران افرادسربازبهتروبیشتر ازسایرین غذا وجیره دریافت میداشتند .

جیرهٔ افسران بتناسب درجات آنان از ۴۰ تا ۵۰۰ تومان درسال‌بود بعلاوه‌غذا ولباس اضافی‌درهنگام وظیفه‌دریافت‌میکردندستجات‌سربازسرپرستی‌وفرماندهی اروپائیان رابا میل و رغبت می‌پذیرفتند.

۲ــجان باز:تعداد نفرات جان باز که‌مستقیماً درخدمت پادشاه بودند ظاهراً برابرتعدادنفرات‌سرباز بودولی‌عملاتعداد آنان‌از۸تا۹ هزارتجاوزنمیکردطرزپرداخت حقوق ووضع لباس وجیرهٔ جانبازان مرتب نبود.وانظباط آنان بپایهٔ انظباط‌سربازانی که تحت فرماندهی عباس میرزا بود نمیرسید.

افراد پیاده نظام جوان کـه‌تازه باعملیات نظامی آشنائی پیدا کـرده بودند نمیتوانستند در برابر حملات سپاهیان با انضباط وورزیده مقاومت کـنند ودرنبرد های منظم با آنان دست وپنجه نرم نمایند.

این‌اقدامات برای تجدید سازمان‌نظامی ایران در آغاز امرنتایج خوبی‌نداد و چنانکه خواهیم‌دیدبعدهانیزباعث زیاده رویها واجحافات گردید . گوبینو(۱) دراین خصوص میگوید تاوقتی که‌عباس میرزازنده بودآزمایش تجدیدسازمان‌نظامی‌را کم وبیش خوب عمل کردند ولی پس ازمرگ ولیعهد ایران باتوجه باینکه پیاده نظام‌را بانظرحقارت مینگریستند افراد صنف پیاده نظام بدبخت‌ترین افراد لشکریان‌ایران شدند . بعدها نیزتحولات اصلاحی و تجدید سازمان در ارتش جدیدالتأسیس ایران بقدری با تأنی انجام پذیرفت که بقول‌نویسندگان وجهانگردان‌ومستشاران‌ومعلمین

---

1 - Gobineau

مختلف نظامی که درطول قرن سیزدهم بایران آمده‌اند درجریان یك قرن هیچگونه اصلاح وبهبودی دروضع سازمان نظامی ایران روی نداده‌است .

ازنوشته‌های این اشخاص چنین برمیآید که سربازان پیاده مبلغی ناچیز دریافت داشته و جیرهٔ آنان منحصر بچند کیلونان بوده است که‌هردوروزبامختصر گوشتی بایشان داده میشد گوبینو میگوید : « زندگی افراددستجات سربازان پیاده نظام دشوارترین وپرمشقت‌ترین زندگی افراد جامعهٔ ایران استعلت اینکه این سربازان زندگی اعیان سوارانرا ندارند اینست که طرزجمع آوری سربازان وسواران متفاوت است . حاکم هرناحیه مجبورو موظف است همه ساله عده‌ای سرباز برای ارتش منظم جلب کند .

درعمل سربازگیری ازهیچگونه تبعیض مضایقه نمیشود تنهامیل واراده‌ٔ حاکم خانوده‌هارا مجبورمیکند که یك یا بیشتر ازافراد خانوادهٔ خودرا بنام سرباز تسلیم مأمورین دولت کنند. سهمیهٔ سربازبایستی درتمام مناطقی که تحت فرمان حاکم قرار داردتهیه شودولی رؤسای کشوری بمیل خودآخوند هاوتجارو کسبه ومنسوبین آنان راازخدمت سربازی معاف میکنند .

درمیان طبقات ممتاز که ازخدمت نظام معاف میشدند میتوان خانواده‌هائی را اسم برد که درخدمت اشخاص متنفذ بودند ویاآنهائی که میتوانستند هدایای خوبی بمأمورین عالیرتبه ویازیردستان آنان تقدیم کنند . وقتی افراد این طبقات ممتاز را ازجامعهٔ ایران منتزع کنیم بقیه فقیرترین قسمت اهالی کشوررا تشکیل میدهدودر میان همین طبقه نیزبیچاره‌ای که هیچ چیزبرای تقدیم وفرار از خدمت ندارد بخدمت سربازی جلب می گردد » .

ژنرال گاردان که‌درسال ۱۲۲۲(۱۸۰۷) برای‌تربیت‌افرادنظامی ایران‌مأموریت یافت نتایج مطالعات خود را شرح میدهد ـ این مطالعات کاملاً تطبیق میکند با نوشته‌های کونت‌دو گوبینو که از ۱۲۷۲تا۱۲۷۵ (۱۸۵۵ ـ ۱۸۵۸) یعنی تقریباً نیم قرن پس ازژنرال گاردان بایران مسافرت کرده است .

گوبینو میگوید : وقتی یك خانواده نمیتواند خودرا ازقید دادن سرباز آزاد کند یقین دارد که بالاخره بدادن یك یا چند سرباز محکوم خواهد شد بنابـراین طفلی که بایستی‌خدمت سربازی‌را انجام دهدازدرون گهواره تعیین می‌شودوازهمان تاریخ معلومست که‌آن بیچاره باید تمام عمررا درخدمت نظام بسربرد .

البته این سربازان‌دائماً زیرپرچم نبودند گاهی‌اتفاق میافتاد که‌دولت‌یکدسته سرباز را بدون پرداخت جیره برای مدت نسبتاً طولانی مرخص میکرد و گـاهی فرماندهان اجازه میدادند سربازان صاحب حرفه سرخدمت حاضـرنشوند . در این صورت جیرهٔ نقدی و جنسی سربازان غایب را فرماندهان‌میگرفتند . ولی از لحاظ قانون و مقررات هر سربازی مادام‌العمر سرباز بود ومجبور بود تا آخرین سال عمر خدمت کندبااین ترتیب میان صفوف سربازان پیرمردانی که متجاوز از ۶۰ سال‌عمر داشتند پهلوی بچه‌های پانزده ساله دیده میشدند .

هیچوقت سربازان ایرانی‌جیره‌ای را که دولت موظف بود درحق آنان‌بپردازد دریافت نمیداشتند مگربرحسب تصادف ودرموارد غیرمترقبه . جیرهٔسربازدرخروج ازخزانهٔ دولت اززیردست سرتیپ وسرهنگ وسلطان ونایب ووکیل می گذشت و آنچه بدست ذینفع میرسیدبسیارناچیزبود . سرباز نیزبنوبهٔ خودکارخسته کننده‌ای نداشت درتابستان بعلت گرمی هوا ازتمرین عملیات نظامی معاف بـود ودرزمستان بعلت سردی هواکارنمیکرد . هنگامیکه برای پست پاسداری تعیین میشدتاوقتیکه پادگان درآن ناحیه اقامت داشت تغییر نمی‌یافت وبرای همیشه در آن پست بـاقی میماند وغالباً تمام شب بایستی انجام وظیفه کندولی درواقع هیچگونه مقرراتی وی را مجبورنمی‌کرد که تمام شب‌را سرپا در پست خود باشد بلکه براحتی می‌خفت و سپیده دم با خیال‌فارغ بیدارمیشد . اگرسربازصاحب حرفه بود بحرفهٔ خودمشغول میشدوازعایدات کارخود تحفه‌ای برای جلب حمایت رؤسای مافوق تهیه میدید. در غیراینصورت سربازنوکری‌وحمالی کرده ودرنتیجه بقدراستعدادخویش وضع نسبتاً مطلوبی برای خودآماده میساخت .

نباید ازنظردور داشت که این خرابی تشکیلات نظامی تاآغازقرن چهاردهم (قرن بیستم میلادی) باقی‌بود . پاولوویچ[۱] که درسال ۱۳۲۳ (۱۹۰۵ میلادی)افسر بریگاد روس درایران بودآنچه‌را که گوبینو درسال ۱۲۷۰ (۱۸۵٤ میلادی) راجع باوضاع نظامی کشورما نوشته بااین عبارات تائید میکند :

«عمل سربازگیری ومقررات مربوط بخدمت سربازی کاملاارادی و مستبدانه است‌سربازباید برای تمام عمرخدمت کند هیچ‌قانونی سن‌سربازانی‌را که‌بایدبخدمت احضارشوند تعیین نکرده‌است .

بهمین مناسبت‌است که درصفوف لشگریان ایران پیرمردان ۸۰ساله‌تا۹۰ساله درپهلوی جوانان ۱٦ ساله خدمت میکنند . بانداشتن محل سکونت وغذا سربازان ایران مجبورند درخارج مشاغلی‌ازقبیل دربانی خانه‌های اعیان ویابیگانگان‌متمول پیدا کنند .

عادت براین جاری‌است که دونفر سرباز یکی‌برای‌شب و دیگری برای روز اجیر کنند . سربازان تمام امورخانگی مثل بچه داری وآشپزی را انجام میدهند و غالباً درمیدانها دنبال کارعملگی میگردند ـ همچنین بشغل قصابی و عطاری و غیره مشغول هستندوبااین ترتیب‌بشغل نظامی‌اهانت واردآورده حرفۀ نظامی راشغل‌ثانوی وبی‌اهمیت تلقی میکنند .

کفش ولباس وسلاح سربازمرتب نبود تاوقتیکه سربازدرپادگان‌اقامت‌داشت زندگی وی نسبتاً قابل تحمل بودولی هنگامیکه برای‌عملیات میرفت وضع‌زندگی اوسخت میشد زیراکارپردازی وآذوقه وجود نداشت بطوریکه غالباً سربازان برای سد جوع مجبوربودند علف‌بخورند ـ معهذا ژنرال گاردن میگوید بااینکه‌سربازان ایرانی به تحمل این زندگانی پرزحمت محکوم بود بندرت صبروتحمل فوق‌العاده خودرا از دست میداد ـ سربازایرانی قوی‌بنیه وخوش هیکل بود . قناعت و اطاعت

1- Pavlowitch

انجام تعهد [۱] وتحمل خستگی‌ازخصائل سربازایرانی بشمارمیرود چنین سربازانی فقط احتیاج بمربی ورهبرخوب دارند.

کونت دوگوبینو نیز از تعریف و تمجید سربازان ایرانی کوتاهی نکرده و میگوید ذکاوت و جسارت سرباز ایرانی قابل تمجید است زیرا جای بسی تحسین است که انسان‌مشاهده کندا شخاصی که باایشان چنین رفتارمیشود درتحت‌سرپرستی افسرانی مانندخودپای‌برهنه‌باتفنگ بدون‌چخماق درجنك اخیرباسرنیزه بانگلیسها حمله کنند.

توپخانه نواقص قسمت توپخانه‌ازواحدهای‌دیگو کمترنبود. توپها که‌درشیراز ومشهدواصفهان‌ریخته‌شده‌بود بپادگانهای مرزی‌وشهرهافرستاده شده بدون‌مواظبت و تقریباً بی مصرف مانده بود.در تهیهٔ گلوله ها بهیچوجه دقت نمیشد و گلوله که معمولا باگوگرد وسنك ریزه مخلوط‌بود هنگام استفاده یا لولهٔ توپ را میترکانید ویا در حال خروج منفجرمیشد-نظر باینکه توپها کالیبرهای مختلف داشت مصرف گلوله‌مشکل‌بودودرعمل‌اشتباهاتی‌رخ‌میداد- گاوهم که‌برای کشیدن‌توپ‌بکارمیرفت حمل‌توپ‌را مشکل‌میکرد وحتی در بعضی قسمتهای کوهستانی غیرممکن میساخت.

تعداد نفرات توپخانه از ۸٤۰ نفر تجاوز نمیکرد وهیچیك از افراد توپخانه برای این کار تربیت نیافته بود.

دستهٔ زنبورك چیها را بایستی باین توپخانهٔ جدید اضافه کرد-زنبورك نوع توپ کوچکی بود که گلولهٔ آن درحدود دویست گرم وزن داشت وبرد آن ازبرد تفنك معمولی تجاوز نمیکرد این سلاح بوسیلهٔ پایه‌ای که تعبیه شده بود دور میزد

۱- دراینخصوص‌ژنرال گاردان‌میگوید: کنت‌دوویلسك **Le Comte de Willeseck** دروین **Vienne** بمن حکایت کرد که دریك رژه نظامی امپراطورژوزف‌دوم‌درحالیکه سربازی را نشان میداد گفت این سرباز یکنفرایرانی است که بوی‌سه‌سال مرخصی دادم برای دیدن خانوادهٔ خود باصفهان رفت ودرست درخاتمهٔ مرخصی مراجعت کرد وبدستهٔ خود پیوست

وتعداد آن به ۱۵۰۰ بالغ میگشت. زنبورك را بروی جهاز شتر سوار میکرد. زنبورکچی شتر را هدایت مینمود وزنبورك را پر کرده و آتش میکرد. همواره فتیلهٔ افروخته‌ای بکمر داشت که برای آتش زدن باروت بکار میرفت ـ این فتیله در طول کیسه‌های باروت و گلوله که به بغل شتر بارمیشد آویزان بودو غالباً حریق وحوادث ناگواری ایجاد میکرد ـ درموقع حرکت گاهی شتر بصدای توپ رم میکرد و مایهٔ تولیدخطر تازه‌ای میشد.

بحریه : درمیان واحدهای نظامی ایران همواره توجه کمتری به نیروی دریائی معطوف گردیده است.

در آغاز قرن سیزدهم چند کشتی کوچك که مأمور حفاظت کرانه‌های خلیج فارس بود بحریهٔ ایرانرا تشکیل میدادباید درنظرداشت که همین چند کشتی نیز بعلت اغتشاشات داخلی وموانع سیاسی خارجی ازمیان رفت وبرای حفاظت کرانه‌های دریای خزر دولت ایران هیچ نوع کشتی نداشت.

وضع ادارات مختلف نظام

وضع ادارات مختلف نظام رقت آور بود. ادارهٔ سررشته‌داری وجود نداشت و در نتیجه ارتش فاقد انبار مخازن و ذخیرهٔ جنگی بود ـ برای مصرف اسبان بجمع آوری علوفه توجه نمیشد وفقط کاه را ذخیره میکردندوسربازان تنها درفصل علوفه بعملیات میرفتند ـ چنان که گفتیم میان تمام افراد نظامی ایران فقط جان بازان و سربازان لباس متحدالشکل داشتند بقیهٔ سواران وپیاده ها لباس خودرا بدلخواه ازجیرهٔ خود تهیه میکردند.

سربازخانه ومریضخانه وجود نداشت سربازبیمارو یا زخمی وقتی وسیله‌ای برای معالجه پیدا نمیکرد سلاح خودرا میفروخت گاردان میگوید جراح نظامیان همان سلمانی معمولی بود که میتوانست فصد کند.

اگر وسایل لازم برای بهبود وضع واستراحت افراد نظامی وجود نداشت در عوض افراد و ملازمان فراوان که پادشاه و بزرگان فقط برای تفریح خودهنگام

اعزام‌نیرو همراه‌میبردند‌اسباب مزاحمت‌دیگران میشد.پادشاه‌وبزرگان میل‌داشتند هنگام‌اعزام‌نیرو‌همان تجملات‌درباری‌وزندگی‌شهری‌رادروسط‌اردوگاه‌آماده‌سازند- چادر شاه و بزرگان درواقع نمونهٔ تجمل فوق‌العاده بود - در تهیهٔ اشیاء و اسباب و اثاثیه‌ای که برای تفریحات آنان ضروری بود بهیچوجه چیزی فروگـذار نمیشد - گاردان میگوید ظروف ومبل واثاثیه وتمام اشیائیکه برای بلهوسی شاه واطرافیان وی ضروری است بارو‌بنهٔ عجیب وغریب را تشکیل میداد . هرنوکری برروی‌اسب خوددوکیسهٔ چرمی داشت که دریکی ازآنها قلیان و دردیگری ذغال میگذاشت- برای تهیه‌آتش ازمنقلی که برزین اسب آویزان بود استفاده میشد - بـا این وضع تعداد فوق‌العاده زیاد نفرات غیرنظامی تحمیل‌ارتش میشد وهیچگونه حرکت دسته جمعی ومتحدالشکلی انجام نمی گرفت .

فرامین معمولا دیر بمقصد میرسید و بطرزبـدی بموقع اجراگذاشته میشد. بطوریکه در عمل همه چیز تصادفـی بود و هیچکس قادر نبود این بی‌نظمی هـارا علاج کند .

فنون جنگی : چنانکه تعریف آن گذشت سرباز ایرانی‌جسوروقانع ومطیع وبا انضباط وخستگی ناپذیربود . ولی این صفات پسندیده نمیتوانست وسیلهٔ فتح و پیروزی گردد - ارتش‌ایران هیچگونه اطلاعی‌ازفنون مهندسی نداشت وبعلت‌ففدان صنف مهندس ازفنون سنگربندی واستحکامات بکلی بی‌خبربود .

استحکاماتیکه‌میساختند عبارت بود ازدیوارهای بلندگلی بابرجهای کنگره دار که بوسیلهٔ این دیوارها اطراف شهرهارا محصورمی کردند - اغلب‌شهرها بوسیلهٔ حفرخندقهاحمایت میشد - تاکتیك وفن‌جنگی عبارت بودازحرکات سریع‌بی‌نقشه درپیرامون واحدهای دشمن وهجوم ناگهانی باردوگاهها وبغنیمت بردن آذوقه و تغییرمجاری‌آبها برای جلوگیری ازاستفادهٔ‌آن وبالاخره پرکـردن چاهها وحمله بواحدهائیکه خستگی واحتیاج آنانرا ازپای درمیآورد .

سواره نظام‌مانند تمام سواران نامنظم‌ازانجام عملیات دسته جمعی‌ویکنواخت

بی‌اطلاع بود ـ تاکتیك سواره نظام عبارت بود ازحمله وفرار ـ با اینکه فرد فرد سواران ایرانی درفن سواری نهایت مهارت را داشتند وحرکات آنان برای تغییرمحل با سرعت فوق‌العاده‌ای انجام می‌یافت بازهم قادرنبودند واحدهای سوارنظامی‌را که بطرزاروپائی تعلیم وتربیت یافته بودند ازپا درآورده وبخطربیاندازند ـ درازدوگاه هرج ومرج کلی حکمفرمابود ـ اردوگاهها همیشه باز بود و هیچگونه‌مانعی‌برای جلوگیری ازحملات دشمن وجود نداشت وشب هنگام پستهای مقدم برای اطلاع‌از حرکات دشمن تعیین نمیشد.

طرزتشکیل شوری‌برای مطالعه وطرح نقشهٔ عملیات نظامی نهایت‌تعجب‌آور بـود.

نارسیس پرن[۱] در کتاب خود **La perse** دروصف این شوری میگوید:

«ممکن است تصورشود موقعیکه شاهزاده عباس میرزامیخواهد طرح‌جنگی را تهیه کند محرمانه باینکار اقدام میکند وتمام مسائلی کـه دراین شوری مطرح میشود کاملا سری است ـ در صورتیکه برعکس شاهزاده عباس میرزا بزرگـان و شاهزادگان ووزیران‌را برای بحث راجع بموضوع جمع میکنند ولی موضوع‌مورد بحث درشوری هرچه باشد وهراندازه مهم وسری باشد رسم کشورایجاب میکند که نوکران دائماً دم در وحتی درداخل اطاق بایستند در نتیجه دو ساعت بعد سربازی نیست که ازعملیات نظامی وسوق‌الجیشی که برطبق تصمیم بایستی محرمانه بمـاند بی‌اطلاع باشد.

باذکراین‌مطالب راجع‌بسازمان ارتش‌ایران دراوایل‌قرن سیزدهم که‌نمونه‌ای ازجامعهٔ ایرانرا تشکیل میداد ازیکطرف میتوان بوضع اجتماعی‌آنزمان پی‌برد‌واز طرف دیگرنتیجه گرفت که ازمدتها باینطرف تاکتیك نظامی ایران عوض‌نشده‌بود یکی ازعلل اساسی این وقفه و عدم تحول همان نقص تهیه و تربیت کادر است زیرا چنانکه دیدیم خان یك ایل بدون هیچ سابقه وبصیرت ازعملیات‌نظامی‌ازگله‌داری بفرماندهی عدهٔ خودمنصوب میشد وهمراهان‌وی نیز رؤسای مادون‌واحدهارا‌تشکیل

میدادند . صدراعظم که غالباً عهده‌دار فرماندهی کل قوا بود هیئت وزیران را تـرك گفته‌و برای هدایت عملیات نظامی بمیدان جنك میرفت .

بطوریکه‌ملاحظه می‌شودارتش‌ایران بانداشتن‌سازمان‌منظم ووضع یکنواخت وعدم توجه بتعلیمات کادروبی‌اطلاعی فرماندهی قوی‌ازفنون نظامی باطرزرقت باری اداره میشد باوجود این سپاهیان ایران مجبوربودند و توانستند قریب مدت ده سال برضددستجات باانضباط ارتش‌تزاری که تحت‌نظر فرماندهان وژنرالهای بصیرووزیده درفنون جنـگی تعلیم یافته بود بجنك ادامه دهند .

قسمت دوم

از آغاز جنگهای ایران و روس
تا معاهدهٔ گلستان

فصل اول

نخستین مراحل تیرگی روابط ایران وروس

---

۱ - **الحاق گرجستان**: فتحعلیشاه بآسانی توانست قدرت خودرادرداخلهٔ ایران مستقرسازد . ولی متاسفانه درعملیات بر ضد دولت روسیهٔ تزاری کـه همواره برای تسریع اضمحلال ایران پی فرصت میگشت توفیقی حاصل نکرد .

چنانکه دیدیم جنگ اول ایران وروس که بعلت انعقادمعاهدهٔ تحت الحمایگی میان هراکلیوس دوم والی گرجستان ودولت روسیه اتفاق افتاده بود بامرگ کاترین دوم وآغا محمدخان بدون انعقاد معاهدهٔ صلحی میان دوطرف خاتمه یافت .

سیاست ظاهری صلح طلبانهٔ **پل اول** امپراطورروسیه چندی عملیات تجاوزآمیز دولت تزاری را متوقف ساخت. ولی در دوران حکومت پل صلح طلب نیزدولت روسیه بیکارننشته بود زیرا درهمین زمان گرجستان که ازطرف دولت روسیه حمایت میشد اطاعت آن دولت را قبول کردوحتی چنانکه خواهیم دیدبفرمان پل اول رسما ضمیمهٔ امپراطوری روسیه گردید .

هراکلیوس درسال ۱۲۱۳ (۲۷۹۱) درگذشت وپسرش ژرژسیزدهم که درایران باسم گرگین خان مشهوربود جانشین وی گشت .

درآغازسلطنت فتحعلیشاه گرگین میخواست اززد و خورد با ایران اجتناب ورزد . لذا خودرا مطیع دربارایران خواند ولی وقتی فتحعلیشاه بوی دستوردادپسر ارشدخودرا بعنوان گروگان بتهران بفرستد متمایل بدربارروسیه گشت . دراینموقع بنمایندهٔ پل اول درگرجستان دستورداده شد که ازنفوذ خود برای عقد معاهده‌ای استفاده نماید .

ژرژ سیزدهم که بمناسبت ولخرجی ونداشتن عایدات کافی احتیاج به پول داشت مبالغ زیادی از دولت روسیه قرض کرده ومتعهد شده بود که در صورت عدم پرداخت قرضه درموعد معین شهرتفلیس را بآن دولت واگذارنماید . نظر باینکه ژرژسیزدهم نتوانست قرض خود را بموقع بپردازد شهر تفلیس بوسیلهٔ قوای روس اشغال شد وژنرال تسی‌تسی یانف[1] بحکومت گرجستان منصوب گشت وبنابدستور دولت روسیه اعیان شهر وخانوادهٔ ژرژسیزدهم را به‌سن‌پطرزبرگ فرستاد ودرتاریخ نهم جمادی الاول ۱۲۱۵ مطابق با ۲۸ سپتامبر ۱۸۰۰ معاهده‌ای میان دولت روسیه و ژرژ سیزدهم بامضاء رسید . مطابق مواد این معاهده ژرژ سیزدهم بنام خود و بنام جانشینانش بنفع امپراطور روسیه ازحکومت گرجستان دست کشید . سپس پل‌اول امپراطور روسیه نیز عنوان تزار گرجستان برخود نهاد و پسر ژرژ سیزدهم بسمت نایب‌السلطنه شناخته شد .

این عمل دولت روسیه ورفتارژرژ سیزدهم باعث ایجاد خشم واعتراض سخت اعیان گرجستان شد . برادران ژرژ سیزدهم که ازاین تصمیم متنفربودند گرجستان را ترك گفتند . شاهزاده آلکساندر (درایران باسم اسکندر میرزا معروفست) برادر جوان ژرژ سیزدهم نهایت خشمگین و متأثر بود از اینکه خانوادهٔ پدرش بدون هیچگونه‌عکس‌العملی‌ازحکومت گرجستان دست برمیدارد. این شاهزاده‌سعی‌داشت بلکه زمینهٔ یك‌انقلاب عمومی‌را فراهم سازد ولی رؤسای نواحی عدم کامیابی‌درچنین انقلابی رابدون کمك مسلح دولتین ایران وعثمانی پیش‌بینی میکردند . بنابراین شاهزاده آلکساندرسعی میکرد بلکه ازدو کشورنامبرده بنفع خود استمداد کند ـ متأسفانه‌دولت عثمانی بامشغلهٔ زیادی که‌داشت نمیتوانست بتقاضای آلکساندر جواب مثبت بدهد . درایران نیزفتحعلیشاه که گرفتار امور داخلی بود قادربجلب رضایت آلکساندر نبود . باوجود این رؤسای قره‌باغ وسایر نواحی قفقاز برای تهیهٔ نهضتی بمنظورمقابله واخراج روسهاازرمین اجدادی باآلکساندر وعدهٔ مساعدت دادند ولی

---

1 – Tsitsianoff

بزودی حکومت تفلیس از اقدامات و نقشه های آلکساندر اطلاع یافت و تدابیر لازم برای دفع وی اتخاذ نمود ـ ژنرال کولیسکوف[1] ولازاروف [2] بادوهنك از سپاهیان روس درسواحل رود کر قوای الکساندررا بسختی درهم شکستند و کسان وهمراهان وی را متفرق ساختند وازاقدام میهن پرستان قفقازجلوگیری کردند .

ژرژسیزدهم در۱۱شعبان ۱۲۱۵مطابق با۲۸دسامبر۱۸۰۰ درتفلیس در گذشت وپسرش داوید رسماً نایب‌السلطنهٔ گرجستان شد ولی دولت روسیه مدلول معاهده‌ای را که خود قبول وامضاءِ کرده بود محترم نشمرد وامپراطورپل اول باصدور فرمانی درتاریخ ۱۸ ژانویه ۱۸۰۱ مطابق ۳ رمضان ۱۲۱۵ الحاق گرجستان را بروسیه‌رسماً اعلام نمود .

بدین ترتیب گرجستان ضمیمهٔ امپراطوری روسیه شد ورابطهٔ خودرا باایران قطع کرد . پس از شکست شاهزاده الکساندر سپاهیان روس در ماه دسامبر ۱۸۰۲ رمضان۱۲۱۸ بشهر گنجه[3] تاختند واز آنجا ژنرال تسی‌تسی یانف دردورهٔ سلطنت امپراطور آلکساندراول مأموریت یافت بسمت ایروان پیشروی نماید .

1– **Kuliskoff**
2– **Lazaroff**
3– **Elisabethpool**

۲ ـ اشغال گنجه و از بین بردن آثار و تأسیسات ملی و تعمیم نفوذ روس در نواحی اشغالی

گفتیم که بامرگ کاترین دوم و آغامحمدخان جنگ ایران و روس بدون انعقاد معاهده‌ای خاتمه پذیرفت. همچنین اشاره کردیم که باسیاست صلح‌طلبانهٔ ظاهری پل اول چندی درعملیات مهاجمین روس وقفه حاصل شد وفتحعلیشاه ازاین فرصت استفاده کرده آرامش را درداخلهٔ ایران برقرار ساخت ومدعیان خودرا از میان برداشت.

قتل پل اول درشب اول ماه مارس ۱۸۰۱ (۱۵ شوال ۱۲۱۵) بسیاست صلح ـ طلبانهٔ موهوم امپراطورروسیه نسبت بایران خاتمه داد وسیاستی که بوسیلهٔ پطر کبیر طرح وتهیه شده بود باجلوس الکساندر اول تجدید شد. پس از چند ماه امپراطور روسیه بانشراعلامیهٔ مورخ ۱۲ سپتامبر ۱۸۰۱ مطابق ٤ جمادی‌الاول ۱۲۱٦ تاج و تخت گرجستانرا که‌درزمان پل‌اول ازطرف ژرژسیزدهم درتاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۸۰۰ (۹ جمادی‌لااول ۱۲۱۵) بدولت روسیه واگذار شده بود قبول کرد. از این تاریخ روسها بایك اسلوب اساسی وقاعدهٔ صحیح به محوسازمانهای ملی مبادرت ورزیده زبان گرجی را درمدارس ودادگاهها وادارات قدغن کردند وحتی روحانیون نیز در مقابل اشغالگران روسی آزادی وتأمین نداشتند.

دولت‌روسیه باالحاق گرجستان که‌قرنها جزءامپراطوری‌ایران‌بودلطمهٔ‌شدیدی به حیثیت‌این دولت‌وارد ساخت ولی‌جنگهای‌ایران‌وروس‌بدون اعلان‌رسمی‌باحرکت ژنرال تسی‌تسی یانف بطرف ایروان آغازشد.

چنانکه گفتیم‌ژنرال تسی‌تسی‌یانف بامهارت نظامی که داشت درتاریخ ۱۸۰۱ (۱۲۱٦)بفرماندهی کل‌قوای روس درقفقازمنصوب‌شدودرتفیلیس اقامت گزید.ژنرال روسی که ازنژاد گرجی بوداطلاعات کامل وصحیحی ازناحیهٔ قفقازداشت وی بخوبی

متوجه‌بود که نگهداری گرجستان که تنها ارتباط آن باروسیه ازراه معبرداریال‌است کارآسانی نیست ودرموقع‌مناسب ازروسیه منتزع خواهدشد . بنابراین فرمانده کل قوای روس‌ارتباط ازراه‌دریاراعامل‌مؤثربرای تقویت ومحافظت فتوحات جدیددولت روسیه میدانست. کرانه‌های دریای سیاه دردست باب عالی‌بود وبرای دست یافتن‌باین ناحیه دولت روسیه ناچاربود بادولت عثمانی وارد جنك شود بنابراین تسی‌تسی‌یانف توجه خودرا بسمت دریای خزر معطوف کرد .

برای اجرای نقشهٔ خود فرماندهی روس شروع بدست‌اندازی واشغال نواحی شمالغربی ایران نمود وبه‌بهانهٔ اینکه حکومت گنجه در زمان هراکلیوس مالیات خودرا بگرجستان‌میپرداخت تقاضای پرداخت مالیات نمودوبعلت وصول پاسخ‌منفی حاکم‌شهر، تسی‌تسی‌یانف دردسامبر ۱۸۰۳ (رمضان ۱۲۱۸) بطرف گنجه حرکت کرده‌شهررا اشغال‌وبنام‌الیزابت‌پول[1] اسم‌روسی‌ضمیمهٔ گرجستان‌ساخت.روسهابطرز فجیعی مقاومت کنندگانرا تنبیه کردندوبکشتارعمومی مبادرت ورزیدندبطوریکه اطفال وزنان نیزازاین رفتاروحشیانهٔ سربازان تزاردرامان نبودند .

پس ازاشغال گنجه فرمانده قوای روس بسمت ایروان متوجه شد حاکم این شهربرای اغفال‌دشمن وایجاد تشتت درمیان‌قوای مهاجم وعده داده بود شهررا بدون مقاومت تسلیم کند .

درمقابل این‌حوادث دولت ایران مضطرب‌شدوفتحعلیشاه بمنظورنزدیك‌شدن بصحنهٔ عملیات پایتخت‌را ترك کرد . بشاهزاده عباس میرزا دستور داده شد جنك را شروع‌وبسمت‌ایروان حرکت کند . (ذیحجه۱۲۱۸)

یکبار دیگر پس ازشش‌سال متارکه، دولتین ایران وروس بجنك مبادرت میکردند جنگی که درحدود ده‌سال بطول انجامیدوباامضای معاهدهٔ ننگین گلستان موقتاً خاتمه پذیرفت .

برای روشن شدن موضوع ماشرح عملیات جنگی‌را بسه مرحلهٔ مشخص که باسیاستهای‌اروپائی وآسیائی‌دولت امپراطوری روس تطبیق میکند تقسیم کرده‌ایم.

---

1 - Elisabethpool

۱ ـ مرحلهٔ اول از۱۲۱۸ (۱۸۰۳) تا امضای معاهدهٔ تیلسیت[1] جمادی‌الاول ۱۲۲۲ (ژوئیهٔ ۱۸۰۷) .

۲ ـ مرحلهٔ دوم از تیلسیت تاانعقاد معاهدهٔ بخارست ۱۲۲۷ (۱۸۱۲)

۳ـ مرحلهٔ سوم از انعقاد معاهدهٔ بخارست تا انعقاد معاهـدهٔ گلستان ذیقعدهٔ ۱۲۲۸ (اکتبر ۱۸۱۳)

---

1 - Tilsit

فصل دوم

مرحلهٔ اول جنگهای ایران وروس

از ۱۲۱۸ (۱۸۰۴) تا امضای معاهدهٔ تیلسیت
جمادی اول ۱۲۲۲ ژوئیه ۱۸۰۷

پس از تصرف گنجه دستجات سپاهیان روس درسمت ایروان پیشروی کرده ودر اوچ کلیسا مقر خلیفهٔ ارامنه باعباس میرزا که خود را برای اخذ تماس آماده کرده بود مواجه شدند اواخر ۱۲۱۸ (۱۸۰٤).

پس ازجنك خونین اوچ کلیسا قوای روس شکست خورد و عقب نشینی کرد وبمحاصرهٔ شهر ایروان مبادرت ورزید. ساکنین وسپاهیان باشجاعت فوق العاده‌ای از شهر وقلعهٔ ایروان دفاع کردند ومدت یکسال سپاهیان ایران درزیر بمباران آتشبارهای دشمن رنج وزحمت فراوان متحمل شده ودلیرانه پایداری کردند. پس ازدو خوردهای خونین بالاخره ایرانیان موفق شدند از رسیدن مهمات و آذوقه باردوگاه قوای روس جلوگیری کنند. ژنرال تسی تسی یانف ناچار ازمحاصرهٔ ایروان دست برداشت و عقب نشست بدین ترتیب دفاع وحفاظت ایروان برای مدت کوتاهی بدست سپاهیان ایران تأمین شد (شعبان ۱۲۱۹) (نوامبر ۱۸۰٤) سواران چابك ایران سپاهیان روسی را تعقیب کردند تابالاخره قوای روس باتحمل مشقات ودادن تلفات سنگین بسمت تفلیس عقب نشست تاباتجدید سازمان وقوای خودرا برای نبردهای بعدی آماده سازد.

این عقب نشینی تسی تسی یانف نتایج نامطلوبی در گرجستان ایجاد کرد خوانین دربند وباکو وقره باغ وشیروان فرصت رابرای قیام مسلحانه مناسب یافتند زیرادر این موقع مقاصد ونظریات خصمانهٔ باب عالی نیز برضد دولت روسیه تزاری علنی شده

بود . بارسیدن فصل بدنیروهای درطرف درقرارگاه‌زمستانی خود تا ۱۲۱۹(۱۸۰۵) مستقر گردید ودرمدت چهارماه عملیات متوقف شد. ازوقایع مهم نظامی‌سال۱۲۱۹ (۱۸۰۵) پیاده شدن سربازان نیروی دریائی دولت روسیه در کرانه‌های گیلان‌است . روسها تصمیم داشتند بااشغال بندر انزلی پایتخت ایرانرا تهدید کـنند . ولـی فرمانده سپاهیان روس اشکالاتی راکه این اقدام ممکن بود دربرداشته باشدمطالعه نکرده بود ودرآغاز سال ۱۲۱۹ (۱۸۰۵) یکدسته زنیروی دریائی روس مرکب از ۱۲ کشتی‌درتحت فرماندهی ژنرال‌شفت[1] دربندر کوچك‌انزلی که‌به‌مدخل‌مرداب انزلی‌مسلط بود پیاده‌شد ـ فرمانده نیروی‌دریائی دولت‌روس درنظرداشت که از آنجا بطرف رشت پیشروی کند. طول مرداب انزلی درحدود۲۰ کیلومتربودوعمق‌قسمتی ازاین فاصله بعلت‌رسوبات شن باندازه‌ای کم بود که فقط کشتی‌های کوچك سبك و کم ظرفیت‌میتوانستند دراین فاصله حرکت کنند.فرمانده قوای‌روسی مصمم گردید نفرات خودرا درساحل مرداب حرکت دهـد . خط سیر سپاهیان روس دراین نقطه باطلاقی فوق‌العاده‌سخت و گل‌آلود ومستورازجنگلهای انبوه بود . درداخلهٔ‌جنگل بدستورموسی لاهیجی فرمانده قوای ایران که از کمك گیلك‌ها نیزاستفاده میکرد طرف دشمن شلیك شد .

بااین حمله غیرمنتظره سربازان روسی مضطرب ومتوحش شدندوناچاربسمت انزلی عقب‌نشینی کردند وازآنجا بطرف باکو گریختند . درجبهه شمالغربی نظر باینکه پیش‌بینی‌میشد ممکن‌است نیروی دریائی شکست خوردهٔ روس بباکومتوجه گردد واین‌شهررا مورد تهدید قراردهد بدستور عباس میرزا قوای امدادی بـرای تقویت پادگان این شهر فرستاده شده بود .

پس‌ازشکست انزلی نیروی دریائی‌روس بباکوحمله کرد . مستحفظین‌بندردر برابر حملات اولیهٔ دشمن مقاومت بخرج دادند ولی بالاخره روسها موفق گردیدند درمقابل قلعه پیاده شده وباکمك توپخانه تلفات سنگین بمدافعین‌قلعه واردآوردند .

1- Sheft

عباس میرزا برای ایجاد تشتت درقوای دشمن مصمم شد ازسمت اردبیل بعقب داران سپاهیان روس حمله کند . ژنرال روسی جهت اجتناب ازمحاصره باحسینقلی خان حاکم باکووارد مذاکره شد . حاکم باکوبرای گستردن دامی برضدتسی تسی یانف پیشنهادات ویرا قبول کردوبرای مذاکره ژنرال روسی را بملاقات دعوت نمود ودرجریان مذاکرات تسی تسی یانف بدست ابراهیم خان پسرعموی حسینقلی خان کشته شد (ذیقعدۀ ۱۲۲۰ ژانویه ۱۸۰۶) پس ازمرگ ژنرال روسی فرماندهی سپاهیان قفقاز به ژنرال گودوویچ[1] تفویض گردید .

درسال ۱۲۲۱ (۱۸۰۶) پیشرفتهای مختلفی درایالات شمالغربی ایران ودرطول کرانه‌های رود ارس نصیب روسها شد وبالاخره دولت روسیه شهرهای دربندوباکو وشیروان وشکی را بتصرف درآورد ولی روسها بعلت فتوحات مشعشع ناپلئون اول ازجبهۀ اروپا نگران بودندوبمناسبت شکستهائی که دراسترلیتز[2] وسپس درایلو[3] نصیب آنان گردیده بودمیخواستند درجبهۀ مشرق وقت بگذرانند .

برای اطلاع ازوضع عمومی اروپا درمقابل فتوحات وسیاست ناپلئون ، لازم بود در فصل جداگانه ای از روابط دول معظم اروپائی و اتحادیه این دولتها بر ضد ناپلئون ونقشی که بخصوص روسیۀ تزاری دراین سیاستها بازی میکرد بحث کنیم .

---

1 - Goudowitch
2 - Osterlitz
3 - Eylau

۲ - اوضاع اروپا و روسیه در برابر فتوحات ناپلئون

ناپلئون کنسول اول در سال ۱۲۱۹ (۱۸۰٤) امپراطور فرانسه شد وی از سال ۱۲۱۷ (۱۸۰۲) یك سیاست صلح مسلط و توأم بافشار را درسویس و آلمان و ایتالیا تعقیب میکرد. اجرای این سیاست ازطرف ناپلئون دول معظم اروپا را سخت درتشویش واضطراب انداخته بود.

دولت انگلستان درسایهٔ صلح صنعت خود را بسط و ترقی داده و مخصوصاً مصمم بود تفوق بحری خودرا که شرط اساسی توسعهٔ تجارتی بشمار میرود درد ریای مدیترانه تامین ومحفوظ دارد زیرا دولت بریطانیای کبیر کاملا متوجه بود که پیشرفت اقتصادی فرانسه آتیهٔ تجارتی انگلستان را جداً مورد تهدید قرار خواهد داد.

آلکساندر اول مغرور وازخود راضی، خودنما وجاه طلب، برای تظاهر وعوام فریبی وتهیهٔ وجههٔ ملی ذوق گزاف گوئی و آزادی خواهی و بشردوستی رادرسیاست خارجی وارد کرده بود. بناپارت ازهمان آغاز کاردرنظروی یکنفر رقیب جدی مجسم شده بود.

بتدریج که امپراطور دراین فکرخودستائی غوطه ور میگشت خودرا فرستادهٔ خدا ومسیح تازه‌ای تصور کرده و بدون تکلف این الهام وارشاد یزدانی را بمیل واراده‌ای که جهت حفظ وتوسعهٔ ارث اجدادی خودداشت می آمیخت. این تصویر وتفسیر روحیهٔ آلکساندر بخوبی نشان میدهد بچه علت امپراطور، بسیار مایل بود دراروپا نقش میانچی بازی کند تا بتواند بتقلید ازسیاست جد خود کاترین دوم بمشرق مسلط شود وامپراطوری های ایران وعثمانی را درتحت فرمان خود درآورد. بهمین مناسبت رد وساطت دولت روسیه ازطرف رئیس ملت انقلابی درمورد اختلاف میان دولتین انگلستان وفرانسه آلکساندر را عصبانی کرد.

مخصوصاً سیاست ارضی واستعماری که الکساندر درمشرق تعقیب میکرد وی را برضد بناپارت فاتح مصر برانگیخت. آلکساندر میدانست که اگر بناپارت در آلمان

مستقرشود راه اسلامبول برای وی باز خواهد بود . آلکساندر هیچگاه تصور نکرد اروپارا باناپلئون تقسیم کند مگربااین امید که درموقع فرصت ازوی بازستاند. بااین ترتیب دولت روسیه زمینهٔ موافقی برای نزدیکی باسایر دول پیدا کرد ووقتی امپراطور خودرادر رأس مخالفین خارجی ناپلئون اول قرارداد نقش فعالـی درتشکیل سومین اتحادیهٔ اروپا (ازآغازانقلاب باینطرف) برضد ناپلئون بازی کرد .

وحشت ونگرانیهای روسیه وانگلستان درمقابل ناپلئون موجب شروع مذاکره میان دودولت شد . درسالهای ۱۲۱۹ و ۱۲۲۰ (۱۸۰۵ـ۱۸۰٤) تزار آلکساندر اول معاهدهٔ اتحادی باپیت[1] امضاء کرد .بموجب این معاهده بایستی حدود کشورفرانسه بحدود قدیمی خود برگشته واین کشورازدول کوچی محصور گرددتانتواند ازحدود خود تجاوز کند . این مذاکرات مشکل بود وبطول میانجامید تابالاخره وقتی ناپلئون خودراپادشاه ایتالیاخواند دولتین روسیه وانگلستان تصمیم گرفتندقراردادسن پطرزبرك رادرتاریخ ۱۱ آوریل ۱۸۰۵ (۱۱ محرم ۱۲۲۰)امضاء کنند.باصدورفرمان اشغال وانضمام ژن ازطرف ناپلئون بامپراطوری فرانسه بالاخره امیدهر گونه اصلاح قطع شدواتحاد دولتین انگلیس وروس درماه ژوئیهٔ همین سال بامضاء رسید دولت‌های ناپل وسوئدو اطریش نیزباین اتحادیه پیوستندومخاصمات درماه اوت ۱۸۰۵ آغازشد .

مشعشع ترین دوران فتوحات ناپلئون دوماه طول کشید. تسلیم لشکریان اطریش درباویر[2] درحوالی اولم[3] در۲۰ اکتبر ۱۸۰۵ شکست روسها و اطریشی هـا در استرلیتز[4] درماه دسامبر اطریشی هارا مجبور کرد که معاهدهٔ پرسبورك[5] رادر ۲٦ دسامبر ۱۸۰۵ امضاء کنند وقوای روسیه را ناچار ساخت که بطرف لهستان عقب نشینی نمایند .

فتوحات استرلیتزپروازمجددی بافکاربلندناپلئون داد. ژوزف بناپارت[6] برادر

1- Pitt
2 - Baviere
3 - Ulm
4 - Austerlitz
5 - Presbourg
6 - Joseph . Bonaparte

ارشدامپراطور پادشاه ناپل‌شد. جمهوری باتاو[۱] بعنوان‌پادشاهی‌هلندبه‌لوئی‌بناپارت برادر کوچك‌ناپلئون‌تفویض گردیدوبالاخره‌درژانویه۱۸۰۶ (ذیقعدهٔ ۱۲۲۰)بناپارت ایجاد اتحادیهٔ جدیدی را بنام اتحادیهٔ رن[۲] که حمایت آن بعهدهٔ بناپارت بود پیشنهادنمود. در مقابل‌این موفقیت‌های جدید ناپلئون دولتین‌انگلستان و روس سعی کردند برای ایجاد یك آرامش عمومی باب مذاکرات را بادولت فرانسه باز کنند.

درانگلستان پیت پرمدعی وپرتوقع درژانویهٔ ۱۸۰۶ در گذشت و فوکس[۳] جانشین وی گشت. رئیس الوزرای جدید انگلستان با تالیران[٤] داخل‌مذاکره شد دربارهٔ مسائل مربوط بقارهٔ اروپاموافقت بسهولت بدست‌آمدولی مسائل‌مربوط‌بشرق مانع ازپیشرفت مقدمات صلح بود.

انگلیسهاجزایرمالت[٥]وسیسیل[٦]راتصاحب کردند.وروسهاجزایرایونین[۷] وکاتارو[۸] رادردریای‌آدریاتیك اشغال نموده بودند.

هردو دولت مقتدر مصمم بودند بامحافظت این نقاط مانع‌راه مشرق گردند. ناپلئون‌بنوبهٔ خود میخواست اینراه را که یگانه‌وسیله برای نیل‌بهدف‌اصلی‌وسیاست دائمی وی بود بهرقیمتی باشد بازنماید.

مسئلهٔهانور[۹] باعث تشکیل اتحادیهٔ چهارم شد وپروس نیز درصف دشمنان ناپلئون قـرار گرفت. جنك برضد اتحادیهٔ چهارم در دو جبهه آغـاز شد یکی در

---

1 - Batavc
2 - Rhin
3 - Fox
4 - Talleyrand
5 - Malte
6 - Ciciie
7 - Ioniennes
8 - Cattaro
9 - Hanovre

تورینگ (۱) برضد پروسی ها که بافتوحات درخشان اینا(۲) و اورستاد (۳) مشهور است(اکتبر ۱۸۰۶) شعبان ۱۲۲۰ ـ دیگری درلهستان برضد روسها که شش ماه بطول انجامید وبا فتوحات درخشان ایلو(٤) وفریدلاند (٥) خاتمه پذیرفت ژوئیه ـ دسامبر ۱۸۰۶

اروپا و روسیه درچنین وضعی قرارداشت وقتی که در جبهۀ مشرق مارشال گودوویچ (٦) جانشین تسی‌تسی‌یانف تصمیم گرفت معاهدۀ صلح ویاقرارداد متارکه بادولت‌ایران امضاء کند. بدین‌مناسبت چند روزپس‌ازخبرفتح بزرك ایلواستیفانو(۷) نمایندۀ مارشال گودوویچ که حامل پیشنهاد صلحی ازطرف دولت خود بود بدربار تهران رسید . ولی چون دولت ایران خواستار تخلیۀ تمام نواحی اشغالی از طرف سپاهیان روس بود نمایندۀ دولت روس درمأموریت خود توفیق نیافت . بااین رفتار فتحعلیشاه در واقع وقت میگذرانید زیرا وی در این موقع با دولت انگلستان مذاکرات جدی آغاز کرده و با دولت فرانسه برای انعقاد معاهدۀ اتحادی اقدام نموده بود .

---

1 - Thuringe
2 - Iéna
3 - Aurestaed
4 - Eylau
5 - Friedland
6 - Goudowitch
7 - Istifanow

۳- مذاکرات فتحعلیشاه با دولتین انگلستان و فرانسه

رقابت انگلیس و فرانسه در ایران

موقع جغرافیائی ایران که در مشرق مانند سدی درمقابل جاه طلبی‌های دولتین انگلستان وروس قرار گرفته بودتوجه دول مقتدر اروپائی رابطرف این کشورمعطوف ساخت.نقشی را که باید دولت ایران بدستور بیگانگان دراین مرحله بازی کندباعث تحریکات دولتهای معظم اروپائی در تهران گردیدو دربار ایران بصحنهٔ نمایشات رقت‌انگیز سیاسی تبدیل یافت که‌بالاخره بضرر کشورخاتمه پذیرفت.

الف- مذاکرات بادولت انگلستان

در اواخر قرن‌هیجدهم دولت هند درزمان‌حکومت مارکی ولزلی[۱] تصمیم گرفت بادولت ایران تماس حاصل کند.

بعلت تجاوز متعدد زمان شاه کابل بسر حدات شمالغربی هندوستان توجه ولزلی بطرف‌ایران معطوف‌شد. تیپوصاحب که‌قصدداشت‌با کمك فرانسویان‌انگلیسی هارا ازهند بیرون کند بـاولزلی درجنك بود . تیپوصاحب در ضمن زمانشاه‌را برای شغال پنجاب تحریص وتحریك میکرد .

ولزلی به مهدی علیخان ایرانی که تابعیت انگلستان‌را قبول کرده و نمایندهٔ کمپانی هند دربوشهربود دستورداد بدربارایران آمده وفتحعلیشاه‌را بلشکر کشی‌بر ضد زمانشاه وادار کند . دولت هندوستان با اجرای این سیاست درنظر داشت‌باایجاد گرفتاری در سرحـدات غربی افغانستان از دست اندازی زمانشاه بخاك هندوستان جلو گیری نماید . مأموریت نمایندهٔ ولزلی باموفقیت کامل انجام پذیرفت وچنانکه دیدیم فتحعلی شاه درسال ۱۲۱٤ (۱۸۰۰) بخراسان لشکر کشید ومتوجه سرحدات

1 – Wellesly

افغانستان گشت. زمانشاه برای مقابلهٔ با فتحعلیشاه سپاهیان خود را از سرحدات هندوستان احظار کرد ولی در مقابل لشکریان ایران تاب مقاومت نیاورده و از قندهار بهرات گریخت از این لشکر کشی فتحعلیشاه هیچ نفعی عاید دولت ایران نگردید درصورتیکه کمپانی هند نتایج بسیار خوبی از این اقدام بدست آورد زیرا درنتیجهٔ احضار سپاهیان افغانی از سرحدات هندوستان کشور هند از خطر تهدید افغان نجات یافت.

در این موقع احساسات ضد فرانسوی در هندوستان شدت یافته و پیشرفت های ناپلئون مخصوصاً باعث ناراحتی خیال لرد ولزلی شده بود زیرا درنقشهٔ سیاست جهانی ناپلئون کشور ایران وسیله‌ای برای اشغال هندوستان منظور گشته و مطالعهٔ این طرح درسال ۱۸۰۰ (۱۲۱٤) پایان یافته بود. درهمین سال ازطرف پل اول[1] و کنسول اول قزاقها مأموریت داشتند بطرف ایران حرکت کنند ولی قتل تزار مانع انجام عملیات گردید.

مهدی علیخان درمراجعت از تهران با کاپیتن مالکولم[2] که برای اولین مأموریت خود درساحل ایران دربوشهر پیاده شده بود ملاقات کرد. با درنظر گرفتن دستورات لرد ولزلی مالکولم اولین هیئت نمایندگی دولت انگلیس درایران در زمان سلطنت شارل دوم مأموریت داشت که دربرابر خیالبافیهای فتحعلیشاه اظهار تملق کرده و مخصوصاً سیاست ضد افاغنه را درایران تقویت کند بعلاوه مالکولم موظف بود تعهداتی برضد فعالیت فرانسویان درایران ازشاه بگیرد.

باجلب تمایل درباریان بوسیلهٔ هدایای قیمتی وپول مالکولم موفق شد یك معاهدهٔ تجارتی وسیاسی منعقد کند. مساعدت حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله صدراعظم فتحعلیشاه در انجام این امر فوق‌العاده مفید واقع شد. مطابق مواد این معاهده دولت ایران تعهد میکرد درصورتیکه امیرافغان از فکر تصرف هندوستان منصرف نگردد باامیرمزبور صلح نکند درمقابل، نمایندهٔ بریطانیای کبیر قبول میکرد اگر

---

1 – Paul 1
2- Malcolm

چنانکه کشور ایران مورد حملهٔ افاغنه ویا دولت فرانسه قرار گیرد اسلحه‌و مهمات لازم بدولت ایران تحویل دهد این معاهده با تشریک فرمان سلطنتی در تاریخ ۱۲ شعبان ۱۲۱۵ (۲۷ ژانویهٔ (۱۸۰۱) تأیید شد(۱)

دراین فرمان به حکام وصاحبمنصبان و مأمورین بنادرو گمرک ایالات فارس و خوزستان دستورداده شد بمنظورایجاد مزاحمت برضد فرانسویانی که میخواهند وارد ایران گردند تصمیماتی اتخاذ کنند. وهمچنین تأکید شد فرانسویانی را که مایلند دربنادر ویاسرحدات ایران اقامت کنند اخراج نمایند. درنامه‌ای بتاریخ ۲۰ فوریه ۱۸۰۱ (٦ شوال ۱۲۱۵) مالکولم به لردولزلی کامیابیهای دیپلماسی خودرا شرح داده ومتذکرمیگردد که‌هدف تجارتی مأموریت‌وی باموفقیت انجام یافته‌است راجع بقسمت سیاسی مأموریت خود میگوید. مواد ۵ و٦ معاهده که مربوط است بسیاست ضدافغان وفرانسه وازطرف دولت ایران بموقع اجرا گذارده خواهد شد باندازه‌ای صریح وواضح است که جای هیچگونه شك وتردیدی باقی نمیگذارد.

کمی پس ازمراجعت‌مالکولم حاج ابراهیم‌خان اعتمادالدوله‌متهم‌بخیانت‌شده ودرتهران بقتل رسید.

بااینکه‌اولین‌مأموریت‌مالکولم‌باتوفیق کامل‌انجام یافت‌سایکس(۲) وراولنسن(۳) اظهارتأسف میکنند ازاینکه این مأموریت ایرانیان را از موقع جغرافیائی کشور خود ونقشی را که میتوانند درآینده بازی کنند مطلع گردانیده وآنانرا با این سیاست آشنا ساخت. در جواب هیئت نمایندگی دولت هند که باتشریفات بسیار بایران آمده‌بود فتحعلی‌شاه‌درسال ۱۲۱۷(۱۸۰۲) حاج‌خلیل‌خان‌را بعنوان‌نمایندگی دولت ایران مأمور هند ساخت. در بین راه‌در نتیجهٔ‌نزاعی که میان همراهان نمایندهٔ

---

۱ – نامهٔ ۲۰ فوریه ۱۸۰۱ مالکولم به‌ولزلی London .P.R. O.P.Fo.60 . TI.

2 – Sykes

3 – Raw linson

ایران وسربازان هندی‌مأمور اسکورت حاج خلیل خان رخ داد نماینده ایران‌بقتل رسید .

در جریان سال ۱۲۲۰ (۱۸۰۵) درنتیجهٔ تعرض و فشار سپاهیان دولت روس میرزا بزرك [۱] وزیرعباس‌میرزابوسیلهٔ سرهارفورد جونس [۲] نمایندهٔ سیاسی‌دولت انگلستان دربغداد کمك بریطانیارا نسبت بایران تقاضا کرد سرهارفوردجونس [۳] درتاریخ ۱۹ اکتبر۱۸۰۵ (۲۵ رمضان ۱۲۲۰) درپاسخ نامهٔ میرزا بزرك اطلاع داد که‌وی‌دولت‌بریطانیای کبیررا ازمفاد نامهٔ نمایندهٔ دولت ایران‌مستحضرساخته است . ضمناً چون ازورود ژوبر [٤] بدربارایران اطلاع یافت تذکرداد که فرانسویان تنها بمنظورخلل وارد کردن‌بدوستی‌موجود میان‌پادشاه ایران‌وانگلستان بایران آمده‌اند زیرا کمك دولت فرانسه بایران امکان پذیر نیست برای کمك بایران دولت فرانسه ناچاراست ازخاك آلمان ومتصرفات عثمانی وروسیه عبور کند ازطرف دریانیزدولت فرانسه نمیتواند هیچگونه کمك دریائی بایران‌بفرستد .

بااین ترتیب دولت فرانسه بوعدهٔ خود وفانکرده وبالاخره دولت ایرانرابحال خود رها خواهد کرد [٥]

درجریان سال ۱۲۲۰ فتحعلیشاه که ازتجاوزات دولت روس سخت مضطرب بود مجدداً هیئتی بریاست محمدنبی خان برای دریافت کمك دولت انگلستان بـه هندوستان اعزام داشت ولی اقدامات نمایندهٔ دولت ایران هیچگونه نتیجه‌ای نداد و فتحعلیشاه درفرمانی که درماه ربیع‌الاول۱۲۲۱ (مه۱۸۰٦) بنمایندهٔ‌خودبهندوستان فرستاد ورود نمایندگان دولت فرانسه را اعلام نمود وبادرنظر گرفتن اتحاددوستی

---

۱ ــ میرزا عیسی‌خان فراهانی ملقب به میرزا بزرك که درسال ۱۲۲٤ (۱۷۰۹) عنوان قائم مقام یافت .

2 - Sir Harfaord jones

۳ ــ نامهٔ میرزا بزرك به‌سرهارفورد جونس London.P.R.O. P. F. Fo.60. TI.

4 - Jaubert

٥ ــ نامهٔ مورخ ۱۹ اکتبره ۱۸۰ سرهارفورد جونس به میرزا بزرك

London·P.R.O.P.Fo.60 TI.

موجود میان دولتین ایران وانگلیس کمك دولت اخیررا در مقابل تجاوزات دولت روس تقاضا کرد[۱]

ولی متأسفانه تمام اقدامات میرزا بزرك دربغدادواعزام هیئتهای نمایندگی بهند وتقاضاهای موکدومکرر فتحعلیشاه به‌نتیجه‌ای نرسیه زیرا پس ازعزیمت لردولزلی از هندوستان و آمدن لردمینتو[۲] در کلکته یکنوع بی‌علاقگی نسبت بامور ایران حکمفرمابود.علت تغییرسیاست دولت انگلستان رامیتوان باین ترتیب بیان کرد که پس ازپایان جنگهای فرانسه‌وانگلیس درمصر وسوریه‌وشکست‌فاحش قوای‌ناپلئون اهمیت اتحادمیان‌دولتین ایران وانگلیس ازبین رفت بطوریکه محمدنبی‌خان سفیر ایران‌بدون اخذ کمترین نتیجه‌ای‌درماه‌ذیقعدهٔ ۱۲۲۰(ژانویهٔ۱۸۰۷) بتهران مراجعت کرد .

---

۱ ـ فرمان مورخ ربیع‌الاول ۱۲۲۲ (مهٔ ۱۸۰٦) فتحعلیشاه به محمد نبی‌خان
London.P.R O.P.Fo 60 TI.

۲ - Lord.Minto

ب - مذاکرات بادولت فرانسه

دردورهٔ سلطنت آغا محمدخان برای ایجاد روابط سیاسی وتجاری یك هیئت فرانسوی ازاسلامبول بتهران آمد. سپس درسال ۱۲۱۵ (۱۸۰۱) یکنفر تاجرارمنی حامل مکاتبات رسمی ازطرف دولت امپراطوری فرانسه با کمك روسو [۱] کنسول آن دولت دربغداد بایران وارد شد.

ولی چون درتهران کسی نتوانست این نامه هارا بخواند اقدام روسو بی نتیجه ماند لکن دربارتهران بدینوسیله ازورود قریب الوقوع نمایندگان دولت فرانسه اطلاع حاصل کرد.

معاهدهٔ آمین [۲] درتاریخ ۲ ماه مارس ۱۸۰۲ (۲۷ شوال ۱۲۱۶) یعنی درواقع یك سال بعد ازاقدام روسوبامضاء رسید. این معاهده دولت عثمانی‌را ملزم میساخت که بادولت فرانسه قراردادی راجع به‌بغازها منعقد سازد بهمین جهت مطابق مواد معاهده‌ای که درتاریخ ۲۶ ژوئن ۱۸۰۲ (۱۴صفر۱۲۱۷) میان دولتین عثمانی وفرانسه بامضاء رسید بغازها جهت عبور کشتی‌های فرانسوی آزاد شد.

روفن [۳] ازطرف ناپلئون مأموریت یافت کنسولگریهای مشرق‌را دایر کند. اسکالن [۴] تاجرمقیم قسطنطنیه وروسو قبلا توجه ناپلئون‌را نسبت‌بایران‌جلب کرده بود این دونفرمخصوصاً وضع جغرافیائی و سوق‌الجیشی ایرانرا شرح داده متذکر شده بودند که این کشوربمناسبت همسایه بودن با هندوستان تاچه حد ممکن است برای مغلوب ساختن دولت‌انگلستان دریکی ازمهمترین مستعمراتش مؤثرواقع

1– Rousseau
2 – Amiens
3 - Ruffin
4 - Escalon

گردد . این تلقین ونظریه مورد پسند فرمانده سابق قوای فرانسه درلشکر کشی‌های مصرقرار گرفته‌و کنسول اول همانوقت توجه خودراازآنسوی بوسفرو آناطولی بسمت ایران معطوف ساخت وبمارشال برون[1] درحین حرکت بطرف قسطنطنیه درتاریخ ۱۸۰۲ دستورداد که بادولت ایران وارد مذاکره شود .

درسال ۱۸۰۳ (۱۲۱۸) منظوردولت فرانسه عملی شد ودرتاریخ دوم‌ماه اکتبر همین سال (۱۵ جمادی‌الثانی ۱۲۱۸) تالیران[2] بـه ژان فرانسوا روسو[3] نمایندهٔ دولت فرانسه دربغداد اطلاع داد که کنسول اول مایل است که او جداً برای افتتاح باب مکاتبه بادولت ایران اقدام‌نمایدووسایل این‌امررافراهم سازد . روسو نیزدرنتیجهٔ روابط خود باایران درمأموریت خویش توفیق حاصل کرد .

اشغال ناگهانی اراضی ایران ازطرف سپاهیان روسی وبی‌اعتنائی دولت هندو بریطانیای کبیرنسبت بایران‌روابط‌دولتین ایران‌وفرانسه رامحکمترساخت.فتحعلیشاه فرصت راغنیمت شمرده تصمیم گرفت کمك ناپلئون را برضد دولت روسیه تزاری جلب کند . برای همین منظورنیزدولت ایران قبلا دست بجانب دولت‌انگلستان‌دراز کرده کمك ومساعدت آندولت‌را خواسته بود . دولت بریتانیای کبیر در برابر این مساعدت واگذاری بنادربحرخزر وهرمزوبوشهررا درخلیج فـارس میخواست . این بود کـه در مقابل توقعات فوق‌العاده سنگین وغیرقابل قبول دولت انگلستان دولت ایران بحکم اجبارازدرخواست مساعدت صرف‌نظر کرد وتوجه خودرا بطرف دولت فرانسه معطوف داشت .

بموجب نامه‌ای[4] کـه میرزا بزرك وزیر عباس میرزا به سرهارفوردجونس نمایندهٔ انگلستان دربغداد نوشته معلوم میشود که فتحعلیشاه درنبرد اول ایروان در

---

1 - Brune

2 – Talleyrand

3 – Jean François · Rousseau

٤ – نامهٔ میرزا بزرك به سرهارفورد جونس .

London .P.R.O P.Fo . 60 · TI

سال ۱۲۱۹ (۱۸۰٤) نامه‌های امپراطورفرانسه را بوسیلهٔ دو نفرتاجر ارمنی دریافت کـرد .

دراین نامه‌ها ازطرف دولت فرانسه به‌برقراری مجدد روابط دوستانه میان دو کشور اشاره شده وناپلئون پیشنهاد کرده‌است که ازدوطرف بسرزمین روسیه حمله شود . فتحعلیشاه درمقابل این اقدام وپیشقدمی دولت فرانسه نامه‌ای بوسیلهٔ مارشال برون سفیر دولت فرانسه‌درقسطنطنیه به‌ناپلئون ارسال داشت . فتحعلیشاه دراین‌نامه بنوبهٔ خود گوشزد میکند کـه عقد قرارداد اتحادی بادولت ایران ممکن است راه لشکرکشی بهندوستانرا برای امپراطوری فرانسه بازوتأمین کـند ویالااقل خاطر انگلیسیهارا نسبت بمستعمرات‌آسیائیشان نگران سازد (این پیشنهاد فتحعلیشاه و آشنائی دولت‌ایران بوضع جغرافیائی‌واهمیت سوق‌الجیشی خود موضوع‌نگرانیهای سایکس(۱) وراولنسن(۲) را تأیید میکند).

نامهٔ ارسالی‌بوسیلهٔ‌مارشال برون درتاریخ‌ژانویهٔ ۱۸۰۵ (شوال ۱۲۱۹)بپاریس رسید . دولت فرانسه پس ازدریافت نامهٔ فتحعلی شاه مصمم گشت که دوهیئت‌بطرف ایران اعزام دارد. سرپرستی‌یکی‌ازاین هیئتها به‌آمده‌ژوبر(۳) منشی و مترجم‌السنهٔ شرقی ودیگری به‌سروان رومیو(٤) سپرده شد .

دولت فرانسه مخصوصاً بنمایندگان خود دستورداد قبلا به‌قسطنطنیه روندو ازآنجا بدون‌آنکه کسی‌ازنوع مأموریت ومقصدآنان‌اطلاع حاصل کنندبسوی‌ایران عزیمت کنند .

ژوبرمینویسد برای اینکه این مسافرت باموفقیت تـوأم باشد بایستی دستور دولت فرانسه‌کاملا رعایت گردد . پادشاه ایران نیزمخصوصاً باین نکته اهمیت‌زیادی قائل بود زیرا باب عالی نمیخواست واجازه نمیداد که مسافرین اروپائی از ایـالات

---

1 - Svkes
2 - Rawlinson
3 - Amédé Jaubert
4 - Romieux

آسیائی امپراطوری عثمانی عبور کنند. علاوه براین بایستی متوجه بود که اتباع دولتین روس وانگلیس که درامپراطوری عثمانی مشغول خدمت بودند اگر ازهدف مأموریت نمایندگان دولت فرانسه اطلاع می‌یافتند برای جلوگیری ازپیشرفت کار ایشان ازهیچ اقدامی کوتاهی نمیکردند بهمین علت بود که ژوبر درتاریخ ۷ ماه مارس ۱۸۰۵ مطابق ۲۳ ذیحجه‌پاریس‌را ترك گفت رعایت نهایت هزم واحتیاط بوی توصیه شد.

متأسفانه قبل‌ازرسیدن نمایندگان‌فرانسه بتهران هرهارفوردجونس‌ازموضوع مأموریت‌آنان مطلع شده بود.اوانس‌پیتکارن[۱] یکی ازجاسوسان ارمنی انگلستان ازتبریزمقرحکومت عباس میرزا بنمایندهٔ دولت‌انگلستان‌دربغداد اطلاع‌داد:«دو نفر سفیر ازطرف‌دولت‌فرانسه‌قریباً بتهران‌خواهد رفت‌یکی‌ازطریق قسطنطنیه دیگری از راه بغداد.

میرزا رضاخان که حامل نامه‌های دوستانه است برای‌انعقاد معاهدهٔ‌اتحادی با ناپلئون بفرانسه خواهد رفت.من جدیت فوق‌العاده بخرج دادم بلکه رونوشت یکی از پیشنهادهارابرای اطلاع‌شمابدست بیاورم» باید متوجه بود که‌اگر پتیکارن‌موفق بتحصیل رونوشت‌مدارك وپیشنهادهای دولت فرانسه‌نگردیده لااقل‌مطابق شرحی که به‌سرهارفورد جونس‌نوشته‌معلوم میشود که‌از مضمون آنها اطلاع کامل داشته.زیرا پتیکارن چنین مینویسد:« دولت فرانسه درتمام ایران یکنفر نماینده خواهدداشت. دشمن یکی ازدو دولت دشمن دیگری تلقی خواهدشد.اگر دولت‌فرانسه مایل‌باشد بطرف هندوستان لشکر کشی کند شاه‌نه تنهابسپاهیان‌فرانسه‌اجازهٔ عبور خواهدداد بلکه تعهد کرده است باقوای نظامی باین لشکر کشی کمك‌نماید[۲]

پتیکارن اطلاعات خود رااز منبع موثق بدست آورده بود زیرا مواد معاهدهٔ فین کن‌اشتاین که‌بعدهامیان دولتین ایران وفرانسه بامضاءرسید شاهداین مدعاست،

---

۱ - Owanes Pitarn

۱ – نامهٔ مورخ ۱۱ مه ۱۸۰۶ اوانس پیتکارن به سرهارفورد جونس London·P.R.O.P..Fo.60.TI که در تاریخ ۲۶ همان ماه به بغداد رسید.

تشکیلات سری ومکمل جاسوسی دولت انگلستان درایران سرهارفورد جونس رااز کمترین اقدام دولت فرانسه باخبر میساخت.

نمایندگان دولت فرانسه درماه آوریل بهقسطنطنیه رسیدندواز طرف روفن[۱] مشاور سفارت فرانسه کمکهای لازم درحق آنان بعمل آمد. دولت انگلستان که بوسیلهٔ نمایندگان خود در بغداد ازموضوع مسافرت مأمورین دولت فرانسه اطلاع حاصل کرده بودتمام مساعی خود را برای خنثی کردن اقدامات آنان بکاربرد.

نخست رومیواز طریق بغدادحرکت کرد وبابرخورد باشکالات فوق العاده زیاد درتاریخ ۲٤ سپتامبر ۱۸۰۵ (۲٦ جمادی الثانی ۱۲۲۰) وارد تهران شد و بخدمت فتحعلیشاه رسیدونامهٔ مورخ ۳۰ ماه مارس ۱۸۰۵ ناپلئون را تسلیم نمود :

« سلام بناپارت امپراطورفرانسویان بفتحعلیشاه امپراطورایرانیان .

« باید باور کنم قوای مافوق الطبیعه یی که ناظر مقدرات کشور هـا میباشند میخواهند که من بکوششهایی که تو[۲] در راه تأمین قدرت امپراطوری خود بخرج میدهی یاری کنم. زیرا دریك موقع یك فکر بخاطر ما خطور کرد. مأمورین حامل نامه های ما همدیگر را درقسطنطنیه ملاقات کردند ودرحینی که حاکم تودرتبریز با نمایندهٔ من درحلب مکاتبه میکرد من بنمایندهٔ خود مأموریت دادم باحکام سرحدی ترك رابطه برقرارسازد .

« بایستی تابع الهامات یزدانی بود. زیرا خداوند شاهزادگانرابرای خوشبختی ملل آفریده است ووقتی درهرچند قرنی مردان بزرگی رامبعوث میکند ارادهٔ خود رابرای تطبیق نقشه های آنان به آنها تحمیل مینماید وافتخارات آنانرا فزونی میدهد وارادهٔ ایشانرا برای انجام عمل نیك قوی ترمیسازد .

« ماچه اختلاف نظری میتوانیم داشته باشیم ؟ ایران نجیب ترین ناحیهٔ آسیا و فرانسه اولین امپراطوری مغرب است. آیا سلطنت کردن بر کشورهایی که طبیعت مایل است آنها را زینت داده و بامحصولات فراوان ثروتمند سازد آیا فرمان دادن بمردان

1-Ruffin

۲ـ استعمال کلمهٔ «تو» احترام متقابل ویگانگی میان دو پادشاه رامیرساند .

صنعت گروباهوش وجسوری که سکنهٔ این کشورهاراتشکیل میدهند بهترین تقدیر نیست ؟

« درروی زمین امپراطوری هایی وجوددارد که در آنجا طبیعت ناساز گار و بی‌ثمرمایحتاج‌ضروری ملتهارا بادریغ تولید میکند . دراین کشورهامردم مضطرب وحریص وحسود بدنیا میآیند .

« بدابحال سکنهٔ ممالکی که آنجارا خداوند شامل فیض خود قرار داده و از انواع نعم برخوردارمیسازد ولی شاهزادگانی بآنها عنایت نمیکند، که قادر باشند آنانرا درمقابل اقدامات جاه طلبانه وحرص وولع وفقرحمایت کنند .

« روسها که درصحاری خود دررنج و ملالند ببهترین قسمتهای امپراطوری عثمانی‌دست‌اندازی میکنند.انگلیسیان درجزیره‌ای که‌ارزش‌آن برابر کوچکترین ایالات امپراطوری تونیست محبوس هستندحرص‌ثروت‌آنان‌راتحریك کرده‌است که درهندوستان قدرتی‌ایجاد کنند که‌روزبروز خطرناکترمیشود.اینها ممالکی هستند که بایستی مراقبت کرد وازآنها ترسید . نه‌ازلحاظ اینکه قوی‌هستند بلکه برای اینکه احتیاج وعلاقهٔ مفرط دارند که قوی شوند .

« یکی ازخدمتگزاران من اولین علائم دوستی مرا بتوابلاغ کرد . شخصی را راکه امروزپیش تومیفرستم بخصوص موظف است درپیرامون افتخارات وقدرت و احتیاجات ومخاطرات تواطلاعاتی بدست بیاورد ،شخصی است جسوروعاقل‌احتیاجات رعایای تورا تشخیص خواهدداد تابی‌باکی وشهامت‌آنان با کمك صنایعی که‌هنوزدر مشرق شناخته نشده وباوضع فعلی دنیا ومغرب زمین شناسایی‌آنها به‌تمام ملل‌جهان لازم وضروراست مورد استفاده قرار گیرد .

« من اخلاق ایرانیان‌را میشناسم ومیدانم که بانشاط وسهولت‌آنچه‌را که برای افتخارات وامنیت ایشان ضروریست میآموزند . ولی وقتی رعایای‌توتوانستند اسلحه بسازند ، وقتی‌سربازان‌توتربیت‌یافتند تابتوانند دریك‌مانورسریع جمع‌شوندومتفرق گردند ، وقتی یادگرفتند که حملهٔ شدیدی‌را باآتش توپخانهٔ متحرك پیش ببرند

بالاخره وقتی سرحدات تو بوسیلهٔ قلاع متعدد محفوظ گردید ودریای خزر شاهد اهتزاز بیرق‌های نیروی دریائی ایران شدآنوقت تویك امپراطوری غیرقابل تعرض‌و رعایای شکست ناپذیرخواهی داشت .

«من باید روابط مفیدرا باتو ادامه‌دهم. من ازتوخواهش میکنم خدمتگزاری راکه‌برای تومیفرستم بامحبت قبول کنی . من نیزاشخاصی‌راکه بدربار من خواهی فرستاد باملاطفت خواهم پذیرفت . من مجدداً برای تو عنایت یزدانی ویك سلطنت طولانی ومتعالی وعاقبت مسعودی راآرزومیکنم .

«درکاخ امپراطوری من درتویلری[۱] پاریس بتاریخ ۹ ژرمینال[۲] سال ۱۳ (۳۰ مارس ۱۸۰۵) سال اول سلطنت‌من تحریریافته (ناپلئون) . وزیر روابط‌خارجی شارل موریس‌تالیران[۳]».

ولی رومیو که براثر اشکالات مسافرت وزحمات راه خسته و فرسوده بود مریض شد و ده روز پس از ورودش بتهران درگذشت ودرمدت کوتاه اقامت خود در تهران با وجود ضعف و ناتوانی گزارش قابل توجهی تهیه کرد و برای ناپلئون فرستاد .

ژوبر که ازطریق ارز روم بمسافرت خود ادامه میداد بنا بدستوربابعالی‌باتهام جاسوسی ازطرف پاشای بایزیدمحبوس شد وچهارماه درحبس بود تابالاخره‌درنتیجهٔ مداخله واعتراض دولت ایران بپاشای بایزید آزاد شد ودرپنجم ماه ژوئن ۱۸۰۵ (۷ ربیع‌الاول ۱۲۲۰) بتهران وارد شدواعتبارنامهٔ مورخ ۱۶ فوریهٔ ۱۸۰۵ (۱۶ذیقعدهٔ ۱۲۱۹) خودرا تقدیم فتحعلیشاه کرد :

«بناپارت امپراطورفرانسویان بفتحعلیشاه امپراطورایرانیان :

«من همه جا مأمورینی دارم تاآنچه‌راکه برای شناسایی من لازمست اطلاع دهند . من‌بوسیلهٔ‌آنان‌میدانم درکدام محل وچه موقعی میتوانم بشاهزادگان‌ومللی

1-Tuilerie

2 - Germial

3-PaRis.A.E.P.dos.8.Fol.24

که مورد علاقهٔ من هستند نصایح دوستانه ابلاغ کرده بانفوذ و قدرت خود مساعدت کنم.

«شهرت وافتخار که وسیلهٔ تبلیغ است شخصیت و کارهای مرا بتو شناسانده است. تومیدانی من چگونه ملت فرانسه‌را مافوق همهٔ ملل مغرب قراردادم و با چه علائم مشخصی توجه خودرا نسبت بسلاطین مشرق زمین نشان دادم وچه عللی سبب شد که پنجسال قبل ازتعقیب نقشه‌هائی که برای افتخاروخوشبختی ملل آنان داشتم صرف نظر کنم[1].

«ایران سرزمین نجیبی است که طبیعت آنرا از عطایای خود برخوردارساخته است. سکنهٔ آن مردم باهوش و بی‌باکی هستند که شایستگی حکومت شایسته‌دارند. معلوم میشود ازیکقرن باین طرف عدهٔ زیادی ازاسلاف تولیاقت فرمانروائی به این ملت‌رانداشته‌اند زیراآنان این ملت‌را بحال خودرها کرده‌اندتازجر ببینندودرجنگهای خانگی از پای در آیند.

«نادرشاه جنگجوی بزرگی بود که موفق شد قدرت بزرگی تحصیل کند. وی در مقابل مفسده‌جویان سهمگین ودر برابرهمسایگان خودمهیب بود. بردشمنان خود غالب آمد وباافتخار سلطنت کرد وی این فرزانگی رانداشت که هم‌بفکر حال وهم بفکر آینده باشد اخلاف وی جانشین وی نشدند. بنظر من تنها محمدشاه‌عموی تو مانند یك شاهزاده‌فکر کرده‌وزندگی‌نموده است. وی‌قسمت‌اعظم ایرانرا تحت‌فرمان خودقرار داد وسپس قدرت سلطنت‌را که بوسیلهٔ فتوحات خود بدست آورده بودبتو تفویض کرد. تواز وی تقلید کرده واز نمونه‌هائی که‌بتوداده‌جلوتر خواهی رفت. تونیز مانند وی‌خودرا ازنصایح ملت‌تاجری که در هندوستان زندگی‌وتاج و تخت‌سلاطین رامعامله‌میکند بر کنارخواهی داشت ـ توارزش‌دولت خود را در مقابل‌دولت روسیه که اغلب بقسمتی از امپراطوری تو مجاور خاك آن دولت تجاوز میکند، قرار خواهی داد.»

۱ـ دراینجاناپلئون بقتل‌پل اول امپراطورروسیه که در سال ۱۸۰۰ اتفاق افتاد اشاره میکندکه نقشهٔ اشغال هندوستان راازطریق ایران عقیم گذاشت.

«یکی از خدمتگزاران بسیار صدیق خودرا که نزدمن وظیفهٔ مهمی راعهده‌دار است پیش تو میفرستم. بوی مأموریت داده‌ام که احساسات مرا برای تو بیان کندو آنچه را که بدو اظهار خواهی داشت بمن گزارش دهد. من بوی امر میکنم بقسطنطنیه برود زیرا میدانم که یوسف و اسیلویتز[1] یکی از رعایای تو که مأمور رساندن پیشنهادهای مودت آمیز تواست بآنجارسیده‌است. خدمتگزارمن ژوبر نسبت بمأموریت این ایرانی مطالعه خواهد کرد واز آنجا ببغداد خواهد رفت ودر آنجا رومیو یکی از نمایندگان باوفای من دستورات وسفارشهای لازم بوی خواهد داد تادربارترامطلع سازد- وقتی ترتیب این ارتباط برای یکمرتبه داده شد هیچ مانع وجود نخواهدداشت که همواره ادامه یابد.

«تمام ملل محتاج یکدیگرند ـ مردم مشرق زمین ذکاوت و جسارت دارند ولی عدم اطلاع ازبعضی صنایع و بی‌اهمیت شمردن بعضی قواعد انضباطی که قدرت و فعالیت سپاه را چندین برابرمیکند به‌آنان ضررهای جبران‌ناپذیر هنگام جنگ بر ضد شمالی‌ها و مغرب زمینی ها میرساند ـ امپراطوری نیرومند چین سه بار فتح شده وامروزنیزیك ملت شمالی درآنجا حکومت میکند.

«توبچشم خودمی‌بینی انگلستان، یك‌ملت غربی، که میان ما تعدادجمعیتش ازهمه کمترووسعت‌اراضیش‌ازدیگران کوچکتراست‌چگونه‌تمام دولتهای‌هندوستان را بلرزه درآورده است.

«توآنچه‌را که مایل هستی بمن‌اطلاع خواهی داد ومارو‌ابط دوستی وتجاری را که سابقاً میان‌امپراطوری تومن وجود داشت تجدید خواهیم کرد ـ متحداً برای ازدیاد قدرت وثروت ملتهای خودمان اقدام خواهیم نمود.

«ازتوخواهش‌میکنم‌ازخدمتگزارباوفای‌من که پیش‌تو میفرستم خوب‌پذیرایی کنی من‌بتوعنایات یزدانی یك سلطنت طولانی وبا افتخار و یك عاقبت سعادتمند آرزومیکنم[2].»

1- Ossefph – Vassilovitz

2- Paris.A·E.P.dos·8.Fol·227-222

دراین نامه‌ها ناپلئون ازبرقراری روابط دوستانه صحبت میکند ونشان‌میدهد دولت ایران بااستفادهٔ ازتسلیحات اروپائی درارتش خود چه قدرتی می‌تواند بدست بیاورد . ولی درواقع مأمورین‌فرانسوی موظف بودند فقط‌ازوضع‌ایران اطلاع‌حاصل کنند . ژوبرازفرط خستگی مسافرت ناخوش بود فتحعلیشاه ازترس‌اینکه‌مبادا وی نیز مانند رومیوتلف شود باعجله نمایندهٔ فرانسه‌را مرخص کرد ژوبراطلاعات‌مفیدی باخود همراه داشت ودرآغازسال ۱۸۰۷ (۱۲۲۱) وارد پاریس شد وی توانسته بود روابط حسنه با دربار تهران برقرار سازد بدون آنکه تصمیم مفیدی دربارهٔ ایران گرفته شود .

معاهدهٔ فین کن اشتاین (۱) و هیئت نمایندگی ژنرال گاردان (۲)

فتحعلیشاه پیشنهاداتی بوسیلهٔ ژوبر بدولت فرانسه تسلیم کرد ـ سرهارفورد جونس کنسول انگلیس دربغداد بفاصلهٔ چندروزی موفق شد اطلاعات دقیقی دربارهٔ این پیشنهادها که برای دولت انگلیس فوق‌العاده مفید بود بدست بیاورد ـ پس از فتح ایلو(۳) تصمیم ناپلئون درانجام نقشهٔ خود یعنی وارد کردن ایران درمدارسیاست جهانی راسخ گردید. زیرا بااین ترتیب دولت ایران ازیکطرف درسمت جنوب قفقاز بتعرض مبادرت میورزیدواین تعرض بنفع ارتشهای فرانسه وبضرردولت روسیه‌تمام میشد ازطرف دیگرباجرای این سیاست ممکن بود نقشهٔ حملهٔ بهندوستان بکمك ایرانیان عملی گردد. این بود که پس‌ازفتح ایلوناپلئون امپراطورفرانسه لازم‌دانست درنامهٔ مورخ ۱۷ ژانویهٔ ۱۸۰۷ (۸ ذیقعدهٔ ۱۲۲۱) که بوسیلهٔ دولابلانش به‌فتحعلیشاه فرستاده شد فتوحات خودرا درپروس وروسیه اعلام کرده احیاء مجدد دولت لهستان رااطلاع دهدوپادشاه ایران‌را برای حملهٔ بگرجستان ترغیب کند ماازلحاظ اهمیت تاریخی درزیرترجمهٔ نامهٔ ناپلئون‌را درج میکنیم :

«سلام ناپلئون امپراطورفرانسویان وپادشاه ایطالیا بفتحعلیشاه‌پادشاه‌ایرانیان

من‌مراتب مودت خودرا بتوتقدیم داشته‌ودوتن ازخدمتگذاران باوفای خودرا پیش توفرستادم. جسدیکی‌ازآنان درحین انجام مأموریت بعنوان وثیقه‌پیش توماند دیگری‌مأموریت خودرا کاملابجاآورد ومن‌ازافکارتونسبت‌بخودم وازمساعی‌متهورانه

---

1 - Finkenstein

2 - Gardane

3 - Eylau

وپیروزیهای توبرضد دولت‌روسیه مطلع گردیدم . ازپیشرفتهاوتوفیقهای‌من‌نیزاطلاع حاصل کن‌شاید این‌موفقیتها برای تومنبع الهام اعتمادجدید باشد . من امپراطوری خودرا برای استقبال دشمنان خود ترك کردم . لشکریان آنان تار ومارشد و دریك حرکت پانصد فرسخی من تمام نواحی راتحت اطاعت خود درآوردم: پروس‌فتح شد وشکستهای خونین روسها مرا بتونزدیك کرد دشمنان من همه‌جا مواجه باشکست شده و درحال فراربآنطرف نیمن[1] رانده شدند ودرسرحدات خود که لشکریان‌من درتعقیب آنان هستند محصور میباشند ورشو[2] آنجا کـه من هستم پایتخت یك امپراطوری‌بزرگی بود که سابقاًروسیه‌را تحت سلطهٔ خودداشت‌ولحظه‌ای‌تحت‌الشعاع قرار گرفته بود میتواند اکنون مجدداً شکوه خودرا از نوتحصیل کند . لهستـان دوباره سلاح‌بدست گرفت ولشکریان‌وی‌فاتح هستندودولت‌جدیدلهستان‌تشکیل‌یافته است ـ توازجانب‌خود بدشمنانی که فتوحات من آنانرا در کمال ضعف ونومیدی‌تسلیم میکنند بشدت‌حمله کن‌ـدوباره‌از آنان گرجستان وتمام‌ایالاتی‌را که جزءامپراطوری توبود پس‌بگیرودروازه‌های خزررا که مدتها مدخل این ایالات‌را حراست‌ونگهبانی میکرد برروی‌آنان به‌بند ـ اقبال توچشم دشمنان تورا نابینا کرد ـ بااینکه‌آنان در مشرق و در مغرب تحت فشار قرار گرفته‌اند جرأت کرده‌اند جنك را برضد بابعالی اعلام کنند ـ شك نیست که‌یك‌قوهٔ نامرئی‌همان‌قوه‌ای که باعث فتوحات من گردیده‌و بافتخارتومراقبت ونظاره میکند میخواهد دشمنان‌را که کور کورانه برضدقـوای‌سه دولت مقتدرمسلح شده‌اند بانهدام سوق دهد ـ هرسه مشورت کنیم ویك اتحاددائمی برقرارسازیم من برای انعقاد این اتحاد منتظرسفیرتوهستم ـ دراثنای فتوحات‌خود مراتب‌مودت خودرا نسبت بتوتجدید میکنم‌ـمن شمول‌عنایات یزدانی ویك‌سلطنت باافتخار وطولانی وسرانجام باسعادتی‌را بتوآرزومیکنم .

درکاخ امپراطوری من درورشو بتاریخ ۱۷ ژانویهٔ ۱۸۰۷ ازسال‌سوم سلطنتم تحریریافت[3].

---

1 — **Niemen**

2-**Varsovie**

3-**Paris.A E.P. dos. 9. fol. 103**

فتحعلیشاه بااعزام محمدرضاخان بعنوان سفارت که حامل هدایای گرانبهائی بارزش ۳۳۲۶۰۰ فرانك بود[۱] بنامهٔ ناپلئون جوابداد. سفیر ایران درقرارگاه فین کن اشتاین درپروس شرقی بحضور ناپلئون رسید. درنتیجهٔ این اقدامات و اعزام نماینده ازطرف دولت ایران معاهده ای میان دولتین ایران و فرانسه در تاریخ چهارم ماه مه ۱۸۰۷ (۲۵ صفر ۱۲۲۲) در فین کن اشتاین بامضاء رسید که بهمین اسم معروفست. مادرزیر مواد مهم این معاهده را شرح میدهیم.

الف - تعهدات دولت فرانسه نسبت بدولت ایران : مطابق مواد این معاهده ناپلئون تمامیت ارضی ایرانرا تضمین کرده وقبول دارد که گرجستان متعلق بایران و حق مسلم ایران است - مطابق مادهٔ ٤ معاهده امپراطور تعهد میکند تمام مساعی خود را بکارببرد تا دولت روسیه را باعقد معاهده‌ای وادار کند که گرجستان واراضی ایران را تخلیه کند. این مسئله موضوع سیاست دائمی اوست وعملی شدن آنرا مصراً تقاضا خواهد کرد.

ناپلئون همچنین تعهد میکند توپ وتفنك بدولت ایران تحویل دهدو افرادو افسران لازم برای تربیت ارتش ایران اعزام دارد.

ب - تعهدات دولت ایران در برابر دولت فرانسه: فتحعلیشاه تعهد میکند بابریطانیای کبیر قطع رابطه کند و بلافاصله بآن دولت اعلان جنك بدهد. مطابق مادهٔ ۱۰ این معاهده اعلیحضرت پادشاه ایران تعهد میکند تمام نفوذ خود را بکار ببرد تاافاغنه وسایر طوایف قندهار را برضد دولت انگلستان متحد گرداند. پادشاه ایران همچنین متعهد میشود که قوای دریائی دولت فرانسه را دربنادر خودقبول کرده وبتمام لشگریانی که ناپلئون ازراه خشکی برضد دولت انگلستان بهندوستان خواهد فرستاد اجازهٔ عبوردهد.

---

۱ - سیاههٔ هدایای تقدیمی ازطرف سفیرایران باعلیحضرت امپراطورفرانسه

Paris Atchives Natianales : fond de Secretairerie d' Etat : Coesulat et Empire A.F.IV 1696

ج ـ **مواد مشترك** : درمادهٔ ۱ قید شده که صلح ودوستی و اتحاد دائم میان اعیحضرت امپراطورفرانسویان وپادشاه ایطالیا واعلیحضرت امپراطور ایران برقرار خواهد شد. این اتحاد درعین حال برضد دولتین انگلستان وروسیه متوجه میباشدزیرا در مادهٔ ۹ این معاهده مقرر است درهرجنگی که دولین انگلستان و روسیه برضد دولتین ایران و فرانسه متحد گردند دولتین فرانسه وایران نیز متحد خواهند شد و بلافاصله پس از اعلام رسمی جنك ازطرف یکیاز دو دولتامضاء کننده که مورد تهدید یاحمله قرار گیرد دو دولت متفقاً برضد دشمنمشترك اقدام خواهند کرد .

ناپلئون دردستوری که بتاریخ ۲۲ آوریل ۱۸۰۷ (۱۲ صفر ۱۲۲۲) بآمیرال دوکرس[۱] وزیر دریاداری امپراطوری داده تعداد نفرات ومقداراسلحهایرا که میخواهد بایران بفرستد بشرح زیرتعیین میکند :

چهارهزار پیاده . ده هزارتفنك ، وپنجاه عراده توپ . ناپلئون همچنینژنرال سوار گاردانرادررأس هیئتی مأمورایران کردهوحرکت ویرادرنامهٔ مورخ ۲۰ آوریل بپادشاه ایران اطلاع داد :

« سلام ناپلئون امپراطور فرانسویان و پادشاهایطالیا بفتحعلیشاه امپراطور ایران :

شاهزادهٔبسیاربزرك وبسیارتوانا وپیروزمند ـ میلی که مابرایتحکیم روابط دوستی موجود میان امپراطوری خود و اعلیحضرت شما داریم مارا برآن داشت که ژنرال گاردان را بعنوان وزیرمختاربحضورآن اعلیحضرت بفرستیم . اجدادش افسر دربارامپراطوری درگذشته برای نزدیکی دوامپراطوری خدمت کردهاند وی نیز دنبالهٔ کارآنانرا تعقیب خواهد کرد . بعلت فداکاری بشخص ما و بمناسبت خدمات نظامی خویش گاردان خودرا شایستهٔ انتخاب ماقرارداد ـ ماافسرانیرا کههمراهوی

---

1 – Ducrés

هستند درارتش خود انتخاب کردیم همگی درفتوحات ما برضد روسیه سهیم بوده‌و با همان همت وپشتکار عملیات اعلیحضرت شمارا برضد دشمن مشترك یاری‌خواهند کـرد .

باتشخیص‌اینکه انتخاب چنین وزیرمختار ممتازی‌خوش‌آیندا‌علیحضرت‌شما واقع خواهدشد تمنی دارم‌آنچه‌را ازطرف مابا‌علیحضرت شما اظهارخـواهند داشت با‌کمال اعتماد قبول فرمایند . بخصوص وقتیکه وی مراتب دوستی‌دائمی‌وعلاقهٔ مارا برای اعتلای اعلیحضرت وممالك اعلیحضرت وبه برقراری یك اتحاد محکم‌میان‌دو امپراطوری تجدیدخواهد کرد.مابا‌علیحضرت شما شمول عنایات یزدانی‌ویك‌سلطنت طولانی وپرافتخار وسر انجام سعادتمند راآرزومندیم.

بتاریخ ۲۰آوریل ۱۸۰۷ از سال سوم سلطنت مادر قرارگاه‌امپراطوری مادر فین‌کن‌اشتاین تسلیم گردید- (ناپلئون)وزیر اعلیحضرت‌امپراطوری‌فرانسه وپادشاه ایطالیا شارل موریس تالیران(۱)

باهیئت اعزامی‌ژنرال گاردان‌دوازده‌نفرغیرنظامی‌همراه‌بودند ازاینقرار: برادر گاردان-روسو-لازار(۲) -منشی ژوآنن(۳) مستشرق اسکالن(٤) مترجم- یکنفر طبیب وچهارنفر کشیش.پانزده‌نفرنظامی‌،اعضاء این هیئت‌نیزعبارت‌بودند ازترزل(۵) (که‌بعدها بدرجهٔ مارشالی‌فرانسه نایل شد)آجودان گاردان‌،سروان لامی(٦) ستوان فابویه(۷) برتران(۸)ودو نفر افسرپیاده-نکتهٔ‌قابل‌توجه‌اینست که‌روسوطرز تشکیل و اعزام این هیئت را در گزارشی که درتاریخ اول ماه مه ۱۸۰٦(۱۲ صفر۱۲۲۱) از حلب به‌تالیران‌فرستاده تلقین کرده است:درصورتیکه اعلیحضرت بخواهنداشخاصیرا

1 - Paris.A.E p.dos.9.fol.147
2 - Lazard
3 - Iouanin
4 - Escalon
5 - Trezel
6 - Lamy
7 - Fabvier
8 - Bertrand

باسمت‌های رسمی برای بستن قراردادی باشاه‌ایران بدربار تهران اعزام‌دارند ممکن است مذاکرات تهران شامل دربار شاهزادگان افغان نیز بشود تااز طرف آن ملت جسوروجنگجو درناحیهٔ‌بنگال بیك‌حملهٔ‌عمومی‌مبادرت گردد . واین‌ناحیه‌ازتصرف دشمنان‌ما خارج‌شود .

پس‌من نظرخودرا راجع‌باعضاء سفارتی که درصورت‌تمایل اعلیحضرت‌بایستی بایران اعزام گردد باطلاع جنابعالی میرسانم : یك‌رئیس بااختیارات تام چند معاون یك منشی یك افسر مهندس یك افسر نیروی دریائی یك عالم طبیعی دان یك طبیب یك نقـاش یك گارد احترام مرکب از ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر سربـاز و سایر خدمتگذاران (۱)

دستورات وتعلیماتی که‌به گاردان داده‌شده‌بتاریخ ۱۰مه۱۸۰۷ است : گاردان مأموریت‌داشت دشمنی ایرانیان‌را برضد روسیه وانگلستان تشدید کند وآتش کینهٔ ایرانیانرا برضد روسیه تندتر بسازد ــ ایران بایستی روسها را دشمنان طبیعی خود بدانـد .

روسها گرجستانرا ازایران منتزع‌ساخته وبهترین ایالات‌ایرانرا مورد تهدید قرارداده‌اند . سلسلهٔ قاجار را هنوز برسمیت نشناخته و از آغاز تأسیس این سلسله همواره‌باوی درجنك بوده‌اند ــ ژنرال گاردان موظف بود تمام این بـد رفتاریها و خسارات‌را تذکردهد .

وی‌همچنین دشمنی ایرانیانرا برضد روسیه دامن زند وآنانرا به بذل مساعی جدید برای تهیهٔ لشکر زیاد ترغیب کنـد . دولت ایران بایستی تعرض شدید در سرحدات روسیه‌آغازنماید . ومخصوصاًبایستی ازموقعیتی که روسهارا مجبورساخته است قسمتی از سپاهیـان خود را باروپا اعزام داشته و جبههٔ قفقاز را ضعیف کرده استفاده کنند وایالاتی‌راکه روسها بزوراسلحه وتحریکات ازایران منتزع ساخته‌اند باز گیرد .

گاردان‌بایستی سعی کند یك‌پیمان اتحادمثلث میان‌دولتهای فرانسه‌وعثمانی

۱ - **Paris.A.E . p . dos . 9 fol . 50**

وایران منعقد سازد تااینکه بابعالی وایران بتوانند عملیات خودرا میان دریای‌سیاه ودریای خزر متمرکز سازند. گاردان همچنین موظف‌بود سازمانهای نظامی‌ایرانرا منظم‌سازد وبامشاورهٔخود بارتش‌ایران کمك کند.

بالاخره‌مأموریت‌داشت دربارهٔ نقشهٔاشغال هند با ۴۰ یا ۵۰ هزارنفر فرانسوی وهمان عده‌سرباز ازدسنجات‌ایرانی وسیخ‌مطالعه کند.

هیئت نظامی فرانسوی درتاریخ ۲۵شوال ۱۲۲۲ (۲٤ دسامبر ۱۸۰۷) بتهران واردشد ومعاهدهٔ فن کن‌اشتاین درمیان احساسات مردم‌ودربار بامضاء رسید ودر ۲۲ ذیقعدهٔ (۲۱ ژانویهٔ ۱۸۰۸) قرار داد دیگری متضمن شش‌ماده دایربتسلیم ۲۰ هزار قبضه‌تفنگ ازطرف دولت فرانسه میان دولتین ایران وفرانسه منعقدشد [۱] ودر۲۷ همین ماه (۲٦ ژانویه) یك معاهدهٔ تجارتی در۲۳ ماده تنظیم و بامضای میرزا شفیع صدراعظم و ژنرال گاردان نمایندگان دو دولت رسید [۲] مادر زیرا هم مطالب این معاهده‌را درج‌میکنیم:

مواد یك، دو، سه، چهار، شش، ده، یازده. دوازده، سیزده، چهارده. پانزده، بیست، بیست و یك، بیست و دو و بیست و سه مربوطست بتنظیم مسائل دیپلماسی، حقوقی، تجاری، اقتصادی، مذهبی اتباع دولت فرانسه ساکن ایران وروابط‌میان ایرانیان وفرانسویان:

مواد پنج وهشت‌ونه میزان عوارض گمرکی‌را تعیین‌میکنند.

مواد هفت و شانزده و هیجده مقررات مربوط بمحمولات دریائی‌و کشتیهای تجارتی و کشتی‌های جنگی را روشن میسازد. بالاخره مطابق مادهٔ۱۷ این معاهده جزیرهٔ خارك بدولت فرانسه واگذار میشود بشرطی که با مساعی این دولت ایالات گرجستان و شهرهای قفقاز که از طرف روسها اشغال شده بدولت ایران مسترد گردد.

---

1 - Paris . A . F . P . dos . 9 . Fol 310 - 12

۲ - ترجمهٔمعاهدهٔ تجارتی که درژانویهٔ۱۸۰۸ میان‌دولتین ایران‌وفرانسه‌منعقدشده Paris AEP dos 9 fol, 366 370

دولت انگلستان دراین موقع تمام فعالیتها ومساعی خودرا بکاربرد تااقدامات هیئتی‌را که شهرت آن مدیون‌معروفیت دولت‌فرانسه وافتخارات ناپلئون‌است مواجه باشکست کند .

پس‌از ورود بتهران گاردان تمام‌هم خود را برای انجام وظیفهٔ اصلی خود که لشکر کشی بطرف هندوستان بود مصرف کرد تااین مأموریت‌را بنحو احسن انجام دهد . تمام‌راهها ونقاط سوق‌الجیشی مطالعه‌شد .

خط سیر دستجات ترسیم و بنادر دو دریا با نهایت دقت از طرف هیئت دولت فرانسه مورد بازدید قرار گرفت - برای جلب حمایت کامل فتحعلیشاه لازم بود که دولت‌فرانسه دولت‌ایرانرا درمسئلهٔ گرجستان کاملاراضی کند . بدین منظور گاردان باکوشش خستگی ناپذیربتجدید سازمان ارتش ایران همت گماشت - یك کارخانهٔ توپ‌ریزی دراصفهان‌ایجادشد ، فابویه [1] بتأسیس یك‌توپخانه صحرائی موفق گشت ودرتهران زرادخانه‌ای تأسیس کرد وبیست‌عراده توپ‌مجهزساخت وردیه [2] که‌در تبریز تحت‌تعلیمات عباس‌میرزا کارمیکرد درمدت‌خیلی کوتاه چهارهزار سربازبطرز اروپائی تربیت کرد

---

1 – Fabvier
2 – Verdier

فصل سوم

۲ - مرحلهٔ دوم جنگهای ایران و روس

از معاهده تیلسیت (۱) ژوئیه ۱۸۰۷ (ج ۱۰-۱۲۲۲) تا معاهدهٔ بخارست مه ۱۸۱۲ (ج ۱۰-۱۲۲۷)

تا اواخر سال ۱۲۲۱ (۱۷۰۶) سپاهیان ایران در جبههٔ شمالغربی وجبههٔ دریای خزر بخصوص عملیات تدافعی انجام داده بودند. پس از شکست لشکریان ایران در سال ۱۲۲۱ (۱۰۰۸) روسها موفق باشغال شهرهای باکو ودربندوشیروان وشکی و گنجه شدند. ولی با وجود این فتوحات ، روسها موفقیت‌های خود را جداً تعقیب نکردند زیرا جنگ برضد ناپلئون درجبههٔ غرب تمام مساعی اطرافیان تزار را بخود معطوف ساخته‌بود بنابراین روسها درجبههٔ مشرق یک‌وضع تدافعی پیش گرفتند و این وضع تاانعقاد معاهدهٔتیلسیت ادامه‌داشت .

ملاقات و مذاکرات تیلسیت باعث‌بهبود روابط دولتین فرانسه وروسیه‌شد. در نتیجهٔ این مذاکرات تغییرات زیادی در اوضاع ایران چه درصحنهٔ عملیات نظامی و چه‌درزمینهٔ روابط سیاسی ودیپلوماسی بوجودآمد .

معاهدهٔ تیلسیت که درژوئیهٔ ۱۷۰۷ (ج ۱۰ » ۱۱۲۲) میـان دو دولت روسیه‌و فرانسه بامضاءرسید صلح‌را برای کشور فرانسه تأمین کرد وناپلئون را جهت اجرای نقشه‌های اروپائی خود تشویق نمود. ولی باید گفت که امضای این معاهده رضایت کامل امپراطوررا تأمین‌نکرد ونتیجه‌ای که ناپلئون درنظرداشت ازاین صلح بدست بیاورد حاصل نشد. زیرا ناپلئون تصمیم داشت بافکر آسوده از جانب اروپا مجدداً جنگ دریائی را بر ضد امپراطووی انگلستان تجدید کند. ولی وی فرصت تهدید

---

1 – Tilsit

کردن دولت اخیر رادردریا ویادرجزیره نیافت زیرااتحادیهٔ اروپاقبل از آنکه تکمیل شود تجزیه شد واولین اختلافات ازمشرق پدیدآمد ودرواقع همینکه ناپلئون باتزار معاهدهٔ اتحادرا امضاء کرد سیاست وی درمشرق قهراً مواجه با شکست گردید زیرا دولتین عثمانی وایران فقط بمنظور اقدام مشترك برضد دولت روسیه بـا دولت فرانسه نزدیك شده بود .

هنگام امضاء معاهدهٔ تیلسیت ناپلئون بی‌اعتنائی کرد و مسئلهٔ ایرانرا بمیـان نیاوردو کمترین توجهی دربارهٔ گرفتاریهای فتحعلیشاه ، مبذول نداشت . اطلاع ازاین معاهده برای شاه ایران فوق‌العاده ناگوار بوده وانعقاد این معاهده برای دولت ایران نتایج شوم و خطرناك داشت واین عمل ناپلئون را فتحعلیشاه در بارهٔ ایران خیـانت می‌دانست زیرالشکریان تزار که ازجبههٔ جنك لهستان آسوده و آزادشده بودند جنك راباشدت هرچه تمامتر برضد دولتین ایران وعثمانی آغاز کردند .

دولت عثمانی درنتیجهٔ مساعی سباستیانی (۱) سفیر کبیر فرانسه درقسطنطنیه در شوال ۱۲۲۱ (دسامبر ۱۸۰۶) برضددولتین روسیه وانگلستان دریك موقع اعلان جنگ داده بود . پس از قضایای تیلسیت عثمانیها تصمیم گرفتند با ایرانیان همکاری کنند وبمنظور مقابله باحملات سپاهیان روسی درجبههٔ مشرق متفقاً مقاومتی ایجاد نمایند . درنتیجهٔ این تصمیم عباس میرزا و یوسف پاشا سرعسکر ارزروم هر یك در رأس بیست هزار نفر بدشت آرپا جای نزدیك شدند نقشهٔ فرماندهان دو دولت این بود که سپاهیان عثمانی ازسمت مشرق ولشکریان ایران از سمت مغرب وارد گرجستان گردند .

گودوویچ (۲) که ازاین نقشه اطلاع حاصل کرده بود پیشدستی کرده وباعجله برای مقابله باسپاهیان ایران وعثمانی حرکت نمود ودر نزدیکی آرپاچای شکست سختی به لشکریان سرعسکر که هنوز با دستجات عباس میرزا تماس حاصل نکرده بودند وارد ساخت . توپخانهٔ عثمانیها منهدم شد ولشکریان سر عسکر متفرق شدند

1 – Sebastiani
2 – Goudowitch

وقتی سپاهیان عباس میرزا بکمك عثمانیها رسیدند ناظر شکست متفقین خود بودند وناچارشدند درسمت ایروان عقب نشینی اجباری کنند .

این شکست لشکریان عثمانی وتصرف شهر آناپا [۱] ازطرف نیروی دریائی روس عثمانیهارا بامضای متارکهٔ اوزون کلیسا درتاریخ ۲۸ جمادی الثانی ۱۲۲۲ (۲ سپتامبر ۱۸۰۷) مجبورساخت درحالیکه جنك باایران تا ۱۲۲۳ (۱۸۰۸) بدون وقفه ادامه داشت .

Anapa-1 شهروبندرقفقاز درساحل شمالی دریای سیاه بندر مستحکمی که بوسیلهٔ عثمانیها بناشده وپس ازامضای معاهدهٔ بخارست بدست روسها افتاد .

۳ - شکست نقشهٔ وساطت دولت فرانسه و عزیمت ژنرال گاردان

گودوویچ از نفوذ دولت فرانسه در دربار ایران سخت نگران بود لذا بمنظور ازبین بردن این نفوذ نمایندهٔ خود بارون‌ورد [1] رادر روزهای اول بهار سال ۱۲۲۳ (۱۸۰۸) بانامهٔ دوستانه ای بتاریخ ۲۵ مارس ۱۸۰۸ نزد ژنرال گاردان فرستاد . در این نامه گودوویچ برئیس هیئت اعزامی فرانسه چنین‌مینوشت : «ژنرال گمان میکنم شمابعنوان سفیر امپراطوری که اکنون بالمپراطوری روسیه متحد و روابط دوستی نزدیکی دارد دولت ایرانرا از اشتباه بیرون خواهیدآورد زیرا یقین دارم که به‌شما تعلیماتی داده‌شده که درخط‌مشی دولت ایران که برضدمصالح دولت روسیه تشخیص داده‌میشود دخالت نکنید»

ژنرال گاردان پس‌از دریافت نامهٔ گودوویچ گزارشی بفتحعلیشاه داد . شاه در جواب گاردان خاطرنشان ساخت که گودوویچ بااین‌اقدام دسیسه‌میکند ومیخواهد حواس زمام داران ایران‌را مختل سازد . در همان موقعی که ورد در تهران مشغول مذاکره‌با گاردان‌بود دستجات‌روسی‌لاینقطع‌بشهرایروان‌حمله‌میکردند - تابالاخره درنتیجهٔ‌مداخلات وتقاضای‌مکررژنرال گاردان وباوجودمخالفت عباس‌میرزاقرارداد متارکه‌ای برای تسهیل جریان مذاکرات‌میان دولتین ایران‌وروس امضاءشد - لازار منشی سفارت فرانسه برای اعتراض نسبت باقدامات دولت روسیه و امضای قرار داد متارکه از تهران جهت ملاقات فلدمارشال گودوویچ فرمانده کل ارتش گرجستان حرکت کرد . ویکماه‌پس‌ازحرکتش‌دراواخراکتبر۱۸۰۸(رمضان۱۲۲۳)بقرارگاه گودوویچ درنزدیکی ایروان‌رسید . ولی‌وقتی‌لازار ازتحول‌اوضاع‌اروپااطلاع‌حاصل کردوازمذاکرات ارفورت [2] که‌درواقع‌متمم ومکمل‌قطعی صلح‌تیلسیت بودباخبر

---

1 – Wrede

2 – Erfurt

شد دیگر برای وی تردیدی باقی نماند که دیر یا زود ایران بحال خود رها خواهد شد. آندره دلریو [1] درمجلهٔ بریطانیائی جلد پانزدهم سال هفتم مورخ ۲۵ مارس ۱۷۵٤ دراین باره چنین مینویسد: «لازار اعتراض بی‌ارزش را که قراربود ارائه‌دهد برای‌ابد درجیب‌خود پنهان کرد. عضو آیندهٔ آکادمی فرانسه مانند هنر پیشه‌ای که نقش خودرا درتآتر کمدی بازی میکند نه‌تنها دست گودوویچ را فشرد بلکه مانند دیپلماتی که حواسش جمع‌بود رفتار کرد وچنانکه فلدمارشال ایروان را درحضور نمایندهٔدولت‌فرانسه بایك‌حمله اشغال‌میکرد وی کلمه‌ای نمیگفت مثل‌اینکه‌ناپلئون شخصاً دربرابراو حاضربود.

پس از مراجعت ورداز ایران ژنرال گاردان نامه‌ای بتاریخ ۲ ژوئن ۱۸۰۸ (۷ ربیع‌الثانی ۱۲۲۳) به‌شامپانی [2] وزیرخارجهٔ فرانسه نوشت. دراین‌نامه گاردان بمذاکرات میان‌دولتین ایران وروس اشاره کرده تذکرداد که این مذاکرات بدون دخالت یك‌دولت‌ثالث به‌نتیجه نخواهد رسید. بهمین جهت تقاضا کرد که مذاکرات درپاریس انجام یابد «بارون ورد ستوان توپخانه که از طرف فلد مارشال گودوویچ فرمانده ارتش روس در گرجستان بدربار ایران آمده‌بود نامهٔ مودت‌آمیز مورخ۲۱ ماهمه (۲۵ ربیع‌الثانی ۱۲۲۳) کنت گودوویچ‌را بمن تسلیم کرد ...

واضحست که ادعاهای دولت روسیه با ادعاهای دولت ایران وفق نمیدهد و مذاکرات بدون مداخله دولت سومی خاتمه پذیر نیست». در همین نامه ژنـرال گاردان تصریح کرده که‌فتحعلیشاه منافع‌خودرا دراختیار پادشاه عظیم‌الشأن‌فرانسه قرارداده وراضی‌شده‌است که مذاکرات‌درپاریس میان‌عسکرخان‌و کنت‌تولستوی [3] باوساطت اعلیحضرت‌ادامه‌یابد.

ژنرال گاردان‌همچنین‌نامه‌ای بعنوان‌مارشال گودوویچ ارسال‌داشت دراین‌نامه

---

1 - André - Delrieux

2 - Champany

3 - Conte Tolstoy

نمایندهٔ دولت فرانسه ازمارشال‌روسی تقاضا کرد که رضایت‌تزاررا برای‌انعقادمعاهدهٔ صلحی میان دولتین ایران وروسیه درپاریس جلب کند. دراین مورد فتحعلیشاه نیز تعلیماتی‌بسفیرخود درپاریس‌داد وبوی اختیارات تام تفویض کرد تامذاکرات‌را بطور رضایتبخشی درپاریس خاتمه دهد. درهمین فرمان فتحعلیشاه ازامضای معاهده میان دولتین ایران وفرانسه صحبت کرده وبه‌عسکرخان فرمانده لشکریان ایروان وسفیر ایران در پاریس خـاطر نشان میکند که امضای معاهدهٔ صلح میان دولتین روسیه وفرانسه بانجام وعده‌های مکرر امپراطوردایر باخراج سپاهیان روسی ازایالات‌ایران کمك کرده‌واشکالات موجودمیان‌دو کشوررابسهولت‌برطرف‌خواهد کرد .فتحعلیشاه بخصوص این نکته را تذکرمیدهد که نظربعلاقه واعتماد کامل نسبت بشخص ژنرال گاردان وبنابتوصیهٔوی منافع کشورایران بدست توانای اعلیحضرت امپراطورفرانسه سپرده شده سفیرایران بایستی تمام هم خودرا مصروف کند تاماموریتش‌بنحواحسن انجام یابد(۱)

ژنرال گاردان قبل ازاینکه به‌تقاضاهای دولت ایران جواب بدهدمنتظرنتیجهٔ اقدامات خود درپاریس نزد گودوویچ بود .

لازار ازمارشال گودوویچ در خواست کرد اقداماتی بعمل‌آورد تا دستورات جدیدی ازطرف تزاربرای تمدید مدت متارکـه تاشوال ۱۲۲۳ نوامبر ۱۸۰۸ صادر گردد شایددرفاصلهٔ این مدت ازتصمیمات ناپلئون وسن پطرزبرك درخصوص ایران اطلاع حاصل شود .

دولت‌انگلستان بنوبهٔ خودتشخیص داد که بعدازمعاهدهٔ تیلسیت موقع‌مناسبی است که وارد عمل گردد و دربار ایرانرا بطرف خود جلب کند . دولت بریتانیـا در این اقدام باندازه‌ای عجله کرد که دریك وقت دوهیئت ازطرف آندولت بخلیج‌فارس رسیدند .

هیئتی‌ازطرف فرمانفرمای هندوستان‌بریاست سرجان ملکم(۲) وهیئت‌دیگر

1 - Paris : A.E.P .9 fol.119
2 - Sir jhon Malcolm

ازطرف دولت انگلستان بریاستسرهارفورد جونس[1] نمایندهٔ انگلستانازجریان حوادثی کهبهنفوذواعتبارنمایندگان دولتفرانسه درنزد فتحعلیشاه لطمهوارد آورده بود استفاده کرد وپیشنهاد نمود که گرجستان رابزور از تصرف سپاهیان گودوویچ خارج سازد .

نظربایـنکه جوابی از طرف ناپلئون بگزارشهای ژنرال گاردان و تقاضاهای دولت ایران نرسیده بود فتحعلیشاه اصرارداشت درصورتیکه دولت ایران بخواهـد کمك دولت انگلستان را دریافت داردژنرال گاردان مخالفت نکند. نمایندهٔ دولت فرانسه دربرابر اصرارشاه دولت ایرانرا تهدید کرد کـه اگریکنفرانگلیسی وارد پایتخت گـردد روابط دیپلماسی میان دولتین ایران و فرانسه قطع خواهـد شد . فتحعلیشاه از جوابی که دولت عثمانی به سباستیاتیداده بود استفاده کرده و اظهار داشت :

اگـر فرانسویان بجای اینـکه فاتح بشوند مغلوب میگردیدند چه حادثهای بدترازاین برای مارخ میداد ؟

فتحعلیشاه نمیدانست درمقابل پیشنهادهای دولتین فرانسه وانگلستان که هر دومیخواستند دولت ایرانرا برضددیگری وبرضد روسها حمایت کنند چه رویهای اتخاذ نماید تابالاخره دربرابر تهدید نمایندهٔ دولت فرانسه خاطرنشان ساخت کـه گاردان نیزبایستی از بیطرفیدربارهای دول اروپائی و دولت عثمانی که آزادانه نمایندگان دول مختلف را میپذیرند متابعت کند .

درجبههٔجنك بااطمینانی که ژنرال گاردانبهفتحعلیشاه داده بود کهسپاهیان روسی بدون اجازهٔ ناپلئون مجدداً تعرض نخواهند کـرد قسمتی ازلشکریان تحت فرماندهیعباس میرزا وباوجود مخالفت شدیدوی مرخص شده بود. گودوویچ ازاین فرصتاستفاده کرده وعلیرغموعدههای صریح گارداندرناحیهٔ ایروانبتعرضشدیدی مبادرت ورزید . دراینخصوص قسمتی ازگزارش مورخ ۱۹ اکتبر۱۸۰۸ (۱۸شعبان

1 – Sir harford jones

۱۲۲۳) سروان لامی افسر توپخانه‌را دایر بتهیهٔ مقدمات تعرض مجدد روسها ووضع لشکریان دردوطرف که بژنرال گاردان فرستاده شد درج میکنیم ـ «تعرض مجدد روسها ایرانیان‌را متحیرومتوحش کرد ـ بااطمینان‌اینکه جنك تجدید نخواهدشد وسایل هیچ نوع مقاومتی‌فراهم نگردیده بود ـ بسواران وسربازان اجازه‌داده‌بودند بولایات خود مراجعت کنند تابتوانند محصول خودرا مراقبت وجمع آوری نمایند. این محصول که دردشت حاصلخیزایروان پخش شده بود بدست روسها افتاد وآذوقهٔ لشکریان دشمن‌را تأمین کرد ـ قلعهٔ ایروان که از حیث وسایل دفاعی ضعیف بود اسباب نگرانی وناراحتی بود . .»[۱]

ازیکطرف ژنرال گاردان درتهران دولت را مطمئن ساخته و وعده مساعدت میداد ازطرف دیگربافسرانی که درخدمت ارتش ایران بودند دستورمیداد پستهای خودرا ترك کنند بطوریکه هنگام حملهٔ روسها درناحیهٔ ایروان و نخجوان افسران فرانسوی جداً ازشرکت درعملیات برضد روسها خودداری کردند . پس ازتیلسیت رفتارافسران فرانسوی درمیان سپاهیان تحت فرماندهی عباس میرزا بحدی‌ناشایسته وتأثر آوربود که شاهزاده عباس میرزا مجبورشد چندین مرتبه احضار ورديه‌را که مأمورتعلیمات سربازان ایران بود تقاضا کند ـ در این خصوص نکریتا[۲] یکی از اعضای‌هیئت نظامی‌فرانسه درنامه‌ایکه درتاریخ ۱۷ ژانویه ۱۸۰۹(۳۰ذیقعده۱۲۲۳) بعنوان روفن[۳] نوشته به‌بی‌مهری ولیعهدایران نسبت به‌ورديه اشاره کرده میگوید نظربابنکه وی نتوانست هنگام حمله روسها سربازان ایرانرا بمیدان جنك هدایت کند مورد بی‌مهری شاهزاده قرار گرفت ...

۳۱ اکتبر۱۸۰۸(۲۲رمضان۱۲۲۳)صدراعظم‌نامهٔعباس‌میرز رادر تهران‌باطلاع ژنرال گاردان رسانید و تقاضا کرد بسروان لامی ووردیه که درتبریز هستند اجازه داده شود درجنك برضد روسها همکاری ومساعدت کنند زیرا این افسران دربرابر

1 - Paris A.E.P. dos .10.fol . 299 - 302
2 - Necrita
3 - Ruffin

تقاضای عباس‌میرزا ازابراز مساعدت دراوضاع وشرایط‌حاضر خودداری کرده‌اند

دراین هنگام یعنی تمام ماه اکتبر (شعبان‌ورمضان ۱۲۲۴) مطابق گزارش‌سروان لامی روسها بتهیهٔ وسایل یك حملهٔ دامنه‌داری‌درطول‌سر حدات‌ایران بعملیات‌مشغول بودند-درروز هفتم اکتبر عملیات روسها نشان میداد که‌برای گذشتن ازرود ارس تهیه می‌بینند روز هشتم حرکت کرده و وارد دهکدهٔ شاملو درشش فرسخی شهر ایروان گردیدند.

بااین ترتیب قصد مارشال‌معلوم است‌وباورودوی بخاك ایران‌هیچگونه‌تردیدی برای شروع جنك باقی نمی‌ماند(۱) چنانکه سروان لامی در گزارش خود پیش‌بینی کرده بود جنك در روزهای‌اول نوامبر ۱۸۰۸ (رمضان۱۲۲۳) شروع شدو قبلاقبلا مارشال گودوویچ در نامهٔ مورخ ۲ سپتامبر (۱۱رجب)به ژنرال گاردان اطلاع داده بود که تزارالکساندر وساطت دولت‌فرانسه را رد کرده ومایل است مستقیماً بادولت ایران داخل مذاکره شود.

آقای سفیر کبیر

« درنتیجهٔ گزارشات اینجانب باعلیحضرت امپراطور که جنابعالی را بوسیلهٔ فتحعلیخان نوری ازمضمون‌آنها مطلع ساختم اوامرمؤکد دریافت داشته‌ام وافتخار دارم باطلاع جنابعالی برسانم که اعلیحضرت امپراطور رویهٔ مرا مبنی‌براینکه‌حاضر نشدم متارکهٔ یکساله‌ای‌راکه ازطرف دولت ایران پیشنهاد شده بودقبول کنم کاملاً تأیید کرده است زیرا من‌برای قبول‌این پیشنهاد اختیارات‌تام نداشتم واین‌اختیارات فقط برای انعقاد پیمان صلحی براساس پیشنهادات خود اینجانب بود . اعلیحضرت امپراطور نمیتواند ادامهٔ مذاکرات را در پاریس قبول کند با اینکه اعلیحضرت امپراطور نمیتوانست منافع خودرا بشخص بهتری جزامپراطور فرانسه و پادشاه ایتالیادوست و متحد خود بسپاردوبادرنظر گرفتن مراتب دوستی عمیقی که باشواهد ودلایل متقابل بثبوت رسیده و باوجود منافع بزرگی که ممکن بود از وساطت

---

۱ -گزارش سروان لامی Paris : A.E.P. dos . 10 fol . 299

دولت‌فرانسه عایدامپراطوری روسیه گردداعلیحضرت امپراطورنمیتواند باین‌وساطت استعانت جویدزیرا موقعیت جغرافیائی سه دولت باین عمل اجازه نمیدهد ـ فواصل زیادی که میان کشورفرانسه ودودولت دیکروجود دارد تمام مزایای این وساطت‌را برطرف میسازد ومذاکرات‌راطولانی‌ترمیکند. بانبودن‌این موانع وبااینکه‌پیشنهاد انعقاد پیمان صلح، اول ازطرف دولت‌ایران داده‌شد بمناسبت اینکه‌آندولت‌تصمیمی اتخاذنکرد مذاکرات دوسال بطول‌انجامید. اعلیحضرت امپراطورنسبت‌به‌پیشنهادات من که طبق‌آن سرحدات تعیین گردیده وممکن است پایه واساس مذاکرات صلح قرار گیرد بی‌علاقه نمیباشد وتوقع دارد درصورت رضای دولت ایران پیمان صلح بوسیلهٔ‌مأمورین مجازبه‌ترتیبی که‌من بولیعهد ومیزاشفیع صدراعظم پیشنهاد کرده‌ام منعقد شودوگرنه اعلیحضرت امپراطور بمن اجازه داده در صورت لزوم جنك را شروع کنم ـ نظربااینکه‌جنابعالی نمایندهٔ مختار دولتی هستید که‌دوست‌روسیه است وبا ارادتی که بشمادارم برای اثبات مراتب صمیمیت خود نسبت بشما ، افتخار دارم به پیوست وبطورمحرمانه رونوشت نامه کنت رومانزوف (۱) وزیرامورخارجه‌راکه بعنوان من نوشته ارسال دارم .(۲)

1 - Nicolas de Romanzoff

۲ - «آقای کنت . من گزارش شمارا مشعربه پیشنهاد وزیر ایـران برای امضای قرار داد متارکهٔ یکساله واحالهٔ مذاکرات صلح بپاریس وتقاضای انعقاد پیمان صلح در آنشهر بوسیلهٔ کنت تولستوی وعسکرخان بوساطت امپراطورناپلئون ازنظر اعلیحضرت گذراندم . رد امضای یك قرارداد طولانی متارکه ازطرف شما مورد تأیید اعلیحضرت است .

اما درخصوص پیشنهادی که‌ازطرف دولت ایران برای تعقیب مذاکرات درپاریس شده امپراطورتشخیص داد بااینکه‌ناپلئون را مانند دوستی‌تلقی می کندمیان‌تمام سلاطین که امروز دردنیا حکومت میکنند هیچکدام باین اندازه طرف اعتماد امپراطور نیستند وبنوبهٔ خود این شاهزاده کسی است که میان تمام سلاطین نسبت بامپراطورروسیه اظهار دوستی‌می کندوامپراطورنمی‌توانست منافع خود را بشخص بهتری جز ناپلئون بسپارد و باوجود منافع‌زیادی که ممکن بود ازوساطت دولت فرانسه‌عاید امپراطوری روسیه گردد اعلیحضرت امپراطور نمیتواند باین اقدام توسل جوید زیرا موقعیت جغرافیائی سه کشور

(بقیه حاشیه‌در صفحه بعد)

این نامه بشما نشان خواهد داد که من از تذکر خدمات شایان شما نسبت باسرای جنگی ما وهمچنین ازیادآوری مساعی شما درنزدیك ساختن ما وایرانیها کوتاهی نکرده‌ام من باهمین وسیله نامه هائی بعنوان ولیعهد ایـران عباس میرزا و شفیع صدراعظم میفرستم ودراین مراسلات آنانرا ازتصمیم اخیراعلیحضرت امپراطور که بازهم حاضر است بدون فوت وقت پیمان صلح را منعقد کـند مطلع میسازم »
کنت گودوویچ .

بادریافت این نامه ژنرال گاردان درنامهٔ[1] مورخ ۳ اکتبر۱۸۰۸ (۱۲ شعبان ۱۲۲۳) به شامپانی[2] وزیرامورخارجه فرانسه شروع مجدد وقریب‌الوقـوع جنك ایران وروس راکه درنامهٔ فلدمارشال گودوویچ‌پیش‌بینی شده بود اطلاع‌داده‌و گفت : « دولت ایران دراثروعده‌های ما ازحملات دولت روس ایمن بود ...

جنابعالی که ازوحدت ویگانگی امپراطورفرانسه وپادشاه ایتالیاوالکسانـدر امپراطور روسیه مطلع بودید اظهار میداشتید که الکساندر امپراطورروسیه‌وساطت پادشاه عظیم‌الشأن مرا قبول خواهد کـرد ومعاهدهٔ صلح میان دربار ایران و دربار سن پطرزبرگ‌درپاریس‌منعقد خواهد شد. وصول نامه‌های مارشال گودوویچ پادشاه ایران ودربارررا دچار وحشت کرده است »

---

1 — Paris : A.E p. dos. .10. Fol . 263
2 — Champagny

بقیه حاشیه‌از صفحه قبل

این عمل رااجازه نمیدهد وفواصل زیادی که کشور فرانسه راازدو کشورد یگر جدامیکند تمام نفعی راکه ازاین اقدام متصور است برطرف می‌سازد وبناچار وبرخـلاف میل سه سلطان بجای‌اینکه استقرارصلح‌را تسریع کندمانع پیشرفت مذاکره می گردداعلیحضرت شخصاً دراینجا باسفیرفرانسه‌که دردربارروسیه است مذاکره کرده ومایل است که‌شما ازطرف خوداین‌موضوع‌را باطلاع ژنرال گاردنن برسانید وبایشان ابلاغ کنیداعلیحضرت ازتمایلی که برای نزدیك کردن ما وایرانیان نشان می‌دهندوجدیتی‌که درتمام مـوارد برای حسن خدمت بما مبذول میدارند کمال رضایت را دارند .

امضاء

Paris :A.E.P.dos.10.fol.163 نیکلارومانزوف

دولت ایران که از تدارکات روسها در جبهۀ عملیات نگران بود و وصول یادداشت گودوویچ بیشتر مایۀ وحشت‌واضطرابش‌شده بود مصمم گردید یکباردیگر توجه دولت فرانسه را بخود جلب واحترامی‌را که دولت ایران نسبت بتعهدات خود قائل‌است گوشزد کندودرضمن‌چگونگی اتحاد وروابط‌میان دولتین را پس‌ازمعاهدۀ فن کن‌اشتاین‌یادآور شود ومجدداً مساعدتهائی‌را که دولت فرانسه مطابق مواد این معاهده بایستی درحق دولت ایران بعمل‌آورد تقاضا کند .

نامۀ مورخ۲۶ شعبان ۱۲۲۳ (۱۶ اکتبر ۱۸۰۸) میرزا شفیع صدراعظم ایران به‌شامپانی وزیرخارجه دولت فرانسه بهمین منظورتهیه شده و مامضمون اهم مطالب این نامه‌را درزیر درج میکنیم :

در این نامه صدر اعظم ایران مینویسد که مدت هشت ماه است عسکر خان بعنوان سفیر فوق‌العاده بدربار اعلیحضرت امپراطور فرانسه و پادشاه ایتالیا فرستاده شده .

پس‌ازورود آقایان گاردان واوگوست بن‌تان نامه‌های متعدد بعنوان‌جنابعالی ارسال شده ولی تاکنون یعنی ۲۶ ماه شعبان (۱۶ اکتبر) هیچ پاسخی بمانرسیده و ما نمیدانیم آیا پیشنهادات ما مبنی بر تفویض اختیارات تام باعلیحضرت امپراطور فرانسه مورد قبول واقع شده است یانه ؟

دربهار همین سال‌فصلی که معمولا عملیات نظامی شروع میگردد بعلت‌تأخیر وصول اخبار ، ژنرال گاردان ازماقول وتعهد قطعی گرفت که تاوصول تعلیمات‌دولت فرانسه ارتش ایران تعرض‌رابرضد لشکریان روس شروع نکند . درهمین حال بنا به پیشنهاددوستانه‌وعاقلانۀ سفیر آندولت‌یکی ازشخصیت‌های برجستۀ دربارفتحعلی خان نوری بحضورفلدمارشال گنت گودوویچ ژنرال‌فرمانده روس اعزام شدوباکمال احترام حقیقت اوضاع بشرح زیربیان گردید :

نظربانیکه اعلیحضرت امپراطور فرانسه دوست پادشاه روسیه است ونسبت بایران نیزحسن نیت دارند و دربار ایران حفظ منافع حیاتی خودرا بعهدۀ ایشان واگذار کرده بهتر است پیمان صلح درپاریس بوسیلۀ سفرای دو دولت وصوابدید

اعلیحضرت امپراطور فرانسه منعقد گردد. تاوصول خبر رسمی ازطرف دولت فرانسه هر گونه عملیات خصمانه در سرحدات ماپایان یافته و در این مدت طرفین شرایط مودت متقابل را رعایت خواهند کرد.

امروز جواب قطعی کنت گودویچ[1] ونامه جناب کنت نیکولارومانزوف در دست ماست. دراین نامه‌هابطورصریح اعلام شده که دولت روسیه‌وسلطنت‌امپراطور فرانسه رارد کرده ونمیخواهد معاهدهٔ صلح دائمی درپاریس منعقد گردد.

وزیرخارجه‌دولت‌روسیه‌برعکس میخواهدپیمان‌صلح‌درایران‌امضاء شودوتصریح میکندا گراین‌پیشنهادازطرف‌دولت‌ایران‌قبول‌نشود مجدداً جنگ شروع خواهد شد.

بالاخره فتحعلیشاه دراین نامه بمواد معاهدهٔ فن کن‌اشتاین اشاره کرده‌تذکر میدهد درمادهٔ دوم‌این معاهده استقلال وتمامیت‌ارضی ایران‌ازطرف امپراطورفرانسه تضمین شده ومطابق مادهٔ سوم‌اعلیحضرت امپراطور فرانسه ایالت گرجستان‌رامتعلق بایران می‌شناسد.

درمادهٔ چهارم اعلیحضرت امپراطورفرانسه استرداد تمام ایالات ایرانرا که امروز ازطرف قوای روس اشغال گردیده ازطریق اقدامات دوستانه ویابوسیله اعمال زور تعهد کرده است.

۱ - قسمتی ازنامهٔ مورخ ۱۴ر۴ سپتامبر ۱۸۰۸ کنت گودوویچ به عباس میرزا که بعدها بایستی اساس مذاکرات ومبنای معاهدهٔ گلستان قرار گیرد درج میشود. ولیعهد ایران بعلت لحن شدید یادداشت واهانتی که نسبت بوی شده بودآنرا پاره کرد:

«من برای آخرین بار بوالاحضرت ولایتعهد بیان میکنم که‌دولت بهیهٔ روس‌نمیتواند امضای نهائی معاهده را قبول کند مگر براساس شرایطی که قبلا بدولت ایران پیشنهاد کرده‌ام یعنی بایستی خط مرزی بامسیر رودخانه کر وارس وآرپاچای تعیین گردیده و بدون فوت وقت پیمان صلح ازطرف دودولت امضاء شود.

راجع باعتراضاتی که والاحضرت در خصوص تعیین سرحدات بمن میکنند می‌توانم پاسخ دهم که تمام ایالت گیلان سابقاً بوسیلهٔ اعلیحضرت فقید امپراطور کبیرفتح شده‌بود ولی پادشاه عظیم‌الشأن من بادرنظر گرفتن وضع حاضر ایران وبخصوص باتوجه بعدل وانصاف خودفقط به پیشنهاداتی قناعت میکنند که‌من امروز بوالاحضرت میدهم وبایستی بی‌چون وچرا اساس معاهدهٔ صلح قرار گیرد.

Paris :A.E.P.dos.lo fol. 269 – 247

درانتظار وصول پاسخ سریع‌واجرای تعهدات ازطرف دولت فرانسه[1]

متأسفانه دولت فرانسه صراحتاً میانجی گری خودرا رد کردوبرای احترازاز بحثی که‌دیگربهیچوجه طرف توجه دولت ناپلئون نبود شامپانی درنامهٔ مورخ دوم نوامبر۱۸۰۸(۱۳رمضان ۱۲۲۳) به‌ژنرال گاردان‌چنین مینویسد : «درنامه‌های‌اخیر شما بمن اطلاع دادید که دولت ایران مایل است مذاکرات صلح‌را بـادولت روسیه درپاریس‌ادامه‌دهد. آقای سفیر کبیرایران دراین‌زمینه بامن‌صحبت کرده وتقاضادارد بلافاصله با کنت تولستوی‌داخل مذاکره شود . ولی سفیر دولت روس هیچ‌دستوری از طرف دولت خود دراین خصوص دریافت نداشته است.

انجام مذاکرات‌دراین‌مسافت‌طولانی امر عادی‌نیست واین‌اقدام تأخیرمجددی درجریان مذاکرت ایجادخواهد کرد. کوشش‌نمائید بدون‌آنکه برای دولت‌فرانسه دردسر و کشمکشی‌ایجاد کنید که‌درآن نمع و علاقه‌ای ندارد دودولت را بیکدیگر نزدیك سازید.

چیزی که دراین‌نامه جلب توجه میکند اینست که جواب‌دولت فرانسه شبیه جواب دولت روسیه‌است‌چنانکه‌دیدیم تزارنیزوساطت دولت‌فرانسه‌رابعذر اینکه‌پایتخت‌های سه کشورازیکدگر فاصلهٔزیاد دارد رد کرد.این عمل‌ثابت‌میکند که‌نامهٔوزیرخارجهٔ فرانسه بامشورت قبلی دولت سن‌پطرزبرك تهیه شده است.

تاریخ اولتیماتوم دولت روس منقضی شد ودر روزهای اول ماه نوامبر ۱۸۰۸ (شوال۱۲۲۳)بدستور گودوویچ حملات سپاهیان‌روس ازسمت ایروان آغاز گردید. توپجانهٔ‌دشمن‌پس‌از بمباران شدیدبدیوارهای‌قلعهٔ‌ایروان شکست‌واردآوردفرماندهی روس بتصور اینکه قلعه خراب شده‌دستور داد نارنجك‌اندازها در بستر رودخانه که در آنزمان آبش روبنقصان‌بود داخل‌شوند وفرمان حملهٔ عمومی بامشارکت چندین ستون صادر شد. ایرانیان مستحفظین قلعه بهیچ وجه ازاین حملهٔ دستجات سپاهیان روس مضطرب نشدند.وگودوویچ باوجود فداکاری‌و کوشش‌فوق‌العاده نارنجك انداز هاوتحمل تلفات سنگین کمترین توفیقی بدست نیاورد .

---

1 — Paris : A.E.P . dos . 1o. fol.327 — 330

فرماندهان وافراد قلعهٔ ایروان استقامت و تهور فوق العاده از خود نشان دادند و درمقابل حملات سواران آزمودهٔ ایرانی قوای روس مجبور شدند تا اوج کلیسا عقب نشینی کنند.

پس از شکست در مقابل ایروان فرمانده ارتش روس قوای زیادی برای جلوگیری از پیشرفت لشکریان ایران که از خوی مقر فرماندهی عباس میرزا حرکت کرده بودند اعزام داشت جنگ درطول تمام جبهه‌ها بشدت شروع شد ودرحالیکه ایروان بانهایت شهامت در مقابل حملات روس ایستادگی میکرد عباس میرزا ناچار شد نخجوان را تخلیه کند.

در خلال سال ۱۸۰۸ (۱۲۲۳) نخجوان چندین بار تخلیه و مجدداً از طرف سپاهیان ایران تصرف شد درسال ۱۸۰۸ مخصوصاً بعلت تعرضی که دولت عثمانی در جبههٔ بالکان وآسیای صغیر برضد دولت روسیه مینمود عملیات جنگی بیشتر بنفع سپاهیـان ایران بود.

درمقابل تعرض ناگهانی دولت روسیه دولت ایران به ژنرال گاردان مراجعه کرد نمایندهٔ دولت فرانسه اظهار داشت حتی دروضع حاضرو باوجود اشکالات دیپلماسی امیدواراست تعرضات روسهارا متوقف سازد و خاطرنشان ساخت که هنوز هم لازارمنشی سفارت فرانسه نزدمارشال گودوویچ است ومجدداً شصت روزمهلت خواسته ودرپایان اینمدت بنابدعوت الکساندر فتحعلیشاه بادولت روسیه داخل مذاکره خواهد شد. بعلاوه گاردان بدولت ایران اطمینان داد همینکه امپراطور از رفتار روسها اطلاع پیدا کند مانند صاعقه‌ای دشمن را از پای درخواهدآورد. فتحعلیشاه جوابداد چرا درظرف مدت ده‌ماه این صاعقه تأثیرخودرا نبخشیده‌است. پادشاه ایران ازاتحادواقعی دولتین روسیه وفرانسه تردید داشت وبرای اثبات این نظریه دلایل زیادی اقامه کرد ومخصوصاً متذکرشد که رفتارتزاردر گرجستان میرساند دولت روسیه نسبت بناپلئون تاچه حد احترام قائل است.

بالاخره گاردان نتوانست بوعدهٔ خود وفا کند و اقـدام دولت فرانسه بـرای میانجیگری مواجه باشکست شدودرتاریخ ۲۱ ذیحجه ۱۲۲۳ (۱۲ فوریه ۱۸۰۹)

ظر باینکه دربارایران تصمیم گرفت نمایندگان بریطانیای کبیررا قبول کند ژنرال گاردان اجازهٔ مرخصی گرفت . فتحعلیشاه ازژنرال گاردان تقاضا کرد تاوصول‌اخبار ازطرف دولت فرانسه درتبریزاقامت کند . نمایندهٔ دولت فرانسه این پیشنهادرا قبول کردوتهران را ترك گفت ودرتاریخ ۲۲محرم ۱۲۲٤ (۹ مارس ۱۸۰۹) هیئت نظامی فرانسه وارد شهرتبریزشد . وپس ازیکماه مذاکره ومعطلی دراین شهربالاخـره در تاریخ ۳ ربیع‌الاول ۱۲۲٤ (۱۷آوریل ۱۸۰۹) دربارعباس میرزارا ترك کرد.

ژنرال گاردان‌بااحضارافسران‌فرانسوی ازارتش ایران‌درچنین موقعی‌بپیشرفت دولت روسیه کمك کرد. امتناع دولت فرانسه ازقبول وساطت‌ومذاکرات‌میان‌دولتین ایران وروس باعتبارآندولت لطمه واردآورد و زمامداران ایـران نسبت بحسن نیت ژنرال گاردان مردد شدند . این رفتار دولت فرانسه و نمایندگانش وظیفهٔ مأمورین انگلیسی راکه ازسال ۱۸۰۷ (۱۲۲۲) منتظرفرصت نشسته بودند و گاردان تصور میکرد که ایشانرا ازصحنهٔ سیاست دور ساخته است بی‌نهایت آسان کرد بطوریکه هرقدم‌پیشرفت سپاهیان روس درخاك ایران برای آنـان دلیل قاطعی برضد اتحاد دولتین‌ایران وفرانسه بود. دولت ایران مأیوس‌ازاقدامات دولت ناپلئون وبرای‌اجتناب از حملات لشکریان تزار مجدداً متوسل بدولت انگلستان گـردید . بااین ترتیب امپراطورفرانسه درتیلسیت ایرانرا مانند سوئد و عثمانی فدای سیاست غلط خـود کردوبعدها درسال ۱۸۱۳ (۱۲۲۷) ازتعقیب این سیاست تأسف خورد .

۳- تجدید نفوذ دولت انگلستان و معاهده انگلیس و ایران
در ۱۲۲۴ (۱۸۰۹)

آغاز حملات مجدد سپاهیان روس باوجود اظهارات صریح ووعده‌های نمایندهٔ دولت فرانسه لطمهٔ شدیدی به‌حیثیت آن‌دولت دردربار ایران وارد ساخت. انگلیسها برای ازدیاد نفوذ خود وبیرون راندن فرانسویان بفعالیتهای سیاسی‌ودیپلوماسی‌شدید درتهران پرداختند. اعزام رومیو[1] وژوبر[2] نمایندگان نظامی دولت فرانسه که مقدمات‌ورود هیئت نظامی‌ژنرال گاردان‌را بدربارایران‌فراهم ساخت دولت‌بریطانیای کبیروهندوستان‌را دچاروحشت واضطراب کرد. سابقاً دیدیم که سرهارفوردجونس نمایندهٔ دولت انگلستان دربغداد برای جلوگیری ازنزدیکی‌دولتین فرانسه وایران بچه اقداماتی متوسل شد. پس برای مقابله و عقیم ساختن اقدامات دولت فرانسه در دربارایران لرد مینتو[3] فرمانروای کل هندوستان درماه مه ۱۸۰۸ نیروی دریائی نیرومندی را باهیئتی بریاست ملکم که در مأموریت ۱۸۰۱ توفیق شایانی بدست آورده بود بخلیج‌فارس‌اعزام داشت. چون نفوذ نمایندگان دولت فرانسه‌ومخصوصاً ژنرال گاردان دراین موقع‌درتهران فوق‌العاده زیاد ومؤثر بود ملکم‌درمأموریت‌دوم خود با مقاومت شدید دولت ایران مواجه گردید. بدولت هندوستان مخصوصاًایراد میگرفتند که‌محمدنبی‌خان‌سفیرایرانرا درهندوستان بسردی پذیرفته‌است ودرنتیجه اقدامات نمایندهٔ دولت فرانسه به‌ملکم اجازهٔ ورود بتهران داده نشد[4] و نمایندهٔ هندوستان ناچاردرشیراز توقف کرد وبحاکم شیراز دستور داده شد که‌اورا پذیرفته

---

1 – Romieux

2 - Jaubert

3 - Lord.Minto

۴ ــ نامهٔ میرزا شفیع به شامپانی مورخ ۲۶ نوامبر۱۸۰۸

Paris : A.E.P . dos ·lo.fol. 422

ودولت را ازموضوع مأموریتش آگاه سازد. تقاضاهای ملکم فوق‌العاده سنگین بود وعلاوه بردرخواستهای سال ۱۸۰۱ واگذاری جزیره خارك‌را بدولت انگلستان تقاضا میکرد وپیشنهاد مینمود که پنج مؤسسه یا نمایندگی تجارتی درسواحل خلیج فارس دایر گردد ودولت ایران اجازه دهد استحکامات ازطرف دولت هندوستان درآن نقاط ایجادوازطرف آندولت محافظت شود.

درنتیجهٔ مخالفت دولت ایران ملکم ناچار ایرانرا ترك گفت ـ نمایندهٔ دولت هندوستان درمراجعت خود وهابی‌هاوطوایف متعصب نجدرا که ایرانیان ازخلیج فارس بیرون رانده بودند برضد دولت ایران تحریك نمود.

این طوایف مخصوصاً وهابی‌هادردست مأمورین سیاسی دولت انگلستان حربهٔ خطرناکی بودند وبتحریك ملکم در۱۲۲۳ (۱۸۰۸) باراضی ایران تجاوز کردند. پس ازاین اقدامات ماهرانه ملکم بهندوستان بازگشت وچون ازطرز رفتار دولت ایران متأثروخشمگین بود بفرمانروای کل هندوستان اصرار کرد که جزیرهٔ خارك رابوسیلهٔ سپاهیان هند اشغال کند وبنادرخلیج فارس‌را محاصره نماید. بعقیدهٔ ملکم جزیرهٔ خارك ممکن بود درآتیه مبدأ حمله وپایگاه نظامی برای اقدام برضددولت ایران گردد. محمدعلی‌خان نام ازمدعیان تاج وتخت ایران راهم که از طایفهٔ زند پسرعلی مرادخان وازبستگان کریمخان زند بود و درهندوستان مقام نوابی داشت آماده کرد تا درموقع مناسب برای تهدید دولت ایران ازوجود وی استفاده کنند.

گاردان دراین خصوص ضمن نامهٔ مورخ ۲۶ نوامبر۱۸۰۸ (۷ شوال۱۲۲۳) به شامپانی وزیر امورخارجهٔ فرانسه مینویسد: «انگلیسها اغلب وزراءدربار را بوسیلهٔ پول بخود جلب کرده‌اند. درصورتیکه دولت ایران ازقبول آنان خودداری کندتهدید میکنند بجنوب ایران حمله برند ویکی ازنوادگان کریمخان موسوم به‌محمدعلی خان پسرعلیمرادخان را بپادشاهی ایران انتخاب کنند.

اطلاعاتی که بمن‌رسیده‌حاکی‌است دولت هندوستان‌شاهزادهٔ جوان رااز دکن که درآنجاسمت نوابی داشت به‌بمبئی احضار کرده وتدارکات‌مفصلی می‌بینند.

پیشنهاد ملکم برای اشغال جزیرهٔ خارك واعزام قوا ازطرف لرد مینتو قبول شد زیرا بدین وسیله حکومت هندوستان ممکن بود از عملیات قـوای فـرانسوی جلوگیری کند. ولی درست درموقع حرکت قوای هند اوضاع اروپا روشن‌تر گردید زیرادیگربرای دولت فرانسه میسرنبود که ازقسمتی ازلشکریان خود بنفع ایـران صرف نظر کند بنابراین دولت هندوستان ازاعزام قوابسوی ایران منصرف شد.

دوش بدوش اقدامات دولت هندوستان دولت انگلستان نیز تصمیم گرفت‌در ایران اقداماتی کند. این تصمیم براثر نامهٔ مورخ۲۰ اوت ۱۸۰۷ (۱۵ جمادی‌الثانی ۱۲۲۲) روبردندر (۱) به ژورژکانینك (۲) وزیرامورخارجهٔ انگلستان اتخاذ شد.

دراین‌نامه روبردندرلزوم اعزام‌هیئیی‌را بایران درتحت سرپرستی سرهارفورد جونس تذکردادوچنین مینویسد: «بخصوص مساعی جونس نه تنها برای جلوگیری ازتحریکات دولت فرانسه‌مفید خواهد شد بلکه درصورت امکان ایشان دامنه‌ووسعت این تحریکات را کشف خواهندکرد وهمچنین تعهداتی راکه دولتین ایران‌وفرانسه و یا هر دولت دیگری کـه با آنها در جنگی برضد ما متحد خواهـد شد روشن خواهد ساخت اعم از اینکه این تعهدات قبول شده و یا در آتیه مورد قبول واقـع گردد....»

«اطلاع ازوسعت ودامنهٔ تمام پیشنهاداتی که ازطرف دولت فرانسه بـدولت ایران شده اهمیت فوق‌العاده خواهد داشت زیرا با بدست‌آوردن این اطلاعات دقیقاً نوع وترتیب حملاتی که برضد متصرفات ما درهندوستان درنظر گـرفته شده است روشن میشود (۳).

انتخاب سرهارفوردجونس‌برای‌این مأموریت فوق‌العاده مناسب بودزیراوی‌از ۱۷۸٤ تا ۱۷۹٤ (۱۱۹۸-۱۲۰۹) دربصره مقیم بودوهنگامی که شاهزادگان‌زند در شیرازحکومت میکردند بآن‌شهرمسافرت کرده بود. بعلاوه‌جونس‌از۱۷۹۸تا۱۸۰٦

1 - Robert Dunders

2 - G. Canning

۳ - نامهٔ مورخ ۲۰ اوت ۱۸۰۷ روبردندر به ژورژکانینك

London : P.R.O.P.Fo 6o.T·I

(۱۲۲۱-۱۲۱۲) کنسول بریطانیای کبیردربغداد بود و درجریان این مأموریتهـای مختلف اطلاعات عمیقی ازامور مشرق بدست آورده بود. پس از پیشنهاد رو بردندر سرهارفورد جونس ازطرف ژورژ کانینك وزیرخارجهٔ انگلستان مأموریت یافت که بعنوان سفارت بتهران حرکت کند. بموجب تعلیماتی که بنمایندهٔ دولت انگلستان داده شده بودوی بایستی اتحادی بادولت ایران وپیمان مودتی باپاشای بغداد منعقد سازد. درنامهٔ مورخه ۱۲ فوریه خود کانینك بهسرهارفوردجونس چنین دستور میدهد. «چنانکه درمأموریت خویش باعدم توفیق مواجه شدید در صورت امکان صلاحست بنام دولت هندوستان بارؤسای وهابی روابط دوستانه دایر کنید ولی چون تعرضات و اقدامات افراد این طایفه بـرخلاف مصالح پاشای بغداد و دولت ایرانست بایستی این روابط با نهایت مهارت صورت گیرد بخصوص اگرازطرف دودولت یـایکی از آنها امیدی برای تأمین منافع بریطانیای کبیر باشد»(۱).

کشتی‌های ندرید(۲) وسافیر(۳) که حامل اعضای هیئت نمایندگی سرهارفورد جونس بود روز ۱۴ اکتبر ۱۸۰۸ (۲۳ شوال ۱۲۲۳) در خلیج فارس دربندر بوشهر لنگر انداخت. پس ازمکاتبات زیاد میان سرهارفورد جونس ولردمینتو(٤) فرمانروای کل هندوستان بادرنظر گرفتن اوضاع اروپاو گرفتاریهای دولت فرانسه ازنقشهٔ ملکم دایر باشغال جزیرهٔ خارك منصرف شد وبنمایندهٔ اعزامی ازلندن اختیارات تام داد.

هنگام پیاده شدن نمایندهٔ بریطانیای کبیر دربندر بوشهر تظاهـرات برضد فرانسویان بشدت ادامه داشت.

ایرانیان متوجه شده بودند که ژنرال گاردان تاآنزمان بیش ازآنچه عمل کرده وعـده داده است ولی در حقیقت بازی را باخته بود. سرهارفورد جـونس بخصوص نشانداد که وساطت دولت فرانسه برای ممانعت ازروسها کافی نبود.

---

۱ - نامهٔ مورخ ۲۱ نوریهٔ ۱۸۰۷ کانینك بهسرهار نوردجونس

London : P.R. O. P.Fo.60 T I

2 – Nedreid

3 – Saphir

4 – Lord minto

نمایندهٔ دولت انگلستان پیشنهاد کرد پیمان اتحادی میان دولتین ایـران و بریطانیای کبیر بامضاء برسدووعده داد مادامیکه دولت انگلستان بـا دولت فرانسه درحال جنك است سالیانه مبلغ یکصدوشصت هزارتومان (معادل ۱۲۰ هزارلیره بدولت ایران کمك خواهد شدوافسران انگلیسی تعلیم ارتش ایران را عهده دارخواهند بود. فتحعلیشاه نظریات نمایندهٔ دولت انگلستان را قبول کـرد وبژنرال گاردان اجازهٔ مرخصی داد . بااین ترتیب بی علاقگی وعدم توجه دولت فرانسه وطلای بریطانیـای کبیر یکباردیگر برتحکیم نفوذدولت انگلستان درایران کمك کرد . درماه دسامبر ۱۸۰۸ (شوال ۱۲۲۳) سرهارفورد جونس بوشهررا ترك گفت و درتاریخ ۱۴ فوریـه ۱۸۰۹ (۲۸ ذیحجه ۱۲۲۳) یعنی دوروز پس ازجلسهٔ خدا حافظی ژنرال گاردان ، وارد تهران شد و در ۱۷ فوریه (۲ محرم ۱۲۲۴) اعتبار نامه هـای خود را تقدیم فتحعلیشاه کرد[۱]

نمایندهٔ بریطانیای کبیر که حامل هدایای زیاد و گرانبها برای پادشاه ووزراء بودمورداستقبال شایان قرار گرفت . درمیان هدایا الماس خالصی که ازطرف ژورژ[۲] سوم پادشاه انگلستان برای فتحعلیشاه ارسال شده بود توجه شاه را جلب کرد. چند روز پس ازرسیدن نمایندهٔ انگلستان میرزا شفیع صدراعظم مأمورشد معاهده ای بـا هیئت اعزامی دولت انگلستان منعقد سازد . درخلال این احوال لرد مینتو کـه از تغییراوضاع سیاسی تهران وجریان حوادث بی اطلاع بود بتصوراینکه اقدامات دولت انگلستان به نتیجهٔ مطلوب نخواهد رسید اختیاراتی را که سرهارفورد جونس تفویض کرده بود پس گرفت ــ نمایندهٔ انگلستان بدون توجه بدستور لردمینتوبنام نمایندهٔ مختار ژرژ سوم پادشاه انگلستان بادولت ایران داخل مذاکره شد ومعاهدهٔ مقدماتی منعقد کرد که درتاریخ ۲۵ محرم ۱۲۲۴ (۱۲ مارس ۱۸۰۹) بامضاء رسید .

درجریان مذاکرات میان دولتین ایران وانگلستان چندین مرتبه وقفه حاصل

---

۱ ــ نامهٔ مورخ ۱۷ فوریهٔ ۱۸۰۹ سرهارفورد جونس به کانینك

Londn:P.R O.P.Fo.6o.T'II

2 – George III

زیرا ازیکطرف کلکته بباز گشت سرهارفورد جونس اصرارداشت و ازطرف دیگر لندن اقدامات ویرا تأئیدنموده ودستوراقامت‌صادرمیکرد . تااینکه بالاخره نمایندهٔ انگلستان درتاریخ ۱۵ ماه مارس ۱۸۰۹ (۲۸ محرم ۱۲۲٤) ضمن گزارشی پیشرفت کامل مأموریت خودرا به ژورژ کانینك اطلاع داد [۱]

این معاهدهٔ مقدماتی بوسیلهٔ جمس موریه [۲] (مؤلف کتاب حاجی‌بابا در انگلستان) بلندن فرستاده شد .

حاجی میرزا ابوالحسنخان [۳] هم که بعنوان‌سفیرایران نزدد ژرژسوم‌پادشاه انگلستان تعیین شده بودهمراه‌موریه حرکت کرد . مقصود اصلی این‌سفارت‌تقاضای پرداخت کمکی بود که مطابق معاهدهٔ مورخ ۱۲ مارس ۱۸۰۹ . دولت انگلستان متعهدشده‌بودبدولت‌ایران‌بپردازد.لرد مینتودفرمانروای کل هندوستان بالاخره‌قرار منعقدبوسیلهٔ سرهارفوردجونس را قبول کرد ولی اصرارداشت که اجرای این‌معاهده بافسری که‌ازطرف حکومت‌هندوستان تعیین‌خواهدشدمحول گردد . وبهمین‌منظور ملکم‌دررأس‌هیئت مهمی سومین‌باربایران‌اعزام گردید. سفیراعزامی ازطرف‌حکومت هندوستان بطرز مجللی مجهزبود وستاد مفصلی با خود همراه داشت . دولت ایران ازشتابزدگی‌دولت‌انگلستان‌وحکومت هندوستان برای اعزام نمایندگان در حیرت بود زیرا موقع ورود ملکم سرهارفورد جونس بعنوان سفیردولت انگلستان مسئول اداره کردن روابط‌سیاسی ودیپلوماسی درتهران بود .

دولت ایران همچنین ازاصراری که دولت بریطانیائ کبیر برای ازبین بردن نفوذ دولت فرانسه وجلب اتحاد دولت ایران داشت سخت درشگفت بود .

فتحعلیشاه بنمایندهٔ خود درلندن دستور داد که وضع نمایندگی آندولت را

---

۱ - نامهٔ مورخ ۱۵ **مارس** ۱۸۰۹ **سرهارفورد** جونس به‌ژورژ کانینك

London:P.R.O P.Fo.60. T II

2 - James morier

۳- میرزا ابوالحسن خان خواهرزاده حاجی ابراهیم کلانتر (اعتمادالدوله) و نیز

بقیه پاورقی در صفحهٔ بعد

درایران روشن کند واطلاع حاصل نماید کدامیك ازدونفر، نمایندهٔ واقعی ومعرف دولت بریطانیامیباشد. نظر باینکه معاهدهٔ منعقده‌بوسیلهٔ سرهارفورد جونس درلندن بامضاء رسید دولت بریطانیا بالاخره سرهارفورد جونس‌را بعنوان نماینده‌تام‌الاختیار خود درتهران معرفی کرد تامسئولیت روابط سیاسی ودیپلماسی میان‌تهران‌ولندن‌را عهده‌دار گردد وبااین ترتیب‌ملکم‌دربار ایرانرا ترك کردوبهندوستان مراجعت‌نمود.

درسال ۱۸۱۱ (۱۱۲٦) سر گوراوزلی [۱] جانشین سرهارفوردجونس گردید ماژوردارسی معروف‌به‌دارسی‌تاد [۲] وعده‌ای ازسربازان‌درجه‌داران‌هنك‌٤٧انگلستان نیزجزءملتزمین رکاب سفیر بودند، سرویلیام اوزلی [۳] که نوشته‌هـای وی راجع بایران درردیف کتابهای کلاسیك قرار گرفته همراه این هیئت بود.

بقیه پاورقی ازصفحهٔ قبل

داماد او بوده درسال ۱۲۱٥ که فتحعلیشاه فرمان قتل عام خانوادهٔ حاجی ابراهیم خان‌را داد میرزا ابوالحسن خان بوساطت درباریان ازمرك نجات یافت درمسافرت بلندن بعلت آشنا نبودن او بآداب اروپائی بعضی حرکات و اطواری که پیش اروپائیان مضحك جلوه میکرداز اوناشی شد جیمز موریه انگلیسی که دراین سفرهمراه اوبوده کتابی بنام(حاجی بابا درلندن) نوشته که بسیار غرض‌آلود است وحرکات سفیررا صد چندان بزرگترجلوه داده درصورتیکه‌میرزا ابوالحسن‌خان‌مردی مدبرومبادی‌آداب بوده‌است میرزاابوالحسن خان نیزراجـع باین مسافرت کتابی نوشته بنام حیرت نامهٔ سفرا که یک نسخه ازآن‌در کتابخانه موزهٔ بریتانیا درلندن موجود است میرزا ابوالحسن خان پس از این مسافـرت مشهور به‌ایلچی‌شده وچنانکه خواهیم گفت برای رفتن بروسیه نیزانتخاب شده است.

1 - Sir Gore Ouseley

2 - D' Arcy Tadd

3- Sir - William Ouseley

٤- بی نتیجه ماندن مذاکرات عسکران و نقشی که سرهارفورد جونس در این مذاکرات بازی کرد

باآنکه دولت عثمانی نیزدرجنك بود اتحاد دولت ایران باانگلستان دربرابر تجاوزات دولت تزاری ازاتحاد باناپلئون مفیدتر ومؤثرترنشد.

درماههای اخیر ۱۲۲۳ (۱۸۰۸) نیروی دریائی دولت روس کرانه های دریای خزررا دائماً بمباران کرده وجنك درطول تمام جبهه های شمالغربی ادامه داشت ولی باوجود این روسها نتوانستند ازحملات واقدامات خود نتیجهٔ قطعی بگیرند.

دوام جنگ و کندی عملیات موجب تغییراتی د فرماندهی عالی روس درجبهٔ قفقاز گردید.. روسها قلعهٔ ایروانراازشش ماه قبل محاصره کرده بودندولی چنانکه دیدیم حمله های آنان از طرف قوای ایران دفع شد و ناچار مجبور بعقب نشینی شدند.

این عدم توفیق وتأنی درپیشرفت عملیات جنگی سبب شد که دولت روسیه ژنرال گودوویچ را ازفرماندهی قوای روس بردارد وژنرال تورموسوف[1] را در جبهٔ قفقاز بجای اوبگمارد. درارتش ایران نیزپسرارشد فتحعلیشاه محمد علی میرزای دولتشاه حاکم کرمانشاه مأمورشد که درعملیات برضدروسها شرکت کند ربیع الثانی ۱۲۲٤ (مه ۱۸۰۹).

جنك روس وعثمانی درجبهٔ بالکان مجدداً در آوریل ۱۸۰۹ (صفر ۱۲۲٤) شروع شده بود ودولت عثمانی ناچاربود دردوجبهٔ بالکان وقفقازباقوای روسیه مقابله کند نظرباهمیتی که جنك بالکان داشت دولت عثمانی نمیتوانست بلشکریان خود در قفقاز که دور از قسطنطنیه بودند کمکهای موثر برساند و بهمین جهت آندولت

1 – Tormossoff

ناچاربود درجبهۀ قفقازحالت دفاعی اتخاذ کند وبعملیات جناح چپ لشکریان ایران کمك نماید .

دراین هنگام اتحادیۀ پنجم دراروپا برضددولت فرانسه درشرف تشکیل وتوجه تزاربااین امرمهم معطوف بود .

آلکساندر درآغاز امرداخل دراین اتحادیه نشد وخودرا برای جنك برضد ناپلئون حاضر کرد وعملیات درجبهۀ ایران باتأنی پیش میرفت . دولت روس درماههای آخرسال ۱۲۲٤ (۱۸۰۹) بایجاد شورش وانقلابات در ناحیۀ طالش بریاست مصطفی خان طالش کمك میکرد وبوی اسلحه وآذوقه ومهمات تحویل میداد(۱) در نتیجه دولت ایران برای ریشه کن ساختن این انقلابات اقدام بلشکر کشی کردوبدینوسیله دولت روس موفق شد که قسمتی ازقوای ایرانرا فلج سازد .

جهت تطبیق عملیات نظامی دو کشورایران وعثمانی برضد روسها ، نمایندۀ بریطانیای کبیردرتهران بدولت ایران تلقین نمود که یك اتحادنظامی میان دو کشور منعقد گردد . بهمین مناسبت سرهارفورد جونس در نامۀ مورخ ۲۰ مه ۱۸۰۹ به روبر آدر(۲) نمایندۀ دولت انگلستان درقسطنطنیه ازتمایل دولت ایران برای عقد چنین اتحادی صحبت میکند : « دونکتۀ اساسی توجه شاه را جلب میکند : اقدام بتعرض ازطرف عثمانیها درناحیۀ قارص وتعیین یکنفروزیرمختارازطرف دربارعثمانی در تهران(۳) » . دیپلمات انگلیسی که سیاست اصلی وی حتی الامکان تبدیل جنك روس وایران بیك جنك مذهبی بود ودراین سیاست نیزتاحدی توفیق یافته بوددرهمین نامه مینویسد : « من بپادشاه خاطرنشان کرده ام که جنك روس وعثمانی جنبۀ مذهبی دارد » .

بنوبۀ خوددولت روسیه مایل بودجنك را هرچه زودتر بادولتین ایران وعثمانی

---

۱ ـ نامۀ مورخ ٦ دسامبر ۱۸۰۹ ژنرال تورموسوف
London :P.R.O.P.Fo.6o.T.III
2–Robert Adair
۳ ـ نامۀ مورخ ۲۰ ماه مه سرهارفورد جونس به روبرآدر
London :P.R.O.P.Fo.6o.T.II

خاتمه دهد تا باخیال آسوده ازجانب مشرق بتواند مقدمات حمله واشغال لهستان‌را را فراهم سازد وبرضد ناپلئون رسماً وارد جنك شود بنابراین بفرماندهان‌لشکریان قفقازازجانب تزار دستورداده شد که درانعقاد معاهدهٔ صلح بادولتین ایران و عثمانی تعجیل کنند .

در عرض نیمهٔ دوم سال ۱۸۰۹ (۱۲۲٤) وشش ماه اول سال ۱۸۱۰ (۱۲۲٥) برای پایان دادن بجنك باایران ژنرال تورموسوف پیشنهادهای متعدد کرد[۱] چون عباس‌میرزا نیزازماه اوت باینطرف (جمادی‌الثانی۱۲۲٤)تمایل خودرا نسبت بانعقاد صلح اظهار داشته‌بود ژنرال‌تورموسوف‌پیشنهاد کرد که یکنفرنماینده‌ازطرف دولت ایران برای مذاکره دربارهٔ موادمعاهده به‌سن پطرزبرك اعزام گردد[۲] ژنرال‌روسی درنامهٔ مورخ اوت۱۸۰۹ از عباس‌میرزا تقاضانمود که‌«شماسپاهیان‌خودرا از اراضی مااحضار کنید وبزجر دادن واسیر کردن رعایای ماخاتمه دهید».

تورموسوف همچنین‌ازپیشرفت محمدعلی‌میرزای دولتشاه درسمت گرجستان شکایت کرد وحرکت بارون‌ورد[۳] وتورموسوف رابرای مذاکره بنزد عباس میرزا اعلام نمود .

نمایندگان‌اعزامی‌دولت‌روسیه‌درنخجوان‌بقرارگاه‌شاهزاده عباس‌میرزارسیدند ولیعهد ایران نامهٔ‌مفصلی درجواب ژنرال تورموسف ارسال داشت که ماخلاصهٔ آنرا دراینجا درج میکنیم : «شما اگرحقیقاً مایل بصلح هستید این صلح بایـد طوری برقرار گردد که منافع طرفین‌را تأمین کند .

درایام گذشته که‌اختلافی میان ماوجود نداشت دولتین برای هرناحیه‌حدودی تعیین کرده‌بودند ....

این سرحدات تا شش یا هفت سال قبل مورد احترام وقبول طرفین‌وصلح‌میان

---

۱ ـ مکاتبات تورموسوف و عباس میرزا

London : P.R.O . P . Fo . 60 T . III

۲ ـ نامهٔ مورخ ۲۰ اوت تورموسوف به‌عباس میرزا

London:P.R.O.P.Fo.60T.III

3 – Baron Vrede

دو کشور برقرار بود . اگر دولت روسیه مایل بصلح است ومیخواهد دشمنی مابدوستی مبدل گردد باید فوراً سپاهیان خودرا از کشور ایران احضار کند بدین ترتیب و بخواست خداوندی، رعایای ما، درصلح زندگی کرده و سربازان ما از مرگ نجات خواهند یافت (۱).

ژنرال تورموسوف که جداً مایل بود بجنگ با ایران خاتمه دهد وصول نامهٔ شاهزاده عباس میرزا را اعلام کرد ودرنامهٔ مورخ ۳۰ اوت ۱۸۰۹ بوی چنین نوشت : «پیشنهادهای صلح شما نشان میدهد که والاحضرت مایل است منافع کشور خودرا حفظ کند (۲).

درهمین نامه فرمانده کل قوای روس میگوید وی برای امضای قرارداد متارکه ویاصلح قطعی باایران اختیارات تام دارد واطمینان میدهد که طی پیامی دربارسن پطرزبرگ را ازتمایلات شاهزاده مطلع ساخته ویقین دارد که جواب دولت روسیه بانظریات وتقاضاهای شاهزاده مساعد خواهد بود .

فعالیت ونفوذ سرهارفورد جونس مایهٔ شکست و وقفهٔ اقدامات تورموسوف و پیشنهادهای صلح طرفین گردید . این پیشنهادها بشهادت اسناد وزارت امورخارجهٔ انگلستان برای ایران بمراتب مفیدتر ازپیشنهادهائی بود که درسال ۱۲۲۸ (۱۸۱۳) بامساعی ووساطت سرگوراوزلی (۳) برخلاف منافع ومصالح دولت ایران در گلستان مورد قبول واقع شد .

وضع اروپا رفتار و معاملهٔ سرهارفورد جونس را ایجاب میکرد زیرا دولت انگلستان میترسید که اگر دولت روسیه ازجانب ایران آسوده خاطر شود برای مستعمرهٔ هندوستان خطرناک گردد .

پس ازورود نمایندگان دولت روسیه به تبریز سرهارفورد جونس درنامهٔ مورخ اکتبر ۱۸۰۹ (رمضان ۱۲۲۴) ازمیرزا بزرگ وزیرعباس میرزا تقاضا کرد که رونوشت

---

۱ ـ نامهٔ عباس میرزا به تورموسوف

London: P.R.O.P.Fo.60.T · II

۲ ـ نامهٔ مورخ ۳۰ اوت ۱۸۰۹ تورموسوف به عباس میرزا

London: P.R.O.P.Fo.60.T.II

3 – Sir - Gore - Ouseley

مکاتبات متبادله میان ژنرال تورموسوف وولیعهد ایران را برای اطلاع وی بفرستند. درضمن سفیر کبیرانگلستان نظریات ودلایل چهارگانهٔ خودرا برضدانعقاد امضای قرارداد متارکه یا انعقاد صلح با دولت روسیه چنین شرح میدهد : « اولا اصرار تورموسوف برای انعقادمعاهدهٔ صلح ثابت‌میکند که قوای‌روس‌برای ادامهٔ‌جنگ کافی ومجهزنیست‌ثانیاً برای‌اثبات همین موضوع توجه میرزابزرك را بشکایت تورموسوف دربارهٔ پیشرفت یکدسته از لشکریان‌ایران تحت‌فرماندهی‌محمدعلی میرزا دولتشاه جلب کرده واین مطب‌را دلیل دیگری بعدم قدرت نظامی دولت روسیه بادامهٔ جنك میداند ثالثاً سرهارفوردجونس‌نشان میدهد که برطبق نوشتجات تورموسوف دولت روسیه بهیچوجه حاضرنیست شرایط صلحی را که قبلا ازطرف گودوویچ پیشنهاد شده تغییردهد ـ آخرین دلیل سفیرانگلیس اینست که دعوت دولت روسیه ازدولت ایران برای اعزام یکنفرنماینده به‌دربارسن پطرزبرگ ممکن است بروابط تهران وقسطنطنیه خللی وارد کند .

سرهارفورد جونس درنامهٔ مورخ سپتامبر ۱۸۰۹ (شعبان ۱۲۲٤) خود به روبرت‌آدر(۱) وزیرمختاربریتانیای‌کبیردرقسطنطنیه تعقیب سیاست دوپهلوی خود را چنین توجیه میکند« هرگاه دولت روسیه بسیاست خود ادامه دهد و بانعقاد صلح باایران موفق گرددبرنفوذ وتفوق‌مادرتهران وقسطنطنیه لطمه خواهدزد(۲)درهمین نامه درجواب سؤالات روبرت‌آدر راجع به‌پیشنهاد باب عالی برای ایجاداتحاد میان دوکشورایران وعثمانی‌وتأثیرآن درتهران‌سرهارفوردجونس میگوید: «این‌پیشنهاد از طرف دولت ایران باحسن قبول تلقی خواهد شد زیرا ایرانیان عثمانیها را ملت مسلمان وهم کیش خود میدانند.»

نمایندگان اعزامی دولت روس‌نزد عباس میرزا پس ازملاقات بامیرزابزرگ پیشنهاد کردند قرار ملاقاتی برای تهیهٔ کنفرانس مقدماتی میان میرزابزرك وژنرال

1- Robert Adair

۲ ـ نامهٔ مورخ سپتامبر سرهارفورد جونس بروبرآدر

London :p.R.O.p.Fo.60.T.II

ترموسوف داده شود . دربارتهران نظر نمایندهٔ بریطانیای کبیررا راجع باین ملاقات سؤال کرد سرهارفورد جونس جواب داد : «هیچگونه جواب مثبتی قبل از نـوروز نباید بهبارون ورد دادهشود (۱). درهمین نامه سفیرانگلستان پس ازبیان دلایل زیادی برای مخالفت بامکاتبهواعزام نماینده ازطرف دولت ایران برای انعقاد معاهدهٔ تعرضی وتدافعی میان دولتین ایران وروس میگوید وی نمیتوانـد قبل از وصول نظردولت متبوع خود دراین مورد اظهارنظر کند. راجع باصرار بارون ورد برای فراهم آوردن وسایل ملاقات میان میرزا بزرك و ترمرسوف برای تهیهٔ مقدمات کـنفرانس صلح سرهارفوردجونس عقیده دارد که نتایج چنین کنفرانسی بضرر دولت ایران خواهـد بود زیرا سیاست تحریك حس حسادت و دشمنی میان دولتین ایران و عثمانی بنفع دولت روسیه تزاری است . مساعی سرهارفورد جونس برای ممانعت از نزدیك شدن دولتین ایران وروس بهنتیجه رسیدومذاکرات وملاقاتهای نمایندگان دودولت بالاخره میسر نشد .

تأثیرعقیدهونفوذ سرهارفوردجونس دردربارایران ازمضمون فرمانی کهفتحعلی شاه بعنوان عباس میرزافرستاده بخوبی معلوم میگردددراین فرمان پادشاه ملاقات میرزا بزرگ را باترموسوف اجـازه داده ودستور میدهد نمایندهٔ ایران باید سعی کـند که دراین کنفرانس مقصود واقعی ومیل دولت روسیه را بفهمد ومذاکراترابانهایت احتیاط و فطانت ودوربینی ادامه دهد و بدون هیچگونه ابهامی به ترموسوف اظهار کند که دولت ایران متحددولتین انگلستان وعثمانی است بنابراین تمام تصمیماتی کهاتخاذ خواهد شد بایستی براساس تأمین منافع سه کشورمتحد انجام پذیرد(۲)

بالاخره پس ازمذاکرات زیادمیان نمایندگان دولت روس ودولت ایران مقرر شد ملاقاتی میان ژنرال ترموف ومیرزا بزرگ درعسکران انجام گیرد . (۳)

---

۱ - نامهٔ سرهارفورد جونس بهمیرزاشفیع بتاریخ ۱۸ فوریه ۱۸۰۹
London :p.R.O.p.Fo.60.T.III

۲ - فرمان مورخ ٦ صفر ۱۲۲۵ (۱٦ مارس ۱۸۱۰ فتحعلی شاه بهعباس میرزا
London :P.R.O.P.Fo.60.T.III

۳ - نامهٔ مورخ ۱۷ مه ۱۸۱۰ سرهارفورد جونس به کنت باترست Bathurst وزیرمستعمرات دولت انگلستان London :P.R.O.P.Fo.60.T.III

بمحض اطلاع ازاینکه تشکیل کنفرانس میان سیاستمدار ایرانی و ژنرال روسی حتمی است نمایندهٔ انگلستان ازمیرزا بزرگ تأمین وتعهد گرفت درصورت انعقاد پیمان متارکه میان دولتین ایران و روس منافع دولت عثمانی تضمین و منظور گردد[۱] . بااین ترتیب درتاریخ ۱۰ ربیع الاول ۱۲۲۵ (۱۵ آوریل ۱۹۱۰) میرزا بزرگ برای حضوردرمحل کنفرانس تبریزرا ترك گفت.

برای مطمئن ساختن دولت عثمانی ازجریان مذاکرات دولتین روس وایران سرهارفورد جونس درنامهٔ خودبه‌روبرت آدر که‌درتاریخ اول آوریل ازتبریز نوشته شده تصریح میکند که‌میرزا بزرگ‌وزیرعباس‌میرزاراضی شده‌است که در صورت‌انعقاد معاهده صلح یا پیمان متارکه بادولت روسیه ماده‌ای بگنجانند که مطابق آن روسها ازهر گونه‌تعرضی باراضی‌دولت‌عثمانی‌خودداری کنند.با اطمینان‌ازاینکه مذاکرات میان‌دولتین ایران وروس بنتیجه نخواهد رسید سرهارفورد جونس در همین نامه به روبرت آدر اعلام میدارد «نظربا ینکه منظور وهدف نهائی ترموسوف پس از انعقاد معاهده صلح ویا امضای پیمان متارکه بادولت ایران حمله بخاك عثمانی است پس فرمانده کل قوای روس‌بگنجاندن‌مادهٔ پیشنهادی ازطرف نمایندهٔ دولت ایران رضا نخواهد داد»[۲]

نمایندهٔ بریطانیای کبیر درپیشرفت مقصود خود تردیدی نداشت‌برای احتراز ازهر گونه پیش آمدغیر مترقب هنگامی که‌میرزابزرك درعسکرن بودسرهارفورد جونس جهت‌تهیهٔ متن ومواد پیمان‌متارکه‌ای که بایستی بوسیلهٔ میرزا بزرك بژنرال ترموسوف تسلیم گردد درتاریخ ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۲۲۵ (۱۵ مه ۱۸۱۰) به تبریز نزد عباس میرزا رفت[۳] .

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ۱ آوریل ۱۸۱۰ سرهارفوردجونس به‌روبر آدر
Lon don :P.R.O.P.Fo.6o.T·Ill

۲ـ نامه سرهارفوردجونس به روبرت آدر
L ondon:P.R·O.P.Fo.6oT.III

۳ـ نامهٔ مورخ ۲۷ مه ۱۸۱۰ سرهارفوردجونس به‌باتر **Bathurst**
London: P.R.O.P.Fo.6oT.III

برای اینکه طرح مزبور مورد قبول دولت روسیه واقع نشود نمایندهٔ بریطانیای کبیر مواد آنرا طوری تنظیم کرد ودرمتن آن اصطلاحاتی بکاربرد کـه منظور سیاسی دولت انگلستان را تأمین می‌نمود . این طرح درشش ماده تهیه شده بود ومواد ۵ و ٦ آنرا که باعث شکست مذاکرات عسکران گردید دراینجا ذکرمیکنیم :

ماده ۵ : درمدت اعتباراین قرارداد قوای ایران درآذربایجان وقوای روس در گرجستان نباید اضافه ویاتعویض شود .

بادرنظر گرفتن اتحاد میان دولتین ایران وعثمانی درمدت اعتبار این قرارداد هر گاه قوای روس بنقاطی ازسرحـدات حمله کنند این حمله اختلاف نظر میـان دربارهای ایران و عثمانی ایجاد خواهد نمود . بنابراین نمایندگان مختار موافقت میکنند که درطول مدت این قرارداد قوای روس بهیچ‌یك از نقاط سرحدی عثمانی بخصوص شهرهای قارص ووان و آلکالسیکه[1] حمله نکنند .

ماده ٦ : هر گاه درمدت‌اعتباراین قرارداد پادشاه ایران مناسب‌دانست‌سفیری برای پیشنهاد صلح به سن‌پطرز برك بفرستد دولت روسیه تخلیهٔ تمام گرجستان و استرداد تمام ایالات اشغالی ایران‌را بعنوان اساس معاهدهٔ صلح قبول میکند[2].

ولی چنانکه سرهارفوردجونس پیش‌بینی کرده بود زمامداران روس‌پیشنهاد های دولت ایران را قبول نکردندوقراردادی در۱۲ ماده بنمایندهٔ ایران ارائه‌دادند. مواد این قرارداد باندازه‌ای باموادِ پیشنهادی دولت ایران مغایـرت ومباینت داشت که بالاخره مذاکرات عسکران سرنگرفت ومیرزا بزرك بدون اخذ کمترین نتیجه به تبریزمراجعت کرد وژنرال ترموسوف عازم تفلیس شد . جمادی‌اول ۱۲۲۵ (ژوین ۱۸۱۰)نمایندهٔ بریطانیای کبیروقتی ازنتیجهٔ مذاکرات عسکران اطلاع حاصل کرد

---

1 – Alkalsikeh

۲ ــ طرح يك قرارداد متار که میان دولتین روس وایران که از طرف سرهارفورد جونس تهیه ودرتاریخ ۱۵ مه ۱۸۱۰ تقدیم گردیده است

London :p.R.O.p Fo.60T·III

بلافاصله وزارت امورخارجهٔ انگلستان را ازقطع مذاکرات‌میان‌دولتین‌ایران وروس در جریـان گذاشت.[۱]

سرهارفوردجونس درتاریخ ۲۴ مه نیزاستراتفورد [۲] کانینگ سفیر کـبیر انگلستان را درقسطنطنیه که جانشین روبرت آدر شده بود از قطع مذاکرات میان دولتین ایران وروس مطلع ساخت[۳].

استراتفورد کانینگ بنوبهٔخود خلاصهٔ چندنامهٔ محرمانه‌را که روش وسیاست کلی دولت روسیه را روشن میسازد برای اطلاع سفیر انگلستان در ایـران ارسال داشته [۴] وازموفقیتی که درمسائل ایران و روس نصیب وی شده تبریك میگوید :

---

۱ ـ نامه مورخ ۲٦ ژوئیه ۱۸۱۰ سرهارفوردجونس به‌ولزلی
London : P.R.O.P.Fo.60.T.III

2 - stratford – Canning

۳ ـ نامهٔ مورخ ۲٤ مه سرهارفورد جونس به‌استراتفورد کانینك
London:P.R.O.P.Fo.60.T.III

۱ ـ خلاصهٔ چند نامهٔ محرمانه که ازسن‌پطرز برك بدست‌استراتفورد کانینك رسیده ووی رونوست آنهارا برای اطلاع سرهارفورد حونس ارسال داشته بود : « در روسیه بعلت خرابی فوق‌العادهٔ اوضاع مالی که مواجه باورشکستی‌است امیدوارند جنك راخاتمه دهند . نتیجهٔ این جنگها ومخصوصاً ادامهٔ دوجنك عثمانی وایران که فعلا درجریان است محتـاج بمقادیر فوق‌العاده زیاد پول است که در حال حاضر در روسیه کـمیاب میباشد . بطوریکه ادامهٔ این دوجنك باوضعی‌که مالیهٔ دولت روسیه گرفتار شده برای این‌دولت غیرممکن است».

« برای انعقاد معاهدهٔ صلح باایران منتظرامضای پیمان متارکه هستند که بعلت اشغال ایمرسی ازطرف سپاهیان امپراطوری و حبس پادشاه سلیمان بعلت خیانت بدولت روسیه بتأخیر افتاده است ـ اشغال ایمرسی هنوزاعلام نشده ولی میگویند باانضمام این ناحیه علاوه براینکه دولت روسیه بقلاع مستحکمی دست خواهد یافت که برای ادامهٔ‌جنك باعثمانیها درجبههٔ طرابوزان بی نهایت مفید است چهل هزار نفر نیز بجمعیت آندولت اضافه خواهد شد ـ واگذاری دوایالت همجوار گرجستان رااز‌ایـران میخواهند البته این امر بنظرهر شخص‌فهمیده نامعقول بنظرمیرسد‌زیرا روسها که نتوانستندابروان‌رامتصرف‌شوند چگونه میخواهند که پادشاه ایران این ایالت را با انعقاد معاهدهٔ صلحی بـدولت روسیه واگذار کند ؟ مسیولازار متصدی‌امورفرانسه دردربـارایران دراینجا است وطرف توجه

بقیه حاشیه در صفحه بعد

« شمامیتوانید متوجه خدمت مهمی باشید که باممانعت از امضای قرار متارکه و یا پیمان صلح میان دولتین ایران وروس بمنافع عمومی انجام داده اید.» استراتفورد کانینك از نظر یکنفر بریطانیائی چنین قضاوت میکند : « بزرگترین خدمتی که شما انجام داده اید اینست که توانسته اید جنك را باشدت هرچه تمامتر میان ایران وروس ادامه دهید آلکساندر از انعقاد پیمان صلح میان دولتین روس و ایران مأیوس ونا امید شده است »(۱)

بقیه حاشیه از صفحه قبل

امپراطور آلکساندر نیزمیباشد - وی منتظر ورود سفیرایرانست معلوم نیست بچه علت پادشاه ایران بایستی نماینده ای باینجا بفرستد درصورتیکه وی میتواند معاهدهٔ صلح را درهمان سرحدات خود منعقد کند . این نکته نیزشایان توجه است که دربارروسیه محکوم به تعقیب یك سیاست ناپایدارو تغییرپذیر وغیرمطمئنی است که بهیچوجه با منافع آندولت ومنافع اروپا تطبیق نمیکند .

«دراینجا هنوزهم زیاد علاقمند باصول سیاست فرانسه هستند . امیدوارند بزودی بدوجنك ایران وعثمانی بزوراسلحه خاتمه داده خواهد شد . باوجود تمام ملاحظاتی که بایستی در نظر گرفت روسها درعقیدهٔ خود راجع بانعقاد قریب الوقوع پیمان صلح با ایران راسخ می باشند وامیدوارند که این صلح باورود نمایندهٔ ایران عملی خواهد شد. همچنین انتظاردارند که پس ازعبورلشکریان روس از رود دانوب جنك با عثمانیها نیز بزودی خاتمه خواهد یافت .

اسناد منظم بنامهٔ استراتفورد کانینك که در اول اوت ۱۸۱۰ بهسرهارفوردجونس فرستاده شد

London:P.R.O.P.FO.60.T-III

- نامهٔ مورخ ۱۱ اوت ۱۸۱۰ استراتفوردکانینك به سرهارفوردجونس

London :P.R.o.P.Fo.60.T.III

۵ - اتحاد ایران و عثمانی از رجب ۱۲۲۵ تا معاهده بخارست جمادی‌الاول ۱۲۲۷ (اوت ۱۸۱۰-۱۸۱۲)

درنتیجهٔ اقدامات سرهارفورد جونس واسترانفورد کانینك بالاخره پیمان اتحادی میان دولتین ایران وعثمانی درماه رجب ۱۲۲۵ (اوت ۱۸۱۰) بامضاء رسید.

پس ازقطع مذاکرات صلح باروسها جنك درطول تمام جبهه‌های ایران وعثمانی ازنو بشدت آغازشد [۱].

بعد ازمستشاران نظامی انگلیس ووصول توپ ومهمات مختصر بهبودی دروضع سپاهیان ایران حاصل شد. مهندسین انگلیسی درطول کرانه‌های رودارس به‌تحکیم نقاط سوق‌الجیشی پرداختند. ازطرف لنکران در کناردریای خزربیك حمله لشکریان روس باموفقیت جواب داده شد واقدامات دشمن عقیم ماند.

سال ۱۲۲۶ (۱۸۱۱) نسبتاً آرام بود زیرا دولت روسیه ازیکطرف مصمم بود پنهانی ونا گهانی به‌لهستان حمله کند.

ازطرف دیگر میخواست جنك رابشدت برضد عثمانیهاادامه دهد. وبااین ترتیب تمام فعالیت زمامداران روسیه ازطرف دانوب برضد عثمانیها وازسمت مغرب برضد دولت لهستان متوجه بود نیات خصمانهٔ آلکساندر ازهمان ملاقات ارفورت [۲] برضد ناپلئون معلوم بود بطوریکه درتاریخ ۳۱ دسامبر بنادرروسیه‌رابروی کشتیهای تجارتی باانگلستان باز کرد ودستورداد بحقوق گمرکی مال‌التجاره‌هائی که از فرانسه وارد میشود بیفزایند وباادامه این روش ازطرف دولت روسیه بسیاست محاصرهٔ بری ناپلئون

---

۱ - نامهٔ مورخ ۲۶ ژوئیه ۱۸۱۰ سرهارفوردجونس به‌ولزلی
London: P.R.P.Fo.6o.T.III

2 - ERFURT

برضد دولت انگلستان ضربهٔ شدیدی وارد آمد .

پس ازاین اقدام آلکساندر موفق شد سوئدیها ودانمارکی‌ها را نیز از فرانسه دور کند . مترنیخ[1] بااینکه همه گونه‌وعدهٔ مساعدت به‌ناپلئون داده‌بود باآلکساندر اطمینان داد که درصورت ظاهرجنك‌را برضد دولت‌روسیه اعلام خواهد کردبدون اینکه بهیچوجه برتعداد سپاهیان اطریش بیفزاید . علاوه براین یك قرارداد سری درتاریخ ۲ ژوین ۱۸۱۱میان دولتین روسیه‌واطریش بامضاء رسید ومترنیخ با اتخاذ این‌روش‌یعنی تعقیب یك سیاست دوپهلو استقلال اطریش را تأمین نمودو منتظرشد تا فرصت مناسب‌تری بدست آید .

درجنك باعثمانیها روسها موفقیت بیشتری داشتند پس‌ازشکست‌های‌پی‌درپی درجبههٔ دانوب که ازطرف ژنرال‌باگراسیون به‌عثمانیها واردآمدآ‌ندولت‌درتلاش‌بود که بحملهٔ سختی درجبهه قفقاز برضد دولت روسیه اقدام نماید .

بهمین مناسبت درماه ربیع‌الثانی ۱۲۲۶ (آوریل ۱۱۸۱) هیئتی ازطرف دولت عثمانی مرکب ازسیدعبدالوهاب افندی‌وحیرت‌افندی بهمراهی چهارنفرافسرمهندس برای حل یك اختلاف مرزی و بمنظور تشیید اتحاد نظامی میان دو دولت بتهران وارد شد.

پس‌ازتبادل افکار وجلب نظرافسران‌تصمیم گرفته شد که‌سپاهیان‌ایران‌وعثمانی از ماه جمادی‌الثانی(ژوین) حملات خود رامتحداً درسمت تفلیس ادامه‌دهند.

متأسفانه نقصان‌وسایل حمل ونقل جریان عملیات راکندساخته ونقشه‌روسها راکه ممانعت ازالحاق قوای‌ایران وعثمانی بودبی‌نهایت آسان میکرد تازه‌لشکریان ایران ازشوره گل وسپاهیان عثمانی ازقرارگاه خود ازقارص حرکت کرده بودند که بواسطهٔ حملات شدید ژنرال پولوچی[2] مجبور شدند بقارص عقب نشینی کنند و لشکریان ایران پس ازچند روز مقاومت بسمت ایروان پس نشستند.

اوضاع اروپا باسرعت فوق‌العاده دگرگون میشد. دولت روسیه مصمم بود که

---

1 – **Metternich**

2 – **Pauluceci**

بلهستان حمله کند و با ناپلئون از در جنك در آید. بهمین جهت آلکساندر تعجیل داشت که بجنك با دولت عثمانی هر چه زودتر خاتمه دهد بخصوص که این دولت در جبهه دانوب و قفقاز با شکست‌های شدیدی مواجه گردیده بود. سرانجام هنگامی که نزدیك بود حمله ناپلئون بروسیه آغاز گردد آلکساندر اجازه داد پیمان صلح با دولت عثمانی منعقد شود و عهدنامه صلح بخارست در تاریخ ۲۸ مه ۱۸۱۲ (جمادی‌الاول ۱۲۲۷) میان دو دولت بامضاء رسید. و با این ترتیب ژنرال چیت‌چاقوو (۱) که جانشین ژنرال کوتوزوو (۲) شده بود موفق شد بسمت شمال پیشروی کند در صورتیکه لشکریان آسیائی تزار که از جانب دولت عثمانی آسوده خاطر شده بود برضد دولت ایران بمشرق جبههٔ قفقاز متوجه شدند

---

1 – Tchitchacow
2 – Koutosow

فصل چهارم

۱- مرحله سوم جنگهای ایران و روس از امضای معاهدهٔ بخارست

جمادی‌الاول ۱۲۲۷ (مه ۱۸۱۲) تا امضای معاهدهٔ گلستان ذیقعدهٔ ۱۲۲۸ (اکتبر ۱۸۱۳)

باامضای پیمان صلح بخارست جنك میان دولتین روس وعثمانی پایان یافت و سپاهیان‌عثمانی درجبهه‌های اروپا وقفقازدست ازتعرض برضد قوای روسیه‌برداشتند لشکریان تزارچون‌ازجانب عثمانی آزاد و آسوده‌خاطرشدندبحملات جدی‌برولایات ایران پرداختند.تخلیهٔ جناح چپ‌جبههٔ قفقازازطرف لشکریان عثمانی‌صدمهٔ جبران ناپذیری بوضع نظامی سپاهیان ایران وارد ساخت روسها درجبهٔ ایران‌ازسمت‌شوره گل بحملات وپیشرفتهای خود ادامه دادند.

درضمن پیشرفت، مأمورین ونظامیان‌روس، اهالی‌تمام‌نقاطی‌را که ازآغازجنك برای حفظ منافع وطن خود برضد روسهااقدام کرده بودند مورد شکنجه‌قراردادند. بچه‌های خردسال‌را درآبجوش انداختندومردان وزنان‌را بچهارمیخ کشیدند.سکنهٔ ایالات سرحدی‌شمالغربی قفقازبخصوص مردم‌قره‌باغ درمقابل فجایع وتعدیات‌روسها بقرارگاه عباس‌میرزا پناه‌آوردند. ولیعهد ایران مجبورشد پناهندگان‌را از صحنهٔ عملیات دورسازد ودر آذربایجان سکونت دهد. این نقل و انتقالات مستلزم صرف هزینه‌های فوق‌العاده بود که بناچارازجیره واعتبارسربازان تأمین شد.

تعدی وبدرفتاری روسها ازماه‌جمادی‌الثانی باینطرف یعنی‌یکماه‌پس‌ازامضای معاهدهٔ بخارست شروع شد.

این طرزرفتارواجحافات روسها باعث ایجاد شورش وانقلاب عمومی در تمام

نواحی اشغالی گردید. عصیان وانقلاب بگرجستان نیز سرایت کرده ودرآنجا اسکندر میرزا ازاولادهراکلیوس که نسبت بدولت ایران وفادارمانده بود درراس شورشیان قرار گرفت. روسها همه‌جامورد حملات مسلمانانی قرار گرفتند که ازفجایع ومظالم ایشان جان بدربرده بودند.

سر گوراوزلی[۱] سفیر بریطانیای کبیر درایران ویکونت کاسلره[۲] وزیرامور خارجهٔ انگلستان را باین عبارات از جریان اوضاع نواحی اشغالی روسیه مستحضر میسازد: «ازوقتی که اسکندرمیرزا والی گرجستان که نسبت بدولت ایران وفادار مانده شورش وانقلابات عمومی برپا کرده است قسمت‌اعظم نواحی اشغالی دولت‌روسیه باعصیان‌وانقلابات عمومی ومداوم‌مواجه‌است وبااین ترتیب‌دولت‌ایران حاضرنخواهد شد قبل‌ازتصرف گرجستان بادولت روسیه کناربیاید.»[۳]

1 - Sir — Gore — Ouseley.

2 - Viconte-Castlereagh.

۳ ـ نامه سر گوراوزلی به‌ویکونت کاسلرهٔ

Lundon: P.R.O.P.Fo.60.T.VII

٭

۲ـ مقدمات انعقاد معاهدهٔ گلستان

بی‌نتیجه بودن وساطت انگلستان ومذاکرات اصلان دوز

سیاستمداران انگلیسی که درسال ۱۸۱۲ (۱۲۲۷) ازفتوحات ناپلئون دراروپا فوق‌العاده نگران بودند، سعی‌داشتند که دولتهای سوئد وروسیه‌را از دولت فرانسه جدا سازند. بارسیدن کاسلره بوزارت امورخارجه بالاخره دولت انگلستان موفق شد در۱۶ ژوئیه ۱۸۱۲ (۶رجب ۱۲۲۷) پیمان اتحادی باتزار آلکساندرامضاء کند.

درجریان ماه آوریل یعنی دوماه قبل ازامضای پیمان اتحاددولت روسیه‌بوسیلهٔ سفیراسپانیا کمك دولت انگلستان را تقاضا کرده و ازآندولت مخصوصاً درخواست نمود که آلمانها واسلاوهای آدریاتیك رامسلح کند وارتش‌های‌اسپانیاوسوئدراتقویت نماید و عملا نشان دهد که جنك جدید برضد دولت فرانسه اصولا جنك برای استخلاص واستقلال ملت‌هاست.

درمشرق نیز بهمین‌منوال دولت روسیه میانجی گری انگلستان راتقاضا کرد. قیام‌هاواغتشاشات مداوم‌درنواحی‌متصرفی روس، تهیه وتجهیزات‌قوای‌ایران‌برای‌حمله ومخصوصاً‌عزیمت ارتش‌بزرك ناپلئون‌بطرف‌روسیه،ژنرال‌نیکولادوریچف[1] جانشین ژنرال ترموسوف را مجبوروواداد کرد که تا وصول اخبارصحیح از هجوم و استیلای فرانسویان ازحملات خوددرجبههٔ ایروان بکاهد.

درنتیجهٔ همین تحولات سیاسی ونظامی ووضع جبهه‌های غربی‌روسیه بود که ژنرال نیکولا دوریچف فرمانده کل‌قوای قفقاز کلنل‌فریقان[2] مشاوردربارومازور

1– Nicolas-De-Ritcheff.

2 - Colenel–Freygang.

پاپف(۱) رابرای ملاقات سر گوراوزلی سفیرانگلستان بایران فرستاد.(۲) هیئت نمایندگی روس حامل نامه‌هائی ازطرف دوك دوسرا کاپریولا (۳) نمایندهٔ پادشاه دوسیسیل(٤) دردربارسن‌پطرزبرگ بود. در این نامه ها تصریح شده بود که استراتفورد کانینك سفیربریطانیا درباب‌عالی ازنمایندهٔ دوسیسیل دردربار آلکساندر تقاضا کرده‌است که ازبذل مساعدت برای پایان دادن بجنگ روس وایران مضایقه ننماید.(٥)

---

1 - Papoff

۲ - نامهٔ مورخ ۲۷ژوئن ۱۸۱۲ سر گوراوزلی به‌دوك دوسرا کاپریولا
London:P.R.O:P.Fo.6oT.VI

3 – Duc – De – Serra Capriola.

4 – Deux - Siciles.

٥ـ بمناسبت ارزش تاریخی نامهٔ مطول دوك دوسرا کاپریولا به سر گوراوزلی که سیاست کاسلره را روشن کرده واهمیت جنك ایران‌را ازنظر دولت روس نشان میدهد بترجمهٔ قسمتی ازآن مبادرت میکنیم.

«من که‌این نامه‌را بدون‌داشتن افتخارشناسائی بشمامینویسم امیدوارم آنراغیرعادی تلقی نفرمائید. فوریت‌امور که دولت‌انگلستان اینهمه‌بدان اهمیت میدهدومایاست که‌انعقاد پیمان صلح‌را میان‌دولتین ایران و روس مشاهده کند، خوشبختی که باجلب اعتماد سفیر انگلستان نصیب من گردید و توانستم بنام وزیر اعلیحضرت پادشاه دوسیسیل تمایلات دولت شمارا نزد اعلیحضرت امپراطورروسیه ابرازدارم، دلایلی است که بمن اجازه داد باین اقدام‌مبادرت‌کنم واطلاعات مهمی حاکی ازوسعت دامنهٔ تشبثات برای انعقادپیمان صلح مفید بحال‌دولتین ایران وروس که دولت انگلستان نیزجداً طالب آنست دردسترس شما بگذارم.

« مسیو کانینك سفیرانگلستان درقسطنطنیه کـه باوی افتخار مکاتبه را دارم از هنگامیکه استقرارصلح‌دولتین روسیه و باب عالی‌بعهدهٔ ایشان محول‌گردیده‌آثار جدیت خودرا نشان داده وموضوع مأموریت‌محوله‌را بجائی که‌مورد علاقه بود رسانیده استوی در تاریخ ۱۹ فوریه بمن نوشته که ضمن مسائل مورد بحث که عثمانیها مطرح میکنند میخواهند پیمان صلح باآندولت متضمن صلح میان دولتین ایران وروس نیز باشد.

«من که افتخارداشتم درچندین جلسه کنفرانس باکنت‌دوروما نزوف Conte-De Romanzoff صدراعظم امپراطوری روسیه شرکت کنم همین موضوع‌را باایشان در میان گذاشتم-جناب‌ایشان اظهار داشتند که جنك با ایران کاملا مشخص ومتفاوت باجنگی است که اعلیحضرت امپراطوری باترکها دارد. ازومی ندارد وحتی‌خوش‌آیند هم نیست که این‌دوجنك باهم مخلوط شود. این عمل برای دولت مقتدری مانند ایران یکنوع

بقیه حاشیهٔ درصفحه بعد

بقیه حاشیه‌از صفحه قبل

تحقیرو بی‌احترامی است که بدون اطلاع و برای آندولت معاهده‌ای بامضاء برسد که‌دولت ایران را تحت حمایت و تابع سیاست‌دولت‌عثمانی قرار‌دهدولی اعلیحضرت‌امپراطور حاضر است با دولت ایران صلحی براساس وضع حاضرو بوسیلهٔ سفیر انگلستان درایران منعقد سازد ...

«تصدیق میکنید که من مضایقه نکردم چنین خبری‌را فوراً باطلاع مسیو کانینك برسانم تامشارالیه‌باب عالی‌را ازموضوع مستحضرسازد و به‌شما نیزاطلاع دهد تا درنتیجه بتوانیداقدام کنید.

«اکنون افتخاردارم این‌خبررا بشما مستقیماً ابلاغ کنم که درضمن ملاقات دیگری که باصدراعظم امپراطوری کردم بمن‌اظهارداشت علاوه برآنچه که بمسیو کانینك نوشته شده برای‌اثبات تمایلی که اعلیحضرت امپراطور جهت‌امضای معاهدهٔ صلح باپادشاه‌ایران دارد نه‌تنها حاضراست پیشنهادهای خودرا باتقلیل آنها بوضع حاضر تعدیل کنند بلکه میخواهد تمام اختیارات‌سلطان فعلی وتمام عناوین‌را بشناسد ... اقدامات مفید شما مورد قبول بوده و بفرمانده کل‌قوا در گرجستان دستورداده شده است که مذاکرات را بوسیله شما شروع کند.

«گمان میکنم ناچارم بشما اطلاع دهم که دردوم ماه جاری امپراطور بوسیلهٔ‌صدر اعظم بمن اجازه داد جوابی‌بمسیو کانینك بدهم که مضمون آن نه‌تنها تسهیلات مهمی برای انعقاد پیمان صلح باامپراطوری عثمانی را فراهم‌میسازد بلکه امپراطورامضای یك پیمان اتحاد تعرضی‌ودفاعی‌را باتضمین متقابل در برابر حملهٔ یکی‌ازدول اروپائی پیشنهادمیکند این رویه بطورکامل وصریح ثابت میکند که دولت روسیه به‌بقای امپراطوری‌های‌عثمانی وایران تاچه حد علاقمند است دریافت این خبرازپیش‌بشما کمك خواهد کرد که پادشاه ایران‌را متقاعد کنید ومذاکرات صلح‌را که این‌همه موردتوجه دولت شماست و در وضع حاضر تااین‌حد ضروریست تسریع نمائید.

«ملاحظه‌میکنید که‌وضع‌فعلی روسیه وساطت‌صریحی‌رااجازه نمیدهد ولی اقدامات مفید ودخالت‌شمااین موضوع راجبران خواهد کرد. مخصوصاًاگر توجه داشته باشید که با هم‌آهنك کردن این اقدامات مفید باساس طرحی که ازطرف دولتین روس و انگلیس دردست تهیه است کمك خواهدشد من‌هیچ‌تردید ندارم که شما باهمیت‌این‌حقیقت‌پی برده‌اید وهیچ اشکالی دراین خصوص‌مشاهده‌نمی کنیدواگر بااشکالی مواجه شوید دررفع آن‌ابدا کوتاهی نخواهید فرمود تابسهم خود دراین کارمهم که تااین حد متضمن نفع‌مصالح عمومی است توفیق یابید.

«قبلا بشمااطلاع میدهم حدس میزنند که درضمن پیشنهادهای مختلفی که بناپارت‌در

(بقیه حاشیه‌در صفحه بعد)

وارد ومنتظرورودسر گوراوزلی سفیر کبیرانگلستان شدند .

علاوه براین اقدامات ، ژنرال‌دوریچف ماژورپاپف را مأمور کردنامه‌ای‌بعنوان عباس میرزا تسلیم نماید که درآن نامه مجدداً برای ختم غائله پیشنهادسازش شده بود. دراین موقع‌باامضای معاهدهٔ اتحاد میان دولتین‌روس وانگلیس منافع‌بریطانیای کبیرایجاب میکرد که قوای روس ازسرحدات قفقاز آزاد گردد تانقشهٔ بزرك دفاعی برضد ناپلئون وبنفع عملیات مهم‌تری که برای تأمین مصالح عمومی ضرورت داشت تکمیل شود. درتعقیب همین سیاست بود که‌بالاخره سفیرانگلستان‌پس ازاصرارزیاد در ماه جمادی‌الثانی ۱۲۲۷ بتحصیل اجازه از طرف فتحعلی شاه موفق شد که برای عقد قرارداد صلح باروسها داخل مذاکره شود . [۱]

نمایندهٔ بریطانیای کبیر در تاریخ ۸ جمادی‌الثانی ۱۲۲۷ (۱۹ ژوین ۱۸۱۲) وارد تبریزشد وپس ازمذاکرات وملاقاتهای متعدد بانمایندگان دولت روس وعباس میرزارضایت ولیعهد ایرانرا برای‌انعقاد معاهدهٔ صلح بفرمانده کل قوای‌روس اطلاع داد وبهمین منظورروبر گوردون[۲] را که مورد اعتمادوی بود برای مذاکرات صلح میان دولتین روس و ایران نزد ژنرال دوریچف فرستاد[۳] .جمس موریه [۴] وابستهٔ

آخرین مرحله برای اجتناب ازجنك بدولت روسیه خواهد کرد یکی تقسیم‌امپراطوری عثمانی ومنظور کردن مادهٔ مخصوصی‌است‌برای اجازه عبورارتشی ازاراضی‌امپراطوری عثمانی‌که بایدازراه ایران برای حمله بهندوستان اعزام گردد. بناپارت برای‌جنك کاملا آماده است بازهم میخواهد تمام وسایلرا برای اجتناب ازجنگی که نتیجهٔ آن قابل‌تردید است بکار برد . بنابراین فوق العاده اهمیت دارد که قبلا وسائلی کـه بناپارت بـا اینهمه مهارت ازآنها استفاده میکند ازبین برداشته شود وخاتمه دادن باختلافی که میان دولتین روس وایران حکمفرماست ازجمله این وسایل بشمارمیرود .

« لازم میدانم مسیوکانینك ووزارت‌خارجهٔ انگلستان‌رااز این‌اقدام‌خودمطلع نمایم.

سن‌پطرزبرگ ۱۵ آوریل ۱۸۱۲

دوك‌دوسراکاپریولا London :P.R.O.P.Fo.60.T.VI

ـ نامه مورخ ۲۷ژوین ۱۸۱۲ سر گوراوزلی بهولزلی

London :P.R.O.P.Fo.60.T.VI

2 -Robert Gordon.

ـ نامه مورخ ۲۱ ژوین سر گوراوزلی بهژنرال دوریچف

London :P.R.O.P.Fo.60.T.V

4 - James.Morier.

سفارت انگلیس در کتاب مسافرت خود بایران جریان اوضاع‌را چنین شرح‌میدهد:
«درموقع ورود به‌تبریز دراین شهریك افسرروسی دیدم که ازطرف ژنرال‌دوریچف فرمانده کل گرجستان برای ملاقات سر گوراوزلی آمده وحامل نامه‌هائی بود که تصمیم‌دولت‌سن پطرزبرك‌را برای شروع مذاکرات بادولت ایران بوساطت‌بریطانیای کبیرشرح میداد.

انقلابات‌جدید گرجستان که بنفع‌ایران‌بودبطوری غرور آندولت‌رازیاد کرده بود که بهیچ وجه‌حاضرنمیشد پیشنهادهای حریف‌را گوش بدهد. ولی‌باوجوددخالت ووساطت دولت انگلستان شاهزاده نتوانست تقاضای اورا رد کند.

بنابراین سفیرانگلستان بارضایت شاهزاده، روبر گوردون‌را با افسر روسی‌به تفلیس فرستاد تاازژنرال دوریچف مفهوم صریح یادداشت روس‌را سؤال کند واطلاع حاصل نماید که دولت روس یکنفرنمایندهٔ تام‌الاختیاربرای صلح‌درنظرداردیانه»

دراوایل‌ماه‌اوت ۱۹۱۲ (شعبان۱۲۲۷) مراسلات روبر گوردون به‌تبریز رسید. جمس‌موریه‌مامور شدآنهارا بعباس میرزا که دراردوگاه یام (۴۰ کیلومتری تبریز) اقامت داشت برساند.

جمس موریه‌میگوید یکی‌ازنامه‌های فرمانده کل قوای روس حاوی‌رونوشت معاهده‌ای بود که جدیداً میان دولتین روسیه و عثمانی (مقصود معاهدهٔ بخارست میباشد) بامضاء رسیده بود(۱) عباس‌میرزا این معاهده‌را درکمال سکوت و به‌تفصیل مطالعه کرد و ملاحظات و یادداشت‌های فوق‌العاده دقیقی در خصوص بعضی از مواد معاهده نمود. معلوم بود که شاهزاده اطلاع کامل از کیفیت روابط سیاسی موجود میان دودولت‌دارد. علاوه‌براین‌ژنرال‌دوریچف‌درمکاتبات‌تقاضای‌متارکهٔ‌جنك‌را کرده واطلاع‌داده بود که‌اختیارات‌تمام‌برای‌عقد قراردادصلح دارد«درصورتیکه‌دولت‌ایران برای‌برداشتن اولین قدم‌صمیمانه مایلست من‌حاضرم درنقطه‌ای ازسرحد که ازجانب طرفین تعیین خواهدشد حضوریافته درخصوص متارکهٔ جنك‌مذاکره کنم ودرضمن

۱ـ مکاتبات روبر گوردون‌باسر گوراوزلی
London:P.R.O.P.Fo.60.T.VII

با نمایندگان تام‌الاختیار پادشاه ایران عباس میرزا و جنابعالی مذاکرات مربوط باساس‌صلح راشروع نمایم.[۱]

دولت روس تقاضا کرده بود جنگ برای مدت چهل روز متارکه شود در ماه شعبان ۱۲۲۷ (اوت ۱۸۱۲) از طرف دولت ایران بااین تقاضا موافقت شد وجنگ‌در طول تمام جبهه متوقف گردیدباستثنای ناحیهٔ طالش که درآنجا مصطفی خان طالش باکمک روسها اغتشاشاتی برضد دولت ایران‌بر پا کرده بود.فرمانده کل قوای‌روس وعباس میرزاقرار بود یکدیگر را پس‌از انقضای‌مدت متارکه در ساطان حصاری‌در کنار رودارس ملاقات نمایند ولی دراوایل ماه رمضان ۱۲۲۷(سپتامبر ۱۸۱۲)ژنرال حق وردی[۲] بمرکزستاد عباس میرزا آمده و اظهار داشت نظر باینکه ایرانیان بدستیاری اسکندر میرزا اغتشاشات گرجستان را برپا ساخته شروط متارکهٔ‌جنگ‌را رعایت‌نکرده ومحترم نشمرده‌اندملاقات سلطان حصاری مورد نخواهد داشت.صاحب ناسخ التواریخ درحسن نیت ژنرال‌روس‌بدون دلیل تردید دارد ولی بنظرمیرسید که این‌تغییرسیاست دولت روس بااوضاع مسکو که دردست سپاهیان ناپلئون‌بودبستگی داشته است .

بدین‌معنی که فرماندهی روس گمانداشت فرارسیدن فصل زمستان بایجاد هرج‌ومرج وانحلال لشگریان فرانسه کمک کرده ودرنتیجه فتح‌قطعی بادولت‌روسیه خواهدبود بنابراین روسهاحق داشتند که دربرابرایران پرتوقع باشند وهمین‌انتظار وپیش‌بینی عاقبت‌لشگریان فرانسه درروسیه ازاهمیت وضرورت صلح بادولت‌ایرانرا میکاست . بعلاوه ژنرال حق‌وردی اظهارمیداشت که ژنرال دوریچف دیگراختیارات تام برای امضاء وانعقاد معاهدهٔ صلحی که منافع دو کشوررا تأمین کند ندارد. برای حفظ ظاهر ژنرال حق‌وردی پیشنهاد کرد نمایندگانی ازطرف دولت ایران بـرای ملاقات بانمایندگان دولت روس باصلان دوزواقع در کناررود ارس اعزام شوند .

۱ـ نامه مورخ ژوئیه ۱۸۱۲ ژنرال دوریچف بسرگوراوزلی

London:P.R.O.P.F.o.60.T.VII

2 - Akcwerdoff.

سر گوراوزلی که برای تسریع انعقاد معاهدهٔ صلح اصرار داشت عباس میرزا را باعزام میرزا ابوالحسن‌خان نمایندهٔ سابق ایران درلندن برای مذاکرات‌مقدماتی صلح مصمم گردانید. جمس‌موریه نمایندهٔایران‌برای شرکت در کنفرانس‌اصلان‌دوز حرکت‌کرد ودستورداشت قبلا درضمن کنفرانس محرمانه‌ای بافرماندهٔ کل قـوای روس ملاقات کند.

نمایندگان در تاریخ ۱۳ رمضان (۲۰ سپتامبر) از آق‌تپه مرکز ستاد ولیعهد ایران که ازاصلان دوز چندان فاصله‌ای نداشت حرکت کردندودرهمان وقت میرزا بزرك وزیرعباس میرزا نیزمامورشد که دولت روسیه راازبی طرفـی دولت‌ایران در اغتشاشات گرجستان مطمئن سازد.

جمس موریه‌پس ازجلسات متعدد وتبادل نظرباروسهاقرارگاه‌ژنرال‌دوریچف رادرمعیت ژنرال حق‌وردی که نمایندگی دولت روسیه را درمذاکرات عهده‌دار بود ترك گفت.

مذاکرات نمایندگان‌دودولت فوق‌العاده دشوار وطولانی شد زیراروسهابهیچ وجه نمیخواستند ازپیشنهادهای سابق خود صرف نظر کنندوایرانیها حاضر نبودند براساس وضع‌حاضر(۱)سازش نمایندبطوریکه از کنفرانس اصلان‌دوز نتیجهٔ مطلوب بدست نیامد وامیدانعقاد معاهدهٔ صلح قطع گـردید ومذاکرات بدون‌نتیجه خاتمه یافت ودرروز ۲۹ رمضان (۲۷ سپتامبر ۱۸۱۲) صورت مجلسی تنظیم شد کـه علت شکست‌مذاکرات‌راروشن میکند(۲).

دولت‌روسیه شرایط آتی‌را که ممکن بوداساس‌معاهدهٔصلح قرارگیرد پیشنهاد میکرد: نواحی که بانیروی‌سپاهیان روس فتح‌شده‌وهمچنین مناطقی که‌تحت‌حمایت دولت روسیه قرارگرفته‌اند درتحت نفوذ وقدرت تزارباقی میماند. ناحیهٔ طالش که بتازگی تحت حمایت دولت روس درآمده و سابقاً متعلق بدولت ایران بود ازدولت ایران خواهد بود.

---

1 - **Statu - Quo.**

۲ - صورت مجلس مورخ ۲۷ سپتامبرمربوط به‌کنفرانس اصلان دوز
London :P.R.O.P.Fo.6o.T.VII

درصورتیکه ایرانیان این شرایط را قبول کنند امپراطور روسیه درحین انعقاد قرارداد فرمانفرمای فعلی ایرانرا بسمت پادشاه قانونی ایران شناخته، عباس میرزا رابعنوان جانشین تاج وتخت ایران خواهدشناخت دولت روسیه همچنین تعهدمیکند که درمقابل دشمنان دولت ایران بآندولت کمك کند .

درمقابل پیشنهادهای نمایندگان دولت روس نماینده دولت ایران شرایطی را که ممکن بود ازطرف دولت ایران پذیرفته شود بدین شرح بیان نمود : نواحی که سابقاً متعلق بایران بود ودولت روسیه بزور اشغال کرده وهمچنین نواحی که سکنهٔ آن در تحت حمایت دولت روس قرار گرفته‌اند بایستی بدولت ایران مسترد گردد . دولت ایران تعهدمیکند پولی بدولت روسیه بپردازد ودرمقابل دشمنان دولت روسیه نیرو به کمك آن دولت بفرستد .

بااین ترتیب تباین واختلاف نظر لاینحل بود وچنانکه گفتیم کنفرانس اصلان‌دوز بدون اخذ نتیجه خاتمه پذیرفت .

مؤلف ناسخ التواریخ میگوید ایرانیان که تا کنفرانس اصلان‌دوز باقید وانتظار ملاقات عباس میرزا وژنرال دوریچف بودند ملتفت شدند که تمام این ملاقاتها ومذاکرات تزویر وبرای اغفال دولت ایران است . سر گوراوزلی درنامه‌ای که بعنوان کاسلره (۱) بلندن فرستاده عدم میل بسازش ولحن محکم نمایندگان ایرانرادر کنفرانس اصلان‌دوز بیشتر بنفوذ نمایندگان دولت فرانسه دربغداد متوجه میسازد ومعتقداست نمایندگان دولت فرانسه که بااطرافیان ووزرای عباس میرزا مربوط هستند ازپیشرفتهای درخشان بناپارت سخن گفته ووعده میدهند که بزودی ایرانرا ازدست روسها خلاص خواهد کرد.(۲) درهمین نامه نمایندهٔ دولت انگلستان از روابط میرزابزرگ بانمایندگان دولت فرانسه دراسلامبول اظهار نگرانی کرده ومیگوید که این وزیر مشغول عملیاتی برضد دولت انگلستان وبنفع دولت فرانسه است . وی تمام مساعی خودرابرای بر کنارساختن میرزا بزرك که مانع انعقاد پیمان صلح است بکاربرده ولی باخذ نتیجه موفق نگردیده است

1 – Castlereagh

۲ ـ نامهٔ مورخ ۲٤ دسامبر ۱۸۱۲ سر گوراوزلی به ویکونت کاسلیره
London : P . R. O . P . Fo . 60T · VII

۳ - آخرین زدوخوردهای سال ۱۲۲۷ (۱۸۱۲)

قبل از حرکت از اصلاندوز نمایندگان مقرر داشتند که در انقضای مدت معین جنگ مجدداً شروع شود.

امضاء کنندگان متارکه ماه اوت ۱۸۱۲ (شعبان ۱۲۲۷) از عملیات مصطفی خان درطالش که ازطرف روسها کمك وحمایت میشد [۱] اسمی نبرده بودند واوضاع طالش رفته رفته بدتر میشد بطوریکه در رمضان ۱۲۲۷ (سپتامبر ۱۸۱۲) عباس میرزا تصمیم گرفت بانقلابات طالش خاتمه دهد. دراینموقع سپاهیان روس ازپل سالیان عبور کرده وبه لنکران که دردست مصطفی خان بود رسیده بودند. عباس میرزا قسمتی از نیروهای جبههٔ شمالغرب را که درآنجا مخاصمه متوقف شده بود بطرف لنکران اعزام داشت. مصطفی خان که نمیتوانست به تنهائی درمقابل لشکریان ایران مقاومت کند بدهکدهٔ گامیشاوان حرکت کرد واین نقطه ازطرف قوای ایران محاصره شد.

---

۱ - راجع بدخالت روسیه درناحیه طالش بدرج خلاصه ای ازنامهٔ ژنرال ترموسوف بعباس میرزا که درآن رابطهٔ آشوبگران طالش بادولت روس بیان شده مبادرت میکنیم:

«...شما لشکری بطالش فرستادید که مطابق میل سکنهٔ آن ناحیه درتحت حمایت دولت روسیه قرار گرفته است.. اکنون مینویسید که من نبایددرامور این ایالت دخالت کنم زیرا این ایالت هیچگاه تحت حمایت روسیه نبوده است.

«.... من چندین مرتبه وضع مصطفی خانرا بشما بیان کردم.. تمام اهالی طالش حمایت دولت روسیه راخواستارشده اندوچندین کشتی جنگی امپراطوری هم اکنون برای حمایت ساکنین درساحل این ناحیه لنگرانداخته است.

«درسال ۱۸۰۲ هنگامیکه مصطفی خان برادرزاده خویش محمد بیك رانزدژنرال لیدمان گوازنین Leedmand - Gouezneen اعزام داشت خودرا تحت حمایت دولت روس قرارداده ومعاهدهای امضاء کرد وسوگندوفاداری نسبت باین دولت یادنمود.

بعهدهٔ اینجانب میباشد که بنام فرماندهی کل قوی وبموجب معاهدهای که میان مصطفی خان ودولت روسیه بامضاء رسیده از ناحیه طالش دفاع کنم.

نامهٔ مورخ ۷ دسامبر ۱۸۰۹ ژنرال ترموسوف بعباس میرزا

London : P . R . O . P . Fo . 60 . T. III

هنگامیکه مذاکرات صلح میان نمایندگان دولتین روس و ایران در ماه اوت ۱۸۱۲ ادامه داشت لشگریان روس در جبههٔ قفقاز تقویت یافت زیرا شکست‌های پی در پی نیروهای ناپلئون در جبههٔ غربی روسیه بآندولت اجازه میداد بفشار خود در جبههٔ قفقاز نسبت بدولت ایران بیفزاید. مدت‌ها که جنگ سپری شده بود ژنرال دوریچف به جبههٔ شمالغرب که عباس میرزا آنجارا برای قلع و قمع شورشیان ناحیهٔ طالش ضعیف کرده بود حمله نمود. سپاهیان ایران در مقابل فشار قوای روس تا اصلان‌دوز عقب‌نشینی کردند و مدت ده روز درهمان‌جا استقرار یافتند شوال ۱۲۲۷ (مطابق اکتبر ۱۸۱۲).

عباس میرزا وقتی از پیشرفت قوای روس اطلاع حاصل نمود با نیروی خود از اهر نقطه سوق‌الجیشی که مشرف باجلگهٔ اصلان‌دوز و طالش میباشد حرکت کرد و باصلان دوز رسید و قسمت اعظم لشگریان وی درسمت قره‌باغ بطرف شکی حرکت کرد.

نمایندهٔ دولت انگلستان که بوسیلهٔ فرمانده نیروهای روس در گرجستان از امضای پیمان اتحاد میان دولتین روس و انگلیس اطلاع حاصل کرده بود [(۱)] بافسران انگلیسی که درارتش ایران خدمت میکردند دستور داد پستهای خودرا ترك گفته وبعداً نیز در عملیات نظامی برضد دولت روسیه شرکت نکنند [(۲)]

بدین ترتیب یکبار دیگر ایران باتکاء اتحاد خود بادولت انگلستان فریب خورده و دریك همچو موقع سختی خیانت افسرانی را که عهده‌دار تعلیم سربازانش بودند مشاهده میکرد. بی جهت نیست که میرزا بزرك قائم‌مقام دریکی از نامه‌های خود سفیر انگلستان رامتهم ساخته میگوید که انگلستان دوست سابق ایران ومتحد فعلی دولت روسیه باعث شکست ایران گردید [(۳)].

عباس میرزا تازه دراصلان‌دوز موضع گرفته بود که ژنرال کوتلوروویسکی [(٤)]

---

۱ ـ نامه مورخ دسامبر ۱۸۱۲ سرگوراوزلی به ویکونت کاسلیره
London : P . R . O . P . Fo . 60 . T . VII

۲ ـ نامه مورخ ٣٦ نوامبر مازوودارسی به ژنرال کوتلوروویسلی
London . P . R . O . P . FO . 60 . T . VII

۳ ـ نامه مورخ ٢٤ دسامبر ۱۸۱۲ سرگوراوزلی به ویکونت کاسلیره
London : P . R . O . P . FO . 60 T . VII

4- Kutloroviski

بحمله مبادرت کرد . ولی باوجود نبردهای خونین جنگ بطول انجامید و عباس میرزا با یك حرکت ماهرانه تپه‌ای را که از نظر نظامی به مواضع لشگریان روس مسلط بود اشغال کرد ولی درشب ۱۲ شوال ۱۲۲۷ (اکتبر ۱۸۱۲) روسها بوسیلهٔ جاسوسان خود از موضع نظامی عباس میرزا اطلاع یافتند و بحمله مبادرت نمودند . این بار شکست جبران ناپذیری بلشگریان عباس میرزا وارد آمد وسپاهیان وی در کمال آشفتگی متفرق شدند .

بنابر گزارشی که ژنرال دوریچف در تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۸۱۲ بامپراطور داده است پس از این شکست : «فوجهای پیاده نظام جدید دولت ایران از پای درآمدند یازده عراده توپ بغنیمت گرفته شد ودرحدود ۵۰۰ نفر سرباز وعده زیادی افسر اسیر شدند[۱]» پس از این شکست ولیعهد بالهایت اشکال توانست از رود ارس بگذرد وخودرا نجات دهد .

نبرد اصلان‌دوز درواقع علامت شروع حملات عمومی و عملیات سریع درطول جبهه بود زیرا درهمان موقع ژنرال کاوت [۲] که در گنجه بود سپاهیان سلیمان خان رادرهم شکست وازرود کر عبور کرد . قوای ماژور ژنرال لیسانیوویچ [۳] هم که نواحی پمبك را گرفته بودند لشگریان ایران را عقب زدند وبشهر ایروان حمله بردند . شهر ایروان که بوسیله سردار حسین‌خان «قهرمان صدجنگ» از سال ۱۲۱۸ (۱۸۰۳) دفاع میشد این بار نیز در مقابل حملهٔ سپاهیان روس مقاومت کرد و آنانرا بمواضع نخستین خود عقب راند .

همینکه عباس میرزا پس از شکست اصلان‌دوز بطرف تبریز رفت تادر آنجا مقدمات مقاومت خودرا برای سال ۱۲۲۸ (۱۸۱۳) فراهم سازد ماژور ژنرال کوتلوروویسکی بجانب بحر خزر متوجه شد تا گامیشاوان را که در آنجا سپاهیان روس ومصطفی خان محصور بودند نجات دهد . درنتیجه رسیدن قوای تازه‌نفس و کمك نیروی دریائی دولت روس لنکران پس از چهارماه مقاومت درتاریخ ۹ محرم ۱۲۲۸ (۱۲ ژانویه ۱۸۱۳) سقوط کرد وبااشغال لنکران تمام ساحل طالش بتصرف سپاهیان روس درآمد .

---

۱ - گزارش مورخ ۳۱ اکتبر ژنرال دوریچف بامپراطور روسیه

London : P . R . O . P . Fo . 60 . T . VI

2 – Klot

3- Lissaniewitch

ده‌ماه پس از سقوط لنکران سپاهیان دشمن کاملا درمواضع خود مستقر شدند. لشکریان ایران در نتیجه شکست های پیاپی تقریباً منحل شده بود. سر گواوزلی ادامه‌جنگ‌را مصلحت‌نمیدید. روسها نیز نمیخواستند بعملیات‌جدیدی مبادرت‌ورزند زیرادرسیاست اروپا واتحاد عمومی که برضدناپلئون منعقدمیشد گرفتار و با دولت انگلستان درتاریخ ۵ژوین ۱۸۱۳ (۱۵ جمادی‌الثانی ۱۲۲۸) درریشن‌باخ [۱] پیمان اتحادی امضاء کرده‌بودند.

ناپلئون‌نیز که‌بنوبهٔ‌خودمیخواست‌برضدروسیه‌اقداماتی‌نماید سعی‌میکرد‌بلکه پیمان‌اتحادجدیدی‌بادولت‌ایران منعقدسازد. بهمین‌منظوردولت‌فرانسه‌نمایندهٔ‌ای‌بنام ونسنترو مورتیزیو [۲] که‌اصلاایتالیائی‌وازاهالی‌روم‌بودومدتهادرآسیای‌صغیروعربستان هم‌مسافرت کرده‌بودبانزلی‌آمدتااز‌نظریات‌دولت‌ایران‌دراین‌خصوص‌اطلاع‌حاصل [۳] کندولی‌اقدامات سر گوراوزلی عملیات‌نمایندهٔ فرانسه‌راعقیم گذاشت.

دولت‌روسیه نیز برای‌اینکه دراتحادیه برضدناپلئون موثر واقع‌شود وباقدرت بیشتری باین اتحادیه کمک کند مایل‌بود که بجنگ باایران خاتمه دهد. چندین بار ژنرال‌دوریچف‌ماموریت‌یافت که برای‌عقدقرارداد صلح‌باایران‌نامه‌ای‌بسفیرانگلستان بنویسد زیرافرمانده کل‌قوای‌روس‌بخوبی‌متوجه‌بود که‌باوجوداینهمه‌فتوحات، دولت روسیه‌هنوزموفق‌نشده‌است که‌بهدف‌اصلی‌خود یعنی‌سرحدارس‌برسد. سفیرانگلستان ازوم‌انعقادمعاهدهٔ صلح‌رابه‌فتحعلی‌شاه گوشزد کرد ومیرزاشفیع صدراعظم در حضور شاه نظریهٔ سفیرانگلستان‌را بصلاح‌ایران تشخیص‌داد بخصوص که سفیردولت‌انگلیس قول‌میداد که موادعهدنامه مطابق‌میل‌زمامداران دولت‌ایران تنظیم‌خواهدشد.

بالاخره فتحعلی‌شاه باوجود مقاومت عباس‌میرزا بانعقاد پیمان صلح تن‌داد وبا این‌ترتیب سر گوراوزلی بیک‌توفیق‌سیاسی جدیددیگرنایل‌آمد.

1 - Reichenbach

2 - Vineintro - Morizzio

۳ـ نامه‌مورخ ٤مه۱۸۱۳ سر گوراوزلی به‌ویکونت کاسلره

London : P . R . O · P . Fo . 60 . T . VII

فصل پنجم

۱ ـ معاهدهٔ گلستان

سر گوراوزلی پس از آنکه نتوانست از کنفرانس اصلان‌دوز نتیجه بگیرد بتهران مراجعت کرد و پس از توقف کوتاهی در پایتخت بهمدان رفت تا رابطهٔ خود را با فتحعلی‌شاه که در سلطانیه بود بآسانی برقرار سازد . وی از وقتی که تبریز را ترك کرده بود رابطهٔ خود را با فرمانده کل قوای روس قطع ننموده بود و برای برقرار کردن صلح با دولت روسیه به فتحعلی‌شاه اصرار میورزید . (۱)

سفیر انگلستان در تعقیب تقاضای مجدد فرمانده کل قوای روس برای وساطت میان دولتین ایران و روس همدان را ترك گفت و در تاریخ ۱۰ رجب ۱۲۲۸ (۹ ژوئیه ۱۸۱۳) وارد تبریز شد تا با نمایندگان دولت روسیه در تماس باشد (۲) وقتی سفیر انگلستان بسمت تبریز رهسپار شد فتحعلی‌شاه نیز از سلطانیه بسمت اوجان در صد کیلومتری تبریز حرکت کرد و در تاریخ ۲۴ بهمن ماه (۲۳ ژوئیه) باوجان رسید . (۳)

سفیر انگلستان فردای ورود خود به تبریز به کاسلره وزیر خارجه انگلستان چنین گزارش داد : با تهدید قطع پرداخت کمك مالی بالاخره موفق شدم اجازهٔ پادشاه را تحصیل کنم که با نمایندگان دولت روس بدون دخالت میرزا بزرك و اطرافیانش داخل مذاکره شوم اکنون افتخار دارم باطلاع شما برسانم که ما توفیق یافتیم برفیق و متحد خود روسیه حتی از این ناحیهٔ دور کمك کنیم زیرا من اختیار تام دارم متارکهٔ جنك میان دولتین ایران و

---

۱ ـ مکاتبات سر گوراوزلی با وزارت خارجه انگلستان

London : P . R . O . P . Fo . 60 T . VII

۲ ـ نامه مورخ ۱۰ ژوئیه سر گوراوزلی به ویکونت کاسلره

Lodon : P . R . O . P . Fo . 60 T . VII

۳ ـ یادداشت ۱۰ ژوئیه سر گوراوزلی به ژنرال ریچف فرمانده کل قوای روس

London : P . R . O . P . Fo . 60 T . VII

روس‌را برای‌مدت‌یکسال بمرحلهٔقطعی برسانم بااین‌ترتیب روسها خواهندتوانست از سپاهیان‌قفقاز برضددشمن مشترك‌استفاده‌نمایند . (۱)

درجواب نامهٔ ژنرال دوریچف سفیر انگلستان شخص‌مورد اعتماد خود دکتر کامپبل(۲) رابانامه‌ای باردوگاه روس‌فرستاد . سر گوراوزلی دراین‌نامه بفرمانده کل قوای‌روس اطلاع‌داد که قریباً طرح‌سازشی پیشنهاد خواهد کرد که بانظریات دولت روسیه مطابقت‌میکند .

متارکهٔپنجاه‌روز جنك برای‌شروع مذاکرات موردقبول‌واقع‌شد ومذاکرات میان‌دودولت آغاز گردید . این‌مذاکرات که بوسیلهٔ مکاتبه ازراه دور وبدون داشتن وسایل‌سریع‌انجام‌میبافت‌بسیار کندصورت‌میگرفت . برای‌سرعت‌درجریان‌مذاکرات مقررشد نمایندگان مختار دودولت مجدداً برای کنفرانسی جمع شوند و مقدمات صلح‌راتهیه کنند. ژنرال‌دوریچف‌ازطرف‌سن‌پطرزبرگ‌ومیرزاابوالحسنخان‌ازطرف ایران‌بنمایندگی انتخاب‌شدند . چنانکه‌سفیرانگلستان‌بوزارت‌خارجه‌آندولت‌اطلاع داده‌بود میرزابزرك‌قایم‌مقام که یکی‌ازسیاست‌مداران زبردست‌ایران‌بوددرمذاکرات دخالت‌نداشت . قصبهٔ گلستان‌درکناررودسیرا درقره‌باغ‌برای‌انعقاد جلسات کنفرانس صلح‌تعیین‌شد . آجودان ژنرال‌دوریچف باعده‌قزاق برای هدایت نمایندهٔ ایران‌بمحل کنفرانس به‌تبریز واردشد و پس از ملاقات فتحعلی‌شاه در اوجان و مذاکرات زیاد بهمراهی میرزاابوالحسن‌خان بطرف گلستان حرکت کرد . سفیردولت‌انگلستان که اینهمه برای عقد پیمان‌صلح جدیت‌بخرج داده بود از حضور در مذاکرات گلستان خودداری‌نمود. شایدعلت استنکاف سر گور اوزلی‌ازشرکت درمذاکرات صلح‌این‌بود که‌نمایندگان‌دولت‌روسیه درمقابل‌نمایندهٔایران که ازفهم‌مسائل‌سیاسی بکلی‌بی‌بهره وبی‌اطلاع‌بود آزادی‌عمل داشته‌باشند .

نمایندگان پس ازتبادل اعتبار نامه‌های خود در گلستان مذاکرات را شروع

---

۱ نامه‌مورخ ۱۰ژوئیه سر گوراوزلی به‌ویکونت‌کاسلره

Lnodon : P . R . o . P . Fo . 60 T . VII

2 - CamPdell

کردند . پس از مباحثات طولانی بالاخره درتاریخ ۲۹شوال۱۲۲۸ (۲۵اکتبر۱۸۱۳) موافقت حاصل شد که یك معاهدهٔ مقدماتی بامضاء برسد .

انعقاد این معاهده برای بریطانیای کبیر اهمیت بسیار داشت زیرا در نتیجهٔ انعقاد معاهدهٔ صلح بادولت ایران یکقسمت ازسپاهیان روس آزادشد وتزار توانست باخاطر آسوده دراروپا برضدفرانسه اقدام کند . سر گوراوزلی درنامهٔ مورخ ۳۰ اکتبر بکاسلره خدمات خود را شرح داده و مخصوصاً میخواهد لیاقت و استعداد سیاسی خویش را تعریف کند ونشان دهد که درنتیجهٔ اقدامات مؤثر ومفید وی نه تنها دولت انگلستان دولت روشیه را ممنون وسپاسگذار کرده بلکه ایرانیان رانیز که بهزبردستی و بازی ماهرانهٔ دیپلمات انگلیسی پی نبرده اند راضی نموده است (۱) . برای اینکه وزیر خارجهٔ انگلستان را مطمئن سازد که سیاست وی مورد تأیید دولت ایران نیزهست در تاریخ ۱۰نوامبر ۱۸۱۳ چنین مینویسد : «اگرتوهم حاصل نمیشد که ممکن است تصور کنید مجاهدتهای من برای انعقاد پیمان صلح میان دولتین روس وایران یکنوع تخطی از اختیارات و قدرت خود در مقابل دولت اخیر بود ویا اینکه ازنفوذ خود درنزد شاه استفاده کرده ومنافع حقیقی ایرانرا فراموش کرده باشم علت نداشت که بابیان طرز رفتاروسیاست خودشمارا تصدیع دهم ...»

«همانوقت که آخرین نامهٔ خودرا ازاقامتگاه مراغه برای شما فرستادم تبریکاتی برای شاه بتهران نوشتم که جواب آنرا برای اطلاع شما بااین نامه میفرستم . میخواهم شمارامطمئن سازم که نامه هائی ازوزراء واعیان دربار دریافت کرده ام که همگی تشکر وقدردانی خودرا اظهارداشته اند .... (۲)

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ۳۰ اکتبر سر گوراوزلی بهویکونت کاسلره
London : P . R . O . P . Fo . 60 T . VII

۲ ـ نامهٔ مورخ ۱۰ نوامبر سر گوراوزلی بهویکونت کاسلر
London : P . R . O . P . Fo . 60 T . VII

۲- بررسی مواد معاهدهٔ گلستان

پیمان صلح گلستان درتعقیب سیاست روز و موقع شناسی دولت انگلستان و با درنظر گرفتن اوضاعی که ناپلئون دراروپا بوجود آورده بود بامضاء رسید . این پیمان رادرحقیقت نمیتوان معاهدهٔ صلح گفت بلکه باید آنرا قرار داد متارکه‌ای نامید که روابط میان دولتین ایران وروس درمدت۱۳سال بر آن استواربود.اصطلاحات مبهم وعدم وضوح ونارسا بودن حدود ارضی این معاهده رامی‌توان بهترین مثال ابهام یك سند سیاسی دانست. بدودلیل مواد ارضی این معاهده مبهم وتاریك تهیه وتنظیم شده بود دلیل اول آنکه روسها ناچاربودند قوای خودرا برای تصفیهٔ حساب باناپلئون دراروپا بکاربیرند تعهد داشتند تانیل بهدف اصلی ازتقاضاهای ارضی خود در ایران صرف نظر نکنند و برای همین منظور بهر گونه علت وعنوانی تشبث می جستند که بآنان اجازه دهد در آتیه ودر فرصت مناسبتر و بهتری بتوانند رود ارس راسرحد طبیعی متصرفات خوددرقفقازیه قراردهند.دلیل دوم باسیاست اروپائی دولت انگلستان روشن میگردد باین معنی انگلیسها که برای پیشرفت سیاست اروپائی خود احتیاج مبرم بقوای روسیه داشتند وسعی میکردند نتیجهٔ سریعی ازامضای پیمان صلح بگیرند ولو متن معاهده پس ازروشن شدن اوضاع اروپا ایجاد اشکالاتی برای دولت ایران بکند.

بااین ترتیب ایرانیان کور کورانه راهنمائی ونصایح انگلیسها راقبول کردند ودرمقابل اظهار دوستی سیاستمداران آن دولت حس تنقیدرا ازدست دادند و معاهدهٔ گلستان باصرار سیاستمداران انگلیسی بنفع دولت روسیه بامضاء رسید ولی چنانکه خواهیم دید طولی نکشید که روابط دولتین روس وایران بعلت وضع تاریك ونامعلوم مواد ارضی معاهده تیره شد ودولت روسیه برای بسط متصرفات خود در جنوب قفقاز ورسیدن بسرحد ارس به بهانه های گوناگون باشغال نواحی جدید درخاك ایران مبادرت ورزید .

معاهدهٔ گلستان حاوی یازده ماده ویك مقدمهٔ طولانی است که میل دو پادشاه را

نه‌تنها باستقرارصلح میان‌دو کشورنشان میدهد بلکه برقراری روابط دوستی دیرین موجود میان دو کشوررانیز تأئید میکند. همین نظریه درمادهٔ اول تصریح شده ودو دولت متعاهداعلام میدارند که بمخاصمه‌وسوءِ تفاهماتی که تاکنون میان‌امپراطوری های ایران وروس رخ‌داده باانعقاد این معاهده خـاتمه داده میشود وصلح دائم میان امپراطور روسیه وپادشاه ایران وجانشینان آنان برقرار میگردد .

معاهدهٔ گلستان نه تنها صلح رامیان دو دولت متخاصم برقـرار میسازد بلکه مطابق مواد ۸و۹و۱۰ این معاهده روابط تجارتی که بعلت بروز جنگ قطع شده بود مجدداً برقرار میگردد :

درمادهٔ ۸ علاوه بر استقرار مجدد روابط تجارتی طرزمسافرت تجار واقامت و مراجعت آنان درممالك روسیه وایران تعیین ومشخص گردیده است .

درمادهٔ۹ مقرراست۵.ر٪ حقوق گمرکی برای‌مال‌التجاره هائی که ازدو کشور وارد میشود گرفته شود .

درمادهٔ۱۰ آزادی عمل تجارهریك ازدو دولت مصرح است .

روسها بدون‌آنکه صراحتاً میل مداخلهٔ خودرا درکارهای داخلی ایران‌اعلام دارند در مادهٔ چهاراین حق راکه نتایج‌آن برای دولت ایران بسیار وخیم و سنگین بود قائل شده‌اند. مطابق این ماده‌اعلیحضرت امپراطورروسیه بمنظورابرازاحساسات دوستانه ومیل‌واقعی خودبه برقراری قدرت پادشاه‌ایران همسایهٔ دولت روسیه‌ازطرف خودوجانشینانش‌رسماً تعهد میکند درصورت لزوم بیکی ازاولادشاه که ولیعهدتعیین خواهد شد کمك کند وبمنظوراینکه‌هیچ‌دولت اجنبی نتواند درکارهای‌دولت‌ایران دخالت کند دربار ایران از طرف دربار روس تقویت خواهد شد واگراختلافی میان پسران شاه رخ دهد دولت روسیه دخالتی نخواهد کرد مگر بتقاضای پادشاه وقت .

مادهٔ۶ وضع‌اسرا و کسانی راکه ازشهرهای خود دورافتاده‌اند روشن‌می کند.

علاوه برموادتجاری‌وسیاسی‌مطابق‌مادهٔ۵ معاهده شرایط کشتی رانی‌بازرگانی دو دلت را در دریای خزر مشخص کرده وحق داشتن نیروی دریائی را دربحر خزر

منحصراً بدولت روسیه واگذارمیکند . مطابق این ماده کشتی‌هـای روس مثل سابق مجازخواهندبوددر کرانه‌های خزر آمدوشد کرده ولنگر بیندازند . کشتیهای تجارتی ایران نیزمانند سابق حق خواهند داشت در کرانه‌های روس آمدوشد نمایندامّا« در خصوص کشتی‌های عسکریه‌جنگی روسیه بطریقی که‌درزمان دوستی ویا درهروقت کشتیهای جنگی دولت روسیه با علم وبیرق در دریای خزر بوده‌اند حال نیز محض دوستی اجازه داده میشود که بدستور سابق معمول گردد واحدی از دولتهای دیگر سوای دولت روس کشتیهای جنگی‌دردریای خزرنداشته باشد.» چنانکه می‌بینیم‌این حق انحصاربرای‌نیروی‌دریائی دولت‌روس مستند بهیچ دلیلی‌نبود واین طرزاستدلال فقط برای این بود که دولت‌ایران هیچگاه نتواند کشتی جنگی دردریای‌خزرداشته باشد باستناد همین ماده از تاریخ امضای پیمان گلستان بحرخزر درواقع یك دریای روس محسوب شدودولت ایران‌از کلیهٔ حقوق‌ومزایای‌خود دراین‌دریاصرفنظر کرد.

مواد ارضی معاهده اهمیت فوق‌العاده‌ای درروابط آیندهٔ دو کشورداشت‌وبرای مدت کوتاهی بیك بحران طولانی خاتمه داد که تا کنون نکات بر جستهٔ آنرا شرح دادیم مادهٔ۲ تصریح میکند که قراردادصلح براساس وضع حاضر[1] منعقدخواهدشد

بدین معنی که طرفین نواحی وخانات واراضی که در موقع امضای پیمان در اختیاردارند متصرف خواهند بود . خطی که مسیر سرحدی میان دو کشور را تعیین وتحدید میکند نهایت مبهم وقابل تفسیروتردید است این خط : « ازابتدای اراضی آدینه بازار بخط مستقیم ازراه صحرای مغان تابه معبریدی‌بلوك رود ارس وازبالای کنار رودارس تااتصال والحاق رودخانهٔ کپنك‌چای به پشت کوه مقری واز آنجا خط حدود سامان ولایات قراباغ ونخجوان وایروان ونیز رسدی ازسنور[2] گنجه جمع ومتصل گردیده‌بعدازآنحدود که بولایات‌ایروان‌و گنجه‌وهم‌حدود قزاق‌وشمس‌الدین لوتامکان ایشك میدان مشخص‌ومفصل میسازد وازایشك میدان تابالای‌سر کوههای طرف راست طرق ورودخانه‌های حمزه چمن وازسر کوههای پنبك الی گوشهٔ محال

1- Statu-Quo

۲ـ سنور بمعنی مضافات وتوابع ولایت یاشهری است

شوره گل واز گوشهٔ شوره گل ازبالای کوهبرف آلا گوز گذشته ازسرحد محال شوره گل ومیانهٔ حدود قریه سدره برودخانه آرپاچای ملحق ومتصل شده معلوم ومشخص میگردد وچون ولایات خوانین نشین طالش درهنگام عداوت ودشمنی دست بـدست افتاده وبجهت زیادهٔ صدق و راستی ، حدود ولایات طالش مزبور را ازجانب انزلی و اردبیل بعد ازتصدیق این صلحنامه ازپادشاهان عظام معتمدان ومهندسان مأموره که بموجب قبول ووفاق یکدیگر ومعرفت سرداران جانبین جبال ورودخانها ودریاچه و امکنه ومزارع طرفین تفصیلا تحریر وتمییز وتشخیص میسارند ، آنرا نیز معلوم و تعیین ساخته آنچه درحال تحریر این صلحنامه دردست ودرتحت تصرف جانبین باشد معلوم نموده آنوقت خطحدود ولایت طالش نیزدربنای اسطاطسکواوپر زندیم مستقر ومعین ساختههریك ازطرفین آنچهدرتصرف دارد برسر آن باقی خواهد ماندهمچنین درسر حـدات مزبورهٔ فوق اگر چیزی ازخط طـرفین بیرون رفته باشد معتمدان و مهندسان مأمورطرفین هریك طرف موافق اسطاطسکواو پرزندیم رضاخواهدبود.»

چنانکه گفتیم متن مادهٔ۲ معاهدهٔ گلستان که درنظم وانشاء آن تعمدبکاررفته نمونهٔ ابهام یك سند سیاسی است . مشخص نبودن خطوط سرحدی معین نبودن حدود طالش «که درهنگام عداوت و دشمنی دست بدست افتاده» ابهام جملات و استعمال اصطلاحات دوپهلو نشان میدهد روسهابرای تأمین دعاوی ارضی خود درآتیه چگونه فکرمیکردند .درواقع میتوان گفت که درهم وبرهمی وابهام مادهٔ ارضی معاهده زمینه را برای ادعاهای بعدی آزاد گذاشت و اختلافات جدیدی را بوجود آورد که منجر بجنك دوم ایران وروس گردید .

بالاخره مطابق خط سرحدی که درمادهٔ۲ تعیین شده وبموجب مادهٔ۳ معاهده گلستان دولت ایـران تملك خانات واراضی آتی رابـدولت روسیه واگذار میکرد . خانات قره باغ و گنجه که اکنون این دوناحیه بنام الیزابت پول[1] معروفست همچنین خوانین نشین شکی وشیروان وقبه ودربند وباد کوبه وقسمتی ازاراضی متعلقه به طالش

1- Elisabethpool

که درموقع انعقاد قـرارداد درتصرف دولت روس بـود . بعلاوه تمامی داغستـان و گرجستان ومحال شوره گل و آچوق باشی و کورنه و منکریل و ابخازی « تمامی اولگا[۱] واراضی که درمیانهٔ قفقازیه وسرحدات معینه الحالیه بوده و نیز آنچه ازاراضی واهالی قفقازیه الی کناردریای خزرمتصل است مخصوص و متعلق بممالك امپریه روسیه میدانند .

درتاریخ ۷ شوال ۱۲۲۸ (۱۳ اکتبر ۱۸۱۳) این معاهدهٔ مقدماتی درقصبهٔ گلستان بامضاء رسید . نمایندهٔ ایران که حامل متن معاهده بود در ماه ذیحجه بتهران وارد شد . درتهران مباحثات زیادی قبل ازامضای قطعی معاهده بعمل آمد ولی بطوریکه جمس موریه[۲] اظهارمیدارد این مباحثات مربوط بمطالب اساسی معاهده نبود بلکه راجع بعبارت وعناوین نمایندگان ومطالب بی اهمیت صحبت میشد . مطالعهٔ مقدمه معاهده بطول انجامید زیرا قبلا بـایستی عناوین نمایندگـان مختاردولتین راتعیین کنند . برعکس مطالعهٔ مواد مربوط بکشتیرانی دریاچهٔ خزربسرعت خاتمه پذیرفت حاجی میرزاآغاسی که بعدها وزیرمحمدشاه شد بااظهارجملهٔ تاریخی خود « ماچه احتیاجی بآب شورداریم » بمباحثات خاتمه داد وبالاخره دولت ایران معاهده را بنحوی که در گلستان تنظیم گردیده بود امضاء نمود . بی اطلاعی سیاستمداران ایران ازاوضـاع آنزمان اعتماد زعمای دولت ایران نسبت بسرگوراوزلی سفیرانگلستان و بخصوص امیدواری زمامداران ایران بوعده های صریح نمایندهٔ دولت انگلستان راجع بتجدید نظردر مواد ارضی معاهدهٔ گلستان عللی است که تأئید وامضای معاهدهٔ گلستان رااز طرف دولت ایران روشن وبیان میکند .

میرزا ابوالحسنخان مأمورشد معاهده رابسن پطرزبرگ برده وتقاضای تجدید نظردر مواد ارضی معاهده کرده پس ازموافقت پیمان صلح رامبادله کند .

سفیرانگلستان پس ازانجام مأموریت خود قصد حرکت بطرف لندن داشت . فتحعلیشاه ازوی خواهش کرد که بمنظورتأمین منافع ایران در دربار سن پطرزبرك

---

۱ ــ اولگاء کلمه مغولی بمعنی دهات و زمین آمده

2- James Morier

ازطریق روسیه بانگلستان مراجعت کند وازحفظ منافع ایران دردربار روسیه مضایقه ننماید. درجریان ماه جمادی الثانی ۱۲۲۹ (مه ۱۸۱٤) سر گوراوزلی ایرانرا ترك کرده و از راه تبریز بسن پطرزبرك حرکت کرد. سفیر انگلستان با احترامات زیادی از طرف تزارپذیرائی شد زیرا نقشی که وی درعقد قراردادایران وروس بازی کرده بود بحدی مورد توجه تزارقرار گرفت که عنوانی بسفیرانگلستان ازطرف او اعطاء شد و تجلیلات فوق العاده ای ازوی درپایتخت روسیه بعمل آمد.

دوماه پس ازحرکت سفیرانگلستان میرزا ابوالحسنخان بطرف روسیه حرکت کرد. آلکساندر همواره وعدهٔ استرداد اراضی اشغالی را بایران میداد و هنوز در رمضان ۱۲۲۹ (سپتامبر ۱۸۱٤) تشریفات مبادلهٔ معاهده انجام نیافته بود باتعقیب این روش روسیه درحقیقت میخواست به تعلل گذرانیده وازفرصت استفاده کند تا اینکه پس ازاستعفاء و کناره گیری ناپلئون ناگهان آلکساندرتغییرروش داده وبالحن خشن ومحکم اظهارداشت که این اراضی بارضای سکنهٔ آن اشغال شده ودولت ایران نباید امید استرداد یك وجب ازاین اراضی راداشته باشد. ایرانیان که درمقابل عمل انجام شده قرار گرفته بودند جزقبول چاره ای نداشتند[1]. نمایندگان مختار دو دولت بالاخره درتفلیس متن معاهدهٔ امضاء شده رامبادله نمودند. روسها باتحصیل رضایت کامل مترصد بودند در اولین فرصت مناسب همسایهٔ ضعیف و مغلوب خود را ازپای درآورند.

۱ــ صورت هدایائی که میرزا ابوالحسن خان تقدیم تــزار کرده در فارس نامه ناصری چنین تفصیل شده ده هزار تومان وجه نقد دوزنجیر فیل ده اسب بی عدیل صدطاقه شال کشمیر ده رشته مروارید بی نظیر چند دانه لعل بدخشان و یاقوت رمانی و شمشیرهای خراسانی وزریهای مفتول باف اصفهانی وقوطی های مرصع پادزهر حیوانی شبانکاره و قالیهای هراتی (جلد۲ ص۱۰٦)

۳ـ نتایج معاهدهٔ گلستان در اوضاع داخلی ایران

جنگ دهساله بین ایران و روسیه اولین جنگ طولانی قارهٔ آسیا است. این جنگ با کمال خشونت و سبعیت اجرا شد. تلفات ایرانیها به دویست هزار تخمین زده شد تعداد تلفات روسها بحدود همین رقم میرسید، ساکنین مناطق جنگی درطول جنگ از هستی بکلی ساقط شدند و یا تلف گردیدند و یا مهاجرت کردند و نتایج آن برای ایران بسیار سنگین و وخیم بود.

معاهدهٔ گلستان چه از نظر سیاست داخلی وچه از نظر سیاست خارجی آغاز دوران جدیدی را درتاریخ ایران نشان میدهد.

جنگ طولانی و بالاخره شکست قوای ایران، اشکالات مالی فراوان درداخلهٔ ایران ایجاد کرد ودرنتیجه شاه و دولت مرکزی راضعیف نموده و باعث سرپیچی و شورش رؤسای قبایل گردید. درسیاست خارجی نیز وضع نوین ایجاد گشت وفعالیت جدیدی درروابط دولت ایران بادول انگلستان وروسیه وعثمانی آغاز شد.

اشکالات مالی که در نتیجهٔ جنگ بوجود آمده بود مبانی مختلف داشت. ده سال جنگ خزانهٔ فتحعلیشاه راخالی کرده وذخیرهٔ عباس میرزا را ازمیان برده بود. زیرا شاه وولیعهد هریك مستقیماً مسئول نگهداری لشگریان خود بودند.

بعلاوه دربارعباس میرزا مانند تمام ولیعهدهای خانوادهٔ قاجار در آذربایجان بود وعایدات وی ازمالیاتهای وصولی این ایالت تأمین میشد وخزانهٔ ولیعهد ازخزانهٔ سلطنتی مجزی بود بنابراین جنگهای ایران وروس که صحنهٔ آن آذربایجان بود بالطبع نقصان قابل توجهی درمیزان مالیاتها بوجود آورده ومالیاتهای وصولی بزحمت هزینه‌های هنگفت جنگی عباس میرزا را تکافو میکرد بخصوص که تمام سنگینی جنگ بدوش ولیعهد بوده وازهیچیك ازایالات دیگر ایران هیچگونه کمکی بآذربایجان نمیشد. بهزینه‌های کمرشکن جنگ بایستی خرابکاریها وویرانیهارا که درثروتمندترین نواحی ایران رخ داده بود اضافه نمود.

پس ازامضای پیمان صلح خرابیها درنتیجهٔ مساعی وزحمات سکنهٔ آذربایجان

بتأنی ترمیم یافت . دولت مرکزی حتی فکر نکرد که یك سیاست اصولی از روی اساس وقاعدهٔ صحیحی برای ترمیم خرابیهای ناشیه از جنك اتخاذ نماید . دولت تنها باسکان موقتی سکنهٔ آن نواحی که نمیخواستند تسلیم دشمن شوند وسلطهٔ دولت روس راقبول کنند قناعت کرد . اغلب نواحی که مطابق معاهدهٔ گلستان تسلیم روسها شد جزء ایالات آذربایجان بود که سابقاً مالیات آن نواحی بنفع خزانهٔ ولیعهد ایران وصول میشد. علاوه براین چون ایالت ایروان درجنك صدمات فراوان دیده ودرمقابل حملات شدید روسها مقاومت دلیرانه کرده بود در حین جنك ازپرداخت مالیات معاف شده بود . چنانکه می‌بینیم بااین ترتیب تمام سنگینی هزینهٔ جنگی و کمك بخزانه فقط متوجه شهرتبریز و ایالت آذربایجان بود . بنابراین برای جبران نقصان عایدات بافزایش مالیات مبادرت ورزیدند ونتیجهٔ این عمل ازصدمات جنك کمتر نبود بطوری که ادامهٔ این سیاست نارضایتی هائی ایجاد کرد مخصوصاً درتبریز الله‌یار خان آصف الدوله حاکم شهر نسبت باهالی ستمدیده آنسامان ازاعمال هیچگونه اجحاف و تعدی خودداری نکرد. درنتیجهٔ این خلافکاریها وسیاستهای ناشایست دولت درحین بروز جنك دوم ایران وروس درسال ۱۲٤٤ (۱۸۳۷) بخوبی مشاهده گردید .

رؤسای عشایر که اصولا مترصد فرصت بودند موقع را برای تحصیل آزادی مناسب یافتند این بود که پس ازشکست اصلان دوز وبعد پس ازامضای معاهدهٔ ننگین گلستان رؤسای ایلات انقلابات متعددی درنواحی مختلف کشور مخصوصاً درقسمتهای مشرق دریای خزر درمیان ترکمانان ودر نواحی شمالشرقی (خراسان) برپا کردند .

درسال ۱۲۲۸ (۱۸۱۳) حاجی یوسف نامی ازاهالی آسیای مرکزی تراکمه را برضد دولت شورانید ولی پس ازمرك وی دستجات ترکمن متفرق شدند ویاغی گری خاتمه پذیرفت . رؤسای ایلات خراسان نیز برضد دولت قیام کردند ویاغیگری آنان از ۱۲۲۸ تا ۱۲۳۹ (۱۸۱۳ـ۱۸۲٤) بطول انجامید محمدولی میرزا یکی ازپسران فتحعلیشاه که بحکومت این ایالت منصوب شده بود نسبت باهالی نهایت بدرفتاری را میکرد . سکنهٔ خراسان بسرپرستی اسحق خان قرائی احضار محمد ولی میرزارا از

مرکز تقاضا کردند ولی در نتیجهٔ اقدامات حاکم خراسان و وعده هائی که برئیس ایل قرائی‌داد وضع‌خراسان نسبتاً آرام شد. سایر رؤسای‌عشایر که ازعاقبت کارخود مضطرب بودند ازمحمد رحیم‌خان حاکم خوارزم کمك خواسته‌وازوی‌تقاضا کردند خراسانرا اشغال وتصرف نماید. وقتی محمدرحیم‌خان اطلاع حاصل کرد که قدرت ونفوذ حاکم خراسان در نتیجهٔ سازش با رئیس ایـل قرائی تقویت یـافته از تصمیم خود منصرف شد. خان خیوه نیز چون از خرابی اوضاع خراسان مطلع گردید تـا استراباد پیشروی کرد ولی نظر باختلافاتی که میان عشایررخ داد کاری ازپیش‌نبرد ویکی از کسان خود را برای تقاضای عفو نزد محمد ولی میرزا فرستاد حاکـم خراسان تقاضای ویرا قبول نکرد. تابالاخره درنتیجهٔ شکست سپاهیانش خان‌خیوه فراراختیار کرد.

بااستفاده ازاوضاع هرج ومرج‌خراسان‌محمد زمان عزالدین لوی‌قاجارحاکم بسطام که باباغیان خراسان درتماس بود بخیال خودسری افتاده ودرحدود سی‌هزار نفرازترکمانان‌لایموت وکوکلان را دورخود جمع کرده بالاخره وی نیزدستگیرو زندانی شده وبابرادرش بتهران اعزام گردیدوترکمانان چـون خود را بی‌سرپرست دیدند بدرهٔ اترك عقب‌نشینی کردند.

این‌اغتشاشات راههای بازرگانی‌بین‌چین وایران‌را نا امن کرد وارتباط‌تجارتی بین‌این دوکشوررا که ده‌هاقرن برقراربود برای همیشه‌قطع کرد که دیگر هیچگاه مفتوح نشد.

باوجود تفرقه‌ای که میان رؤسای عشایر خراسان حکمفرمابود انقلابات این ناحیه بآسانی خاتمه نیافت.

اسحق‌خان قرائی مجدداً علم طغیان برافراشت. محمدولی‌میرزا که از وجههٔ رئیس ایل‌قرائی هراسان بودوی وپسرش را باحیله وتزویر دستگیر کرد. این عمل بشخصیت محمدولی میرزادربرابرمردم خراسان لطمه‌زدوعدم اطمینان‌رؤسای‌ایلات نسبت بوی‌زیادتر شد. بالاخره محمدولی میرزا که موفق بقلع وقمع‌یاغیان‌وتسکین

انقلابات خراسان نگردیده بود بتهران احضار گشت وحسنعلی‌میرزا شجاع‌السلطنه حاکم شیرازبحکومت‌خراسات منصوب شد. ودراوایل محرم ۱۳۲۲ (نوامبر ۱۸۱۶) واردمشهد گردید درنتیجهٔ کاردانی واقدامات‌حاکم‌جدیدیاغی گری‌طایفهٔ قرائی‌پایان یافت وشهرهرات ازطرف شجاع‌السلطنه تحت محاصره قرار گرفت و بالاخره مطیع گردید بااین اقدام جنگهای جدیدی برضد رؤسای افغان‌آغازشد .

٤ ـ نتایج معاهدهٔ گلستان درروابط خارجی ایران

در تاریخ ۲۹ صفر ۱۲۲۷ (مطابق ۱۲ ماه مارس ۱۸۱۲) عهدنامه مودتی در دوازده‌فصل میان دولتین ایران وانگلیس بوسیلهٔ سر گوراوزلی نمایندهٔ دولت بریطانیای کبیر درتهران بامضاء رسید که بعهدنامهٔ مفصل معروفست[1] . مطابق فصل اول این معاهده دولت ایران متعهدمیشد که تمام معاهداتی را که تاتاریخ امضای این معاهده با دول اروپائی منعقد کـرده لغوو بی‌اعتبار تلقی کند و بهیچ یك از نمایندگان دول بیگانه اجازهٔ ورود بخاك ایرانرا ندهد .

در فصل دوم معاهده مقرر بود «اگر دشمنی از طوایف فرنك بمملکت ایران آمده باشد یا بیاید و اولیای دولت علیه ایران از دولت بهیه انگلیس خواهش اعانت وامداد نماید فرمانفرمای مملکت هند یااز جانب دولت بهیهٔ انگلیس هر گاه امکان و قدرت داشته باشد بقدریکه خواهش دولت علیه ایران باشد عسکر وسپاه از مملکت هندوستان روانه سمت ایران نماید» واگر بعللی اعزام قوای امدادی میسر نباشد درسال دویست هزار تومان برای نگهداری قشون ایران بپردازد برای حصول اطمینان که این وجه بمصرف هزینه‌های نظامی میرسد سفیر انگلستان درخرج آن حق نظارت خواهد داشت .

درفصل سوم انگلستان قبول میکرد اگر بادولی که دولت ایران در حال جنك میباشند معاهده‌ای منعقد کند جدیت خواهد کرد که پیمان صلح میان دولت ایران ودولت متخاصم نیز بامضاء برسدوالا دولت انگلستان بایستی بااعزام قوا و یا پرداخت دویست هزارتومان درسال دولت ایرانرا کمك کند .

درفصل چهارم طرزوترتیب پرداخت کمك مالی تعیین گردیده

---

۱ ـ رونوشت معاهده‌ای که ازوزارت خارجهٔ ایران بدست آمده وضمیمه کتابست

فصول پنجم و ششم مربوطست بافغانستان مطابق فصل پنجم دولت ایران متعهد میشد درصورتیکه امیر افغان قصد تجاوز بمتصرفات انگلستان درهندوستان داشته باشد دولت ایران بافغانستان حمله کند در فصل ششم دولت انگلستان تعهد میکرد که در جنگهای میان ایران و افغانستان مداخله نکرده و بیطرفی خود را کاملا رعایت کنند.

فصل هفتم مربوطست به تأسیسات کشتی سازی.

درفصل هشتم مقرراست اگر یاغیان ایرانی بمستملکات انگلیسی فرار کنند بمجرد تقاضا تحویل دولت ایران گردند.

فصل نهم مربوطست به کمك دریائی انگلستان بایران درخلیج فارس

درفصل دهم حقوق ومقرری صاحبمنصبان ومعلمانی که ازطرف دولت انگلستان برای تعلیم وتربیت سربازان ایران اعزام میشوند مشخص و معین گردیده است.

درفصل یازدهم تصریح شده که ولیعهدهای دولتین مدلول مواد این عهدنامه را محترم خواهند شمرد.

فصل دوازدهم مربوطست به تقویت دولت ایران از طرف دولت انگلستان و استفاده از کمکهای متقابل وعدم مداخلهٔ دولت انگلستان در مناقشاتی که میان شاهزادگان درداخلهٔ ایران رخ میدهد.

یکسال پس ازامضای معاهدهٔ گلستان هانری الیس[۱] وجمس موریه[۲] مأموریت یافتند در مواد معاهده بوسیله سر گوراوزلی تجدید نظر نمایند درنتیجه در تاریخ ۱۲ ذیحجة الحرام ۱۲۲۹ (۲۵ نوامبر ۱۸۱٤) معاهدهٔ قطعی مشتمل بر یازده ماده درتهران میان نمایندگان دولت انگلستان ودولت ایران بامضاء رسید که بمعاهدهٔ تهران معروف است [۳].

---

1 - Henry Ellis

2 - James Morier

۳ ــ رونوشت معاهده‌ای که از وزارتخانهٔ ایران بدست آمده رجوع شود بضمیمه کتاب.

معاهدهٔ تهران درحقیقت براساس مواد معاهدهٔ مفصل که‌بوسیلهٔ سر گوراوزلی بامضاءرسیده‌بود تنظیم یافت . تغییراتی که دربعضی مواداین معاهده بعمل آمد باموادِ معاهدهٔ گلستان ارتباط مستقیم داشت زیرا دولت انگلستان چون ازنفوذ روز افزون دولت روسیهٔ تزاری دردربار ایران نگران بود سعی‌داشت با برقرار کردن نفوذ خود حتی‌الامکان سلطهٔ سیاسی دولت روسیه را تعدیل کند .

درفصل اول معاهدهٔ تهران تصریح شده که تمام عهدنامه‌های اتحاد میان دولت ایران ودول دشمن بریطانیای کبیر ازدرجهٔ اعتبارساقط است‌وعبورسپاهیان‌دول‌دشمن بریطانیای کبیر ازخاك ایران بسمت هندوستان وبنادرهند قدغن میباشد

این ماده درحقیت جواب معاهدهٔ ایران وفرانسه‌بود که‌درتاریخ۲۵صفر۱۲۲۲ (٤ماممه ۱۸۰۷) میان‌فتحعلیشاه وناپلئون درفین کن اشتاین بسته شد. بایدیددانست که درموقع انعقاد معاهدهٔ تهران میان دولتین ایران وانگلیس‌هنوزهم‌خطر ناپلئون در اروپـا بکلی ازبین نرفته بود و دولت انگلستان همچنان بفعالیت خـود بـرضد ناپلئون در اروپا و درآسیـا ادامه میداد واطمینان نداشت که ممکن است‌جنگهای اروپابنفع‌انگلستان خاتمه پذیردباصطلاح‌قضایای۱۸۱۵وشکست ناپلئون‌راپیش‌بینی نمیکرد .

درفصل سوم دولتین انگلیس وایران تعهد میکنند که در برابرحملهٔ دشمنان بیکدیگر کمك متقابل نمایند : «این‌عهدنامه محض‌ازبرای‌رفع‌سبقت‌نمودن‌دشمنان درنزاع وجدال استقرارپذیرفته‌است ومراد ازسبقت‌تجاوزنمودن ازخاك متعلقه‌بخود وقصدملك‌خارج ازخود نمودن است وخاك متعلقه بهریك ازدولتین ایران وروس از ازقراریست که باطلاع و کلاء دولتین ایران وانگلتره ودولت روس بعدازاین‌معین‌و مشخص گردد.» بااین ترتیب دولت انگلستان که ازنفوذ روزافزون‌دولت روسیه در دربارایران بسیارمضطرب ونگران بود میخواست درمقابل تعدی‌روسها بتواندبدولت ایران کمك کند . ومخصوصاً با ذکراین جمله که خط سرحدی‌میان ایران و روس بااطلاع‌نمایندگان‌دولت‌بریطانیای کبیروایران‌وروسیه تعیین‌خواهدشدانگلیسها قصد

داشتند در کارهای ایران وروس مداخله کرده وامیدوار بودند بلکه بدینوسیله از نفوذ دولت روسیه حتی‌الامکان دردربار ایران بکاهند.

درفصل چهارم راجع بپرداخت دویست هزار تومان سالانه شرطی قائل شدند بدین معنی که دولت انگلستان مبلغ تعهدی را بشرطی پرداخت خواهد کرد که دولت ایران برضد دولت اروپائی مبادرت نکند.

فصول هشتم و نهم معاهدهٔ تهران مربوطست بافغانستان و درمتن آن نسبت به معاهده‌ای که بوسیلهٔ سر گوراوزلی بسته شد تغییری رخ نداد. چنانکه می بینیم دولت ایران در تمام معاهدات خود باانگلستان مخصوصاً بموضوع افغانستان اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل شده وموضوع افغانستان را همواره از کارهای داخلی ایران شمرده وبهیچوجه بنمایندگان انگلستان اجازهٔ دخالت درامورافغانستانرا نمی‌دهد.

پس ازامضای معاهدهٔ گلستان دولت ایران بمساعدتهای دولت انگلستان مطمئن بود وانتظار داشت قسمتی ازاراضی ایران که پس ازامضای پیمان صلح بتصرف دولت روسیه درآمده بدولت ایران مسترد گردد ولی متأسفانه تقاضای مکرر میرزا ابوالحسنخان سفیر ایران و کمکهای لرد کاتکار(۱) نمایندهٔ دولت انگلستان دردربار سن پطرزبرگ بنتیجه‌ای نرسید.

درفصل دوم معاهدهٔ گلستان که مربوط بمسائل ارضی وسرحدی است مقرر بود بمهندسین ونمایندگان معتمد دو دولت مأموریت داده شود که پس ازامضای پیمان صلح بمسائل مبهم ومتنازع فیه رسیدگی کرده وبارضایت طرفین خاتمه دهند.

آلکساندر یرملوف(۲) حاکم جدید گرجستان وفرمانده کل قوای قفقاز بسمت سفیر فوق‌العاده مأموریت یافت که بتهران آمده واختلافات موجود را برطرف سازد. یرملوف پس ازدو ماه اقامت در تفلیس و قره‌باغ که جهت رسیدگی باوضاع نواحی متصرفی جدید خود مصروف داشت درتاریخ ۱۷ شعبان ۱۲۳۲ (۲ژوئیه ۱۸۱۷) بتهران وارد شد.

---

1 - Lord Cathcart

2 - Alexandre Yermoloff

سفیر دولت روسیه پیشنهاد کرد معاهدهٔ اتحادی میان دو دولت بامضاء برسد و از فتحعلیشاه تقاضا کرد بادولت روسیه متفقاً بخاك دولت عثمانی حمله کند ولی پادشاه ایران راجع بپیشنهاد دولت روسیه تعمق کرد . فتحعلیشاه ازجریان روابط خود با دولتین فرانسه وانگلستان درس خوبی گرفته بود وی کاملا بخاطر داشت که دولت فرانسه در تیلسیت[1] برای جلب دوستی تزار منافع ایرانرا پایمال کرد . و همچنین خوب متوجه بود که عمال دولت انگلستان بادرنظر گرفتن اوضاع اروپا منافع حیاتی دولت ایران را فدای سیاست اتحاد اروپا نمودند . بااین رفتار دولتهای بیگانه که یك حس عدم اعتماد درفتحعلیشاه نسبت باروپائیان تولید کرده بود پیشنهاد سفیر دولت روس برای دولت ایران قابل قبول نبود بهمین مناسبت فتحعلیشاه بدون تردید تقاضای شرکت درجنك بادولت عثمانی را رد کرد .

یرملوف همچنین تقاضا کرد که لشکریان ایران بخوارزم رفته بهتاخت وتاز های ازبکان که بتجار روس صدمه وارد میآوردند خاتمه دهد درصورتیکه دولت ایران با این اقدام موافقت نکند بدولت روس اجازه داده شود که دراستراباد قوا پیاده کرده واز آنجا برای قلع وقمع وخاتمه دادن بغارت ازبکان مبادرت ورزد .فتحعلیشاه جواب داد که درفصول یازده گانهٔ معاهدهٔ گلستان چنین وضعی پیش بینی نشده وبنابراین نمیتواند بااین پیشنهاد موافقت کند. ولی بسفیر روس اطمینان داده شد بمجرد اینکه اغتشاشات هرات خاتمه پیدا کند دولت ایران بایں لشگر کشی مبادرت خواهد کرد .

بازهم بدون اخذ نتیجه سفیر دولت روس تقاضا کرد یك نمایندگی تجارتی در رشت دایر گردد وهمچنین پیشنهاد نمود ازطرف دولت روس افسرانی برای تعلیم سپاهیان ایران اعزام گردد .

درمقابل رفتار دولت ایران هنگامیکه راجع بمواد ارضی معاهدهٔ گلستان مذاکره شد سفیر روس فوق العاده سخت گیری کرده واظهار داشت که وی حتی بااسترداد یك متر زمین که بانیروی قوای روس بدست آمده موافقت نخواهد کرد .

---

1 - Tilsit

بااین اظهاربامیدواریهای دربارایران برای بدست آوردن قسمتی از متصرفات قدیم خاتمه داده شد .

بالاخره تقاضا کرد که مطابق فصل دوم معاهدهٔ گلستان سرحد ناحیهٔ طالش تعیین و تحدید گردد . دولت ایران انجام این مأموریت را بعهدهٔ عباس میرزا واگذار نمود .

یرملوف اظهارداشت حضور کمیسرهای دودولت جهت تعیین حدود الزامی است دولت ایران بسفیر روس پیشنهاد کرد که پس ازمراجعت به تفلیس نماینده‌ای بادستورمشروح مأموریتش بایران اعزام دارند .

سفیر دولت روسیه که باتجلیل تمام درتهران ازوی پذیرائی شده بودباهدایای گرانبهائی که ازطرف دولت ایران تقدیم امپراطور گردید بدون کمترین موفقیت دیپلوماسی پایتخت ایران را ترك گفت وهمین عدم موفقیت کینه‌ای برضد ایرانیان درقلب سفیرروس ایجاد کرد .

فتحعلیشاه که بوسیلهٔ یرملوف ازنقشه‌های دولت روس برضد دولت عثمانی اطلاع حاصل کرده بود دراواخرشوال ۱۲۳۳ (اوایل سپتامبر ۱۸۱۷) محب علیخان حاکم ساوه‌را باسلامبول نزد سلطان محمد روانه کردوآندولت ایران‌را ازامکان یك حملهٔ ناگهانی دولت روسیه مستحضر گردانید. نمایندهٔ دولت ایران درضمن پیشنهاد کرد درصورت وقوع حمله‌ای ازطرف روسها درسرحدات دو کشور متحداً از طرف دولتین اقدام شود .

بارفتارمحکم دولت ایران ورد کلیهٔ پیشنهادهای یرملوف تجدید مخاصمات میان دودولت روس وایران پیش‌بینی میشد .

پس ازمراجعت ژنرال یرملوف تزارالکساندر افکارونیات خودرا ضمن صدور بیانیهٔ مورخ ۱۶ ژانویهٔ ۱۸۱۸ باطلاع ملت قفقازرسانیدواعلام اینکه پیمان گلستان بیك معاهدهٔ قطعی بشمار میرود تمام امیدواریهای زمامداران ایـران را نقش بـر آب کرد .

«صلح باایران امنیت‌را درسرحدات شرقی امپراطوری ماتأمین کرده.این صلح

قطعیت داشته‌وهنگامی بامضاء رسیده که در آن زمان‌مقدرات اروپا تعیین‌شده‌و کلیهٔ آرزوهارا پاداش بخشیده است .

پس ازبرقراری این وضع جدید ملتها ازمزایـای صلح عمومی برخوردارند. روابط دوستی میان ایران وروس درظرف چهارسال اخیربیش ازپیش تحکیم یـافته وبراساس خلل ناپذیری ازطرف دودولت تقویت میشود .

بااعلام این‌خبرخوش برعایای باوفای خود که نتیجه ونشانهٔ یك‌هم‌آهنگی و آرامش کامل مورد اطمینانست امردادیم متن معاهده‌ای‌را که بادولت‌ایران درتاریخ ۱۲ اکتبر۱۸۱۳ درگلستان منعقد گردیده منتشرنمایند»

سن پطرزبرگ ۱٦ ژانویه ۱۸۱۸ آلکساندر(۱)

دولت انگلستان که بوسیلهٔ سفیردولت روسیه ازنیات تزارنسبت‌بدولت عثمانی اطلاع پیدا کرده بودازپیشنهاد یرملوف برای انعقادپیمان اتحادبادولت‌ایران‌بمنظور حمله بخاك عثمانی بسیارنگران بود . نمایندهٔ دولت بریطانیای کبیردرتهران جدیت داشت که‌ازپیشرفت نفوذ ونقشه‌های دولت‌روسیه دردربارایران جلوگیری کند. باید دانست که دولت انگلستان ازیکطرف‌باامضای معاهدهٔ تهران در سال ۱۸۱٦ که در واقع پیمان اتحادی بود و بانفوذ زیادی که در دربارعثمانی داشت از طرف دیـگر میخواست بهرقیمتی که‌باشد ازوقوع جنك‌میان دومتحدخود ممانعت نمایدویاالااقل عنداللزوم بتواند میانجی گری کند .

ازوقتی که یرملوف بدون اخذ نتیجه برای ایجاد جنك میان دو دولت‌ایران وعثمانی تهران‌را ترك گفت نمایندگان دولت روس لحظه‌ای درتعقیب سیاست‌دولت خود دردربار ایران بیکارننشستند ــ عمال تزار بخصوص مازاروویچ(۲) نایب سفارت دولت سن پطرزبرگ درایران دامن زدن بآتش نفاق میان دولتین ایران و عثمانی اعمال نفوذ فوق‌العاده‌ای دردربارایران کردند ــ مازاروویچ که تمام هم خودرابرای

---

1 - Demartens: supplement au recueil des principaux traitésT . VIII p.95.

2– Mazarowitch

کاشتن تخم اختلافات مذهبی مصرف کـرد و سعی‌داشت تحقیروسرافکندگی ملت ایران‌را ازعدم موفقیت و شکستهای ناشی ازجنك ایران وروس را جبران کند . از ضعف امپراطوری عثمانی‌استفاده کرده وموقع‌رابسیارمناسب‌تشخیص‌داد که‌درطبیعت جاه طلب‌عباس میرزااعمال نفوذ نمایدووی‌راباشغال‌متصرفات عثمانی ترغیب‌وتحریص کند . تابالاخره حمایت حاکم ارز روم ازدوایل چادرنشین‌ایرانی که آذربایجان‌را ترك گفته ودرخاك‌عثمانی اقامت گزیده بودند برای اعلان جنك بدولت عثمانی بهانه بدست دولت ایران داد . تعقیب این سیاست ازطرف نمایندگان دولت روس از متن نامهٔ مورخ ۱۳ فوریهٔ ۱۸۲۵ هانری‌ویلوك [۱] نایب سفارت انگلستان در تهران بـه ژورژکانینك [۲] روشن میگردد [۳] بامشاهدهٔ تیرگی روابط دولتین ایران وعثمانی هانری ویلوك تصمیم گرفت درمقابل مساعی روس ازنفوذ دولت انگلستان دفاع کند وبامتابعت ازمیل دولت خود سعی کرد بلکه ولیعهد ایران‌را به‌تعقیب یك سیـاست مسالمت‌آمیزوادارد و وی‌را از شروع بجنك بادولت عثمانی منصرف سازد . بهمین منظور پیشنهاد کرد مقداری وجه از کمك مالی که دولت انگلستان مطابق‌معاهدهٔ تهران متعهد گردیده است پرداخت کند .

ولی‌اقدامات نمایندهٔ بریطانیا بنتیجه‌ای نرسیدوچنانکه ذکرشد نمایندگان روس‌بخصوص‌مازاروویچ ولیعهدرابشروع جنك تشویق میکردند. درحقیقت‌میتوان گفت که نمایندهٔ دولت روسیه عباس‌میرزا ولیعهد ایران‌را عامل ووسیلهٔ‌خوبی‌برای اجرای سیاست دولت خود تشخیص داده بود زیرا پس ازشکست اصلان‌دوز و قبول معاهدهٔ ننگین گلستان عباس میرزا در نظر داشت بلکه با اقدام باین عمل نفوذ وقدرت خودرا تحکیم نماید ــ جنك بادولت عثمانی که از۱۲۳۶ تا۱۲۳۸ (۱۸۲۱ـ ۱۸۲۳) بطول انجامید بافتح دولت ایران وامضای معاهـدهٔ ارزروم خاتمه پذیرفت . بااین ترتیب میتوان گفت که جنك ایران وعثمانی ازنتایج مستقیم معاهدهٔ گلستان درروابط ایران وعثمانی بشمارمیرود .

---

1 - Henry-willolk

2 - G· Canning

۳ـ نامهٔ مورخ ۱۳ فوریه ۱۸۲۵ هانری ویلوك به کانینك

London:P.R.O.P.F.o 60.T.XXV

قسمت سوم

دورهٔ فترت میان دو جنگ

فصل اول

۱ - علل سیاسی و اجتماعی جنك دوم ایران وروس

۱۲۴۱ ۱۲۴۳ (۱۸۲۶ - ۱۸۲۸)

علل سیاسی واجتماعی‌را که دراین فصل بیان‌خواهیم کردنباید یگانه علل‌بروز جنك دوم‌ایران وروس شمرد. گفتیم که سیاستمداران‌روس‌برای تکمیل‌فتوحات‌خود درایران ورسیدن بسرحد رودارس چنین تشخیص داده بودند که اعمال یك سیاست تجاوزکارانه درحق کشورایران‌ضروریست. حوادثی که مابیك‌نظراجمالی‌درپیرامون آن مطالعه و به‌بحث خواهیم پرداخت درواقع علل دور و ثانوی جنك دوم ایران و روس بشمارمیرود وازهمین لحاظ حائزاهمیت میباشد :

دیدیم که باامضای معاهدهٔ گلستان دولت‌ایران ایالات گرجستان وایمرسی و مین‌قره‌لی ودربندوباکو وشیروان وشکی‌و گنجه وقره‌باغ ومغان وقسمتی ازطالش را بدولت‌روسیه واگذار کرد سکنه‌سه‌ناحیهٔ‌اولی‌مسیحیان گرجی وپیروان‌کلیسیای ارتودوکس ارامنه بودند . ولی اکثریت سکنه سایرنواحی اشغالی بامسلمانان بود .

دراین نواحی یك رژیم سیاسی واداری ازقدیم برقراربود که مابنکات‌برجستهٔ آن‌دراینجااشاره‌میکنیم.هریك‌ازاین‌ایالات ازدوران‌حکومت صفویه بوسیلهٔ یکنفر والی اداره میشد. درنتیجهٔ‌مأموریت طولانی واعمال نفوذ شغل و الیان این نواحی بالاخره موروثی شده بود . هریك ازپادشاهان ایران که بقدرکافی قدرت ونفوذ پیدا میکرداین‌حکام نیمه‌مستقل‌را ملزم مینمودسوگندوفاداری یاد کنند.حکام همچنین موظف‌بودندسالیانه مالیاتی بپادشاه ایران‌بپردازند ونظربا ینکه درحوزهٔ فرمانروائی خود قدرت مطلقه داشتند همواره‌پی‌فرصت می گشتند بلکه خودراازسلطهٔ‌حکومت مرکزی برهانند وهمینکه بقدر کفایت‌قدرت می‌یافتند خودرا مستقل میخواندند.

بهمین‌علت بود که والیان وفرماندهان مستقل این نواحی ازپادشاهان باقدرت صفوی اطاعت کرده وازفرمانبرداری سلاطین ضعیف این‌سلسله استنکاف میورزیدند چنانکه درزمان حکومت ضعیف شاه‌سلطانحسین، پطر کبیر دربند وباکووقسمتی‌ازشیروان‌را اشغال کرد. این‌ایالات تاظهور نادرمطیع‌روسها وعثمانیها بودند وبااستقرارقدرت‌نادر شاه افشار مجدداً باطاعت دولت ایران درآمدند.

باهرج‌ومرجی که پس‌ازمرگ نادر درایران رخ‌داد حکومت گرجستان خودرا مستقل کرده وازاطاعت حکومت ایران سر باز زد وقتی آغامحمدخان بقدرت رسید این‌ناحیه‌را مطیع ساخت ولی قتل‌ناگهانی‌سلطان‌قاجار دامنهٔ فتوحات وی‌را ناقص گذاشت وباوقوع این‌حادثه نقشه‌های‌روسیهٔ تزاری نسبت بایالات شمالغربی‌ایران در نهایت سرعت وسهولت انجام یافت.

بایددانست کلیهٔ نواحی که‌بموجب معاهدهٔ گلستان‌بدولت‌روسیه واگذار گردید بوسیلهٔ قوای نظامی آندولت فتح نشده بود. مثلاهراکلیوس‌حاکم گرجستان که‌برای استخلاص‌خود ازاستبداد ومظالم دربارایران‌حمایت‌تزاررا درخواست کرد وساکنین ناحیهٔ اردوباد تصور کردند که با تقاضای حمایت دولت روسیه از تعدیات واجحافات حاکم ایران نجات خواهند یافت. بنابراین پادشاهان قاجار بعلت وضع اسف‌آور سازمانهای‌اداری‌موفق‌نشدند رضایت وموافقت سکنهٔ ناحیهٔ قفقازرا نسبت‌بخود جلب کنند.درمقابل‌روسها که خودرا ناجی‌ملل‌قفقازمعرفی کرده‌بودندناراضیان‌ویاغیان‌را برضد دربار تهران برانگیختند. سکنهٔ این‌نواحی‌بامید اینکه مداخلهٔ دولت‌روسیه درامور داخلی قفقاز یك‌امر موقتی‌خواهد بود خبط مللی‌را مرتکب شدند که برضد دشمن‌خانگی‌ازبیگانه‌یاری‌میطلبند. اشغالگران‌تامدتی‌درنواحی‌متصرفی‌خوشرفتاری کردند ووالیان وفرماندهان که قسمتی‌ازامتیازات‌موروثی‌خودرا محفوظ‌داشته‌بودند تصورمیکردند این‌امتیازات را باعقاب خود بارث واگذار خواهند کرد. ولی بارژیم جدیدی که پس‌ازامضای معاهدهٔ گلستان بوجودآمد اساس‌تشکیلات اداری وسیاسی این‌نواحی بتدریج تغییریافت بمرور افسران روسی نفوذ رؤسای محلی‌را ازبین برده

وحکومت خودرا محکمتر ساختند. کینهٔ روسها دردل خوانین ایرانی جای گرفت و عکس‌العمل آن با ایجاد تحریکات واخلال برضد حکومت استبدادی روس که خود قبول کرده بودند ظاهر گشت روسها بااعمال زور وزجر وشکنجه باقدامات حکام و رؤساءِ محلی قفقاز جواب دادند درنتیجه کلیه رؤسای مسلمان املاك ومتصرفات خود را ترك گفته وبایران پناه بردند.

اگر حکام ورؤساء موفق شدند بسهولت ازمناطق نفوذ روس دورشوند خوانین ونجبای محلی درمناطق مسکونی منافع زیادی داشتند ونمیتوانستند بآسانی اوطان خودرا ترك گویند بتدریج که قدرت ونفوذ آنان تحت‌الشعاع نفوذ وقدرت زمامداران روسیه قرار گرفت نتوانستند حتی عایدات املاك خودرا نیز وصول کنند بعدها نیز برای ادامهٔ زندگی، جزئی اندوختهٔ خودشان را ازدست دادند. بدرفتاری ولحن آمرانهٔ افسران روسی حیثیت آنان را جریحه‌دار ساخت وبدون امید نجات درمیان عامهٔ مردم ناپدید گردیدند. ورود بخدمات دولتی تنها درمحل تولد مجاز بود وترقیات آنان خیلی محدود بود. دخول درارتش روس موکول بود به‌چشم‌پوشی ازکلیهٔ مزایای حقوقی، آنانکه وارد خدمت نظام میگردیدند مجبور بودند عادات محلی وبعضی ازمعتقدات مذهبی خودرا نیز ازدست بدهند تابتوانند باافسران روسی معاشرت کنند. ولی این قبیل محرومیتها و فداکاریها نیز زندگی آنانرا آسانتر نساخت بطوریکه حتی ارامنهٔ مسیحی غیرارتودوکس و گرجیان ازسختگیریهای زمامداران روس برای قبولاندن عادات ورسوم روسی بستوه آمدند

باقبول عادات ورسوم دولت غالب ازطرف مسلمانان، مانند پوشیدن لباس وتطبیق رفتار زنان وکودکان باعادات ورسوم روسی بدگمانی روسها نسبت بساکنین نواحی اشغالی برطرف نشد بلکه نارضایتی‌ها باز هم شدت یافت.

نسلی که درحال رشد بود نظر باینکه ازوضع گذشته اطلاعی نداشت نفوذ روس را متحمل میشد ولی قبول این وضع برای نسل حاضر نهایت دشوار ونامطبوع بود. از قرنها باینطرف دراغلب ایالات متصرفی تنها طبقهٔ مسلمان صاحب نفوذ وامتیاز بود ووضع اجتماعی مسیحیان نسبت بمسلمانان پست‌تر بود ولی با تحکیم واستقرار نفوذ دولت روسیه وضع مسیحیان تغییر یافت ومسلمانان حتی درتحت فشار قرار گرفتند.

مگر مسیحیان بآداب مذهبی مسلمانان اهانت کرده و آنرا مورد استهزا قرار دادند وحتی خواستند ازانجام تشریفات مذهبی مسلمانان جلوگیری کنند. وقتی علمای دینی ملاحظه کردند که نفوذ شاه بتدریج کاسته میشود ومنافعشان درخطر است ناچار بارژیم روس آغاز مخالفت کردند. روسها باین موضوع بی اعتنائی کامل بخرج دادند و علما سعی داشتند کینهٔ معتقدین خودرا برضد دولت روس شدیدتر نمایند. متنفذین مذهبی تحمل ظلم اجنبی واطاعت ازبیگانه وغیرمسلمان را که باعث وهن وسرافکندگی بود اساس تبلیغات وشکایات خود قراردادند. روحانیون نه تنها بهپیروان خود زیاده‌رویهای عمال تزاررا گوشزد کردند بلکه بی اعتنائی وحس بدبینی واقدامات اصولی و خطرناك آنانرا برضد اسلام اعلام داشتند.

رفتار افسران روسی وافراد نظامی وحتی رفتار دولت روس شایستهٔ رفتار یك دولت غالب نبود . سکنهٔ نواحی متصرفی که برای زیارت مشاهد متبرکه مسافرت میکردند بدرفتاری‌های عمال روسی راشرح میدادند وازخطرات متوجه بافراد مسلمانی که زیر یوغ دولت تزاری روس قرار گرفته بودند صحبت میکردند باادامهٔ این وضع روزبروز وحشت علمای شیعه زیادتر میگردید. اخراج دسته جمعی مسلمانان کریمه برنگرانی روحانیون افزود واین رفتار دولت روس شاهد بارز پیش بینی های آنان قرار گرفت .

بااینکه قدرت دردست دولت روس بود وحکام ایرانی که مانع تحولات بنفع دهقانان بودند نواحی اشغالی را ترك گفته بودند، بهیچوجه دروضع دهقانان تغییری حاصل نشد واقدامی بنفع آنان ازطرف دولت روس بعمل نیامد ووضع زندگی دهاتیها دررژیم استبدادی دولت تزاری بهتر ازحکومت خوانین قفقاز نگردید.

نظر باینکه خدمت درایالات جنوبی قفقاز ازطرف دولت روس یکنوع تنبیهی تلقی میشد لذا دولت سن‌پطرزبرگ کارمندان فاسد ونالایق را برای اشتغال باین ناحیه اعزام میداشت. افسران جزء ارتش معمولا بی سواد وبی تربیت ونسبت بزیردستان بیرحم بودند جمع آوری مالیات دراین نواحی بدست این قبیل افراد بالطبع باعث ایجاد تعدیات

و بدرفتاریها میشد ودهقانان بیچاره دائماً در تحت فشار مأمورین خشن دولت روس قرار داشتند.

اجحافات ورفتار بی رویهٔ مأمورین دولت روس که باعث تنفر مردم در ایالات متصرفی گردیده‌بوداز همان‌سال ۱۲۳۰ (۱۸۱۵) سکنهٔ این نواحی‌را تکان‌داد وبالاخره درسال ۱۲۴۱ (۱۸۲۶) مبدل بیك‌شورش وهیجان عمومی گردید که بانیات وسیاست انتقام‌جویانه زمامداران ایرانی تطبیق میکرد.

۲ـ علل آنی جنك دوم ایران وروس

مذاکرات درباره تعیین سرحدات

درموقع تنظیم‌پیمان گلستان روسها تعهد بخرج‌دادند که حتی‌الامکان‌ازاتخاذ تصمیم قطعی برای تعیین سرحدات میان دودولت جلوگیری کنند. اتخاذ این‌رویه و تعقیب چنین‌سیاستی ازطرف زمامداران دولت روس اختلافاتی میان دو کشوربوجود آورد که نتیجهٔ آن منتهی به‌آغاز جنك دوم ایران وروس از سال ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ (۱۸۲۶ـ۱۸۲۸) گردید.

هنگام‌حرکت‌ازتهران ژنرال‌یرملوف وعده‌داده‌بود نماینده‌ای‌برای‌حل‌مسائل متنازع فیه میان دودولت تعیین واعزام دارد. بهمین مناسبت در سال ۱۲۳۳ (۱۸۱۸) مازاروویچ[1] بعنوان‌نمایندهٔ دولت روسیه بایران آمد وپس‌ازاقامت خیلی کوتاه‌درتهران به‌تبریز مسافرت کردتاازنزدیك باعباس‌میرزا که‌ازطرف‌دولت‌ایران‌برای‌حل‌اختلافات سرحدی نمایندگی داشت درتماس‌باشد. عباس‌میرزا نمایندگانی ازطرف خود جهت تعیین‌وتجدیدحدودمناطق‌متنازع‌فیه‌تعیین کرد.هنگامیکه نمایندگان‌طرفین‌درمحل حضور یافته وازنزدیك وضع‌مناطق مورد اختلاف را بازدید کردند بااشکالات‌جدید مواجه شدند.

نمایندگان‌دولت‌روس‌موادارضی‌پیمان گلستان‌رابنفع‌دولت‌خودتعبیرمیکردند ونمایندگان دولت‌ایران ازواگذاری‌مناطقی که بعقیدهٔآنان بدولت‌ایران‌تعلق‌داشت امتناع‌میوزیدند.بااین‌ترتیب‌حل‌اختلاف مشکل‌بنظرمیرسیدونمایندگان‌ایران‌هنوز ازحدود قره‌باغ جلوتر نرفته بودند که ازطرف ولیعهد احضار شدند.

هنگامیکه مذاکرات جهت تعیین سرحدات ادامه داشت دولت روس درناحیهٔ گوگچه واقع‌درطول‌سواحل‌شمالی‌وشمالغربی‌دریاچهٔ گوگچه‌وهمچنین‌درسرحدات قره‌باغ مشغول تأسیس پاسگاههای نظامی بود.

1– Mazarowitch

پس از شکست مذاکرات، عباس میرزا درسال ۱۲۳۵(۱۸۲۰)مهندس میرزا مسعود یکی از منشیان خودرا جهت حل اختلافات و ملاقات ژنرال یرملوف به تفلیس فرستاد ولی فرمانده کل قوای روس حاضر نشد بهیچوجه تغییری درتصمیمات دولت خود نسبت بمواد معاهدهٔ گلستان قائل شود. نظر باینکه دولت روسیه هنوز از گرفتاریهای اروپا آسوده نشده بود و قصد تعرض بر ضد دولت عثمانی راداشت لذا برای گذراندن وقت و بدست آوردن فرصت مناسبتری ژنرال یرملوف شروع مذاکرات را به سال بعد موکول نمود.

پس از مراجعت نمایندهٔ دولت ایران مکاتبات زیادی تاشروع جنگ ایران و عثمانی ۱۲۳۶-۱۲۳۸(۱۸۲۱-۱۸۲۳)میان عباس میرزا و فرمانده کل قوای گرجستان مبادله گردید.

دراثنای جنگ ژنرال یرملوف از فرصت استفاده کرده چندین نقطه از اراضی ایران را اشغال و بعد در سال ۱۲۴۰ (۱۸۲۴) دولت روسیه نواحی بالغلو و گونی و گوگچه را متصرف گردید.

دولت ایران رسماً بدست اندازیهای جدید دولت روسیه اعتراض کرد. نمایندگان دودولت لاینقطع وبدون هیچ نتیجه برای تعیین نقاط سرحدی وحل اختلاف بمحل حرکت میکردند.

مازاوویچ نمایندهٔ دولت روسید در برابر اعتراضات دولت ایران برای حل اختلافات سرحدی پیشنهادهائی تسلیم کرد که مورد موافقت فتحعلیشاه و عباس میرزا قرار گرفت ولی هنگامیکه ژنرال یرملوف از اقدامات نمایندهٔ خود در تهران اطلاع حاصل کرد اظهار داشت تعهدات مازاوویچ خارج از حدود اختیارات وی بوده ومورد قبول دولت روسیه نیست، وقتی عباس میرزا ار رد پیشنهادهای مازاروویچ مطلع شد فتحعلی خان حاکم تبریز رادرتاریخ ۱۱ جمادی الثانی ۱۲۴۰(ژانویه ۱۸۲۵)بنمایندگی از طرف دولت ایران به تفلیس روانه کرد[۱]. درتفلیس موافقت نامه‌ای میان ژنرال یرملوف ونمایندهٔ دولت ایران بامضاء رسید. فتحعلیخان پس از ورود به تبریز گزارش مأموریت خود را

۱ـ نامهٔ مورخ ۵ فوریه ۱۸۲۵ هانری وبلوک بەژورژ کانینك
London : p. R. o. p. Fo. 60. T. xxv

بعباس‌میرزا داد ولی نظر باینکه موادموافقت‌نامه نظریات دولت ایران‌را تأمین‌نمیکرد بتصویب نرسید.

درماه رجب ۱۲۴۰(فوریهٔ ۱۸۲۵) مذاکرات مجدداً آغاز شد وملاقاتی میان عباس‌میرزاوژنرال‌یرملوف بعمل آمد.دراین‌ملاقات قرارشدفتحعلی‌خان‌دوباره‌برای‌حل اختلاف به‌تفلیس‌نزدژنرال‌یرملوف فرستاده شود[1]. درنتیجهٔ این‌مذاکرات نمایندهٔ ایران برای بار دوم به تفلیس رفت ودرتاریخ ۸شعبان ۱۲۴۰ (۲۸ ماه مارس ۱۸۲۵) موافقت‌نامه‌ای‌باحضورژنرال‌ویلهینوف[2]ومدداوف[3]بامضاءرسید که‌ما آنراقرارداد تفلیس خواهیم خواند. نمایندهٔ ایران قرارداد تفلیس‌را بشرطی‌امضاء کرده بود که‌از طرف دولت ایران مورد قبول واقع گردد[4].

مطابق‌مواد قرارداد تفلیس‌ناحیهٔ گوگچه بدولت روسیه تسلیم‌ودرمقابل،دولت روسیه ناحیهٔ‌قپان‌را بدولت‌ایران‌واگذارمیکرد.ولی‌درحقیقت‌قراردادتفلیس‌یک‌نیرنگ سیاسی بیش نبود زیرا ناحیهٔ گوگچه وناحیهٔ قپان هردو متعلق‌بایران بود votروس‌ها درمقابل اشغال یکی ازنواحی‌ایران واگذاری ناحیهٔ دیگری‌را که‌آنهم‌متعلق‌بدولت ایران بود پیشنهادمیکردند بااین‌وصف عباس‌میرزا وفتحعلیشاه ناچارازتأییدقرارداد تفلیس خودداری کردند[5]

دولت روسیه ازنیل بمقصود وحصول نتیجه ناامید نبود بطوریکه درماه شوال ۱۲۴۰ (اواخر ماه مه) مازاروویچ بتهران آمد تاازفتحعلیشاه تأیید قرارداد تفلیس‌را تقاضا کند، جلسات مشورتی برای مطالعهٔ مواد قرارداد در تهران تشکیل گردید و عباس‌میرزا نیز برای شرکت دراین‌جلسات بتهران احضار شد.

۱ـ نامهٔ مورخ ۱۶/۲۶ ژوئیه منچیکوف به قائم‌مقام

London : P. R. O. p. FO. 60. T. XXVII

2– Wilheminoff

3– Madadoff

٤ـ ترجمهٔ نامهٔ ژنرال یرملوف به‌عباس‌میرزا

London : p. R. O. p. Fo 60. T.xxv

٥ـ نامهٔ مورخ ١٤ اکتبر ١٨٢٥ هانری‌ویلوک به کانینک

London : p. R. O p. Fo. 60. T.xxv

حسن‌خان صاری‌اصلان برادر حاکم ایروان نیز که درجنك اول ایران‌وروس شرکت کرده بود بتهران‌خوانده شد تانظریات وتجارب وی مورد استفاده‌قرار گیرد. وی که بنواحی‌سرحدی ایروان آشنائی کامل‌داشت ثابت کرد که ادعای دولت روسیه مورد ندارد وباواگذاری ناحیهٔ گوگچه امنیت شهرایروان‌درخطرخواهد بود. دربار ایران بالاخره پس ازمباحثات طولانی عدم امکان قبول مواد قرارداد تفلیس‌را رسماً باطلاع نمایندهٔ دولت روسیه رسانید.

دربرابر تصمیمات راسخ دولت ایران ژنرال‌یرملوف باتکاء قرارداد تفلیس یك هنك سرباز ۱۸۰۰ نفری‌روس‌را باچهارعراده توپ برای اشغال وتصرف ناحیهٔ گوگچه واخراج سکنهٔ ایرانی آن ناحیه مأمورساخت(۱).

فتحعلی‌شاه که درمقابل عمل انجام‌یافته قرار گرفته بود میرزا صادق مروزی وقایع‌نگار دربارراً مأمور کرد که درمعیت مازاروویچ بملاقات ژنرال‌یرملوف برود. نمایندگان دودولت دراواخر ماه شوال ۱۲۴۰ (ژوئن ۱۸۲۵) تهران را ترك گفتند. نمایندهٔ دولت ایران مأموریت داشت باشغال‌اراضی‌ایران ازطرف قوای روس اعتراض کرده ودر صورت لزوم بدربار سن پطرزبرگ مراجعه و شکایت خود را تسلیم امپراطور کند

پس‌ازورود به‌تبریز نمایندهٔ دولت روس پیش‌دستی کرده وقبل‌ازنمایندهٔ‌ایران به‌نزد ژنرال‌یرملوف رفت تاوی‌را ازجریان مذاکرات تهران مسبوق سازد. درنتیجه زمامداران‌روس‌تصمیم گرفتندقبل‌ازورودنمایندهٔ دولت‌ایران‌ناحیهٔ بالغلورانیز بوسیلهٔ قوای‌قراکلیسا اشغال کنند.این‌بود که‌درشب ۲۵صفر ۱۲۴۱(۱۹اکتبر ۱۸۲۵)یکدسته از سربازان روس با دو عراده توپ بدهکدهٔ بالغلو وارد شده ایلات ایرانی را بیرون کرده ومحل‌های مسکونی آنانرا خراب کردند(۲) ولی باورود قوای سردار ایروان

۱ـ نامهٔ مورخ ۲۸ نوامبر ۱۸۲۵ هانری‌ویلوك به کانینك
London : p R.O.p.Fo 60 T.xxv

۲ـ نامهٔ مورخ ۱ کتبر ۱۸۲۵ عباس‌میرزا به‌ژنرال‌یرملوف
Lodon : p.R·O·p.Fo.60 T.XXVII

روسها مجبور شدند ناحیهٔ بالغلو را تخلیه کنند.

میرزا صادق مروزی درتاریخ ۱۰ ربیع الاول ۱۲۴۱ (۲۳ اکتبر ۱۲۸۵) از تبریز حرکت کرد ودرتاریخ ۱۱ ربیع الثانی ۱۲۴۱ (۲۳ نوامبر ۱۲۸۵) واردتفلیس گردید[۱].

قبل ازورود نمایندهٔ ایران ژنرال یرملوف تفلیس را ترک گفته بود. میرزا صادق مروزی ازطرف ژنرال ویلهمینوف که مأموررسیدگی باختلاف سرحدی بود پذیرائی شد مذاکرات میان نمایندگان دودولت بجائی نرسید ومرگ آلکساندراول درتاریخ ۱۹ ربیع الثانی ۱۲۴۱ اول دسامبر ۱۸۲۵ باعث قطع مذاکرات گردید[۲]، نمایندهٔ ایران پس ازدوماه اقامت درتفلیس تقاضا کردوی را ازتصمیمات دولت روسیه مستحضردارند ژنرال ویلهمینوف ضمن یادداشت مورخ ۲۲ ژانویه ۱۸۲۶ (۱۲ جمادی الاول) اطلاع داد که ژنرال یرملوف فرمانده کل قوای گرجستان نمیتواند بدون اجازهٔ امپراطوری اراضی اشغال شده را بدولت ایران مسترد دارد[۳] بالاخره نماینده دولت ایران بدون موفقیت واخذ کمترین نتیجه تفلیس را ترک گفت ودر رمضان ۱۲۴۱ (مارس ۱۸۲۶) وارد تهران گردید[٤].

پس ازمرگ آلکساندراول تغییری درسیاست عباس میرزا پدیدآمد ولیعهدایران که تا این تاریخ سیاست سازش ومسالمت آمیزی نسبت بدربار سن پطرزبرگ پیش گرفته بود درنتیجهٔ دخالت مأمورین سیاسی درتبریز تغییرروش داد واین تغییرسیاست آغاز جنگ دوم ایران وروس را تسریع کرد.

۱ـ نامهٔ مورخ ۲٤ اکتبر هانری ویلوك به کانینك

London : p.R.O.p·Fo.60·T.XXVII

۲ـ نامه مورخ ۱۷ فوریه هانری ویلوك به کانینك

London : p.R.o.p·Fo.6oT.XXVII

۳ـ یادداشت مورخ ۲۲ ژانویه ۱۸۲٦ ویلهمینوف به میرزا صادق مروزی

London : p.R.O.p.Fo.60.T.XXVII

٤ـ نامهٔ مورخ ۳۱ مارس ۱۸۲٦ هانری ویلوك به ژورژ کانینك

London : p.R.O.p.Fo.60.T· XXVII

۲- تغییر سیاست عباس‌میرزا پس از مرگ آلکساندر اول و اعلان جهاد

اشغال نواحی گوگچه و بالغ‌لو و گونی از طرف روسها توأم با انواع آزار و شکنجه نسبت به مسلمانان آن نواحی بود و چنانکه بدان اشاره شد ظلم و فجایع دولت روسیه علمای مسلمان را در مشاهد متبرکه سخت مضطرب و نگران ساخته بود. دیپلماسی انگلستان برای اقدام بر ضد نفوذ روزافزون و تهدیدآمیز دولت روس از این فرصت مناسب استفاده کرد.

گفتیم که عباس‌میرزا نسبت به رفتار ناهنجار عمال دولت روس با مسلمانان نواحی اشغالی بژنرال یرملوف و سایر فرماندهان قوای قفقاز اعتراض کرد. ولی نظر باینکه ولیعهد ایران پس از امضای معاهدهٔ گلستان مستقیماً تحت نفوذ دولت سن‌پطرزبرگ قرارداشت نمیتوانست درمقابل روش دولت روس اقدام مؤثر و جدی کند(۱). عباس‌میرزا درجریان مذاکرات برای تحدید حدود سرحدات، تمام هم خودرا صرف کرد تا روابط میان دو دولت قطع نگردد و دیدیم که نمایندگان وی بکرات جهت حل اختلافات نزد فرمانده کل قوای گرجستان رهسپار شدند.

سیاست و آرزوی تزار این بود که متصرفات روسیه را تا سرحد ارس بسط دهد بدین منظور در معاهدهٔ گلستان قید شده بود از میان پسران شاه آنکه جانشین تاج و تخت ایران تعیین شود از طرف روسیه نیز برسمیت شناخته خواهد شد.

دولت روسیه با این عمل درحقیقت تعهد میکرد که از عباس‌میرزا در مقابل برادر ارشدش محمدعلی‌میرزای دولتشاه حمایت و جانبداری کند تزار با طرفداری و حمایت از منافع ولیعهد درواقع یکنوع حق نظارت در سیاست داخلی ایران تحصیل کرده و

۱- گزارش سیاسی مورخ ۱۳ نوریه ۱۸۲۵ هانری ویلوك به کانینك

London : p.R.O.p.Fo.60.T.xxv

امیدوار بود عباس‌میرزا بنوبهٔ خود ازپیشرفت سیاست دولت‌روسیه درایران‌طرفداری نماید. پس عباس‌میرزا بااینکه‌نمیخواست بهیچوجه خودرا کاملا تحت نفوذ تزارقرار دهد مجبور بود قدرت ونفوذ دولت روسیه را بحساب بیاورد.

در مکاتبات عباس‌میرزا باتزار ودولت روسیه مشاهده میشود که ولیعهد ایران سعی و کوشش دارد احترام وقدرت واختیارات خودرا بابکاربردن عناوین وتعارفات رسمی تشریفاتی که معمول دیپلماتهای ایران‌آنزمان بود حفظ کند.

محمدعلی‌میرزادرسال۱۲۳۷(۱۸۲۲)درحین‌جنك ایران‌وعثمانی‌در گذشت و با مرك وی عباس‌میرزا جانشین‌بلامعارض‌تاج‌وتخت‌ایران گردیدوبااین‌ترتیب کمك‌تزار برای‌تعیین ولیعهد ایران دردرجهٔ دوم اهمیت قرار گرفت.

درتاریخ شعبان ۱۲٤۱ (مارس۱۸۲٦) شاهزاده منچیکوف[۲] بعنوان نمایندهٔ فوق‌العاده بدربار ایران اعزام گردید[۲].

سفیر دولت روسیه مأموریت داشت که جلوس نیکولای اول را رسماً باطلاع دولت ایران برساند ولی در حقیقت منچیکوف موظف بود باختلافات سرحدی دو دولت خـاتمه داده ودولت ایران را برای امضای معاهدهٔ اتحادی برضد دولت‌عثمانی حاضر کند.

وقتی دولت روسیه طالب اتحاد بادولت ایران بود. دولت انگلستان بوسیلهٔ اقدامات وفعالیت مأمورین‌سیاسی‌خود دردربارعباس‌میرزاجدیت‌داشت تشبثات دولت روسیه را عقیم سازد ونفوذ سیاسی خودرا محکمتر ومؤثرتر بکند. ماژورهارت[۳] ودکتر کرومك[٤]عمال انگلیسی که جریان‌حوادث نیزبآنان کمك‌میکرد‌اطمینان شاهزاده‌عباس‌میرزارابخودجلب کرده‌بودند وازمرك آلکساندراول‌برای‌تغییرسیاست عباس‌میرزا استفاده نمودند.

1- Menchikoff

۲ـ نامهٔ مورخ ۲۰ مارس هانری‌ویلوك به کانینك

London : p.R.O›p.Fo.60.T.XXVII

3- Major Hart

4- Cromk

(باید تذکر داد که علاوه‌برمرك‌محمدعلی‌میرزادولتشاه درگذشت‌میرزابزرك قایم‌مقام نیز درسال ۱۲۳۷(۱۸۲۲) که یکی ازرجال‌سرسخت ضد سیاست انگلستان دردربارعباس‌میرزا بود درپیشرفت سیاست انگلستان فوق‌العاده تأثیر داشته ووظیفهٔ عمال انگلیسی‌را بی‌نهایت آسان میکرد).

هانری‌ویلوك درنامهٔ مورخ ۲۰ مارس ۱۸۲۶ (۱۰ شعبان۱۲۴۱)بوزارتخارجه انگلستان گزارش‌میدهد که درنتیجهٔ‌اقدامات‌مأمورین‌انگلیسی‌وقتی‌پرنس‌منچیکوف به‌تبریزرسید یکنفرنمایندهٔ طرف‌اطمینان ازطرف شاهزاده‌عباس‌میرزا اعزام گردید که شاه را برای اعلان جنك برضد دولت روس تشویق کند.

هانری‌ویلوك کاردار سفارت انگلیس‌درهمین‌نامه تذکرمیدهد که ورود پرنس منچیکوف وضع‌جدیدی دردربار عباس‌میرزا بوجودآورده‌است.ولیعهدایران معتقد است مادامیکه قبلاازمذاکرات‌درتبریز نتیجه‌ای گرفته‌نشود ودولت‌روسیه حاضر به تخلیهٔ ناحیهٔ گوگچه‌نگرددنمایندهٔروسیه نباید بطرف‌تهران‌حرکت کند(۱).کاردار سفارت درهمین‌نامه اضافه میکند که پادشاه تردید دارد آیا بجنك مبادرت ورزد یا ناحیهٔ گوگچه‌را بتصرف روسها بدهد ولی‌توسل‌بجنك حتمی‌بنظرمیرسد زیرادرنظر زمامداران ایران استقراروسهادرناحیهٔ گوگچه وایجادپاسگاهها درنزدیکی‌ایروان حفظ وحراست این‌ایالات ثروتمند را بخطر خواهدانداخت(۲).

پس از ورود منچیکوف آقاسیدهاشم مجتهد برای تحریك احساسات مذهبی مردم پایتخت برضد روسها درتاریخ ۱۷شوال ۱۲۴۱(۲۵ مه ۱۸۲۶) وارد تهران شد تافتحعلیشاه را بجنك وادار کند(۳).

۱ـ نامهٔ مورخ ۲۰ مارس ۱۸۲۶ هانری‌ویلوك به‌کانینك
London : p.R.O.p.Fo.60.T.XXVII
۲ـ نامهٔ مورخ ۲۰ مارس ۱۸۲۶ هانری‌ویلوك به‌کانینك
London : p.R.O.p.Fo.60.T.XXVII
۳ـ دراسناد وبایگانی‌وزارتخارجهٔ انگلستان برای روشن کردن این‌مطلب که‌آیا رؤسای ایالات وعلمای مذهبی بمیل‌خود میخواستند که جنك بین دولتین روس‌وایران را
بقیهٔ‌حاشیه درصفحهٔ بعد

چنانکه گفته شد مکاتبات و تقاضاهای زیادی ازطرف ساکنین نواحی سرحدی وپیشوایان مذهبی بدولت ایران رسیده بود که درخواست میکردند دولت ایران برای رفع اهانتهائی که ازطرف دولت روسیه بدین اسلام وارد آمده بود اقداماتی بعمل بیاورد.

هنگامیکه درتبریز میان پرنس منچیکف و عباس میرزا و وزیرش میرزا ابوالقاسم قائم مقام مکاتبات زیادی راجع باختلافات سرحدی مبادله میشد[۱] فتحعلیشاه بمناسبت فصل تابستان تهران راترك وبسمت سلطانیه حرکت کرد شوال ۱۲۴۱ (ژوئن ۱۸۲۶) شاه که ازجریان حوادث بسیار مضطرب بود برای تعیین خط مشی سیاسی تصمیم گرفت ضمن کنفرانسی نظرمشاورین خودرا جلب کند.

دراین کنفرانس هانری ویلوك کاردارسفارت انگلستان بفتحعلیشاه توصیه کرد روش مسالمت آمیزی اختیار کند و آقاسیدمحمدمجتهدرا که ممکن است گرفتاریهائی

بقیه ازحاشیهٔ صفحهٔ قبل

بیك جنك مذهبی مبدل کنند باآنکه مأمورین یك دولت بیگانه دراین مورد فعالیت بخرج میدادند سندی بدست نیامد ولی درمکاتبات سیاست مداران دولت روسیه علایم واشاراتی موجود است که سیاست نخست وزیر انگلستان رادراینمورد روشن میسازد: چنانکه کنت دو نسلرود Conte-de-nesslrode صدراعظم دولت روسیه درجلد ششم صفحهٔ ۲۵۹ مجموعهٔ مکاتبات خود چنین بیان میکند : بنظرمیآید کانینك وزیر خارجهٔ انگلستان که از نفوذ وشهرت ژنرال یرملوف مضطرب ومتحیر بود میخواست ایرانرا بجنك برضد ما وادار کند وقتی وزیرانگلستان ازسیاست مسالمت آمیز امپراطور آلکساندر اطمینان حاصل نمود مصمم گردید ازاحساسات ضدروسی ایرانیان جلوگیری کند ولی جلوگیری ازغلیان احساسات ملی برای وی غیرمقدور بود . همچنین دوشرودر De-shrœder که درنیمهٔ اول قرن نوزدهم ازطرف وزارتخارجهٔ روسیه مأموریتهای مختلف سیاسی داشته راجع بسیاست انگلستان نسبت بیونان و ایران چنین مینویسد : «بنظر میآید که سیاست انگلستان با ایجاد جنك جدیدی میان دولتین روسیه وایران دوهدف راتعقیب میکند تاازیکطرف از پیشرفت روسها بطرف مشرق ایران درسمت هندوستان جلوگیری کند از طرف دیگر برای تزار که در مسئلهٔ یونان گرفتاراست اشکالاتی تولید نماید تابالاخره وی را مجبور کند که ازدولت انگلستان کمك طلبد وبالنتیجه موضوع بنفع دولت انگلستان خاتمه پذیرد» .

۱ـ مکاتبات عباس میرزاومنچیکف نامهٔ مورخ ۹ذیقعدهٔ ۱۲۴۱ (۱۵ژوئن ۱۸۲۶) میرزا ابوالقاسم قایم مقام به منچیکف London·P·R·O·Fo·60.T.XXVII

برای دولت ایران ایجاد نماید بحضور نپذیرد. هانری ویلوك درواقع یك سیاست دوجانبه بازی میکرد. رسماً فتحعلیشاه را باتخاذ رویهٔ محتاطی توصیه میکرد در صورتیکه نمایندگان وی ماژورهارت ودکتر کرومك درتبریز شاهزاده عباس میرزا رابجنك با دولت روسیه تحریك میکردند.

درنامهٔ مورخ ذیقعدهٔ ۱۲۴۱ (۲۷ ژوئن ۱۸۲۶) هانری ویلوك به ژورژ کانینك نظر سیاستمداران ایرانی را نسبت بدولت روسیه چنین شرح میدهد: «درنتیجهٔ مذاکرات سری که بااللهیارخان آصف الدوله داشتم وی مایل بجنك نیست ولی مجبور است از نظر شاهزاده تبعیت کند ...میرزا عبدالوهاب وزیرخارجهٔ سابق که درموارد مهم باوی مشورت میشود وشاه بعقیدهٔ او اهمیت فوق العاده ای میدهد مایل است روابط بادولت روسیه اصلاح شود[۱]

فتحعلیشاه مایل بود سیاست عباس میرزا راتعقیب کند ولی وزراء توصیه کردند که نمایندهٔ دولت روسیه رابپذیرد والاممکن است باعث رنجش امپراطور جدید که دراعزام نماینده پیشقدم بوده است گردد. بنابراین درتاریخ ٤ذیحجه ۱۲۴۱ (۱۰ ژوئیه ۱۸۲۶) پرنس منچیکوف بقرارگاه سلطانیه وارد شد[۲]

پس ازسه روز ورود، فتحعلیشاه به پرنس منچیکوف اجازهٔ شرفیابی داد: دراین شرفیابی پنج تن ازوزرا: آصف الدوله وامین الدوله ومعتمدالدوله ومیرزا ابوالحسن خان ومیرزا ابوالقاسم قایم مقام حضور داشتند[۳]. مذاکرات باحضورشاهزاده عباس میرزا آغاز گردید[٤] نمایندهٔ دولت روسیه اظهارداشت که وی نمیتواند ازمواد قرارداد تفلیس

۱- نامهٔ مورخ ۱۷ ژوئن ۱۸۲۶ هانری ویلوك به ژورژ کانینك ازسلطانیه
Londn : P.R.O.P.Fo.60.T.XXVII

۲- نامهٔ مورخ ۱۷ ژوئن ۱۸۲۶ هانری ویلوك به ژورژ کانینك ازسلطانیه
London:P.R.O.P.Fo.60.T.XXVII

۳- نامهٔ مورخ ۱۵ ژوئیه هانری ویلوك ازسلطانیه به کانینك
London: .P.R.O.P.Fo.60.T.XXVII

٤- نامهٔ مورخ ۲۳ ژوئیه هانری ویلوك ازسلطانیه به کانینك
London: P.R.O.P.Fo.60.T.XXVII

مورخ ۸ شعبان ۱۲٤۰ (۲۸ مارس ۱۸۲۵) عدول کند. با این ترتیب مذاکرات به‌نتیجه‌ای نرسید وجواب صریح نمایندهٔ دولت سن پطرز برك، تمام طرفداران صلح را مأیـوس کرد(۱) یکنوع احساسات هیجان آمیزی تمام کشور رافرا گرفت وسیاست‌عباس‌میرزا که‌بطورمؤثری‌درتحت‌نفوذ کنتر کرومك‌وماژورهارت‌قرارداشت‌قرین‌توفیق گردید.

افکارمردم بحداعلا بـرضد روسیه تهییج شـده بود. ملت وروحانیون واغلب زمامداران تقاضای اعلان‌جنك برضد دولت روسیه داشتند. درتاریخ ۵ ذیحجهٔ ۱۲٤۱ (۱۱ ژوئیه ۱۸۲۹) آقاسیدمحمد مجتهد بهمراهی‌یکصدتن ازروحانیون واردسلطانیه شد دستهٔ دیگری ازاهالـی بسر پرستی ملااحمد نراقی نزد فتحعلیشاه آمدند وبـه تظاهرات پرداختند(۲)

چندتن ازوزراء که طرفدارصلح بادولت روسیه بودند درحال یاس ونا امیدی. آخرین باربا منچیکوف مذاکره وبوی خاطرنشان کردند که اگر دولت روسیه از استرداد گوگچه منصرف گردد جنك‌بطورقطع شروع‌خواهد شد، زیرا امنیت ناحیهٔ ایروان بااشغال گوگچه که ظاهراً بی‌اهمیت بنظرمیآید درمخاطره خواهد افتادولی منچیکوف درروش خود تغییری نداد.

بالاخره در مجمع وزراءِ تصمیم گرفته شد در مقابل تظاهرات مردم وبمنظور حفظ حیثیت دربار سعی شود موافقتی ولوبی اهمیت هم باشد ازنمایندهٔ دولت روسیه تحصیل گردد. منچیکوف اظهارداشت مذاکرات راقطع کنند تاوی از دولت خـود دستورات جدیدی دریافت‌دارد وبآصف‌الدوله پیشنهاد کرد هیئتی برای‌حل اختلافات ازطرف دولت ایران بسن‌پطرزبر گك فرستاده شود(۳)

دولت‌ایران موقتاً قطع‌مذاکرات‌راقبول کرد واصرارورزید تاوصول دستورات

۱ـ نامهٔ مورخ ۱٤/۲٦ ژوئیه ۱۸۲٦ پرنس منچیکوف
London: P.R.O.P.Fo.6o.T.XXVII

۲ـ نامهٔ مورخ ۱۵ ژوئیه هانری ویلوك ازسلطانیه به کانینك
London: P.R O.P.Fo.T:XXVII

۳ـ نامهٔ مورخ ۲۱ ژوئیه ۱۸۲٦ـ۱۳ ذیحجهٔ ۱۲٤۱ منچیکوف بآصف الدوله
London: P.R.O.P.Fo 6o.T.XXVII

ازطرف دولت‌روسیه ناحیهٔ گوگچه تخلیه گردد ودولت ایران تعهد کرد که تاوصول دستورازطرف دولت روسیه این ناحیه را اشغال نکند . منچیکوف بدون اجازه نمیتوانست پیشنهاد دولت ایران راپبذیرد .

درجریان این مذاکرات اعمال‌نفوذ نمایندگان‌سیاسی ودیپلماتهای‌انگلستان فوق‌العاده مؤثر بود . زمامداران بریطانیای کبیربا ایجاد جنك میان دولتین ایران و روس در نظر داشتند دولت روسیه رابا جنك خسته کننده‌ای در سرحدات شمالغربی ایران مشغول سازند تابتوانند ازفعالیت روسها درمشرق ایران که برای دولت هند خطرناك بودبکاهند . این نظریه ازمطالعهٔ یادداشتهای سری سرجان ملکم که راجع بپیشرفتهای دولت‌روسیه درآسیا نوشته شده‌روشن میگردد. بنظرملکم‌فعالیت‌روسها درمشرق‌ایران‌ازسمت‌افغانستان‌بتدریج‌شدت‌می‌یافت‌واین‌فعالیت‌برای‌سیاست‌انگلستان فوق‌العاده خطرناك‌بنظرمیرسید[۱] همچنین دونامهٔ‌مورخ دسامبر۱۸۲۵هانری ویلوك یکی‌بعنوان ویلیام پیت‌لردآمرست[۲] فرمانفرمای کل هندوستان ودیگری بعنوان ژورژکانینك‌نشان میدهد که چگونه دولت انگلستان از نفوذروزافزون‌وپیشرفتهای دولت روسیه‌درایران وحشت ونگرانی داشت‌بالاخره درتعلیماتی که‌ازطرف‌لردکاتکار سفیر انگلستان درسن پطرزبرگ بکاردار سفارت انگلستان در تهران داده شد این نگرانی ظاهر میشود[۳]

۱- یادداشتهای سری سرجان ملکم راجع به‌پیشرفتهای دولت روسیه درآسیا که بیشتر مربوطست بنواحی افغانستان وخراسان وترکستان وکرانه های دریای خزر
London:P·R·O·P·Fo.6o.T.XXV

2- William,Pitt-Lord-Amhurst.

۳- نامه‌هانری ویلوك به‌ویلیام پیت‌لردآمرست London:P.R.O.P.Fo.60T.xxv
دراین‌نامه هانری‌ویلوك ازفعالیت روسها دربخارا و افغانستان صحبت کرده و باقدامات ژنرال یرملوف درخراسان وتوسعه و پیشرفت نفوذ دولت روس در مشرق ایران اشاره میکند ودرضمن تمایل رؤسای مستقل نواحی‌شمالشرقی ایرانرا به‌همکاری بادولت‌روسیه شرح میدهد هانری ویلوك همچنین درنامهٔ مورخ۲۳ دسامبرخود به‌ویلیام‌پیت‌لردآمرست اشاره میکند که لردکاتکار Lord-cathcart سفیرانگلستان درروسیه ازاقدامات دولت سن‌پطرزبرك دونزد عباس میرزا بسیارنگران ومضطرب است

دولت ایران که ازهرطرف درتحت فشار قرار گرفته بود و اطمینان داشت که سکوت درمقابل تعدیات مأمورین دولت روس باعث سرافکندگی خواهد بود و از اجحافات دولت روسیه در آینده فوق العاده نگرانی داشت بالاخره تصمیم گرفت جنگ کند.

بااینکه موقتاً مذاکرات میان دودولت قطع شده بود هانری ویلوک مأموریت یافت که مذاکرات رابا نمایندهٔ دولت روسیه ادامه دهد[1] ولی نظر باینکه فتحعلیشاه امیدی باین اقدامات نداشت بدون انتظار بنتیجهٔ مذاکرات هانری ویلوک و منچیکوف درتاریخ ۱۵ ذیحجهٔ ۱۲۴۱ (۲۱ ژوئیه ۱۸۲۶) ازسلطانیه بسمت اردبیل حرکت کرد تابصحنهٔ عملیات نزدیك شود[2]

بالاخره منچیکوف بدون اخذ نتیجه در تاریخ ۱۸ ذیحجه (۲۶ ژوئیه ۱۸۲۶) اقامتگاه سلطانیه راترك گفت وهانری ویلوك کاردار سفارت انگلیس نیز باردبیل نزد فتحعلیشاه رهسپار شد[3]

بروحانیون وپیشوایان مذهبی دستورداده شد احساسات مذهبی مردم رابرضد روسها تحریك کنند وجنگ دوم ایران وروس باصدور فتوای جهاد آغاز گردید.

برای اینکه صحنه های مختلف جنگی روشن تربیان گردد جنگ دوم ایران وروس را درسه مرحله بیان میکنیم:

مرحلهٔ اول: پیشرفتهای عباس میرزا از ذیحجهٔ ۱۲۴۱ تا آخر محرم ۱۲۴۲ (ژوئیه ۱۸۲۶ سپتامبر ۱۸۲۶) دراین مرحله تمام نواحی که مطابق معاهدهٔ گلستان

۱ـ نامهٔ مورخ ۲۳ ژوئیه هانری ویلوك به کانینك
London: P R.O P·Fo·60.T·XXVII

۲ـ نامهٔ مورخ ۲۳ ژوئیه هانری ویلوك به کانینك
London: P R·O·P·Fo 60.T.XXVII

۳ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت ۱۸۲۶ هانری ویلوك ازاردبیل به کانینك
London: P·R·O.P·Fo·60·T·XXII

تسلیم روسها شده بود ازطرف قوای ایران اشغال شد .

مرحلهٔدوم: شکستهای ایران ازصفر۱۲٤۲ تاسقوط دژعباس آباد ۲۷ ذیحجهٔ ۱۲٤۲ (سپتامبر۱۸۲٦ - ۲۲ژوئیه ۱۸۲۷)

مرحلهٔسوم: سقوط ایـروان و تبریـز معـاهدهٔ تـرکمانچای شعبان ۱۲٤۳ (فوریه۱۸۲۸) .

قسمت چهارم

جنگ دوم ایران و روس از

(۱۲۴۱-۱۲۴۳) (۱۸۲۶-۱۸۲۸)

فصل اول

مرحلهٔ اول: پیشرفتهای عباس میرزا از ذیحجهٔ ۱۲۴۱ تا آخر محرم۱۲۴۲ (ژوئیه ۱۸۲۶ سپتامبر ۱۸۲۶) دراین مرحله تمام نواحی که مطابق معاهدهٔ گلستان تسلیم روسها شده بود ازطرف قوای ایران اشغال گردید.

هنگامیکه مذاکرات بانمایندگان دولت روس درسلطانیه ادامه داشت هزاران نفرداوطلب بسلطانیه آمده وبقرارگاه عباس میرزا که بفرماندهی کل قوای ایران در جنك منصوب شده بود متوجه گردیدند.

باید دانست که جنك بدون اعلان رسمی آغازشده بود. پس ازشکست مذاکرات ویلوك. منچیکوف نمایندهٔ دولت روسیه قرارگاه سلطانیه راترك گفت وشاهزاده عباس میرزا بطرف تبریز حرکت کرد تا در رأس لشگریان تحت فرماندهی خود قرار گیرد.

اسمعیل میرزا یکی ازفرزندان فتحعلیشاه که باپانزده هزارنفر بکمك عباس میرزا مأموریت یافته بود بدستور ولیعهد بسمت ارس حرکت کرد[۱] عباس میرزا درتبریز اسکندرمیرزا نوهٔ هراکلیوس، مصطفی خان شیروانی ومحمد حسینخان شکی، رؤسای نواحی اشغالی ازطرف روسها راکه ناراضی بودند بحضورخود پذیرفت. این سه نفر پس از مشورت باعباس میرزا واخذ تصمیمات باوطان خود مراجعت کردند تابمنظور مقاومت در مقابل روسها بایاغیان وناراضیان همکاری نمایند. اقدامات این اشخاص فوق العاده مفید ومؤثر واقع شد[۲]

۱ـ نامهٔ مورخ ۱۵ ژوئیه ۱۸۲۶ هانری ویلوك ازسلطانیه به کانینك
London:P·R·D:P.Fo·60·T·X.XVII

۲ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت ۱۸۲۶ هانری ویلوك ازاردبیل به کانینك
London:P·R.O·P·Fo·60·T·XXVII

عباس‌میرزا تصمیم‌داشت که رود ارس را ازپل خداآفرین عبور کند وقبل از آنکه ژنرال مدداوف بقره باغ مراجعت کرده و بمقاومت بپردازد وارد قره‌باغ گردد.

همچنین لازم بود هرچه زودتر قلعهٔ شوشی ازطرف لشگریان ایران اشغال گردد واین مسئله نهایت اهمیت‌را داشت که سپاهیان ایران قبل از آنکه وسائل دفاعی قلعه تکمیل گردد آنرا بتصرف خوددرآورند. قبلا نیز سکنهٔ ناراضی نواحی قره‌باغ وعده داده بودند بمجرد رسیدن قوای ایران قلعه‌را تسلیم خواهند کرد.

لشگریان عباس میرزا ازرود ارس عبورنکرده بودند که عملیات جنگی در سواحل دریای خزر آغاز شد. میرحسنخان رئیس طوالش مصمم‌بودبه‌تسلط روسها درآن ناحیه خاتمه دهد بدینمنظور خودرا بادولت ایران درتماس گذاشت. فرمانده قوای‌روس درلنکران که ازرابطهٔ میرحسنخان بادولت‌ایران ظنین‌شده بودهمسروی را بعنوان گروگان درساری محبوس کرد (۱)

میرحسنخان درمقابل این‌رفتار دولت روس علناً برضدقوای‌روس قیام کرد و یکدسته‌ازسربازان دشمن‌را که بسمت لنکران درحرکت بودند موردحمله‌قرارداد. بااین اقدام میرحسنخان‌جنك درطالش آغاز گردید. میرحسنخان قوائی‌جمع‌آوری کرده وازدولت ایران تقاضای کمك نمود. پس‌ازوصول این‌خبربه‌محمدخان قاجار دستورداده شد که‌باعده‌ای سربازوچهارعراده توپ برای کمك بقیام‌کنندگان‌بقوای میرحسنخان به‌پیوندند - ولی میان میرحسنخان ومیرعباسخان که طرفدار روسها بود اختلاف ورقابتی وجودداشت(۲) میرعباسخان ازفرمانده قوای روس در لنکران کمك خواست وقوای امدادی‌روس بسمت طالش حرکت کردند. ولی پس‌ازرسیدن قوای محمدخان قاجار وقتی میرعباسخان تشخیص داد قادربمقاومت نیست به پسر

---

۱ - نامهٔ مورخ ۱۰ اوت ۱۸۲٦ هانری ویلوك ازاردبیل به کانینك
London :P.R.O.P.Fo.60.T.XXVII

۲ - نامهٔ مورخ ۱۰ اوت هانری ویلوك به کانینك ازاردبیل
London:P.R.O.P.Fo.60.T.XXVII

عموی خود پیشنهاد کرد حاضر است بندرلنکران را تسلیم کند . بندرازسمت خشکی تحت محاصرهٔ قوای ایران درآمد روسها مجبور شدند درتاریخ ۱۹ ذیحجه ۱۲۴۱ (۲۵ ژوئن ۱۸۲۶) شبانه بندرراتخلیه کنند ودرنتیجه شش عراده توپ ومقدارزیادی اسلحه ومهمات بدست ایرانیان افتاد (۱) باتخلیهٔ لنکران تمام ناحیهٔ طالش آزادشد. پس ازعزیمت روس‌ها میرحسنخان ومیرعباسخان که درناحیهٔ طالش نهایت قدرت و اقتداررا بدست آورده بودند بامردم ناحیه بنای بدرفتاری را گذاشتند و بدین‌جهت مورد خشم وغضب رؤسای قبایل شدند .

عباس میرزا پس ازعبور ازرود ارس بجای اینکه بسرعت بسمت قلعهٔ شوشی که بهیچوجه قادر بدفاع نبود حرکت کند وقت خودرا چندین روز بیهوده تلف کردو با ناراضیان تماس گرفت . ولیعهد بپسرارشد خود محمدمیرزا دستورداد ازبیراهه از طریق نخجوان بسمت قره‌باغ حرکت کند . کلنل‌رویت (۲) که درغیاب ژنرال‌مدداوف عهده‌دارفرماندهی بود ازفرصت استفاده کرده وبرای محافظت وتقویت مدافعین‌قلعهٔ شوشی‌قوای امدادی گسیل داشت . دستهٔ‌دیگری ازسپاهیان ایران درتحت‌فرماندهی اسمعیل میرزا برای کمك به محمدمیرزا بسمت قره‌باغ متوجه گردید . درنتیجهٔ فعالیت‌شورشیان قره‌باغ دویست نفرازروسها کشته شده‌و ۷۵۰ نفراسیر گردیده‌بودند واهالی قره‌باغ برای ادامهٔ مقاومت ازعباس میرزا تقاضای کمك کرده بودند .

درتاریخ ۲۲ ذیحجهٔ ۱۲۴۱ (۲۷ ژوئیهٔ ۱۸۲۶) اسمعیل میرزا درخط‌سیرخود با یکدسته ازسربازان روسی که بسمت شوشی درحرکت بودند در ناحیه خنزیرك روبرو شد . افراد اسمعیل میرزا با کمك ساکنین ناحیه ازپیشروی روسها ممانعت کردند . قوای روس بسختی مقاومت نمودند ولی بالاخره درنتیجه فشاروخستگی و

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت هانری ویلوك به کانینك ازاردبیل
London:P.R.O.P Fo.60.T XXVII

2 — Colnel Reuit

۳ ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت هانری ویلوك ازاردبیل به کانینك
London:P.R.O.P.Fo 60.T XXVII

شدت گرما تسلیم شدندواسلحه خودراتحویل دادند .

پس ازاین موفقیت عباس میرزا مصمم گشت برای تسخیرقلعه شوشی‌پیشروی کند ولی‌دراینمدت کلنل رویت وسایل دفاعی قلعه‌را تکمیل کرده بودبدین ترتیب اقدامی که در آغاز عملیات ممکن بود با موفقیت انجام یابد اکنون محکوم بشکست‌بود .

بمحض اینکه سپاهیان ایران درسمت قره‌باغ پیش رفتند نواحی گـو گچه و بالغلوازطرف لشگریان ایران‌مأمورایروان‌اشغال گردید[1] وسردارایروان‌دستجات روسی‌مأموراین دوناحیه‌را مورد حمله قرارداد روسها باآنکه خوب مقاومت کردند بالاخره مجبور بتسلیم گردیدند . این ناحیه درسرراه تفلیس دارای موقع نظـامی حساس و محکمی بود که درآنجا ژنرال سواردزامیدزوف[2] فرمانده ناحیهٔ پمبك پس ازتخلیه قره کلیسا خودرابرای دفاع آماه کرده بود . حسنخان که درمسیرخود تمام ناحیه را تانزدیکی اردوگاه روس ویران کرده‌بودشیوهٔ جنك و گریزرا بکار برد وبادستبردهای‌مداوم خود مانع‌شد که قوای‌سواردزامیدزوف‌باتفلیس‌مرکزفرماندهی روس ارتباط برقرار کند .

هنگامیکه لشگریان ایران بسمت شوشی‌پیشروی میکردند به‌ژنرال‌مدداوف فرمانده قوای روس در گنجه دستور داده شد تعداد زیادی از اهالی را بداخل قلعه گنجه پذیرفته وسپس باعمده قوای پادگان گنجه به کمك ژنرال سواردزامیدزوف که‌باپنجهزارنفرپیاده وتعداد کمی‌سواردرمقابل قوای حسنخان قادربمقاومت‌نبودند بشتابـد .

همینکه پادگان شهر گنجه ضعیف شد اهالی که بدستورژنرال مـدداوف در داخل قلعه جمع شده بودند قیام کرده و قسمت عمدهٔ افـراد روسی‌رابقتل رسانیدند

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت هانری ویلوك ازاردبیل به کانینك
London : P.R.O P.Fo.60.T.XXVII

2 - Swardzamidzoff

چندتن از فراریان که بزحمت نجات یافته بودند خود را بتفلیس رسانیدند (۱) اهالی گنجه که بنوبهٔ خود بشهر تسلط یافته بودند ازعباس‌میرزا که مشغول محاصره بود استمداد کردند.

برای کمك باهالی گنجه بمحمدمیرزا دستور داده شد با پنجهزار نفر بسمت گنجه حرکت کند. امیرخان سرداراغورلوخان‌پسرداودخان‌ازرؤسای قدیم و محلی گنجه دررکاب محمدمیرزا بودند ـ اغورلوخان ازطرف عباس میرزابحکومت شهر گنجه منصوب گردید(۲)

دراواخرمحرم ۱۲۴۲ (اواخراوت ۱۸۲۶) شاهزاده شیخعلی میرزا حکمران ملایریکی ازپسران فتحعلیشاه بایکدسته سوار درسرحد طالش بمحمد خان ملحق گردید. شیخعلی‌میرزادرحین عبورازرود کر بوسیله پل متحرکی جزیرهٔ سالیان‌را که درآنجا روسها آذوقهٔزیادی ذخیره کرده بودند بتصرف درآورد. سپس‌درسمت شیروان‌پیشروی کرد تاباقیام‌کنندگان آن‌ناحیه بسرپرستی‌مصطفی‌خان که در آغاز مخاصمات بدستور عباس میرزا بشیروان‌رفته بودهمکاری کند مصطفی‌خان‌درشیروان بایجاد مقاومتی‌در برابر روسها توفیق یافته بود و این اقدام مصطفی‌خان برای قوای ایران بسیارمفید بود زیرا درنتیجهٔ کمك شورشیان و فشار لشگریان ایران روسها مجبور شدند شیروان را تخلیه کرده وبه‌سمت تفلیس عقب‌نشینی کنند

قیام‌واغتشاش بتمام‌ایالات‌مسلمان نشین‌قفقازسرایت کرد. کوه‌نشینان‌داغستان بصحرا آمده و دستجات روسی را مورد تعقیب قرار دادند روسها مجبور شدند برای تجدید سازمان بشهرهای مستحکم دربند و باکوپناه ببرند. ولی شورشیان بسرپرستی‌سرخای‌خان لزگی‌وابراهیم‌خان بادکوبه‌ای‌روسهارادراین‌دوشهرمحاصره کردند.

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت هانری ویلوك ازاردبیل به‌کانینك

London:P.R O.P.Fo.6o.T.XXVII

۱ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت‌هانری ویلوك ازاردبیل به‌کانینك

London:P.R.P.Fo.6o.T.XXVII

درظرف سه‌هفته سپاهیان ایران موفق شده بودند اغلب نواحی‌را که بموجب معاهدهٔ گلستان تسلیم روسها شده بود پس‌بگیرند . لشگریان که ازنقاط مختلف حرکت کرده بودند موفق شدند بایکدیگرتماس یابند ودرمحرم ۱۲۴۲(آخراوت ۱۸۲۶) خط زنجیری تشکیل دادند که ازایروان وقره‌باغ وشیروان وشکی وطالش میگذشت .

برای اینکه اشغال این نواحی مکمل گردد لازم بود قلعهٔ شوشی نیزبتصرف قوای ایران درآید وسپس تمام لشگریان ایران بمقصد اصلی خود تفلیس که لشگریان‌روسی‌به‌آنجا عقب‌نشینی کرده بودند متوجه گردند . بنابراین عباس‌میرزا مصمم شد درتسلیم قلعه شوشی که درمحاصرهٔ لشگریان ایران بود تعجیل کند . مذاکرات باکلنل رویت‌آغاز گردید وفرمانده روسی وعده‌داد درظرف شش‌روزقلعه را تسلیم کند برای تضمین این‌قرار گروگانهائی ازطرف روسها دراختیارقوای‌ایران قرارداده شد .

ولی بزودی مسلم گردید که‌کلنل رویت فقط برای امراروقت این‌وعده‌راداده وبهیچوجه خیال تسلیم قلعه‌را ندارد .

جریان حوادث بسرعت مناظرصحنه جنك‌را تغییرداد .

فصل دوم

مرحله دوم : جنك ایران وروس

۱ ـ شکستهای ماه صفر ۱۲۴۲ (سپتامبر۱۸۲۶) تاسقوط قلعهٔ عباس آباد ۲۷ ذیحجهٔ ۱۲۴۲ (۲۲ ژوئیهٔ ۱۸۲۷)

همینکه پیشروی لشکریان ایران آغاز شد ژنرال یرملوف تمام پستهای مقدم ارتش روس را فرا خواندو کلیهٔ پاسگاههای سرحدی را تخلیه کرد وبچند دسته از سپاهیان روس که در ایالات اشغالی مقاومت میکردند دستور داد بسمت تفلیس عقب نشینی کنند.

این تصمیم فرماندهی کل قوای روس علت اصلی پیشروی سهل وسریع لشکریان ایران در آغاز مخاصمات میباشد . این موفقیتهای سریع روحیهٔ سربازان ایران را تقویت کردو آنان را که معتقد بودند جنك بادولت روسیه جزشکست واضمحلال نتیجه دیگری ندارد امیدوارساخت .

تأخیر ولیعهد ایران دربرابر قلعه‌شوشی بفرماندهی کل قوای روس در تفلیس وقت کافی داد تاسازمان نظامی خودرا تکمیل وتجدید کند وقوای امدادی وافسران کاردان وورزیده ازمسکو دریافت دارد . لشگریان ایران درحین پیشروی ازقتل وغارت و تعدی وبدرفتاری نسبت بساکنین نواحی کوتاهی نکرده بودند این رفتارقوای ایران باعث انزجار اهالی گردید بطوریکه دربعضی نقاط حتی از عـزیمت سپاهیان روس متأسف بودند واین پیش آمدوضع سپاهیان ایران را دشوارساخت ولطمه شدیدی بوجهه عباس میرزا واردآورد .

دراواخر محرم ۱۲۴۲ (اوت ۱۸۲۶) پنجاه هزارنفرازلشگریان روس در تفلیس

متمرکز شد ومقدمات یك حمله عمومی ودامنه‌داری ازهرجهت آماده شده‌بود. اولین دسته ازلشگریان روس مرکب ازچهارهزارنفرپیاده که بوسیلهٔ توپخانه وعده‌ای سوار تقویت میشد بسمت دهکدهٔ شمخورواقع درنزدیکی گنجه حرکت کرد .

محمدمیرزا که عهده‌دار فرماندهی قوای گنجه‌بود خودرا برای مقابله باروسها آماده ساخت ـ قوای طرفین درناحیهٔ شمخورتماس حاصل کردند ودرتاریخ ۱٤صفر ۱۲٤۲ (۱۷سپتامبر۱۸۲٦) قوای محمدمیرزا بادادن تلفات سنگین باشکست سختی مواجه شد وامیرخان سردار دراین زد وخورد بقتل رسید وخودمحمدمیرزابامواجه اشکالات زیادی نجات یافت .

فراریان بسمت گنجه متوجه شدندودرنتیجه‌وحشت واضطراب عجیبی درمیان قوای مأمورشهرایجاد شد .

نظرعلیخان‌مرندی که مأمور دفاع قلعه بود بدون آنکه حتی ذخیره‌وآذوقه راخارج کند ویاآتش بزند تابتصرف دشمن در نیاید قلعه‌را تخلیه کرد ودرتاریخ ۱٤ صفر۱۲٤۲ ژنرال مدداوف شهر گنجه‌را اشغال وتصرف نمود .

نظرعلیخان مرندی بدستورعباس میرزا تیرباران شد .

فتحعلیشاه که درحین سقوط شهر گنجه دراهربود پیش‌بینی کرد کـه پس از اشغال شهر گنجه‌قوای روس متوجه قلعهٔ شوشی خواهندشد. برای‌جلوگیری‌ازحملهٔ قریب‌الوقوع سپاهیان روس بااللهیارخان آصف‌الدوله دستوردادق‌وای عباس میرزارا که‌هنوز دربرابرشوشی متوقف‌بودند تقویت کند. با این ترتیب تعدادلشگریان‌ایران درشوشی به‌بیست هزار پیاده وده هزار سوار و بیست عراده توپ رسید با‌این عـده قلعهٔ شوشی ممکن بود بآسانی مسخر گرددولی عباس میرزا که از نتیجهٔ یك حملهٔ عمومی اطمینان‌نداشت‌چنین دستوری نداد ـ این عمل عباس میرزا یك خبط نظامی بودزیرالشگریان ایران قادربودند بایك‌حمله قلعهٔ شوشی‌را بتصرف درآورده‌وسپس بشهر گنجه‌حمله کنند. وحتی اگرقوای ایران‌درمقابل شهر گنجه باشکست مواجه میشد ممکن‌بود بسهولت‌مجدداً بسمت شوشی عقب نشینی کنند وروسها قادربتعقیب

لشگریان ایران نبودند زیرا فاصلهٔ میان شوشی و گنجه بکلی ویران شده بود و تمام آذوقهٔ موجود دراین ناحیه بمصرف سپاهیان عباس میرزا که چندین هفته دربرابر شوشی معطل شده بودند رسیده بود .

درخلال این مدت قوای مدافع روس درشوشی بوسیلهٔ جاسوسان ارمنی با قوای گنجه ارتباط پیدا کردند . درنتیجه دسته‌ای ازلشگریان روس از گنجه بسمت قلعهٔ شوشی حرکت کرد . نفرات محاصره شدهٔ قلعه که ازرسیدن قوای امدادی اطلاع یافتند بوسیلهٔ شکافی که در دیوارقلعه ایجاد کردند به‌لشگریان عباس میرزا حمله نمودند. درنتیجهٔ این حملهٔ ناگهانی وحشت وبی‌نظمی عجیبی دراردوگاه عباس‌میرزا رخ داد وسربازان ایرانی فرار کردند . وحشت واضطراب طوری قوای ایران‌رادرهم شکست که تمام اقدامات برای جلوگیری ازاین پیش‌آمد بی‌نتیجه ماند و سپاهیان ایران بابی‌نظمی کامل ازرودارس گذشتندوعقب‌نشینی درجلگهٔ اصلاندوزمتوقف شد.

دراصلاندوزعباس‌میرزا توانست‌قوای‌فراری‌رامتمرکز کند .این شکست‌روحیه ووضع لشگریان ایران را بکلی مختل کرد . اغلب سربازان که تجهیزات وحتی سلاح خودراازدست داده بودند باوطان خود مراجعت کردند .

چندروزپس ازاین شکست ولیعهد در تاریخ اول ربیع‌الاول ۱۲٤۲ (۸ اکتبر ۱۸۲٦) دراهربخدمت فتحعلیشاه رسید که درآنجاآصف‌الدوله وافسران‌ارشد حضور داشتند پس‌ازمباحثات طولانی راجع‌بعملیات‌نظامی درجبهه‌های جنگ‌بالاخره‌تصمیم گرفته شد دستجاتی‌را برای حفاظت کرانه‌های ارس مأموربکنند تایك خط دفاعی درمقابل روسها تشکیل بدهند.

فتحعلیشاه‌مقدمات مراجعت خودرابه‌تهران درمعیت‌کلنل ماکدونالد(۱)وزیر

---

۱ ـ مطابق نامهٔ مورخ ۲۰ مه ۱۸۲٦ هانری ویلوك به کاپیتان کلنل ماکدونالد Colenel-Macdonald درتاریخ ۱۱ آوریل به‌بوشهررسیده بود ومطابق نامهٔ ۱٤ اوت ۱۸۲٦ ژورژکاپیتان‌شارل وین Charles-wyn درباراپران باابن انتصاب که‌از طرف کمپانی هند بعمل آمده بود موافقت نکرده بود . پس از اقدامات زیاد ازطریق

بقیهٔ حاشیه درصفحهٔ بعد

مختاردولت انگلستان‌تهیه‌دیده بود . عباس میرزابرای تعیین دستجات محافظ کرانه های ارس قرارگاه سلطنتی‌را ترك گفت .

درربیع‌الثانی۱۲٤۲(نوامبر۱۸۲٦) وقتی عباس میرزا تشخیص‌داد فصل‌عملیات مناسب نیست و لشگریان روس مصمم‌اند تمام فصل زمستان را در ناحیهٔ آق‌اوغلان نزدیکی رود ارس دراردوگاه بسر ببرند به‌تبریز مراجعت کرد .

شکست شوشی‌روحیهٔ سایرفرماندهان نظامی‌ایران‌راخراب کرده‌بودبطوریکه اغلب‌آنان ازمواضعی که بدست‌آورده بودند عقب‌نشینی کردند : لشگریان مأمور شیروان تاآنطرف رودخانهٔ کرعقب نشستندولشگریان لوری ازسرحدایران گذشتند وبالنتیجه دولت ایران تمام نواحی راکه ازآغاز جنك بدست آورده بود باستثنای طالش ومغان ازدست داد . شروع فصل زمستان باعث وقفهٔ عملیات گردید .

بقیه‌حاشیه‌از صفحه قبل

دیپلماسی بالاخره انتصاب کلنل ماکدونالد مورد تأییددولت ایران قرارگرفته ومطابق نامهٔ مورخ ۱۷سپتامبرهانری ویلوك به‌کانینك کلنل ماکدونالد در تاریخ دوم سپتامبر ۱۸۲٦ دراردبیل بحضورفتحعلیشاه باریافته بود

نامهٔ مورخ ۲۰اوت ۱۸۲٦ ویلوك‌به‌کانینك ونامهٔ‌مورخ۱۲ اوت کانینك‌بشارل‌وین
London : P . R . O . P . Fo . 60.T.XXVII

۲ - بی نتیجه ماندن آخرین اقدامات دولت ایران برای استقرار صلح

جنگ میان دولتین ایران و روس تازه شروع شده بود که فتحعلیشاه به‌عباس میرزا دستورداد نماینده‌ای برای مذاکره به سن پطرزبرگ بفرستد. داودخان از طرف ولیعهد برای انجام این مأموریت در نظر گرفته شد. چون ژنرال یرملوف اجازه نمیداد که دولت ایران ازطریق گرجستان باسن پطرزبرگ تماس حاصل کند نمایندهٔ ایران در ماه محرم ۱۲۴۲ (اوت۱۸۲۶)ازطریق قسطنطنیه‌عازم‌پایتخت روسیه گردید. داودخان مأموربود چگونگی وعلل اختلافات دودولت را بعرض امپراطور برساندودرقسطنطنیه بانمایندهٔدولت اطریش ملاقات کرده تقاضا کند که‌دولت‌اتریش دررفع اختلاف میان دولتهای ایران وروس میانجی گردد.

نمایندهٔ دولت ایران پس ازورود به‌قسطنطنیه درنامهٔ مورخ۱ربیع‌الاول۱۲۴۲ (۱۷ اکتبر۱۸۶۶) که‌به پرنس مترنیخ [۱] صدراعظم‌اتریش نوشت علل اختلافاتی‌را که‌منتهی بآغازجنگ میان دودولت گردیده بودشرح‌داد. وبخصوص ازاشغال اراضی ایران بدون مجوزوبرخلاف مواد معاهدهٔ گلستان ازجانب لشکریان روس و رفتار نمایندگان آندولت شکایت کرد. داودخان ازصدراعظم‌اتریش‌تقاضا کرد که بنمایندهٔ خوددرقسطنطنیه که حافظ منافع دولت روسیه نیزبود دستوردهد گذرنامه‌ای برای مسافرت‌بروسیه بنمایندهٔ ایران تسلیم کند. داودخان همچنین ازمترنیخ‌خواهش کرد که‌بنمایندهٔ خوددرسن پطرزبرگ توصیه کند که وسایل پیشرفت‌مأموریت ویرادر دربارتزارفراهم سازد.

داودخان که در۲۹محرم۱۲۴۲ (اول‌سپتامبر۱۸۲۶) واردقسطنطنیه شده بود

---

1 - Metternich

بیش از یکماه در پایتخت دولت عثمانی معطل شد نمایندگان دولت روس بعنوان اینکه جنك میان دو دولت آغاز گردیده است بوی اجازهٔ مسافرت بسن پطرزبرگ را نمیدادند. نمایندهٔ ایران بالاخره مجبور شد علت و موضوع مأموریت خود را به کنت نسلرود (۱) صدراعظم روسیه اطلاع دهد تاوی دستور تهیه وسائل مسافرت نمایندهٔ دولت ایران را بمأمورین خویش صادر کند. نمایندهٔ ایران نامه‌ای از طرف شاهزاده عباس میرزا به پرنس کنستانتین (۲) داشت که قرار بود آنرا درحین عبور از سرحد لهستان تسلیم نماید.

درمدت اقامت داودخان درقسطنطنیه ازطرف دولت روسیه جوابی نرسید پس او پایتخت دولت عثمانی را ترك گفت و بطرف سرحد لهستان حرکت کرد تا درآنجا منتظر وصول جواب دولت روسیه باشد. بالاخره کنت نسلرود درنامه‌ای به ژنرال گراف پلن (۳) حاکم عدسه دستور داد که بتوسط مأمورین سرحدی باطلاع نمایندهٔ ایران برساند که جنك درجبهه ایران وروس متوقف گشته ومأموری برای شروع مذاکرات ازطرف دولت ایران تعیین شده و قریباً بسرحد خواهد آمد نظر باینکه امپراطور مسئولیت امور مربوط بایران را بعهدهٔ ژنرال فرمانده کل قوای قفقاز محول کرده است مسافرت داودخان بسن پطرزبرگ ضرورت ندارد.

نمایندهٔ ایران درتاریخ ۲۶ جمادی‌الاول ۱۲۴۲ (۲۶ دسامبر ۱۸۲۶) بدون اخذ نتیجه بایران بازگشت. مأموری که ورود وی را کنت نسلرود بداودخان داده بود میرزا محمدعلی برادرزادهٔ ابوالحسنخان وزیر خارجه بود. فتحعلیشاه از متارکه جنك که بعلت فرارسیدن فصل زمستان پیش آمده بود استفاده کرده باصرار وصوابدید سرجون ماکدونالد وزیر مختار انگلستان نماینده‌ای بگرجستان فرستاده بود. میرزا محمدعلی مأموریت داشت که پس از کسب نظریات دولت روسیه بفرمانده کل قوای گرجستان اطلاع دهد درصورتیکه مذاکرات برای صلح آغاز گردد وی بعنوان

---

1 - Comte-nesselrode

۲ - پرنس کونستانتین Prince - constantin دوك ورشوی پسر دوم پل اول امپراطور روسیه بود که پس از آلکساندر بایستی برتخت نشیند ولی از حقوق ومزایای سلطنتی استعفا داد و ازسال ۱۸۱۶ باینطرف نایب‌السلطنهٔ لهستان بود.

3-General - Graff-plain

سفیردولت ایران بسن پطرزبرگ حرکت خواهد کرد. میرزامحمدعلی حامل نامه‌هائی ازطرف وزرای ایران به کنت نسلرود بود که در آن نامه‌ها به‌تمایل زمامداران ایران به برقرار گشتن مجدد روابط دوستانه میان دودولت اشاره شده بود. فتحعلیشاه برای اثبات حسن نیت خود دستورداد ۳۰۰ نفر از اسیران جنگی روس هم بهمراهی میرزا محمد علی حرکت کنند ودرسرحد تسلیم زمامداران دولت روس شوند

میرزا محمدعلی درماه جمادی‌الاول ۱۲۴۲ (دسامبر ۱۸۲۶) ازتهران حرکت کردومدتی درتبریز معطل شدزیرابرخلاف انتظار، ژنرال مدداوف دراواسط ماه دسامبر دربحبوحه سرما که معمولا انجام عملیات نظامی متوقف میشدباششهزار نفر ازسپاهیان روس ازرود ارس گذشت وبجانب تبریز پیش آمد. این اقـدام روسها عباس میرزا را متعجب ساخت زیرا نظر بشدت سرما ولیعهد ایران اطمینان داشت که تاپایان فصل زمستان لشگریان روس ازقرارگاه خودتجاوزنخواهند کرد وبهمین گمان فرمانده قوای ایران قسمت اعظم سربازان پیاده وتمام لشگریان سوار خودرا درفصل زمستان مرخص کرده بود وشهرتبریزقوای کافی برای دفاع نداشت.

درچنین وضعی بعلت اشکالات موجوده عباس میرزا بهیچوجه نمیتوانست درمدت کمی قوای کافی دربرابرپیشرفت دشمن تجهیز کند. درمقابل پیشرفت سپاهیان مدداوف تهیه وسایل دفاعی شهرتبریزباشدت وسرعت هرچه‌تمامتر آغاز شد. وقتی اهالی تبریز اطلاع یافتند ناحیه مشگین که بوسیلهٔ قوای نیرومند شاهسون دفاع میشدسقوط کرده وبتصرف روسهادرآمده‌است وافرادایل شاهسون بادشمن همکاری نموده او را بتصرف تمام ایالت آذربایجان ترغیب وتحریص میکنندمضطرب ومتوحش شدند. هرگاه روسها ازاین ضعف وهرج ومرج واضطراب استفاده میکردندوبه پیشروی خود ادامه‌میدادند قطعاً شهرتبریز بایك حمله سقوط میکردوبتصرف روسها درمیآمد. ولی فرماندهی قوای روس نتوانست ازاین فرصت مناسب و برتری قوای نظامی خویش استفاده کند. پیشروی روسها خیلی بتأنی انجام گرفت. تعلل روسها وتأخیرپیشروی ایشان روحیه اهالی راتقویت کرده وعباس میرزاموفق شدباکمك اهالی عدهٔ کافی برای دفاع تجهیز کند.

ولیعهد با اقدامات خود علاوه بر اینکه از پیشروی قوای ژنرال مدداوف ممانعت کرد روسها را با دادن تلفات سنگین بعقب نشینی وادار ساخت و بآنسوی رود ارس راند. جمادی الثانی ۱۲۴۲ (ژانویه ۱۸۲۷)

بلافاصله پس از عقب نشینی قوای روس میرزا محمدعلی بهمراهی اسیران روس بسمت تفلیس حرکت کرد. پس از ورود بآنشهر باژنرال یرملوف ملاقات نمود و نامه‌های کنت نسلرود را تسلیم وی کرد . از مذاکرات طولانی میان ژنرال یرملوف و نمایندهٔ دولت ایران نتیجه‌ای حاصل نشد و بالاخره میرزا محمدعلی مجبور شد بژنرال دبیچ[۱] که از سن پطرزبرگ بتفلیس آمده بود مراجعه کند .

در تاریخ شعبان ۱۲۴۲ (مارس ۱۸۲۷) ژنرال دبیچ و فرماندهان قفقاز اظهار داشتند درصورتیکه دولت ایران بقبول شرایط زیر رضایت دهد انعقاد پیمان صلح امکان پذیر خواهد بود :

۱ ـ دولت ایران متارکه جنگ را برای مدت پنج هفته امضاء کند

۲ ـ تمام نواحی واقع درشمال رود ارس که ازطرف لشگریان تزار اشغال شده بدولت روس واگذار گردد .

۳ ـ دولت ایران هفتصد هزار تومان بابت غرامات جنگی بپردازد

اظهارات ژنرال دبیچ و نظریات فرماندهان قوای قفقاز شرایط سنگین معاهدات ترکمانچای را که دولت ایران بایستی پس ازدوسال جنگ تحمل کند نشان میداد

میرزا محمدعلی مجاز نبود چنین شرایطی را مورد بحث قرار دهد. نمایندگان دولت روس اطمینان دادند که جواب مراسلات ایران پس از وصول از طرف کنت نسلرود بدولت ایران ارسال خواهد شد و تادریافت دستور ازسن پطرزبرگ بهیچیک از سفرای ایران اجازهٔ مسافرت بپایتخت روسیه داده نمیشود

باین ترتیب میرزا محمدعلی نیز مانند داودخان بدون اخذ کمترین نتیجه‌ای ازمأموریت خود درشعبان ۱۲۴۲ (مارس ۱۸۲۷) بایران باز گشت . درموقع حرکت از تفلیس بوی وعده دادند که درمقابل عمل دولت ایران ۳۰۰ نفر از اسیران جنگی ایران

1. General Debitch

آزاد خواهدشد پس‌ازمراجعت میرزامحمدعلی کنت نسلرود درنامه‌ای بوزیر خارجهٔ ایران‌اطلاع‌داد که‌تعلیمات‌لازم برای‌شروع‌مذاکرات‌بفرمانده کل قوای‌روس درقفقاز داده‌شده وراجع به استرداد اسرای جنگی ایران اعلام میداشت که دولت روسیه‌خود را باقدام متقابل ملزم نمیداند.

شکست مأموریت نمایندگان ایران نشان میداد که دولت‌روسیه مشغول تهیه قوای تازه‌است ودرپایان زمستان عملیات‌جنگی‌را مجدداً آغاز خواهد کرد

۳ ـ آغاز مجدد عملیات جنگی

دولت سن‌پطرزبرگ کندی عملیات نظامی را بفرمانده کل قفقاز ایراد میگرفت بهمین مناسبت درماه رمضان ۱۲۴۲ (اوریل ۱۸۲۷) ژنرال یرملوف وعدهٔ زیادی از افسران تحت فرماندهی وی بسن‌پطرزبرگ احضار گردیدند وفرماندهی کل قوای قفقاز بعهدهٔ ژنرال پاسکویچ(۱) محول شد.

دولت روسیه قوای امدادی معتنابهی بگرجستان فرستادوآذوقه ومهمات از بنادربحرخزر ودریای سیاه بداخلهٔ قفقاز ارسال گردید. این اقدامات دولت روسیه وتهیهٔ تدارکات آغازعملیات جنگی‌را پیش‌بینی میکرد.

ژنرال دبیچ دراوایل‌ماه شوال ۱۲۴۲ قلعهٔ سردار آباد ایروان‌رامحاصره کرد.

ژنرال بنکندورف(۲) که‌درایران باسم منخروف معروفست باهفت هزارپیاده وسه‌هزارسوار و۱۸عراده توپ درناحیه باش‌آپاران ازسرحد گذشته بی‌آنکه‌قراولان ایران‌ازاین‌اقدام اطلاع حاصل کنند بسمت‌اوچ‌کلیسا(اچمیادزن) پیشروی کرد ودر اوایل‌ماه شوال‌این‌شهررا اشغال کردوبتهیه استحکامات پرداخت.

پس‌ازآنکه‌بیمارستان وآذوقه ومهمات افراد خودرا درصومعه اوچ‌کلیسادور ازدستبردلشگریان‌ایران قرارداد درتاریخ ۸ شوال ۱۲۴۲(۵مه ۱۸۲۷) بسمت‌ایروان پیشرفت- پس‌ازسه روز زدوخورد مختصری دشت‌ایروان بتصرف قوای روس درآمد (۱۱شوال) ومقدمات سقوط شهروقلعه ایروان فراهم‌شد.

حسینخان سردار بایکدسته سواربراردوگاههای روس حمله بردوسعی داشت رابطه لشگریان روس‌را قطع کندومانع رسیدن مهمات وقوای امدادی‌بسمت‌ایروان گردد. روسهاسواران حسینخان سرداررا مورد حمله قرار دادند واو ناچار بساحل

1 – Paskewitch
2 – Benkendorff

راست رودخانهٔ ارس عقب‌نشینی کرد . درتاریخ ۲۴ شوال ۱۲۴۲ (۲۶مه۱۸۲۷) قوای قره باغ تحت فرماندهی ژنرال مدداوف تصمیم گرفت ازپل خداآفرین که نصف آن خراب شده بود ازرود ارس عبور کند .

بدین‌منظورروسها اقدام‌بتعمیرومرمت پل کردند ولی درنتیجه عملیات‌توپخانه ایران که این‌نقطه‌را زیر آتش قرارداد مجبورشدند ازتصمیم خود چشم بپوشند.

دراوایل ذیحجهٔ۱۲۴۲(ژوئن۱۸۲۷) یکدسته‌ازسربازان‌روسی مأمورمحاصرهٔ قلعه ایروان برای حمله بدستجات‌حسینخان‌سردار از رودارس گذشتندحسینخان که ازاین اقدام روسها بموقع باخبرشده‌بود خودرا بدامنه کوههای‌آرارات‌رسانیدوموقع دفاعی‌محکمی‌انتخاب کردبهمین سبب‌وقتی‌روسها بلشگریان‌وی‌حمله کردندشکست خوردندومجدداً بسمت ایروان عقب نشستند .

فتحعلیشاه چون ازعبورلشگریان روس ازرود ارس اطلاع یافت برای نزدیك شدن بصحنه‌جنك‌بطرف سلطانیه‌حرکت کردوبرای تقویت قوای ایران‌درجبهه‌جنك بهمه سپاهیان دستورداده‌شد که درچمن سلطانیه متمرکز شوند. ولی قحطی عمومی که‌درنتیجه خشکسالی وخرابی محصول بخصوص درنواحی تبریز وتهران حکمفرما بود تهیه‌آذوقهٔ افراد و علوفهٔ دواب را فوق‌العاده مشکل کرده بود و بهمین مناسبت تمرکزقوی درچمن سلطانیه‌بتأخیرافتاد . فتحعلیشاه دراوایل ذیحجه (ژوئن ۱۸۲۷) بدشت‌اوجان‌پنجاه کیلومتری تبریز آمدوسپس بسمت خوی‌حرکت کرد .

دراین مدت عباس میرزا لشگری ازافراد زبده فراهم‌آورده وستاد خودرا در ناحیهٔ چورس واقع میان خوی وعباس‌آباد دایر کرده بود .

فتحعلیشاه‌ازاوجان حرکت کرد ولی هنوزوارد خوی نشده‌بود که‌خبر رسید ژنرال پاسکویچ در رأس لشگریان روس بسمت قلعهٔ ایروان درحرکت است .ژنرال پاسکویچ پس‌ازورود بدشت ایروان دستورداد قلعه وشهررا بسختی‌بمباران کنندولی چون‌این‌اقدام نیز بنتیجه‌نرسید در۱۱ذیحجه فرمانداد ازمحاصرهٔ‌ایروان‌دست‌بردارند پس از آن بهمراهی قوای ژنرال نیکندوزف بسمت‌عباس‌آباد قلعهٔ‌مستحکم نخجوان

متوجه شد. احسان‌خان پسر حاکم سابق نخجوان که مأمور حفظ قلعه بود ژنرال پاسکویچ رابااین اقدام‌دعوت کرده بود. هنگامیکه عباس میرزا متوجه شد که‌خطر بزرگی قلعهٔ عباس آباد راتهدید میکند بسمت خوی مقرفتحعلیشاه حرکت کرد. در آنجا جلسهٔ مشورتی باحضور ولیعهد ایران تشکیل یافت وتصمیم گرفته شد تمام قوا درناحیهٔ چورس مرکزفرماندهی عباس میرزامتمرکزشوند واز آنجا برای‌نجات‌قلعهٔ عباس آباد حرکت کنند. درنتیجه وقتی‌شاهزاده علینقی میرزا پسرفتحعلیشاه حاکم قزوین بادوازده هزار نفر وارد خوی شد بلافاصله بسمت چورس حرکت کرد. آصف‌الدوله نیزبا سواران‌خود دنبال شاهزاده علینقی‌میرزا بمحل‌تمرکزقوی‌رهسپار گردید. قوای حسینخان‌سردارهم که مأمور مراقبت لشگریان‌روس درایروان‌بودند بس ازپایان یافتن محاصرهٔ ایروان ازرود ارس گذشتند و بقوای متمرکز درچورس ملحق شدند.

بااین ترتیب عدهٔ سپاهیانی که برای استخلاص قلعهٔ عباس آباد درمرکزستاد عباس میرزا تمرکزیافته بود به ۲۵ هزارنفر میرسید. این عده بااستفاده ازدره های سمت راست رودخانهٔ ارس شروع به‌پیشروی کردند. وقتی ژنرال پاسکوویچ ازنقشهٔ عباس میرزا اطلاع حاصل کرد دستورداد یکدسته سواربا توپخانهٔ سبك وپنج هنك پیاده نظام روس با کمك‌آتش توپخانه بوسیلهٔ پلهای متحرك ازرود ارس عبور کنند. عباس میرزا که درقلب سپاه ایران قرارداشت دریك‌تپهٔ نسبتاً مرتفعی باعدهٔ‌قلیل‌پیاده وسوار موضع گرفته بود. جناح راست لشگریان ایران بوسیلهٔ سواران آصف‌الدوله که دردره‌ای مستقرشده بود حمایت میشد ودستجات حسینخان سردارجناح چپ‌را حفظ میکردند.

روسها باتأنی پیشرفت میکردند ـ توپخانهٔ عباس میرزا شروع بفعالیت کرد ـ نفرات حسینخان سردارنه تنها مواضع خود را حفظ کردند بلکه چندین بارحمله کردند وروسها رامجبور بعقب نشینی ساختند. دراین نبرد خونین مادامیکه روسها باسواران آصف الدوله که درجای تنك و دره‌ای موضع گرفته بودند تماس حاصل

نکرده بودند ازشدت گرما وعطش درزحمت بودند ووضع جنك روشن نبود .

همینکه روسها باقوای آصف‌الدوله تماس گرفتند و سواران وی‌را درتنگنای دره زیر آتش توپخانه قراردادند سواران ایرانی که وسعت کافی برای انجام عملیات نظامی نداشتند ازشدت آتش توپخانهٔ دشمن متوحش شدند ودر کمال هرج ومرج و بدون نظم درتمام جهات فرار کردند. چون قدرت‌جنگی سواران آصف الدوله‌درهم شکست وازمیدان جنك خارج شدند وضع‌جبهه تغییر کرد . وحتی‌عقب نشینی‌عباس میرزا بسمت چورس فوق‌العاده دشوارشد .

نتایج این شکست‌برای ایرانیان فوق‌العاده وخیم وسنگین بود . درنتیجهٔاین پیش‌آمد دژمستحکم عباس‌آباد سقوط کرد ودرتاریخ ۲۷ذیحجه (۲۲ژوئیه۱۸۲۷) بدست احسان‌خان تسلیم ژنرال پاسکویچ گردید . شیخعلی خان برادر احسان خان فرمانده ساخلواردوبادنیزپس ازاستماع این خبربتقلید برادرخود شهروقلعهٔ اردوباد را تسلیم دشمنان ایران کرد .

فصل سوم

مرحلهٔ سوم جنگ ایران وروس

سقوط ایروان و تبریز و آغاز مذاکرات صلح

باوجود فتوحاتی که نصیب لشگریان روس شده بود فرمانده کل قوی قفقاز از موقع استفاده نکرده وموفقیتهای خودرا جداً تعقیب ننمود. اگر روسها به پیشروی خود ادامه میدادندبسهولت میتوانستندبدون برخورد باشکال، خوی اردوگاه سلطنتی رااشغال کنند. سقوط خوی ممکن بودهرج ومرج وبی‌نظمی عمومی درارتش ایران ایجاد و بالنتیجه انعقاد پیمان صلح را تسریع کند. بر عکس ژنرال پاسکویچ قلعهٔ عباس آبادرااشغال کردوساخلوی برای حفاظت آنجا گماشت و برای اینکه لشکریانش مدتی استراحت کنند بسمت سرحد عقب نشست.

شاهزاده عباس میرزا که مایل بود جنگ خاتمه یابد میرزا صالح[۱] نمایندهٔ مورد اطمینان خود را برای شروع مذاکرات نزد پاسکویچ فرستاد. میرزا صالح همچنین حامل نامه‌ای ازطرف سرجون ماکدونالد به ژنرال پاسکویچ بود.

ازمذاکرات نمایندهٔ ایران وفرمانده کل قوای روس نتیجه‌ای حاصل نشدولی

۱ـ میرزا صالح ازجوانانی بودکه ازطرف عباس میرزا برای تحصیل بانگلستان فرستاده شده بود کلنل دارسی D,Arcy افسر توپخانهٔ سلطنتی و وابستهٔ نظامی سفارت انگلستان درایران موقع مراجعت بانگلستان درسال ۱۸۱۵ بنابخواهش عباس میرزا و برخلاف میل سرگوراوزلی وزیرمختار انگلستان پنج نفراز جوانان ایرانی را درمعیت کلنل دارسی برای تربیت وادامهٔ تحصیلات بانگلستان فرستاد ـ این محصلین پس‌از پنج سال اقامت درانگلستان بدون آنکه نتیجه‌ای ازمسافرت خودگرفته باشند ودر رشته‌ای تحصیل کرده باشند درسال۱۸۱۹ بایران مراجعت کردند.

برائراقدام میرزا صالح ژنرال پاسکویچ ، گریبایدوف[1] را بـرای ادامهٔ مذاکرات بایران فرستاد. نمایندهٔاعزامیدولت روسیهبرای انعقادپیمان صلح شرایطپنجگانهای راکه درتاریخ شعبان۱۲۴۲ (مارس ۱۸۲۷) ازطرف ژنرال دبیچ به میرزا محمد علی پیشنهاد شده بود پایهٔ مذاکرات قرارداده و اظهار داشت که دولت ایران تمام نواحی اشغالی درشمال رودارس رابدولت روسیه واگذار کندوهفتصد هزارتومان بابتغرامت جنگی بپردازد . عباس میرزا که نمیتوانست شرایط پیشنهادی دولت روسیهرااساس پیمان صلح قراردهد ازادامهٔ مذاکرات خودداری کرد و نمایندهٔ ژنرال پاسکویـچ بدون اخذ نتیجه مجبوربمراجعت شد .

عباس میرزا ادامهٔ عملیات جنگی را درطول‌جبهه‌ای که ازقره بـاغ تا طالش امتداد داشت بعهدهٔ فرماندهان مسئول واگذارنمود و بهمراهی سردار حسینخان در محرم۱۲۴۳ (ژوئیه۱۸۲۸) برای سرکشی باوضاع ایروان ازچورس حرکت کرد . درایروان پس ازرسیدگی بوسائل دفاعی شهروقلعه ، ولیعهدوسردار حسینخان برای محاصرهٔ شهراوچ کلیسا (اچمیادزن) عزیمت نمودند . در ضمن محاصرهٔ شهراطلاع رسید کهفرماندهیروس ازساخلوقوایعابران تقاضای کمك کردهاست . برایممانعت از رسیدن قوای امدادی دشمن ، عباس میرزا چهار هزار نفر ازافـراد خودرا مأمور محاصرهٔ شهراوچ کلیسا کرد وباعده‌ای بمقابلهٔ لشگریان روسی که ازعابرانحرکت کرده بودند شتافت ودر ناحیهٔ اشترك درده کیلومتری اوچ کلیسا بالشگریانژنرال کراکوفسکی[2] مواجه شد .

پنجهزارنفر پیاده وپنجهزار نفرسوار و۱۸ عراده توپ همراه عباس میرزا بود عده ونفرات ژنرال روسی عبارت بود ازچهارهزار نفرپیاده ودو هزار نفرسـوار و۲۰ عراده توپ . دستجات حسینخان سردارنبرد را آغاز کردند وآتشبار توپخانهٔ ایران کدبوسیلهٔافسرانانگلیسیاداره میشدمؤثرواقعشدوروسهارامجبوربعقبنشینی کرد. توپخانهٔ ایران سپاهیان روسی رادرحین عقب نشینی زیرآتش خودقرارداد و

1- Gribaydoff
2- Krakofsky

قوای عباس میرزا بکمك توپخانه، لشگریان روسی را تعقیب کردند ودرصفر ۱۲۴۲ (اوت ۱۸۲۷) شکست سختی بسپاهیان با انضباط روسی وارد آوردند تلفات دشمن در نبرد اشترك به ۱۲۰۰ نفر رسید . درتعقیب این پیشرفت لشگریان ایران درخنز یرك در حوالی نخجوان درجریان نبرد خونینی قوای ژنرال اریستوف[1] رانیز درهم شکستند

برای اینکه عباس میرزا بتواند فتوحات خودرا تعقیب کند احتیاج به کمك فتحعیشاه داشت زیرا ولیعهد به تنهائی قادر نبود سنگینی تمام هزینهٔ جنگ رابدوش بگیرد. عباس میرزا بطور دقیق وروشن وضع جبهه‌های جنك رابه فتحعلیشاه گزارش داد واز وی تقاضای کمك کرد ، ولی اصرارودرخواستهای مکرر ولیعهد دربرابر خست ولئامت پدرش که نمیخواست بخزائن خود دست بزند مؤثر واقـع نشد وفتحعلیشاه ازابراز مساعدتی که ممکن بود وظیفهٔ پسرش راتسهیل کند رسماً خودداری کرد وبااین عمل فعالیتهای خستگی ناپذیرعباس میرزا رامانند همیشه عقیم گذاشت وبرای اینکه از صحنهٔ عملیات جنگی دورباشد فتحعلیشاه درجریان ماه صفر ۱۲۴۲ قرارگاه خودرا ترك گفت ودرتاریخ ۱۲ ربیع‌الاول (۱۳ اکتبر ۱۸۲۷) بتهران باز گشت .

باقطع کمك مالی ازطرف فتحعلیشاه عایدات عباس میرزامنحصر بوصول مالیاتهای ایالت آذربایجان شد. بادرنظر گرفتن اینکه قسمت اعظم این ایالات درجنك اول ایران وروس ویران شده و نواحی معمور آن بدست روسها افتاده بود وضع خزانهٔ ولیعهد فوق‌العاده بدبود . چنانکه درنتیجهٔ این پیش آمد ، عباس میرزا مجبورشدقسمت عمدهٔ لشگریان تحت فرماندهی خودرا مرخص کند . اجرای این تصمیم ساخلوشهرتبریز راضعیف کرد وپایتخت ایالات مهم آذربایجان بلادفاع ماند .

فرمانده ساخلو قلعهٔ سردار آباد نیزدر نتیجهٔ تقلیل تعداد سربازان ناچار شد سردارآباد راتخلیه کندودرتاریخ ۹ ربیع‌الاول ۱۲۴۳ دژمحکم ایروان بدون مقاومت بتصرف روسها درآمد. پس ازسقوط سردارآباد وعباس آباد ورسیدن پنجهزارنفرسرباز تازه نفس وتعداد زیادی توپ ، ژنرال پاسکویچ یکبار دیگرشهرایروان راکه بکلی مجزی شده بودتحت محاصره درآورد . ایروان تنها نقطه‌ای بود که بااشغال آن تمام

1- Aristoff

ایالات واقع درشمال رودارس بتصرف روسها در میآمد .

مدافعین شهر ایروان که از آغاز جنك دوم ایران وروس دربرابر حملات دشمن مقاومت کرده بودند پس ازمحاصرهٔ مجدد وفعالیت شدید آتش توپخانهٔ دشمن بسیار خسته وفرسوده بودند. رفتارناپسند تهران وبیعلاقگی فتحعلیشاه اهالی غیورایروان رانا امید کرده بود . پس از ۸ روزنبرد های خونین ، شهری که اینهمه دربرابر تمام فعالیتهای ارتش روس پافشاری کرده وشاهد اینهمه فتح وپیروزی بود در تاریخ ۱٤ ربیع‌الاول ۱۲٤۳ (۱۵ اکتبر ۱۸۲۷) تسلیم دشمن گردید .

موازنهٔ عملیات جنگی درسال ۱۲٤۳ (۱۸۲۷) بضرر وشکست قوای دولت ایران بود . این شکست بیشترمدیون ضعف و سستی وبیعلاقه گی فتحعلیشاه بود و قریحهٔ نظامی فرماندهان ارتش روس دراین موفقیتها تأثیرزیادی نداشت ودرحقیقت میتوان گفت بدون خیانت فرماندهان ساخلوهای نقاط مختلف وفعالیت جاسوسان ارمنی و بعضی ازصاحبمنصبان ایرانی هیچگونه تغییری دروضع جبههٔ جنك بنفع ارتش روس حاصل نمیشد . سعادت با ژنرال پاسکویچ یاری کرد وخیانتهای پی‌درپی وخودداری فتحعلیشاه ازدادن کمك شکست سپاهیان ایران وپیشرفت سربازان روسی راتسهیل نمود.

کشیش اوچ کلیسا که ازسن پطرزبرگ فرستاده شده وازطرف دولت روس حمایت میشد بوسیلهٔ جاسوسان ارمنی از اوضاع آذربایجان باخبرمیشد و اطلاعات خودرا دراختیار فرمانده کل قوای روس قرارمیداد . بدین نحوژنرال پاسکویچ از نواقص وسایل دفاعی آذربایجان اطلاع یافت . چنانکه گفته شد نظرعلیخان مرندی بعلت خیانت بدستور عباس میرزا اعدام شده بود . اهالی مرند که ازاین پیش آمد مضطرب ومتوحش بودند باژنرال آریستوف رابطه پیدا کردند و وی رابهمکاری و اشغال شهرتبریز دعوت نمودند .

اللهیارخان آصف‌الدوله از۱۱٤۳ (۱۸۲۷) باینطرف حاکم شهر تبریز بود . اهالی تبریز ازاین انتخاب ناراضی بودند زیرا مردم آذربایجان که قسمت مهم هزینه وصدمات جنگ اول ایران وروس راتحمل کرده بودند احتیاج بحاکمی داشتند که بتواند اوضاع مالی رابهبود بخشد وازفقر وپریشانی اهالی جلوگیری کند. برعکس

نتظارسکنهٔ آذربایجان آصف‌الدوله بدرفتاری کرد ومردم راتحت فشارقرار داد واز هرگونه اجحافی درحق آنان خودداری ننمود . وقتی ژنرال آریستوف بسمت تبریز حرکت کرد آصف‌الدوله مصمم شد درمقابل سپاهیان روس مقاومت کند ووسایل دفاع شهررا آماده سازد . ولی اهالی که ازرفتار حاکم تبریز فوق‌العاده ناراضی وخشمگین بودند حاضر بهمکاری باوی نشدند . بطوریکه وقتی سربازان روسی بدو کیلومتری تبریز به آجی‌چای رسیدند آصف‌الدوله نتوانست اقدام مؤثری برای جلوگیری از پیشرفت ایشان بکند . میرفتاح خائن وماجراجو مردم تبریزرا تحریك کرد که در برابر روسها مقاومت نکنندوباین عمل نیزاکتفانکرده همراه‌عده‌ای ازاهالی شهرنزد ژنرال روسی رفت وسربازان روسی را بورود شهر دعوت کرد . بااین ترتیب ژنرال آریستوف درتاریخ سوم ربیع‌الثانی ۱۲۴۳ (۲٤ اکتبر ۱۸۲۷) بدون برخورد بکمترین مقاومتی شهرتبریزرا اشغال کرد .

عباس میرزاپس ازاینکه‌ازتصمیم ژنرال آریستوف اطلاع یافت بتمرکزقواپرداخت وازخوی بسمت تبریزحرکت نمود . وچون خبرخیانت میرفتاح وسقوط شهرتبریز بوی رسیدچنین تشخیص داد که پیشروی بسمت‌تبریزبی‌نتیجه خواهدبودلذابسلماس رفت ومقرفرماندهی خودرا درآنجا دایرساخت ومشغول جمع‌آوری قواشد .

ژنرال آریستوف پس ازورود به‌تبریزارتفاعات قلعهٔ تاریخی ارك علیشاه راکه کاملا مسلط بشهرمیباشد اشغال کرد وگزارش‌اقدامات خودرا به‌پاسکویچ فرستاد.

ساکنین شهرتبریز که فریب خورده وکورکورانه تسلیم نظریات میرفتاح ماجراجو گردیده بودند وقتی باهمیت موضوع پی‌بردند وازخطری که تمامیت‌ایران راتهدید میکرد مطلع‌شدندسربازان وافسران‌روسی را در کوچه‌های شهرموردحمله قرارداده بقتل رسانیدند ولی‌چند روزبعد ژنرال پاسکویچ بعجلهٔ هرچه تمامترجهت تقویت قوای ژنرال آریستوف به‌تبریزآمد وازاهالی دلجوئی کرد .

باسقوط شهرتبریز استقلال ایران در خطر بود و دولت روسیه تهدید میکرد که به‌پیشروی خود تاتهران ادامه خواهد داد .

نتیجهٔ آنی سقوط شهر تبریز بروز قیام وانقلاب عمومی رؤسای ایلات درسراسر کشور بود . رؤسای ایل که بنفع پسران ونواده های فتحعلیشاه قدرت ونفوذ خود را ازدست داده بودند پی فرصت مناسب میگشتند که مزایا وامتیازات سابق خودرا مجدداً بدست بیاورند .

اغلب رؤسای ایلات آذربایجان بهمین منظور با روسها همکاری کردند. قسمت اعظم ایالت آذربایجان یعنی خوی و مرند وقره باغ وتبریز ومشکین و سراب ومیانه و گرمرود وقسمتی ازمراغه وخلخال بدست روسها افتاده بود . عباس میرزا با مشاهدهٔ این وضع فتحعلیخان وسپس میرزا ابوالقاسم قائم مقام را برای مذاکرات مقدمات صلح نزد پاسکویچ فرستاد ودر نتیجه مقرر گردید ولیعهد و پاسکویچ همدیگر را برای تشکیل کنفرانس صلح درتاریخ ۹ ربیع الثانی (۹ نوامبر) درده خوارقان (آذرشهر) ملاقات کنند .

عباس میرزا بهمراهی آصف الدوله به ده خوارقان رفت وپس ازمذاکرات زیاد بالاخره فرمانده کل قوای روس اظهارداشت که دولت روسیه شهرهای ایروان ونخجوان واردوباد را مسترد نخواهدداشت ورودارس سرحد دو کشورخواهد بود بعلاوه دولت ایران باید ایالت مغان وناحیهٔ طالش را بدولت روسیه واگذار کند و۱۵ کرورتومان (حدود ۵۲۵۰۰۰۰ لیرهٔ انگلیسی) بعنوان غرامات جنگی بپردازد .

شرایط پیشنهادی فرمانده کل قوای روس بتهران اطلاع داده شد ولی فتحعلی شاه که در تحت تلقینات دولت عثمانی قرار داشت امضای معاهده را بر اساس شرایط پیشنهادی دولت روسیه رد کرد . ضمناً بدون آنکه عباس میرزا رااز اقدام خود مطلع گرداند قوائی تهیه نمود ودر جمادی الثانی ۱۲۴۳ (ژانویه ۱۸۲۸ بسمت قزوین حرکت کرد

عباس میرزا که از تصمیمات فتحعلیشاه بی خبر بود میرزا ابوالقاسم قائم مقام را از طرف خود و کلنل دالقورسکی را[1] بنمایندگی از طرف ژنرال پاسکویچ برای جلب رضایت فتحعلیشاه جهت امضای معاهدهٔ صلح بتهران فرستاد. دراین هنگام درتهران شایع بود که فتحعلیشاه ناراضی ازاقدامات وتصمیمات عباس میرزا وی را از ولایت عهد خلع

۱-Dalgoursky

وحسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه‌را بجانشینی خود انتخاب کرده‌است .

کلنل دالقورسکی‌پس ازورود بتهران فرمانده کل‌قوای روس‌راازاوضاع‌مطلع گردانیدوچون ازفتحعلیشاه جوابی نرسید کنفرانس دهخوارقان بدون اخذ نتیجه پایان پذیرفت . عباس‌میرزا به گروس مراجعت کرد. ژنرال‌پاسکویچ و آصف‌الدوله نیز بسمت تبریز رفتند. ژنرال پاسکویچ پس‌ازورود به‌تبریزبکلیهٔ فرماندهان‌دستورداد مجدداً عملیات جنگی‌را آغاز کنندودرتمام جبهه‌ها به پیشروی خودادامه‌دهندهدف نهائی سپاهیان روس تهران پایتخت ایران بود .

بفرمان ژنرال پاسکویچ لشگریان روس ازتبریزتاپای قافلانکوه پیش رفتند. قوای مأمور گیلان‌درطول کرانهٔ دریای‌خزرتاناحیهٔ طالش را متصرف‌شدند.یك‌لشگر روسی اردبیل‌رااشغال کردومقبرهٔ شیخ‌صفی و کتابخانهٔ‌مهم و گرانبهای آن‌موردنهیب وغارت سربازان روسی قرار گرفت وآثاروتألیفات قیمتی آنجا باعث ازدیاد ثروت و شهرت موزه‌های سن‌پطرزبرگ گردید .

پیشروی‌وتهدید لشگریان‌روس سرجان‌ماکدونالد نمایندهٔ بریطانیای کبیررا مضطرب کرده‌بودوی بخوبی‌متوجه‌بود که‌اینهمه فتوحات‌وموفقیتهای ارتش روس در ایران بالنتیجه امنیت مستعمرهٔ بریطانیای کبیررا درهندوستان تهدید میکند[۱]

بنابراین‌برای‌جلوگیری ازپیشرفت‌روسها نمایندهٔانگلستان‌میانجیگری خود رابه‌فتحعلیشاه پیشنهاد کردوحتی‌پرداخت دویست هزار تومان از غرامات جنگی را تعهد کرد مشروط‌براینکه مواد۳و٤ معاهدهٔایران‌وانگلیس مورخ‌سال۱۲۲۸(۱۸۱۳) لغو گردد : فتحعلیشاه باپیشنهاد نمایندهٔ دولت انگلستان موافقت کرد. این اقدام در واقع یك‌موفقیت‌سیاسی برای سرجان‌ماکدونالدبود زیراوی‌بدین‌وسیله‌خطربزرگی راکه مستعمرهٔ هندوستان را تهدید میکردمرتفع ساخته بود[۲]

---

۱ - نامهٔ‌مورخ ۱۲مارس سرجان ماکدونالد بفرمانفرمای کل هندوستان
London . P . R . O . P . FO . 60 . T. XXX

۲ـ نامهٔ‌مورخ ۱۲ مارس سرجان ماکدونالد بفرمانفرمای کل هندوستان
London : P . R . O . P . FO . 60 T . XXX

گرفتاریهای دولت روسیه در یونان و در بالکان که در آن نقاط مسیحیان از حمایت و پشتیبانی دول معظم اروپائی برخوردار بودند وظیفهٔ نمایندهٔ دولت انگلستانرا آسان میکرد بخصوص انعقاد پیمان اتحاد مثلث لندن در تاریخ ۱٦ ژوئیهٔ ۱۷۲۷ که مسیحیان بالکانرا ازقید اسارت دولت عثمانی نجات داد باعث شد کـه نمایندگان دولت روس باپیشنهادهای سر جان ما کدونالد موافقت کنند . پس از حصول توافق میان فرماندهی کل قوای روس و نمایندهٔ بریطانیای کبیر ماك نیل[1] عضو سفارت انگلستان بتهران آمد تاموافقت ورضایت فتحعلیشاه‌را برای امضای پیمان صلح جلب کند .

فتحعلیشاه بالاخره حاضر شد مبلغی‌را که بعنوان غرامات جنگی‌از طرف دولت روسیه تعیین شده بود بپردازد بشرطی که نمایندهٔ بریطانیای کبیر تضمین و تعهد نماید که ژنرال پاسکویچ شرایط قرارداد رامراعات کرده ومحترم خواهد شمرد .

سر جان ما کدونالد تقاضای فتحعلیشاه‌را قبول کرد ومقرر گردید مذاکرات مجدداً درمیانه درقریهٔ‌تر کمانچای که محل ملاقات نمایندگان مختار دو دولت تعیین شده بود آغاز گردد .

1 – Mac-Neill

فصل چهارم

۱ـ معاهدۀ ترکمانچای

وقتی سرجان ماکدونالد اطمینان داد که ژنرال پاسکویچ شرایط قرارداد پیشنهادی را محترم خواهد شمرد مالک نیل و میرزا ابوالقاسم قایم‌مقام در ماه رجب ۱۲۴۳ (اواخر ژانویهٔ ۱۸۲۸) از تهران بسمت ترکمانچای حرکت کردند. میرزا ابوالحسنخان وزیر خارجه نیز در زنجان بآنها پیوست وعباس میرزا برای شرکت در کنفرانسی که قرار بود باحضور ژنرال پاسکویچ در ترکمانچای تشکیل گردد از گروس حرکت نمود.

دراواخر رجب (اوایل فوریه) نمایندگان دودولت در قریهٔ ترکمانچای واقع درچند کیلومتری میانه جمع شدند.

دواطاق درخانهٔ مشهدی محمد برای پذیرائی ولیعهد وژنرال پاسکویچ آماده شده بودو درهمین خانهٔ محقر بود که سرنوشت کشور ایران در قرن نوزدهم تعیین گردید زیراپس ازامضای قرارداد صلح ترکمانچای درتمام معاهداتی که دولت ایران بادول بیگانه منعقد کرد مواد معاهدهٔ ترکمانچای مورد استنادقرار گرفت. پس از تهیه وتنظیم پیمان صلح بلافاصله یك معاهدهٔ تجارتی مکمل فصل دهم همان پیمان و یك صورت مجلس دایر بچگونگی تشریفات پذیرائی سفراو مأمورین دیپلماسی خارجی مکمل فصل نهم پیمان صلح بامضاءرسید. معاهدات ترکمانچای به پیمان صلح و معاهدهٔ تجارتی وصورت مجلس منضم بمعاهدات اطلاق میگردد.

پیمان صلح ترکمانچای شامل شانزده فصل است. این پیمان مانند معاهدهٔ گلستان دارای مقدمه‌ایست دایر به‌خاتمه دادن بجنك ومیل دو پادشاه به‌برقراری مجدد روابط حسنهٔ همجواری میان دودولت.

فصل اول برقراری صلح‌را میان دودولت تصریح میکند.

درفصل دوم بالغاء مواد معاهدهٔ گلستان اشاره شده است.

فصول سه‌وچهار وپنج مواد ارضی پیمان صلح ترکمانچای را تشکیل میدهد.
مطابق فصل‌سوم این معاهده «اعلیحضرت شاهنشاه‌ایران ازطرف‌خودواخلاف ووراث خود خانات ایروان‌را که درروی رودارس واقع است ونیزخانات نخجوان‌را بملکیت مطلقه بدولت روس واگذارمیکنند» بااین ترتیب دولت‌ایران شهرها ونواحی‌ایروان ونخجوان‌را که نمونهٔ اینهمه‌دلاوریها وشاهداینهمه صحنه‌های زدوخوردهای خونین بود برای همیشه ازدست داد . در فصل چهارم سرحد جدید میان دو دولت بشرح و تفصیل‌ذکرشده‌ودرفصل‌پنجم چنین قید گردیده که: «اعلیحضرت‌شاهنشاه‌ایران‌محض اثبات دوستی خالصانهٔ که نسبت باعلیحضرت امپراطور کل روسیه دارندبموجب‌همین فصل ازطرف خود وازطرف وراث واخلاف خود واضحاً وعلناً تصدیق مینمایند که ممالك وجزایریکه مابین خط تحدیدی‌فصل اخیروتیزهٔ جبال قفقازودریای‌خزراست وهمچنین اهالی بدوی وغیره این‌نواحی متعلق بدولت روسیه است».

فصل هشتم مربوطست بمقررات کشتی‌رانی دردریای خزر . مفادآن کاملاشبیه بمفاد مادهٔ ٦ معاهدهٔ گلستان میباشد: «سفاین تجارتی روس مثل سابق حق خواهند داشت که بطورآزادی دردریای خزر ودر امتداد سواحل آن سیر کرده وبکناره های آن فرود آیند و در موقع شکست و غرق در ایران معاونت و امداد خواهند یافت و سفاین تجارتی ایران هم حق خواهند داشت که بقرار سابق در بحرخزر سیر نموده و بسواحل روس بروند ودرصورت غرق وشکست‌هم بآنها کمك و امداد خواهد شد.

امادرباب کشتیهای جنگی چون‌آنهائیکه ببیرق نظامی روس‌دارندازقدیم‌الایام بالانفراد حق سیردربحرخزررا داشته‌اند حال‌هم بدین سبب‌این امتیاز منحصر بهمان کشتیها خواهدبود بطوریکه بغیراز دولت روسیه دولت دیگری حق نخواهد داشت که‌سفاین جنگی دردریای خزرداشته باشد»

بااین ترتیب دولت مغلوب تسلط کامل دولت تزار را در دریای خزر قبول میکرد و در نتیجه آخرین نشانهٔ قدرت ونفوذ دولت ایران دراین دریا بکلی از میان رفته، نواحی شمال ایران در برابر تعرضات احتمالی دولت مقتدر روسیه کاملا بی‌دفاع میماند

مطابق فصل هفتم پیمان صلح ترکمانچای موضوع جانشینی تاج وتخت ایران درشخص عباس میرزا محرز میگردد .

«چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران چنین صلاح دیدند که حضرت اشرف عباس میرزا همایون فرزند خودرا وارث و ولیعهد فرمایند لهذا اعلیحضرت امپراطور کل روسیه محض اینکه نیات دوستانهٔ خودرا مکشوف ومیلی را که درمساعدت باستحکام این نوع وراثت دارد مشهود خاطر اعلیحضرت شاهنشاه ایران نمایند متعهد میشوند که ازامروز شخص حضرت عباس میرزا را وارث وولیعهد دولت ایران شناخته وایشان را ازجلوس بتخت سلطنت سلطان حقهٔ این مملکت بدانند».

فصول ۱۲ و ۱٤ و ۱۵ مربوطست بوضع اسرای جنگی ونقل وانتقالات افراد و فراریها ومتارکهٔ جنك .

درفصل شانزدهم پایان مخاصمات میان طرفین وامضای پیمان صلح رسماً ازطرف دودولت اعلام شده .

دولت ایران باامضای این معاهده علاوه براینکه زرخیزترین وثروتمندترین نواحی خودرا ازدست میداد وبرای همیشه حق کشتی رانی را دردریای خزرازخود سلب میکرد بموجب فصل ششم متعهد میشد غرامات جنگی بدولت روسیه بپردازد: «محض تلافـی مصارف کثیره که از این جنك بین الدولتین بـرای روسیه حاصل شده است و در عوض خسارات و ضرر هائیکه بدین جهت بـاتباع روس رسیده است اعلیحضرت شاهنشاه ایران متعهد میشوند که وجه خسارتی تأدیه کرده مصارف وضررهای مزبور را جبران نمایند .

طرفین معظمین معاهدین این وجه خسارت را بده کرورتومان رایج یابیست ملیون

مناط[1] نقره تعیین کرده ومقر رمیدارند که ترتیب اقساط وتضمین تأدیهٔ آن در قرارداد مخصوص مرتب شود . اعتبار واستحکام قرارداد مزبور کانه لفظ بلفظ درهمین عهدنامه درج شده باشد».

فصل یازدهم مربوط بدعاوی اتباع طرفین است کـه بعلت وقوع جنك بعهدهٔ تعویق افتاده اعم ازاینکه این دعاوی مربوط بمطالبات اتباع طرفین ازیکدیگر ویا ازخزانهٔ دولتی باشد .

فصل دوازدهم مقرر میدارد که اموال غیر منقول اتباع طرفین بایستی درمدت سه سال بفروش رسیده ویامعاوضه گردد ولی اعلیحضرت امپراطور کل روسیه «حسینخان سردارسابق ایروان وبرادرش حسنخان و کریمخان حاکم سابق نخجوان را ازانتفاع مدلول شرط مزبور مستثنی میدارد »این کینهٔ تزار نسبت بسردار حسینخان وبرادرش حسن خان و کریمخان حاکم سابق نخجوان بعلت فداکاریها ورشادت هائی بود که این اشخاص درحق ایران کرده ومدتها لشگریان نیرومند روسی را در مقابل شهر ودژ ایروان مستأصل کرده بودند .

فصل نهم مربوط بتشریفات ومقررات نمایندگان سیاسی است که: «برای انجام مأموریت موقتی وخواه بجهت اقامت دائمی بدربار یکدیگر فرستاده میشوند بفراخور مقام خود ومطابق شأن وحیثیت طرفین ومطابق مودت واتحاد بین الدولتین ونیز برحسب عادت مملکتی مورد اعزاز واحترام شوند . علیهذا درباب تشریفاتی که بایدازطرفین ملحوظ ومنظورشود دستورالعملی مخصوص مقرر خواهدشد».

برای شرح وتفسیر وتکمیل همین فصل است که صورت مجلسی درباب تشریفات پذیرائی سفرای کبار ومأمورین سیاسی درتر کمانچای بامضاء رسید. مطابق این صورت مجلس مقرراست : «بمحض اینکه وزیران ازورود سفیر کـبیر روس بهتفلیس رسماً مطلع گردیدندبدون اتلاف وقت شخصی که رتبهٔ اومناسب شأن سفیربوده باشدمنتخب نموده تاسرحد باستقبال مشارالیه خواهد فرستاد این شخص که درمتن صورت مجلس

۱ــدر حدود سه ملیون وپانصد هزارلیرهٔ انگلیسی

مهماندار نامیده شده مسئول حفظ جان و عزت و احترام سفیر کبیر خواهد بود در هر منزل استقبالی یعنی هیئتی که مرکب ازرئیس یامعتبرترین آن محل وچندنفراز معارف است بامن تبع شایسته برای پذیرائی سفیر کبیرخواهد آمد».

درهرشهری که سفیر کبیر توقف میکند هیئت مذکور درتحت ریاست حاکم بسفیر کبیر تبریك ورود خواهد گفت واگرسفیر کبیردرشهری توقف کند که حاکم آنجا یکی ازفرزندان شاه باشد شاهزاده وزیرخودرا برای استقبال وعرض تبریك نزد سفیر کبیرخواهد فرستاد.

درمسیرسفیر کبیرقوای نظامی درحق وی احترامات نظامی معمول خواهندداشت

«وقتیکه سفیر کبیربآخرین منزل پایتخت یابه آخرین منزل اردوی همایونی رسید شخص معتبرمشارالیه را ازطرف اعلیحضرت همایونی خواهدپذیرفت».

«درنیمهٔ راه الی پایتخت یانیمهٔ راه اردوی همایونی هیئت محترمی ازطرف اعلیحضرت شاهنشاهی بریاست یکی از رجال دربار باستقبال جناب معزی الیه خواهد آمدوعساکرساخلوی شهریاعساکراردوبجناب معزی الیه پیش فنك زده و احترامات نظامی لازمه را معمول خواهند داشت ورئیس مستقبلین همایونی فی الفورسفیر کبیررا بمنزلی که برای مشارالیه مهیاشده ودرآنجا گارد دونورگذاشته شده است راهنمائی خواهد نمود. فردای ورود سفیر کبیر، وزرای اعلیحضرت همایونی و رجال سلطنتی بدیدن جناب معزی الیه خواهندآمد وپس فردای آن جناب سفیر کبیربحضورهمایونی مشرف خواهد شد»

این بودمراسم ومقرراتی که زمامداران درتر کمانچای انجام آنرابنمایندگان ملت مغلوب تحمیل کردند.

درفصل دهم پیمان صلح تر کمانچای حقوق نمایندگان سیاسی وتجارروسی تعیین شده ومواد شکایت ازکنسول ونمایندگان روس شرح داده شده ومقرراتی بمنظور حمایت تجاروضع گردیده است.

برای تکمیل همین فصل است که معاهدهٔ تجارتی درنه ماده متعاقب پیمان صلح

ترکمانچای درهمان تاریخ بامضاءرسید .

بالمضای همین‌معاهدهٔ تجارتی‌است که دولت روسیه منظورسیاسی‌خودرا کاملا تأمین کردوپایه واساس قضاوت کنسولی‌را درایران استوارساخت وبرای‌نمایندگان خود حقوق واختیارات خارج ازسرحد (برون مرزی) یارژیم قضاوت کنسولی رادر ایران دایرنمود .

در موقع مطالعهٔ نتایج پیمان صلح ترکمانچای دراین مورد مفصلا بحث خواهیم کرد .

۳ـ نتیجهٔ معاهدات ترکمانچای

مواد وشرایط معاهدات ترکمانچای درتمام جریانات تاریخی ایران در قـرن نوزدهم مؤثربود . درداخلهٔ کشور پس‌ازعقد پیمان صلح احساسات مردم براثرخفت وتوهینی که نسبت بملت ومردم ایران واردآمد برضددولت روسیه بـرانگیخته شد بطوریکه درتهران رفتار وحرکات بی‌رویهٔ گریبایدوف سفیردولت روسیه و قتل وی نزدیك بود صلح میان دودولت را مختل سازد . درولایات رؤساء طوایف و ایلات که همواره برای رهائی از نفوذ دولت مرکزی پی فرصت می گشتند ازضعف وناتوانی دولت‌مرکزی استفاده کردندوبخصوص درمشرق‌ایران انقلاباتی برپاساختند.معاهدهٔ تجارتی ترکمانچای ازیکطرف بتجارت وعواید گمرکی ایران صدمه زد وازطرف دیگریك رژیم قضاوت کنسولی را درایران برقرارساخت .



حادثهٔ قتل گریبایدوف : چند ماه پس ازامضای معاهدات ترکمانچای‌دربار سن‌پطرزبرگ گریبایدوف‌را بعنوان سفارت بایران فرستاد وبوی‌مأموریت دادسواد معاهداتی راکه بامضای تزارنیکولای اول رسیده تسلیم دولت ایران کند .

سفیردولت روسیه ازراه تبریزعازم محل مأموریت خود گردید . گریبایدوف پس ازورود به تبریزتصمیم گرفت چندروز دراین شهر توقف کندولی رفتار ناپسند وحرکات تندوخشن همراهان وی درتبریز شاهزاده عباس‌میرزارا فوق‌العاده نگران ومضطرب کرد. برای جلوگیری ازوقوع حادثهٔ ناگواری ولیعهد بوسیلهٔ مهمانـدار بسفیرروس‌اطلاع داد که اعمال ناشایست همراهان وی ممکن‌است عواقب‌وخیمی در برداشته باشد .

گریبایدوف درتاریخ ۱۲جمادی‌الثانی ۱۲۴٤ (۲۰ دسامبر ۱۸۲۸(بهمراهی

چهل نفرخدمهٔ خود شهرتبریزرا ترك کرد . همراهان سفیر روس که نظم وانضباطی نداشتند در مسیر خود در شهرها و قصبات از انجام اعمال ناپسند و بی‌رویه بهیچوجه خودداری نکردند . رفتار ارمنیها و گرجیان بخصوص فوق‌العاده زننده و ناپسند بود (۱)

گریبایدوف‌درتاریخ۵ رجب۱۲۴٤(۱٦ژانویهٔ۱۸۲۹)وارد تهران شد.درتهران بمناسبت‌ورود سفیر، استقبال‌شایانی بعمل آمد ومهمانیهای مجللی بافتخاروی داده‌شد فردای ورود خود ، سفیر کبیر سواد معاهدات امضاء شده‌را تقدیم فتحعلیشاه کرد.

بااینکه گریبایدوف درتبریز ودرعرض راه ازرفتاروحرکات ناپسند مأمورین سفارت اطلاع داشت درمدت توقف خوددرتهران اقدامی بعمل‌نیاورد که تغییری در رفتارآنان حاصل گردد . همراهان سفیربحدی بامردم پایتخت‌باخشونت‌رفتار کردند که نزدیك بود چندین‌بار نزاع و کشمکش فوق‌العاده شدید میان مردم ومأمورین سفارت رخ‌دهد . قزاقها وپیشخدمتهای سفارت درحال مستی‌دربازارها ومعابرهرنوع خفت وبی‌احترامی درحق مردم روامیداشتند .

۱ـمنشی مهماندارراجع بحرکات‌ناشایست اطرافیان گریبایدوف‌وتقاضاهای بیمورد آنان چنین مینویسد :

« ...سفیر روس برای غذای روزانهٔ خودو کسانش‌یك گاوویك گوساله وسی‌مرغ ودوبیست تخم‌مرغ‌و پنجاه کیلو برنج و۱۵ کیلو کره و۱۸ کیلو ماست و ٦ کیلو پنیر و۱۲ کیلو قند ویك کیلوو نیم ادویه ویکصدو بیست کیلو نان ودو کیلو مغز بادام و ۹ کیلو پیاز و ۹ کیلو شمع و۵ کیلوشیر ومیوه‌جات مختلف و سیصد لیتر مشروبات مختلف و هزار و هشتصد کیلو کاه برای علیق اسبها تقاضا کرده بود. ارزش تمام این اجناس‌به۶۰ تومان یا۷۵ دکای Ducats هلندی بالغ میشد.

البته این مقدار جنس خیلی بیش‌ازحدمصرف روزانه بودو اغلب آنها در دهات‌پیدا نمیشد،رستم بیك رئیس پیشخدمت‌ها بهای اجناس‌نایاب‌وموادی‌را که اضافه برمصرف غذای روزانه بود و بهای آن‌به ۱۰ تا۱۵تومان بالغ میشد نقداً دریافت میداشت.

دریکی ازدهات مسیر راه‌رستم‌بیك ازاین‌بابت پانزده تومان مطالبه کرد پیرمردی بهزاز زحمت ومشقت توانست هفت تومان تهیه کند-رستم‌بیك که‌ازاین عمل نهایت‌ناراضی وغضبناك بودضربه‌ای بسر پیرمرد وارد آورد این‌رفتار رستم بیك نزدیك بود شورش و انقلابی بر پا کند...»

گریبایدوف ازمهاجرین نواحی جدیدی که بموجب پیمان صلح‌تر کمانچای بدولت روسیه واگذارشده بود حمایت میکرد.

میرزا یعقوب ازاهالی ایراوان خزانه‌دار وناظرومباشر جواهرات حرمسرای فتحعلیشاه سی‌تاچهل هزارتومان پول دزدید وبه بهانهٔاینکه مایل‌است بایروان‌موطن اصلی خود مراجعت کند بسفارت روس پناهنده شد.

دربار ایران چندین مرتبه تسلیم میرزا یعقوب‌را ازسفارت تقاضا کرد وچون سفیر روس بدرخواست های مکرر دربار ترتیب اثر نداد فتحعلی شاه دستورداد خانهٔ میرزا یعقوب را اشغال ومهروموم کنند. گریبایدوف شبانه بکسان‌خود دستو داد تا مهر ها را شکسته و مایحتاج و اثاثیهٔ میرزا یعقوب را از خانه‌اش خارج سازند. ولی درنتیجهٔ مقاومت وجلوگیری مستحفظین، مأمورین سفارت موفق بانجام مقصود نشدند.

قضیهٔ میرزایعقوب هنوزخاتمه نیافته بودومذاکرات میان درباروسفارت‌روس جریان داشت وقتی گریبایدوف‌تقاضا کرد زنانی که ازایالات متصرفی روس درتهران اقامت دارند باید نزد سفیررفته واطمینان بدهند که برضای خود مایلند در تهران اقامت کنند.

گریبایدوف بخصوص اصرارداشت که دونفر زن ازاهالی ایروان که درخانهٔ آصف‌الدوله اقامت داشتند بوطن اصلی خود مراجعت کنند. برای اجرای دستور مأمورین سفارت روس بخانهٔآصف‌الدوله رفتند واز دونفر زن‌سؤال کردند آیامایل بترك تهران‌هستند یانه؟ زنان مورد توجه‌سفارت اظهارداشتند مایلند درتهران‌اقامت کنند. گریبایدوف که ازاین پش‌آمد ناراضی بوددستورداد بزوردونفرزن‌را بسفارت روس جلب کنند تاسفیر شخصاً ازصحت اظهارات وتمایل آنان‌اطمینان حاصل کند. این اقدام سفیرروس‌جنبش وهیجان عمومی درتهران ایجاد کرد - دولت که‌ازجریان قضیه وخشم وغضب مردم باخبربود چندین بار اقدام کرد بلکه سفیر ازاقدام خود و نگهداری زنان در سفارت منصرف گردد ولی گریبایدوف بهیچوجه وقعی باین

تقاضاها ننهاد .

درنتیجه احساسات مذهبی نیز برضد مأمورین دولت غالبی که اینهمه توهین و خفت دربارهٔ ملت مغلوب روا میداشت اضافه گردید .

علما ومجتهدین درروز دوم شعبان ۱۲۴۴ (۷ فوریهٔ ۱۸۲۹) برهبری میرزا مسیح مجتهد درمسجد اجتماع کردند واعلام داشتند که اجحافات واقدامات خلاف رویهٔ مأمورین سفارت روس مردم را بستوه آورده است . اجتماع کنندگان تصمیم گرفتند هیئتی بنمایندگی مردم نزد شاهزاده علیشاه حاکم تهران بفرستند وبوی اطلاع دهند اگر سفیر روس میرزا یعقوب ودونفرزن را تسلیم مقامات ایرانی نکند مردم مستقیماً اقدام کرده و آنانرا ازسفارت خارج خواهند کرد. حاکم تهران تقاضا های هیئت اعزامی را باطلاع سفارت روس رسانید ولی گریبایدوف حاضر نشد مطلقاً این تقاضاهارا اجابت کند . وقتی که اجتماع کنندگان درمسجد ازبی‌اعتنائی سفیر روس اطلاع یافتند سیل جمعیت خشمگین وناراضی ومتعصب به‌تهییج وتشویق میرزا مسیح بسمت سفارت روانه گشت وساختمان سفارت ازطرف مردم محاصره شدتابزور میرزا یعقوب وزنان را از آنجا خارج کنند.

فتحعلی‌شاه که ازجریان قضیه بسیار مضطرب ونگران بود علیشاه و چندنفر ازشاهزادگان را مأمور کرد بلکه با وعده ونصیحت ازشدت احساسات مردم بکاهند و آنانرا بسکوت و آرامش دعوت کنند .

ولی جمعیت بطرزبدی ازفرزندان فتحعلیشاه‌استقبال کرد فریاد زنان آنهارا مخاطب قرارداده ومیگفتند :

«بروید زنان خودرا تسلیم‌روسها کنید چنین‌رفتار، لایق‌ریشی‌است که‌پدرشما هرروزبا آب گلاب آنرا معطر میکند» .

بالاخره مردم بداخل سفارت حمله برده گریبایدوف و۳۷نفرازهمراهان‌ویرا بقتل رسانیدند .

تنها مالتسوف(۱) منشی‌اول سفارت ازاین کشتارجان بسلامت برد.

دربارفتحعلیشاه‌ازوقوع‌این حادثه‌بسیارمضطرب ونگران بودوبرای‌جلوگیری ازعواقب وخیم این‌پیش‌آمد به‌عباس میرزا دستور داده شداقدام لازم بعمل بیاورد ـ دراین هنگام عباس میرزا تصمیم گرفته بود میرزا مسعودمستوفی‌رابرای تقدیم‌نشان شیروخورشید به‌ژنرال پاسکویچ به‌تفلیس بفرستد .

میرزا مسعود در ماه شعبان ۱۲۴٤ از تبریز حرکت کرد . وی حامل دو مکتوب ازطرف عباس میرزا یکی بعنوان امپراطورودیگری بعنوان فرماندهٔ کل قوای قفقاز بود که درآن نامه ها از پیش‌آمد حادثهٔ ناگواروتأثرآور گریبایدوف معذرت خواسته بود .

مالتسوف‌بخصوص دراین مورد نهایت مساعدت راکرد وبدولت متبوع خود خاطرنشان‌ساخت که رفتاروحرکات‌ناشایست گریبایدوف واطرافیانش‌علت‌بروزاصلی این حادثهٔ ناگواربشمارمیرود .

دولت روسیه که دراین زمان بادولت عثمانی برسرقضایای بالکان‌اختلاف‌داشت برای اینکه مبادا مجدداً میان دولتین ایران وروس قطع رابطه گرددیکنوع‌سیاست سازش‌وملایمی‌نسبت بایران انتخاذ کردودرنتیجهٔ اقدامات عباس‌میرزاومسافرت‌میرزا مسعود واظهارات مالتسوف، امپراطوربوسیلهٔ سفیرجدید خودژنرال دالگوروکی(۲) که‌پس‌ازقتل گریبایدوف بایران آمدتوصیه‌نمود که‌دولت‌ایران یکنفرازشاهزادگان درجهٔ اول را برای عذرخواهی بدربار سن پطرزبرگ اعزام داردو یکنفر از مسببین اصلی قضیه‌را اعدام کند ومیرزا مسیح مجتهد محرك این پیش آمدرا تبعید نماید .

دولت ایران پیشنهاد های دولت روسیه را پذیرفت و خسرو میرزا

---

1 – Maltsoff

2 –Dalgouroki

پسرعباس میرزا بعنوان سفیرفوق‌العاده درماه ذیقعده ١٢٤٤ بسمت مسکو حرکت کرد . محمدخان امیرنظام و محمد حسینخان ایشیك آقاسی‌باشی ومیرزا باباحکیم باشی ومیرزاتقی‌خان‌فراهانی که بعدهاامیرنظام‌وامیرکبیرشد همراه شاهزاده‌خسرو میرزا بودند .

نمایندهٔ دولت ایران کـه حامل نامه های معذرت خواهی فتحعلیشاه و عباس میرزا بود بـا تجلیل و احترامات فراوان از طرف دولت روس مورد استقبال قرار گرفت. علاوه براینکه امپراطورازتعقیب قضیهٔ گریبایدوف صرف نظر کردحاضرشد حتی دو ملیون روبل از بقیهٔ چهار میلیون روبل غرامات جنگی را بدولت ایـران تخفیف دهد .

انقلابات مشرق ایران پرداخت غرامات‌ومبالغ زیادی که برخلاف میل فتحعلیشاه صرف هزینه‌های‌جنگی‌شده بود خزانه را ورشکست کرده بود . رؤسای قبائل وایلات که همواره برای مقاومت درمقابل قوای مرکزیی فرصت مناسب میگشتند ازبحران مالی وشکست قوای نظامی و گرفتاری های‌دولت‌استفاده کرده ودرمشرق ایران برضد حکومت مرکزی قیام کردند .

درسال ١٢٤٢ (١٨٢٦)هنگامیکه دولت ایران گرفتارجنك بادولت روس بود محمد قاسم‌خان دربم‌علم طغیان برافراشته‌بودولی قوائی که درتحت سرپرستی محمد ولی‌میرزا بآن صفحات اعزام گردید به‌فتنهٔ محمد قاسمخان پایان داد .

در١٢٤٤ (١٨٢٩) پس ازامضای معاهدات ترکمانچای انقلابات دامنه داری درتمام مشرق ایران برپا شد وقدرت ونفوذ دولت درنواحی یزدوکرمان و خراسان بکلی ازمیان رفت .

عباس میرزا برای فرونشاندن انقلابات مشرق ایران مأموریت یافت‌ودررمضان ١٢٤٦ (١٨٣١) ازتهران حرکت کرد . ولیعهد در ١١ شوال ١٢٤٦ (مارس ١٨٣١) یزدرا اشغال کردوپس ازاستقرار امنیت درآن ناحیه بسمت کرمان رهسپارشد ،ودر تاریخ ٢٢ شوال (٥آوریل) وارد کرمان شد . یاغیان و گردنکشان درمقابل‌اقدامات

عباس میرزا ازدر اطاعت درآمدند ودرنتیجهٔ فعالیت وپیشرفت قوای دولتی شورشیان کرمان متواری گردیدند وسلطه ونفوذ دولت درآنسامان نیزتقویت یافت.

عباس میرزا پس‌ازفراغت ازکارکرمان متوجه خراسان گردید تادرآنجا بـه انقلابات تراکمه خاتمه دهد .

قلعهٔ سلطان میدان‌واقع‌درمیان‌سبزوار ونیشابور که درآنجارضاقلیخان‌وسایل مقاومت خودرا فراهم کرده بوددرتاریخ ۵ رجب ۱۲۴۷ (۱۰ دسامبر۱۸۳۱) بآسانی اشغال شد . سپس ولیعهد بسمت مشهدپایتخت خراسان حرکت کرد و در تاریخ ۸ شعبان ۱۲۴۷ (۱۲ ژانویهٔ ۱۸۳۲) وارد مشهد گردید ودرمدت شش‌ماه‌تابستان‌وخزان سال ۱۲۴۷ـ ۱۲۴۸ قوای تحت فرمان عباس‌میرزا ، قلعهٔامیرآباد وشهرهای ترشیزو خبوشان وسرخس وتربت حیدریه‌را گرفتندونظم‌وآرامش رادرتمام صفحات خراسان برقرارساختند .

درسال ۱۲۴۸(۱۸۳۳) اقدامات وعملیات نظامی درمشرق‌ایران‌خاتمه‌پذیرفت وعباس میرزا درمدت دوسال درسایهٔ فعالیت خستگی ناپذیرموفق‌شدتمام شورشیانرا مطیع و منکوب کـرده نواحی مشرق ایرانرا از وجود یاغیان و گـردنکشان پاك سـازد .

قضیهٔ هرات و افغانستان

بجریانات‌داخلی واغتشاشات مشرق‌ایران موضوع‌افغانستان نیزاضافه شد. دولت ایران که شهرهرات‌را مرکزوپایتخت واقعی ناحیهٔ خراسان میدانست نمیتوانست نسبت باین شهر بیعلاقه‌باشد . درآغازقرن نوزدهم بعقیدهٔ زمامداران دولت انگلیس اشغال افغانستان ازطرف دولت ایران ازنظر امنیت امپراطوری هندوستان اقدام بس مفیدی بـود و چنانکه دیدیم فتحعلیشاه باتشویق‌وپشتیبانی‌فرستادگان فرمانفرمای کل‌هندوستان دوبار بسمت افغانستان لشگر کشید. ولی بعد ازسال ۱۲۲۸(۱۸۱۳) وبخصوص‌پس‌از انعقاد معاهدات ترکمانچای در۱۲۴۳ (۱۸۲۸) کـه نفوذ دولت روسیه در ایـران فوق‌العاده تقویت یافت بنظرزمامداران‌انگلستان وعمال‌آندولت‌درهندوستان،تصرف

و اشغال افغانستان از طرف دولت ایران برای مستعمرهٔ بریطانیای کبیر عمل بس خطرناکی بود. باید تصدیق کرد که دولت تزار بخوبی متوجه این نکته بود که دولتی که درمشرق ایران نفوذ پیدا کند بسهولت خواهد توانست سلسله جبال هندوکش را دور زده وبجنوب قندهار و یا جنوب کشمیر دست رسی یابد. بنابراین کشور ایران بنظر زمامداران دولت روسیه وانگلستان بمنزلهٔ کلید هندوستان بود. بهمین مناسبت است که دولت بریطانیای کبیر وفرمانفرمای کل هندوستان پس از امضای معاهدات گلستان وترکمانچای میان دولتین ایران وروس چنین تشخیص دادند بهر قیمتی که باشد افغانستان را ازحیطهٔ نفوذ روس وایران دورنگه دارند.

از ۱۲۲۸ تا ۱۲۷۳ (۱۸۱۳-۱۸۵۷) زمامداران ایران که ازطرف سن پطرزبرگ حمایت وپشتیبانی میشدند توجه خودرا بسمت هرات معطوف ساختند. عمال دولت روس مناسب وصلاح میدانستند که ازمیل طبیعی زمامداران دولت ایران پشتیبانی کنند تا بتوانند درازاء ایالاتی که درشمالغرب ازدست داده بود متصرفاتی در مشرق ایران بدست بیاورد وحیثیت ازدست رفتهٔ خودرا جبران کند. بااین ترتیب دولت روسیهٔ غالب سیاست عاقلانه‌ای درحق دولت مغلوب تعقیب مینمود و بانشویق دولت ایران به‌پیشروی درسمت افغانستان نقش مطمئنی بازی میکرد.

زمامداران دولت روس متوجه بودند اگر دولت ایران موفق باشغال شهرهرات گردد بلافاصله بتصرف شهرهای کابل وقندهار خواهد پرداخت دراینصورت اگر دولت انگلستان دربرابر اقدام دولت ایران سیاست بیطرفی پیش گیرد امنیت هندوستان بخطر خواهد افتاد وبطورقطع نفوذ دولت روس در سرحدات هندوستان زیاد خواهد شد، بالعکس هرگاه دولت انگلستان که همواره باسترداد ایالات ازدست رفتهٔ ایران اظهار تمایل کرده، دفاع هرات ووسائل استقلال افغانستان را فراهم کند احساسات ملی ایرانیان را برضد خود جلب خواهد کرد. بنابراین پس ازآنکه عباس میرزا خطهٔ خراسان را امن کرد بکامران میرزا حاکم هرات دستورداد بدولت ایران مالیات بپردازد. دربرابر پاسخ نامساعدی که ازطرف کامران میرزا رسید ولیعهد به‌پسرخود محمد میرزا مأموریت

داد بهرات رفته وآنشهررا محاصره نماید .

لشگریان محمدمیرزا دربرابرشهرهرات بودند که خبررسید عباس‌میرزابراثر ناخوشی کبد درتاریخ ۱۰ جمادی‌الثانی ۱۲۴۹ (۱۵اکتبر۱۸۳۳) درسن ۴۸سالگی پس ازسی‌سال خدمت بایران درخراسان درگذشت .

فتحعلیشاه در سال ۱۲۰۳ یعنی در سن ۱۸ سالگی دارای چهار پسر شد که بترتیب عبارتند از: محمدعلی میرزا دولتشاه ، محمدقلی میرزا ملك‌آرا ، محمدولی میرزا ، عباس میرزا .

عباس‌میرزا با بزرگترین برادرخود بیش از ۸ ماه اختلاف سن نداشت ولی چون ازبطن دختر فتحعلیخان قاجار دولوبود بنابروصیت آغا محمد خان بولیعهدی برگزیده شد .

ازنتیجهٔ مشاهدات‌وقضاوتهای‌نمایندگان‌خارجی‌ومستشاران نظامی ومسافرین بیگانه چنین استنباط میشود که عباس میرزا یکی ازشاهزادگان لایق وشایان‌توجه وباشخصیت‌خانوادهٔ قاجاربود. فریکان [1] مستشار در بارسن پطرزبرگ که‌درتاریخ ۲۰ جمادی الاول ۱۲۲۷ (مه ۱۸۱۲) بعنوان نمایندهٔ دولت روسیه برای مذاکرات صلح به‌تبریزآمد راجع به‌عباس میرزا چنین اظهارنظرمیکند : «این شاهزاده قیافه نجیب ومردانه‌ای داشت . توانا وبااراده وآتشین ومتین وفرزانه وباحزم واحتیاط که درکمترشخصی یافت میشود ، ازمزایای اخلاقی بود که دروجود عباس میرزا جمع بود . دارای احساسات نجیب وافکاربلند ، حریص یاد گرفتن تمام عواملی بود که باعث سیرسریع ترقیات دراروپا شده‌بود . نهایت سادگی را دررفتار وحرکات خود رعایت میکرد. بی‌باك وباتقوی، عباس میرزا نجیب‌ترین شخصیت خانوادهٔ قاجاربود» بااینکه روزگار اوبیشتربجنك ولشگرکشی گذشت ازهنر وادب نیز بی‌بهره نبود خط نستعلیق را زیبا می‌نوشت ونظم ونثررا نیك میدانست .

پس‌ازمرك ولیعهد محمدمیرزا ازمحاصرهٔ شهرهرات منصرف گردیدوبتهران

1– freygang

احضارشد وبسمت ولیعهدوجانشین فتحعلیشاه تعیین گشت .

فتحعلیشاه یکسال پس ازمرك فرزند خوددر ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۲۵۰ (۲۳ اکتبر۱۸۳٤) در۶۸ سالگی در گذشت وشصت پسرو۴۸ دخترو۱۵۸ زن ازخودباقی گذاشت در دوران سلطنت این پادشاه شهوت پرست و متکبر و خسیس وخودخواه بدبختی های فراوان برای کشور ایران روی داد . فریکان راجع بصفات فتحعلیشاه چنین‌میگوید: «ضعیف وبی‌اراده وسست وبیحال بود. دائماً درعیش وطرب‌غوطه‌ور بود. ازکارو فعالیت بیزار وتنفرداشت. دردوران سلطنت‌طولانی۳۷ سالهٔ وی‌مهمترین وحاصلخیزترین ایالات ایران ازدست رفت .

فتحعلیشاه بحدی در ادارهٔ کشور ناشایستگی بخرج داد که نژاد قاجار مورد انزجاروتنفرعمومی قرار گرفت. نالایق در ادارهٔمملکت ، فاقد ذوق‌نظامی، خوشحال بود که شعرمیگویدوبتاریخ وادبیات علاقه دارد.»

قضیهٔ هرات بامرك فتحعلیشاه خاتمه نیافت . سیمونیچ[1] نمایندهٔ دولت روس درتهران که نفوذ فوق‌العاده‌ای درشخص محمدشاه داشت بنوبهٔ خوددر۱۲۵۳ (۱۸۳۷) محمدشاه‌را بمحاصره هرات تشویق کرد ولی پادشاه قاجار ازاقدام خودطرفی نبست وبدون اخذ نتیجه ازمحاصرهٔ هرات دست کشید . بالاخره ناصرالدین شاه در ۱۲۷۲ (۱۸۵۶) هرات را اشغال کرد ولی دربرابر تهدید دولت انگلستان در جنوب ایران ناچارشد ازتصرف هرات منصرف گردد ودرتاریخ ۸ رجب ۱۲۷۳ (۱٤ مارس۱۸۵۷) معاهده‌ای‌میان دولتین ایران وانگلستان درپاریس‌بامضاء رسید که مطابق آن معاهده استقلال افغانستان برسمیت‌شناخته شد ودولت‌ایران ازتمام دعاوی خود درافغانستان صرف نظر کرد .



1- Simonich

تجارت وعواید گمرکی

امضای معاهدهٔ تجارتی ترکمانچای صدمهٔ زیادی بتجارت ایران وارد آورد وعواید گمرکی‌ایرانرا فوق‌العاده تقلیل داد. درحقیقت معاهدهٔ تجارتی ترکمانچای برای مدت‌یکقرن تمام پایه واساس روابط دولت ایران بادول بیگانه قرار گرفت . درطی این قرن دولت ایران استقلال قضائی خودرا از دست داد و دول خارجی با ما ، مانند دولت‌ضعیف و مغلوبی معامله کردند . امضای معاهدهٔ تجارتی ترکمانچای آغاز دوره‌ای‌رادر تاریخ ایران نشان میدهد که ما این دوره را دوران معاهدات تحمیلی و یکجانبه مینامیم .

دولت ایران قبل از انعقاد معاهدات گلستان وترکمانچای ازمال‌التجاره های وارده حقی دریافت نمیکرد وفقط دونوع مالیات یکی‌باسم دروازه‌بانی درموقع‌ورود اجناس بشهرها ودیگری‌باسم عوارض‌راه داری درسرراهو گذرپلها ازمال‌التجاره ها گرفته میشد . این عوارض بدون تشخیص مبدأ ومقصد مال‌التجاره ازاجناس‌وارداتی وصادراتی وترانزیتی وصول میشد ومنبع عایدی بزرگی راتشکیل میداد . مطابق این اصل عوارض سنگین فوق‌العاده ازمال‌التجاره‌هائی که بنواحی دوردست ارسال میشد دریافت میگردید . وجود این عوارض داخلی وهزینهٔ بسیار گران حمل ونقل ازعلل عمده‌ای بود که ازرقابت مال‌التجاره‌های روس‌درجنوب‌و اجناس انگلیسی در شمال‌ایران‌جلوگیری‌میکرد.

با امضای معاهدهٔ گلستان مقررات موجود ازمیان رفت و درسرحدات ایران وروس ۵٪ قیمت اجناس بعنوان عوارض گمرکی ازمال‌التجاره های وارده و صادره وصول شد. مادهٔ سوم معاهدهٔ تجارتی ترکمانچای طرز وصول ۵٪ عوارض گمرکی را چنین تأیید کرد : «ازمال‌التجاره‌ای که اتباع روس بایران وارد و ازآن مملکت خارج میکنندونیز ازامتعهٔ ایران که اتباع دولت علیه ازراه بحرخزر و یا از سرحد خشکی بین‌الدولتین‌بمملکت روسیه حمل می‌نمایند وهکذا ازمملکت روسیه و از طریق فوق‌الذکر خارج‌میکنند کمافی‌السابق حقوق‌صدی‌پنج فقط یکدفعه در موقع

ورود یا خروج دریافت شده وعلاوه بر آن هیچ حقوق گمرکی مطالبه نشود . »
این ماده که اخذ هرگونه مالیاتی را از مال‌التجارهٔ روس در داخلهٔ ایران جلوگیری کرد وضع تجارت روسیه‌را درایران ممتاز کرد وبآن مساعدت نمود و رونق بسیار بخشید .

این امتیازی که دولت ایران با عقد قرارداد مخصوصی نسبت بتجارت اتباع روس قائل شد لطمهٔ زیادی‌بموقعیت تجارتی انگلستان واردساخت ولی‌طولی نکشید که دولت انگلستان نیزهمان امتیازات را نسبت بتجارت اتباع خود در سال ۱۲۵۲ (۱۸۳۶) بافرمان محمدشاه‌بدست آورد. پس ازدولت انگلستان سایردولتهای‌خارجی ذینفع درتجارت ایران‌بتدریج امتیازاتی شبیه بامتیازات تجاری دول‌روس وانگلیس درایران‌تحصیل کردند.

بابرقراری رژیم گمرکی عایداتی که دولت ایران بابت عوارض از مال‌التجاره های وارده وصادره دریافت میکرد از میان رفت وعواید ۵٪ دریافتی از واردات و صادرات بمراتب کمتر ازعایدات عوارض داخلی بود که درسابق دریافت میشد .

دولت روسیه ازمال‌التجاره‌های ایرانی که بنواحی ماورای بحر خزر بخارا و ترکستان روس فرستاده میشد ۵٪ عوارض گمرکی دریافت ولی از مالتجاره های بمقصد روسیه اروپا ۲½٪ علاوه بر ۵٪ دریافت میکرد .

دولت روسیه برای رقابت وممانعت از دایربودن راه ترانزیت طرابوزان بتمام وسایل متشبث شد . بهمین منظور امتیازات مخصوصی بمال‌التجاره‌هائی که به‌بنادر دریای سیاه میرسیدقائل شد وراههای شوسه بداخلهٔ کشور ایجاد کرد . وحتی بعدها مال‌التجاره‌های ایران‌را که ازطریق عشق آباد یاسایرایستگاههای ماوراء خزربمقصد اروپا حمل میشد بدون عوارض گمرکی بطور ترانزیت قبول میکرد .

دولت روسیه بااتخاذاین تدابیر ، تمام تجارت ترانزیت راکه سابقاً ازطریق آسیای صغیر بعمل میآمد بطرف روسیه جلب کردودرنتیجه تمام تجارت‌شمال‌ایران ازاواسط‌قرن‌نوزدهم دراختیار وتسلط کامل دولت روسیه درآمدومقدرات‌تجارایرانی در تحت ارادهٔ زمامداران روس قرار گرفت . چنانکه اولیای دولت روسیه بعدها

اشکالات و اختلافات زیادی در تجارت ایران ایجاد کردند .




امتیازات کنسولی

گرچه‌شرایط تجارتی‌و گمرکی‌معاهدهٔ‌تجارتی‌ترکمانچای فوق‌العاده سنگین و برای اقتصادیات ایران زیانبخش بود ولی‌مضارامتیازات قضائی معاهدهٔ‌مزبوربمراتب‌بیشتربود . زیرا دولت روسیه باتحمیل این مواد ، حتی استقلال‌ایران را بخطرانداخت .

مادهٔ ۷ معاهدهٔ تجارتی حقوق برون مرزی برای دولت‌واتباع روس در ایران قائل بود . مطابق این ماده بایستی بتمام اختلافات وامورمتنازع فیه‌میان اتباع‌روس بوسیلهٔ مأمورین روس ومطابق قوانین روس قضاوت ورسیدگی شود .

اختلافات و یا محاکمه میان اتباع ایران واتباع روس بحاکم مراجعه میشد . رسیدگی‌وصدورحکم بایستی‌درحضوردراکومان سفارت یا کنسول بعمل‌آید: « تمام امورمتنازع‌فیهاومرافعاتی که‌مابین‌اتباع‌روس‌بوقوع میرسدموافق قوانین‌ورسوم‌دولت روسیه‌فقط برسیدگی وحکم‌سفارت یاقنسول‌های اعلیحضرت امپراطور روس‌رجوع خواهد شد .

وهمچنین‌است اختلافات‌ودعاوی واقعه‌مابین‌اتباع روس واتباع‌مملکت‌دیگری درصورتیکه طرفین بحکومت مشارالیهم تراضی نماید .

اختلافات‌ومرافعاتیکه مابین‌اتباع ایران وروس بظهور میرسد مراجعه‌بحاکم شده رسیدگی وحکم‌آن‌باید درحضور دراکومان‌سفارت یاقنسولگری بعمل‌آید » .

مطابق مادهٔ ۸ معاهدهٔ ترکمانچای رسیدگی به‌تخلفات جنائی و جنحه‌ای که میان اتباع روس ویامیان یکنفرتبعهٔ روسی ویکنفرازاتباع دول بیگانه درایران‌رخ میداد ازصلاحیت محاکم ایرانی خارج بود : «چون وزیرمختاروشارژدافروقنسول

حق قضاوت دربارهٔ هموطنان خود دارند لهذا درصورتیکه مابین اتباع روس قتل و جنایتی بوقوع رسد رسیدگی ومحاکمهٔ آن راجع بمشارالیهم خواهد بود.

اگر شخصی از اتباع روس با اتباع مملکت دیگری متهم بجنایتی گردید مورد هیچگونه تعرض ومزاحمت نخواهد بود مگر درصورتیکه شرکت او درجنایت مدلل و ثابت شود ودراینصورت و نیز درصورتیکه تبعهٔ روس بشخصه منسوب بمجرمیت شده باشد محاکمات مملکتی بدون حضور مأموری ازطرف سفارت یاقنسول روس نباید بمسئلهٔ جنایت رسیدگی کرده وحکم دهندواگر درمحل وقوع جنحه سفارت یاقنسولگری وجود ندارد کارگذاران آنجا مجرم را بمحلی اعزام خواهند داد که درآنجا قونسول یا مأموری از طرف روسیه برقرار شده باشد. حاکم وقاضی محل استشهاداتی را که برعلیه وله شخص مظنون است تحصیل کرده وامضاء مینماید واین دوقسم استشهاد که بدین ترتیب نوشته شده و بمحل محاکمه فرستاده میشود سند و نوشتهٔ معتبر دعوی محسوب خواهدشد مگر اینکه شخص مقصر خلاف وعدم صحت آنرا بطور واضح ثابت نماید.

پس از آنکه کماهوحقه تقصیر شخص مجرم به ثبوت رسیده وحکم صادر شد مومی الیه بوزیر مختار یاشارژدافر یاقنسول روس تسلیم خواهدشد که بروسیه فرستاده شده ودرآنجا موافق قوانین سیاست شود.»

باتحمیل این دوماده درمعاهدهٔ تجارتی ترکمانچای پایه واساس رژیم قضاوت کنسولی درایران گذاشته شد. بتدریج ملل دیگر که باایران روابط دیپلماسی داشتند بااستفاده ازوضع حاضر همان امتیازاتی را که روسها وسپس انگلیسها تحصیل کرده بودند بوسیلهٔ عقد معاهدات جداگانه بدست آوردند و درمدت قریب یکقرن روابط ایران باملل بیگانه براساس رژیم متقابلی که امتیاز بیگانگان را تأمین میکرد استوار گردید. استقرار رژیم قضاوت کنسولی در ایران بتمام دول حق دخالت در تدوین و اجرای قوانین ایران داد.

درمدت یکقرن فعالیت تجارتی ایران فلج شد. استقلال گمرکی ایران ازدست

رفت وباستقلال قضائی ایران عملا خاتمه داده‌شد بطوریکه در آغاز قرن بیستم نزدیک بود کـه ایران حتی استقلال ظاهری خودرا نیزازدست بدهد . در نتیجهٔ اقدامات و مجاهدات اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر تغییرات مهمی در روابط خارجی ایران رخ داد که کشورماراازپرتگاه خطرنجات بخشید. این تغییرات مهم لایق ملت کهنسالی بود که سوابق وتمدن درخشانی داشت ودرجریان تاریخ فعالیتهای فوق العاده‌ای ازخود بروزداده بود .

دولت ایران هفت‌سال پس‌ازجلوس اعلیحضرت‌فقید رضاشاه کبیر برژیم قضاوت کنسولی درایران خاتمه داد .

درسال ۱۹۲۰ دولتین چین وافغانستان حقوق وامتیازات کنسولی خودرادرایران لغو کردند . دولت روسیهٔ شوروی این امتیازات راباامضای معاهدهٔ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ ازبین برد بالاخره درتاریخ ۲۰ مه ۱۹۲۷ بوسیلهٔ یادداشتی که ازطرف کفیل‌وزارت امورخارجه ایران ارسال شده بدول امضاء کنندهٔ معاهدات یکجانبه که به آنان حق قضاوت کنسولی درایران میداد اعلام داشت که تمام این معاهدات لغووبلااثر بوده و پس ازانقضای یکسال ازتاریخ ارسال یادداشت هیچگونه حقی بدول خارجی درایران قائل نخواهد بود.

نتیجه

ضعف وتجزیهٔ دول اسلامی درقرن سیزدهم هجری (نوزدهم میلادی) یکی از مسائل مهم و جالب توجه سیاسی جهان میباشد. موهوم پرستی ورضا بقضا و قدر و تلقینات مضر دردنیای باعظمت اسلام که پایه واساس آن برروی فضیلت وتقوی‌وسعی وعمل نهاده شده رخنه کرده وبتدریج مسلمانان را ازجادهٔ حقیقت که‌ازارکان‌مذهب اسلام‌بشمارمیرود منحرف ساخت. تاوقتیکه اروپائیان مترقی‌توجه خودرا فقط‌باروپا معطوف ساختند دنیای اسلام صدمه‌ای ندیدوهمچنان بزرك ماند.ولی‌تماس بااروپا درقرن سیزدهم برای کشورهای اسلامی رقت‌بار وفوق‌العاده زیان‌بخش‌بود. این‌تماس علاوه بررقابتهای سیاسی ونظامی صحنه‌های رقابت جدید درپیشرفت سیاست‌انبساط ارضی درخارج ازقارهٔ اروپا بوجودآورد.

چنانکه گفتیم قرن سیزدهم دوران انحطاط ممالك اسلامی بشمارمیرود. علل اساسی این انحطاط تاحدی مربوط بمعتقداتی است که ازجبروتقدیر وتفویض الهام میگیرد. این انحطاط مواجه با جریان ترقیات فوق‌العاده وتمدن ملل مغرب زمین میگردد که در نتیجهٔ علم و عمل قدرت عظیم صنعتی آنان روز بروز افزایش می‌یابد.

زمین میان مردان‌باارادهای که علم وعمل وقدرت، آنان‌را باوج‌ترقی‌رسانیده تقسیم میگردد وغلبهٔ علم وصنعت جدید درپیشرفت سیاست انبساط ارضی اروپائیان درعالم‌اسلام شایدبیشترازسایرجاها مشهودمیباشد. دولتی مانندایران دورهٔفتحعلی‌ـ شاه که وسائل کهنه وقدیمی دراختیاردارد وازرموز وفنون جنگی بی‌بهره است در برابر حملات‌قوای مسلح اروپائی که جنگهای انقلابی‌وسپس جنگهای ناپلئون‌آنان را تعلیم داده وورزیده کرده است قادر بمقاومت نیست. «مسئلهٔ مشرق» یا تاریخ

تجزیهٔ امپراطوری عثمانی یکی ازمسائل مهم سیاسی‌قرن‌سیزدهم هجری است . در این‌قرن موضوع مهم سیاسی‌دیگری نیزوجود دارد که مربوط است باوضاع ایران ـ درصورتیکه درمسئلهٔمشرق تمام دول معظم‌اروپا ذینفع هستنددرموضوع‌ایران‌رقابت و اختلاف دو دولت انگلیس و روس روشن تر وشدیدتر از مسئلهٔ بالکان نمایان می‌شود .

دولت روسیهٔ تزاری درسیاست انبساط ارضی خود مواجه با سیاست تعمیم نفوذ و بسط تسلط دولت انگلستان میشود . رفته رفته دربرابر تزار که خودراحامی مسیحیان‌مینامد دولت بریطانیای کبیر قدعلم میکند وخودراپشتیبان ملل‌مسلمان میخواند .

بنوبهٔخود بناپارت که مصمم بود بدولت انگلستان درمصر تعرض کند زمینهٔ مساعدی برای اجرای این تصمیم یعنی ادامهٔ جنك برضد بریطانیای کبیر در ایران که بادولت روسیه درجنك است پیدا میکند . با سقوط ناپلئون جنك مجدداً میان دودولت متحد سابق یعنی‌روسیه وانگلستان ادامه می‌یابدورقابت میان آنان شدیدتر میشود .

باوضعی که دولت ایران‌داشت قادربجلوگیری ازحرص‌وولع‌دولت‌روسیه‌نبود. فتحعلیشاه درقصرفقط بدباریان وحرمسرا حکومت میکرد . این مردخسیس‌وعیاش وفاسدالاخلاق معنی ومفهوم دولت‌وحکومت‌را طوردیگردرك وتعبیرمیکرد. بدون ابراز کمترین علاقه بوظایف سنگین وپرمسئولیت مقام سلطنت میخواست ازتمام مزایای حکومت استفاده کند .

اطرافیان وی جزجمع کردن وحفظ ثروت منظور وهدف دیگری نداشتند . علاوه‌براین، طلای‌انگلستان نیز آنان‌را ازجادهٔ راست‌منحرف ساخته‌بکلی فاسد کرده بود . افکارورفتار عباس میرزا ولیعهد ایران جلوس سلطان بزرگی‌را برتخت‌سلطنت ایران نوید میداد . وی شاید قادربودوموفق میشد که باوجود چنین دربار فاسدی سیاستی‌را تعقیب کند که بامنافع ایران منطبق باشد متأسفانه بامرگ نابهنگام وی

کشورایران نتوانست از افکار بلند شاهزادهٔ قاجاربهره‌مند گردد .

البته وظیفهٔ سنگین بعهدهٔ عباس میرزا محول بودزیرادرآغازقرن سیزدهم‌در ایران تشکیلات‌دولتی‌بمفهوم واقعی وجود نداشت‌هیچ قوه‌ای اختیارات شاه‌راتعدیل نمیکرد مگرنفوذ چندنفررئیس ایل که دررأس طوایف چادرنشین ، شهریاایالت یا ناحیه‌ای را در تحت سلطهٔ خود قرار میدادند . شاه‌نیز گاهی این عمل‌را رسماً تأیید کرده و آنان را درمنطقهٔ نفوذ خود بحکومت منصوب میکرد ولی غالباً همینکه قدرت مرکزی ضعیف میشد این رؤسا که درکمین نشسته و در پی فرصت مناسب بودند علم طغیان بر افرانشه وتمام مساعی خودرا برای رهائی از نفوذ وقدرت شاه بکارمیبردند .

باآنکه سربازان‌ایرانی بردباروجسوروقانع ومتحمل بودند ودرارزش‌انفرادی آنان تردیدی نبود فتحعلیشاه باوضع نظامی موجود نمیتوانست بلشگریان روس فایق آید . بی‌انضباطی افراد و رؤسای آنان ، بی‌بصیرتی فرماندهان نظامی ازفنون جنگی که درایران ازقرنها باینطرف تغییری نکرده بود بسهولت علاج پذیر وقابل ترمیم‌نبود.

بالاترازتمام این معایب ، ایران‌آنزمان تشکیلات اداری‌منظمی‌نداشت‌وخزانهٔ دولت وخزانهٔ شاه باهم مخلوط بود .

فتحعلیشاه هیچگاه ندانست ونتوانست هزینه‌های ضروری را تشخیص داده و بالنتیجه سیاست‌روشنی را اتخاذ وتعقیب کند، اتخاذ وتعقیب سیاست روشن‌ومناسبی لازمهٔ این‌بود که زمامداران ایران اطلاعات وتجارب سیاسی کافی داشته باشند ولی متأسفانه رجال‌آن زمان فاقد اطلاعات سیاسی بودند وبارموز دیپلماسی و بازی های دقیق سیاستمداران مغرب زمین‌آشنائی نداشتند . ازآنجاست که بی‌تجربگی وعدم بصیرت واعتماد کورکورانهٔ‌آنان دربرابر اظهارات مأمورین دول بیگانه اغلب باعث حیرت وتعجب است .

فقدان نیروی نظامی، فقدان مردان بزرك سیاسی ، فقدان یك‌تشکیلات‌محکم

ومنظم کشوری علل اساسی شکستهای پی‌درپی دولت ایران بشمار میرود . بی‌اطلاعی زمامداران ایران از سیاست جهانی ، کشور مارا دراین دوره بازیچهٔ سیاستمداران اروپائی گردانید . یکبار ناپلئون بامیدواهی ایجاد یك اتحاد دائمی بـا دولت روسیهٔ تزاری ایرانرا فدای سیاست جهانی خود کرد . باردیگر دولت بریطانیای کبیر باابراز دوستی واغفال رجال ایران رضای خاطر متحدخود دولت روسیه‌را جلب نمود. بالاخره زمام داران انگلستان ایران‌را وسیلهٔ دفاع مستعمرهٔ پرارزش هندوستـان قراردادند و مطابق سیاست روز ، کشور ما را بر ضد افغانستان یا برضد روسیه وادار به جنك کـردند .

درنتیجهٔ این سیاست‌ها و کشمکشها ، دولت ایران مستعدترین وثروتمندترین ایالات خودرا ازدست داده ونفوذ واعتبارش صدمه دیدوازهرحیث ضعیف وناتوان شد ودرنتیجه زمینهٔ پیشرفت رقابت‌های دول بیگانه درکشور ما تاسال ۱۳۴۰ (۱۹۲۱) بآسانی فراهم گردید .

ضمائم

I ـ معاهدات

II ـ منابع و مآخذ

III ـ فهرست اسامی

الف ـ اسامی اشخاص وطوایف و معاهدات

ب ـ اسامی امکنه و بلاد

I - معاهدات منعقده بادولتین روس و انگلیس

از ۱۳۲۴ تا ۱۲۴۳

عهدنامهٔ مجمل [1]

صورت عهدنامهٔمبارکهٔ میمونه که‌بوکالت سرهرفردجانس ایلچی مختاردولت انگلیس‌دردارالخلافهٔطهران صانهاالله عن‌الحدثان سمت‌تحریریافته باجناب‌صدراعظم میرزا شفیع وحاجی محمد حسینخان نظام‌الدوله .

چون دراین اوان‌سعادت نشان‌سفیربی‌نظیرروشن ضمیرصائب تدبیرصاحب‌نشان همایون‌هوالله عثمانیه عالیجاه عمدةالاعاظم المسیحیه سرهرفردجانس برونت‌ازجانب سعادت جوانب شهریار کامکار خیروعدل گسترمکارم شعارنظم‌آرای بناظم کشورستانی صدرنشین ارایك سلطنت وتاجداری شرف افزای سپهرجلالات وبختیاری خدیو باذل عادل دارای ابـر کف دریا دل پـادشاه والاجاه فلك دستگاه ممالك فسیح المالك انگلستان وهندوستان ادام‌الله تعالی ایام سلطنةالباهره برسم سفارت با نامهٔ همایـون پادشاهی واردآستان سپهرنشان وشرف اندوزتقبیل عتبهٔ علیهٔ اعلیحضرت قدرقدرت قضا همت گردون حشمت جهاندارخدیومکرم فلك یاورخسرو اعظم بلنداخترداور انجم خدم مالك رقاب الامم غوث الاسلام والمسلمین عوذ الملة والدین قهرمان الماء والطین‌شهریارعجم‌اقتدار کشورخجسته‌ایران وتوران‌لازالت‌شارق‌اقباله مطاع کواکب الاجلال گردیده موافق وکالت نامچهٔ معتبرهٔ میمونهٔ ممهوره بمهر مهرآثـار پادشاه والاجاه معظم‌الیه‌درتشیید مبانی یکجهتی‌والفت دولتین علیتین وکیل مطلق‌ومعتمد مختاربودازطرف بهی‌الشرف شاهنشاه سپهربارگاه‌ممالك ایران نیزعالیجاهان‌جلالات ونبالت پناهان مجدت‌وحشمت‌همراهان‌مقربی‌الخاقان‌صدرالوزراء الفخام‌معتمدالدولة العلیة الباهره میرزا محمدشفیع وزیروامیرالامراء العظام امین‌الحضرت‌البهیة‌القاهره

---

[1] ــ وزارت خارجهٔ ایران عهدنامجات شاهنشاه مبرورفتحعلیشاه طاب ثراه‌ورسایل اداری دولت علیه سنه ۱۲۲۴ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی

حاجی‌محمدحسین‌خان‌مستوفی‌الممالك‌دیوان همایون ازقرارفرمان اشرف جداگانه وکالت‌مطلقه تعویض رفته که‌باعالیجاه ایلچی‌مشارالیه‌بتمهید شرایط‌مودت‌ویکجهتی و وفاق دولتین پرداخته ارکان اتحاد حضرتین را بنحویکه متضمن صلاح طرفین باشد مستحکم ومشید ساخته باشند لهذا عالیجاهان مشارالیهم بعداز انعقاد مجالس عدیده وطی مقالات ومکالمات لازمه باستصواب ورضای یکدیگربنای عهد ومیثاق و ادای شروط یگانگی ووفاق فیمابین دولتین باصول مفصلهٔ ذیل گذاشته بر اولیای هردو دولت ثابت داشتند که ازین پس هریك بنهج مسطورعمل را متروك و مهمل نگذارند .

فصل اول - چون تفصیل شروح و توضیح و تعیین مقاصد جانبین موقوف میبود بمکالمات گوناگون ومجالس متعدده عجالةالوقت این وثیقهٔ میمونه که عهد نامهٔ مجمل است مرقوم میگردد تاکاخ دوستی واتحادرا بنیادی متین‌باشد مکنونات ضمایر جانبین بنیانی مبین و قرار اینکه من بعد عهدنامهٔ مفصلی مشتمل بر جمیع مقاصدوحاکی تمامی شرایط وضوابط مرقوم وبخط ومهرو کلاء ثلاثه مختوم گردد ومداریکجهتی دولتین برآن باشد .

فصل دوم - باید که این عهد خجسته که در میان دو دولت بصدق و راستی بسته‌اند ازهر گونه تغییروتبدیل مصون وروزبروز ملزومات ومقتضیات یگانگی در میانه افزون باشد و پیوند مواحدت و موافقت بین این دوپادشاه زاده همااللّه ملکا و سلطاناً و ولیعهد و فرزندان واحفاد و امجاد ایشان ووزراء وولات وحکام ولایات و سرحدات مملکتین ابدالاباد استوار ماند .

فصل سوم - اولیای دولت علیهٔ ایران برخود لازم داشته که ازتاریخ‌این‌عهد نامه هر عهد و شرطی که باهریك از دولتهای فرنك بسته‌اند باطل سازند و لشکر فرنك‌را ازحدود متعلقهٔ بخاك ایران‌راه عبور بطرف مملکت هندوستان وسمت‌بنادر نخواهند داد

فصل چهارم - دراینصورت که لشکری‌ازطوایف فرنك بمملکت ایران آمده

باشد یادرصورتیکه بیاید پادشاه انگلستان قشون وتدارك واسباب یادرعوض وجه نقد
توپ وتفنك ومعلم وعمله بقدری که صلاح دولتین باشد بخدمت شهریار سپهراقتدار
ایران بفرستدودررفع ودفع ایشان بلشکریا پول کمال اعانت وامداد نمایند وبعد از
این قشون بامبلغ وجه و مقدار تدارکات واسباب ازقراریست که در عهدنامهٔ مفصل
مشخص ومعین خواهد شدواگراحیاناً بنای مصالحه فیمابین الطایفه فرنك کهبادولت
ایران جنك دارند بااولیای دولت انگلیس اتفاق افتد پادشاه والاجاه ممالك انگلستان
کمال سعی ودقت واهتمام نماید که فیمابین ایران و آنطایفه نیز رفع دشمنی شده
صلح واقع گرددواگرخدا نخواسته این سعی بجائی نرسد شاه انگلستان بطریقیکه
مرقوم شده درعهدنامهٔمفصل تشخیص داده خواهد شد قشون ولشکریا وجهنقدواسباب
بکومك ایران بدهند واین اعانت و کومك را مادام که جنك فیمابین ایرانوانطایفه
باشد داده تاهنگامیکه رفع جدال بشود وانطایفه با دولت ایران صلح نماید مضایقه
دردادن کومكننمایند وهر گاه افاغنه هندوستانرا بااولیای انگلیس نزاعی وجدالی
باشد اولیای دولتایران ازاینطرف لشکر تعیین کرده بقسمی که مصلحت دولتین
باشد بدولتانگلیساعانت وامداد نمایند ازقراریکهدرعهدنامه مشخص خواهد شد .

فصل پنجم ـ اگر از سواحل هندوستان قشون ولشکر وارد بحرالعجم شده
باشد قبل ازاذن ورخصت اولیای دولتایران درجزیره خارك یاجای دیگرازسواحل
عمان نزول کرده باشد بهیچوجه منالوجوه دخلی وتصرفی درآنجا نکرده از تاریخ
عهدنامهٔ میمونه قشون مذکوره درتحت اختیاراولیای دولت ایران باشداگرعالیجاه
حشمتدستگاه فرمانفرمای هندوستانقشون مزبوررابرای حراستحدود هندوستان
ضرور نداشته باشد و اولیای دولت ایران خـواهند برای ادارهٔ خود همان قشون را
نگاهدارند واگرنخواهند روانهٔ هندوستان نمایند ودرعوض قشون بطریقی که سبق
ذکریافت ودرعهدنامه مفصلمشخص خواهد شد وجه نقد برای اخراجات وتدارکات
بازیافتبنمایند .

فصل ششم ـ اگـر قشون مذكور بخواهش اولیای دولت ایران در جزیرهٔ خارك یاجای‌دیگرازسواحل عمان توقف نمایند بایدازجانب کارگذاران ایران کمال شفقت ومهربانی نسبت بایشان بعمل آید وبحکام ومباشرین بنادر فارس قدغن نمایند که هرقدر سیورسات وآذوقه برای قشون مذکور ضرور باشد بنرخ وتسعیرعادلهٔ وقت بایشان فروخته قیمت بازیافت بنمایند .

فصل هفتم ـ اگرجنك ونزاعی‌فیمابین ایران وافغان اتفاق افتد اولیای‌دولت انگلیس رادرآن‌میان‌کاری نیست وبهیچ‌طرف اعانت وامداد نخواهدکرد مگراینکه بخواهش طرفین واسط صلح گردند .

فصل هشتم ـ این عهد نامچهٔ میمونه برسم معنی بجهة محافظت مرقوم و در ضمن‌العهدشرط رفت که مادامیکه این‌عهد جاویدمشروط مقرره مفصله بین‌الدولتین برقرار است اولیای‌دولت دوران مدت ایران عهدوشرطی که مخالف دوستی‌انگلیس وباعث‌اهانت واضرارایشان درحدود هندوستان شود باهیچیك ازطوایف فرنك‌ننماید امید که‌این عهد همایون خجسته تاابدپایداروواین‌پیوند میمون بااولیای هردو دولت محاسن‌وفوایداً آثار گردد ما که‌وکلا میباشیم براستی واستحکام این عهدنامه‌میمونه دستخط ومهر گذاشته‌ایم بتاریخ دوازدهم ماه مارچ هزاروهشتصدونه عیسویه مطابق بیست وپنجم شهرمحرم‌الحرام سنه ١٢٢٤ من‌هجرةالمصطفویه .

عهد نامه مفصل

صورت عهدنامهٔمبارکهٔ میمونه که بوکالت سر کوراوزلی برونت ایلچی‌مختار انگلیس درثانی بطریق‌مشروح مفصل دردارالخلافهٔ طهران‌صانهاالله‌عن‌الحدثان‌بوکالت جناب صدر اعظم میرزا محمد شفیع وحاجی محمدخـان نظام‌الدوله فیمابین دولت علیه ایران ودولت بهیه انگلیس بسته شد .

الحمدلله الوافی‌الکافی امـا بعد این خجسته اوراق دسته گلیست که از گلزار بیخار وفاق رسته وبدست و کلای حضرتین علیتین برسم عهدنامهٔ مفصل‌برطبق‌خلود پیوسته میگردد جون قبل ازاینکه عالیجاه زبدةالسفرا سرفردجنس برونت ازجانب دولت علیه انگلیس بجهة تمهید مقدمات یکجهتی دولتین وارد دربار شهریاری شده بود عهد نامهٔ مجملی فیمابین و کلای دولت ایران اجل‌الکفات الفخام صدرالوزراء العظام شرفـاًللصدارة والوزارة والاحتشام میرزا محمد شفیع صدراعظم وامیرالامراء الکرام‌المؤتمن‌الحضرت العلیةالعالیه امین‌الدولة البهیه‌السنیه قواماً للجلالة و النباله حاجی محمد حسین خان مستوفی‌الممالك دیوان معظم بامشارالیه‌که و کیل وسفیر دولت انگلیس بود بشروط چند که تعیین وتبیین آن بعهد نامـهٔ مفصل رجوع شده مرقوم گردیده بودند حال که عالیجاه رفیع جایگاه عزت و فخامت همراه شهامت و صداقت اکتناه فطانت ودرایت آگاه دولتخواه بلااشتباه سر کوزاوزلی برونت ایلچی بزرك دولت مزبور بـرای انجام عهود و اتمام مقاصد دولتین شرفیـاب التزام درگاه خلایق پناه‌پادشاهی‌میباشد وازجانب آن‌فرخنده دولت‌و کیل‌و کفیل مهمات‌یکجهتی است و کلای این‌همایون‌حضرت قاهره بصلاح و صوابدید مشارالیه شروع در تفصیل

۱ـ وزارت خارجه ایران عهدنامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه‌ورسایل اولیای دولت علیه سنه ۱۲۲٤ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی

عهود کردن وتفصیل مقاصد از قراریست که درفصول لاحقهٔ دوازده گانه شرح داده خواهد شد
وامور متعلقه بتجارات و معاملات از قراریست که درعهدنامهٔ تجارنامه مفصل خواهد گشت .

فصل اول ـ اولیای دولت ایران برخود لازم دانستند که از تاریخ این عهدنامهٔ
فیروز هرعهد وشرطی که بهریك ازدولتهای فرنك بسته‌اند باطل وساقط سازند و
لشکرسایر طوایف فرنگستان‌را ازحدود متعلقهٔ بخاك ایران‌راه عبور بطرف هندوستان
وسمت بنادر ندهند واحدی ازاین طوایف را نگذارند که داخل مملکت ایران‌شوند
واگر طوایف مزبور خواهند که ازراه خوارزم یا تاتارستان وبخارا و سمرقند وغیره
عبور بمملکت هند نمایند شاهنشاه ایران حتی‌المقدور پادشاهان ووالیها و اعیان آن
ممالك را مانع شوند وازراه طوایف مزبور را بازدارند خواه ازراه تهدید وتخویف و
خواه ازروی وفق ومدارا .

فصل دوم ـ اگردشمنی ازطوایف فرنك بمملکت ایران آمده باشد یابیاید
واولیای دولت ایران ازدولت انگلیس خواهش اعانت وامداد نمایند فرمانفرمای هند
ازجانب دولت انگلیس هرگاه امکان وقدرت داشته باشد بقدری که خواهش اولیای
دولت ایران است عسکروسپاه ازمملکت هندوستان روانهٔ سمت ایران نمایند و اگر
بعلت بعضی گرفتاریها فرستادن سپاه امکان نداشته باشد هرساله مبلغ دویست هـزار
تومان بجهة اخراجات سپاه بسرکار دولت ایران بدهند مادام کـه جنك وجدال بـا
طوایف مزبوره در میان باشد وجوه مزبور برقرار کارسازی شود و چون وجوه نقد
مزبور برای نگاهداشتن قشون است ایلچی دولت انگلیس‌را لازم است که از رسیدن
آن بقشون مستحضر ومطلع وخاطرجمع شود و بداند که درخدمت مرجوعه صرف
می‌شود .

فصل سوم ـ اگراحیاناً طایفه فرنك‌را که با دولت ایران نزاع وجدال دارند
بادولت انگلیس مصالحی اتفاق‌افتد پادشاه انگلستان کمال سعی ودقت نماید که فیمابین
آنطایفه نیزدفع دشمنی و نزاع شده صلح واقع گردد واگراین سعی بجائی نرسد
پادشاه ذیجاه انگلستان بطریقی که مرقوم شد ازمملکت هند سپاه بکومك ایران

مأمور نمایدیا آنکه دویست‌هزارتومان مقرره را برای خرج لشکر و غیره کارسازی دولت ایران نمایند و این اعانات و امداد را مادام که جنك فیمابین دولت ایران و آنطایفه باشدورفع جدال نشودآنطایفه بااولیای دولت ایران صلح ننمایند مضایفه ننمایند وبشروط مرقومهٔ مفصله‌دراین امداد کوتاهی ننمایند و درصورتیکه صلح فیمابین آنطایفه ودولت انگلیس اتفاق‌افتد بازهروقت‌اولیای دولت علیهٔ ایران‌خواهند وجنك‌وجدال باانطایفه رفع‌نشوده‌علم‌وغیره بجهة تعلیم‌وتعلم‌سپاه‌ایران‌خواهنداولیای دولت انگلیس بشرط فراغت وی بقدرمقدور البته مضایقه ننمایند.

فصل چهارم - چون قرارداد مملکت ایران‌این است که مواجب قشون شش ماه بششماه پیش داده میشود قرارداد تنخواهی که بعوض سپاه ازدولت انگلیس داده شده چنین شد که تنخواه مزبور را ایلچی‌آندولت هرچه ممکن شود زودتروپیشتر مهمسازی نماید.

فصل پنجم - هرگاه افاغنه را با اولیای دولت انگلیس نزاع و جدالی باشد اولیای دولت ایران سپاه تعیین نموده بقسمی که‌مصلحت‌دولتین باشدبدولت انگلیس اعانت وامداد نمایند ووجه‌اخراجات‌آنرا ازاولیای دولت انگلیس بگیرندازقراریکه اولیای دولتین قطع وفصل خواهند کرد.

فصل ششم-اگرچك جنگ‌ونزاعی فیمابین‌ایران‌وافغان‌اتفاق‌افتداولیای‌دولت انگلیس‌را درآن میان‌کاری نیست وبهیچ طرف کومك وامدادی نخواهد کرد مگر اینکه بخواهش طرفین واسطه صلح گردند.

فصل هفتم - درصورتیکه درسواحل دریای قلزم چوب و اسباب مهیا شود وشاهنشاه ایران‌خواهش‌فرمایند که درحوزه‌های بحرمزبور کشتیهای جنگی‌بسازند پادشاه انگلستان اجازت بمعلم وعملهٔ کشتی سازوغیرهم ازدارالسلطه‌لندن‌وهم‌ازبندر بنبائی (بمبئی) نمایند که بخدمت شاهنشاهی ایران حاضر وبخدمت مرجوعه مأمور شوند ومواجب واخراجات‌آن باسرکارپادشاه دولت ایران بروفق قراری که‌باایلچی دولت انگلیس داده خواهد شد.

فصل هشتم - اگر از رؤسای ایران کسی بخواهد دشمنی کند و یاغی شود و فرار بولایت انگلیس نماید باید بمحض اشارت امنای دولت ایران آنکس را از ولایت مزبور بیرون کنند و اگر بیرون نرود اورا گرفته روانه ایران نمایند و درصورتیکه پیش از رسیدن آنکس بولایات مزبور اشارتی ازامنای دولت ایران درباره او بحاکم آنحدود رسد آنکس را رخصت فرود آمدن ندهند وبعد ازممانعت اگر آنکس فرود آید اورا گرفته روانهٔ ایران نمایند.

فصل نهم - اگر دربحرالعجم اولیای دولت ایران را امدادی ضرورشود اولیای دولت انگلیس بشرط امکان و فراغبال در آنوقت کشتی جنگی وقشون بدهند واخراجات آنرا موافق برآورد آنوقت قطع وفصل نموده بازیافت نمایند و کشتیهای مزبور بـر آن حوزه‌ها ولنگرگاهها عبور نمایند که امنای دولت ایران نشان بدهند و ازجای دیگر بیرخصت وضرورتی عبور نکنند.

فصل دهم - مواجب صاحبان ومعلم و عمله و غیره را امنای دولت انگلیس خواهند داد لکن چون شاهنشاه ایران نخواسته که کسی که بخدمت ایشان مشغول باشد از عنایات خسروی بی‌بهره باشد لهذا از وفـور عنایت بموجب تفصیل علی‌قدر مراتبهم مواجب در وجه هریك برقرار فرمودند لئوتنان ۳۶۰۰ تومان میجرجنرال ۲۶۰۰ اکواندجنرال ۱۵۰۰تومان صاحبان ومعلمان که اکنون دررکاب ظفرانتساب شاهنشاه جمجاه ایران حاضرومشغول خدمت میباشندهریك ازصاحبان مرتبتهـای مفصلهٔ حشو که بعدازاین حاضرشوند ازقراریکه درحشومشخص شده‌است موافق رتبه بهریك انعام داده خواهد شدوهریك ازایشان که برسایرملتزمین وحاضرین بزرگتر وحکمران باشدنصف آنچه موافق مرتبه برای او مقررشده است علاوه انعام داده خواهد شد که مرحمت شود و اگرخدا نخواسته یکی ازایشان درخدمت مرجوعه کوتاهی نماید بمجرد اظهار آن بایلچی ازخدمت رانده خواهد شد.

فصل یازدهم - چون منظور دوپادشاه آن است که اینعهد جاوید ابدالاباد بین اولاد و احفاد امجاد پایدار و برقرار بماند از هردو طرف بهی‌الشرف قـرارداد

چنین شد کــه هریك از کواکب فروزان سپهر پادشاهی که ولیعهد دولت و زینت- بخش سریرسلطنت باشد بادولت دیگر عهود یکجهتی ودوستی را پایدار نداشته این طریق راممضی ومعمول دارندوهرگاه ولیعهدیکی ازدولتین علیتین محتاج باعانت جدیدی ازدولت دیگر گردد بطریقیکه پیشرفت وصلاح دولتین ومملکتین و مقدور طرفین باشد مضایقه وکوتاهی درامدادواعانت ننمایند وامدادی که الحال ازقرارتفصیل فصول سابقه دراین عهدنامه میمونه مشخص شده است باید باولیعهد مستمر وبرقرار باشد.

فصل دوازدهم - چون ازقراریکه براولیای هردودولت واضح و از مکنون دل وضمیر یکدیگر واقف شده اند منظور این عهددوستی ازدیاد قوت هردو دولت و وسعت هردو مملکت است و هریك ازپیشنهاد خاطراین است که تقویت بیکدیگر کرده برمملکت یکدیگرافزوده باشندومطلب وخواهش امنای دولت انگلیس این است که دولت ایران روزبروز زیاده قوی ومستحکم گردد وازخارج کسی نتواند دخل درمملکت مزبور نماید وبامداد دولت انگلیس دولت مملکت ایران قوی و فسیحتر گردد اگربرسرامور داخلهٔ مملکت ایران فیمابین شاهزادگان وسردارها مناقشتی روی دهد دولت انگلیس را درآن میان کاری نیست تاشاه وقت خواهش نماید واگر احیاناً احدی ازمشارالیهم ولایتی وجائی ازخاك متعلقه مملکت ایـران را باآندولت بهیه بدهند که بازای آن کومك واعانتی نمایندهرگزاولیای دولت انگلیس باین امر اقبال نکرده پیرامون آن نخواهد گشت ودخل و تصرف در مملکت متعلقه بایران هرگزنخواهند فرمود تمت الفصول بالیمن والسعادت امید که اینعهد میمون خجسته بافواید ونتایج نیك تا ابد منعقد وپیوسته ماند این عهدنامه میمون را ما که وکلای حضرتین علیتین میبـاشیم بصداقت و راستی مشحون بفصول دوازده گانه مستحکم و منعقدداشته دستخط ومهر گذاشته ایم بتاریخ چهاردهم ماه مارچ هزاروهشتصدودوازده عیسویه مطابق بیست و نهم شهرصفرالمظفر سنه ۱۲۲۷ علی هاجرهـا السلام والتمة تحریرأفي دارالخلافه طهران صانهاالا عن الحدثان.

سواد عهد نامه دولت ایران با دولت انگلیس که در ثانی مستر الیس بسته است [1]

بتاریخ ذیحجة الحرام ۱۲۲۹

صورت عهدنامه مبارکه میمونه که عالیجاه مستر الیس و مستر موریه وکیل مختار دولت بهیه انگلیز با وکلای دولت علیه ایران و در دارالخلافه طهران صانها الله عن الحدثان دومرتبه بسته شده

الحمدلله الوافی اما بعد این خجسته اوراق دسته گلی است که از گلزار بیخار وفاق رسته و بدست اتفاق وکلای حضرتین علیتین برسم عهد نامهٔ مفصل صدق خلود پیوسته میگردد چون قبل ازین که عالیجاه زبدة السفراء سر هرفرجانس هردنه که از جانب دولت علیه انگلیس بجهة تمهید مقدمات یکجهتی دولتین علیتین وارد دربار سپهر اقتدار شهریاری شده بود عهدنامه مجملی فیمابین وکلای دولت علیه ایران اجل الکفاه الفخام صدر الوزراء العظام نظاماً للصدارة والاحتشام میرزا محمد شفیع صدراعظم و وامیر الامراء الکرام مؤتمن الحضرت العلیه العالیه امین الدوله السنیه قواماً للجلاله و النباله حاجی محمد حسین خان مستوفی الممالك دیوان معظم بامشاراله که وکیل وسفیر دولت بهیه انگلیزه مصدق وممضی آمده بعد که عالیجاه رفیعجایگاه فطانت و همراه عمدة الاکابر سر کوزاورلی برونت ایلچی بزرگ دولت مزبور برای اتمام عهود وانجام مقاصد حضرتین شرفیاب التزام درگاه خلایق پناه پادشاهی گردید و از جانب آن فرخنده دولت وکیل و کفیل مهمات یکجهتی بوده وکلای این همایون خصلت قاهره بصلاح وصوابدید مشارالیه عهدنامهٔ مفصله مشتمله بر فصول وشروط معینه

۱ـ وزارت خارجهٔ ایران عهد نامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه و رسایل اداری دولت علیه سنه ۱۲۲۴ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی

مرقوم ومشروح ساخته بعدازآنکه عهدنامهٔ مزبورمنظوردولت بهیه انگلیزه گردیده بود چند فصل ازآن‌را باتعبیرات چند بمقتضای‌مراسم یکجهتی واتحاد دولتین انسب دانسته عالیجاه رفیع جایگاه شهامت ودرایت آگاه معتمدآندولت بهیه هنری‌الیس‌را روانه و درطی نامهٔ دوستانه خواهشمند تعبیرات مزبوره گردیده بودند لهذا مجدداً جناب‌صدرالوزراء العظام نظاماً للصدارة والاحتشام‌صدراعظم معزی‌الیه‌ومقرب‌الخاقان نایب‌الوزارة میرزا بزرگ قائم مقام و معتمدالدوله میرزا عبدالوهاب منشی‌الممالك دیوان همایون وکلای دولت علیهٔ ایران عالیجاه رفیعجایگاه عزت ومناعت همراه زبدةالکبرا مستر موریه ایلچی جدید دولت بهیهٔ انگلیزه و عالیجاه مشارالیه شروع درتفصیل شروط وعهود کرده مقاصد معاهدهٔ میمونه از قراریست که بعدازتعبیرات مزبوره درفصول لاحقهٔ یازده گانه شرح داده خواهد شد و امور متعلقه بتجارات و معاملات‌مملکتین‌ازقراریست که‌درعهدنامهٔ تجارجداگانه‌معین ومفصل‌خواهد گشت .

فصل‌اول ـ اولیای‌دولت علیهٔ ایران‌برخودلازم‌داشتند که ازتاریخ اینعهدنامه فیروز هرعهد و شرطی که بهریك از دولتهای فرنك که با دولت بهیهٔ انگلیزه در حالت نزاع و دشمنی باشد بسته‌اند باطل و ساقط دانند و لشکر سایر طوایف فرنگیان از حدود متعلقه بخاك ایران راه عبور بطرف هندوستان و سمت بنادر هند ندهند واحدی ازین طوایف که قصد هندوستان و دشمنی با دولت انگلیزه باشد نگذارند که داخل مملکت ایران شود و اگر طوایف مزبوره خواهند که از راه خوارزم یا تاتارستان و بخارا وسمرقند وغیره عبوربمملکت هند نمایند شاهنشاه ایران حتی‌المقدور پادشاهان و والیها واعیان‌آن ممالك را مانع‌شوندواز راه دادن طوایف مزبور باز دارند خواه ازراه تهدید و تخویف و خواه از روی رفق ومدارا .

فصل دوم ـ چون این عهد خجسته که در میان دو دولت ابد مدت بدست صدق و راستی بسته‌اند امید چنان است که بخواست خدای یگانه از هرگونه تغییر و تبدیل مصون و روز بروز ملزومات و مقتضیات یکجهتی و یگانگی درمیانه‌افزون و پیوند مواحدت وموالفت میان این دو پادشاه جمجاه فلك دستگاه زادهماالله تعالی

ملکاً وسلطاناً و ولیعهد و فرزندان و احفاد و امجاد ایشان و وزرا و امرا و ولات و حکام‌ولایات وسرحدات مملکتین‌ابدالآباد برقرارواستوارباشد پادشاه والاجاه‌انگلیس قرارداد مینماید که اگربرسراموردا‌خلهٔ مملکت ایران فیمابین شاهزادگان با امرا و سردارها مناقشتی روی دهد دولت بهیهٔ انگلیس را درآن میان کاری نیست تاشاه وقت خواهش نماید واحیاناً اگر احدی ازمشارالیهم ولایتی وجائی از خاك متعلقه بایران‌را بآندولت بهیه بدهند که‌بازای‌آن کومك واعانتی نمایندهرگزاولیای‌دولت بهیهٔ انگلیس باین امر اقبال نکرده پیرامون‌آن نخواهند گشت و دخـل وتصرف در ممالك متعلقهٔ بایران هرگزنخواهند نمود .

فصل سوم - مقصود کلی ازاین عهدنامه آنستکه دو دولت قـوی شوکت از جانبین امداد و کومك بیکدیگر نمایند بشرطیکه دشمنان در نزاع و جدال سبقت نمایند ومنظور این است که ازامداد جانبین بیکدیگرهردودولت قـوی ومستحکم گردند واین عهدنامه محض‌ازبرای نمودن دشمنان درنزاع وجدال استقرارپذیرفته ومرادازسبقت تجاوزنمودن ازخاك متعلقه بخودوقصدملك خارج ازملك‌خود کردن است وخاك متعلقه بهریك ازدولتین ایران وروس از قراریست کـه باستصواب دولت علیهٔ ایران وانگلیزه ودولت روس بعدازاین مبین ومشخص خواهد گشت .

فصل چهارم - چون دریك فصل ازفصول عهدنامهٔ مجمله که فیمابین دولتین علیتین بسته شده قراردادچنین است که اگرطایفهٔ ازطوایف فرنگیان بممالك ایران بعزم دشمنی بیایند دولت ایران از دولت انگلیس خواهش امداد نماید فرمانفرمای هند ازجانب دولت بهیهٔ انگلیس خواهش مزبور را بعمل‌آورده ولشکربقدرخواهش باسردارواسباب واساسه‌جنك ازسمت هندوستان بایران بفرستد واگرفرستادن‌لشکر امکان نداشته باشد بعوض‌آن ازجانب دولت بهیهٔ انگلیس مبلغی وجه نقد که قـرار آن درعهدنامهٔ مفصله که من‌بعد فیمابین دولتین‌قویتین وقویمتین بسته میشودمعین خواهد شد والحال مقرراست که مبلغ ومقدارآن دویست هزارتومان سالیانه خواهد بودواگردولت علیهٔ ایران‌قصد ملکي‌خارج ازخاك خود نموده درنزاع وجنك‌سبقت

نموده وباطایفهٔ ازطوایف فرنگستان نمایندامداد مذکوره ازجانب دولت بهیهٔ انگلیس بهیچوجه داده نخواهد شد و چون وجوه نقد مزبور برای نگاهداشتن قشون است ایلچی دولت بهیهٔ انگلیس را لازم است که ازرسیدن آن بقشون مستحضر وخاطرجمع شود وبداند که درخدمات مرجوعه صرف میشود .

فصل پنجم - هرگاه دولت علیهٔ ایران خواهند که برای تعلیم و تعلم نظام فرنك معلم بایران بیاورند مختارند که ازمملکتی ازممالك فرنك که با دولت بهیهٔ انگلیزه نزاع وجدال نداشته باشد معلم بگیرد .

فصل ششم - اگر کسی ازطوایف فرنك که درحالت مصالحه بادولت بهیهٔ انگلیس میباشد نزاع وجدال با دولت علیهٔ ایران بنمایند پادشاه والاجاه انگلستان بطریقی که مرقوم شده ازمملکت هند عسکر وسپاه بکومك ایران مأمور کند یااینکه دویست هزارتومان مقرره را برای خرج عساکر وسپاه وغیره کارسازی دولت علیهٔ ایران نمایند این اعانت وامدادرا مادام که جنك فیمابین دولت علیهٔ ایران و آنطایفه باشدواولیای دولت علیهٔ ایران صلح ننمایند مضایقه ننمایند .

فصل هفتم - چون قرارداد مملکت ایران این است که مواجب قشون ششماه بششماه داده میشود قرارداد تنخواهی که بعوض عساکر ازدولت بهیهٔ انگلیس داده میشود چنین شد که تنخواه مزبوررا ایلچی آندولت بهیه هرچه ممکن شود زودتر وپیشتر مهمسازی نمایند .

فصل هشتم - هرگاه طایفهٔ افاغنه را بادولت بهیهٔ انگلیس نزاع وجدالی باشد اولیای دولت علیهٔ ایران ازینطرف لشکر تعیین کرده بقسمی که مصلحت دولتین باشد بدولت بهیهٔ انگلیس امداد واعانت نمایند ووجه اخراجات آنرا ازاولیای دولت بهیهٔ انگلیس بگیرند ازقراریکه اولیای دولتین قطع وفصل خواهند کرد .

فصل نهم - اگرجنك ونزاعی فیمابین دولت علیه ایـران و افغان اتفان افتد اولیای دولت بهیه انگلیس را درآن میان کاری نیست وبهیچ طرف کومك وامدادی نخواهد کرد مگراینکه بخواهش طرفین واسطهٔ صلح گردند .

فصل دهم - اگرازرؤسای ایران کسی بخواهد دشمنی کند ویاغی شودوفرار بولایت انگلیس نماید باید بمحض اشارت امنای دولت ایران آنکس را ازولایت مزبور بیرون کنندواگر بیرون نرود اورا گرفته روانهٔ ایران نمایند ودرصورتیکه پیش از رسیدن آنکس بولایات مزبور اشارتی ازامنای دولت ایران دربارهٔ او بحاکم آنحدود رسد آنکس را رخصت فرودآمدن ندهند وبعد ازممانعت اگر آنکس فرودآید اورا گرفته روانه ایران نمایند وهمچنین ازجانب دولتین معلوماست که شرایطاین فصل مذکورازطرفین استقرار پذیرفته .

فصل یازدهم - اگردربحرالعجم دولت ایران را امدادی ضرور شود از دولت بهیه انگلیس بشرط امکان وفراغبال درآنوقت کشتی جنگی وقشون بدهندواخراجات آنرا موافق برآوردآنوقت قطع وفصل نموده بازیافت نمایند و کشتیهای مزبور بر آن حوزه‌ها ولنگرگاهها عبور نمایند که امنای دولت ایران نشان بدهند وازجای دیگر بیرخصت وضرورتی عبورنکنند .

ما که وکلای حضرتین علیتین میباشیم این عهدنامهٔ مفصله‌راکه سابقاً فیمابین وکلاء دولتین علیتین بفصول دوازده گانه نگارش یافته حال تغییرات چند که منافی دولتین میبودواصلاح حضرتین انسب مینمود (منافی دوستی ویکجهتی دولتین بودو بصلاح حضرتین انسب مینمود) بفصول یازده گانه تقریروتبیین یافته دستخط و مهر گذاشتیم بتاریخ بیست وپنجم‌ماه نوامبرسنه ۱۸۱٤ عیسوی مطابق دوازدهم شهر ذی الحجة الحرام سنه ۱۲۲۹ هجریه مصطفویه علیه‌السلام تحریراً فی‌دارالخلافه طهران صانهاالله تعالی عن‌طوارق‌الحدثان . بندهٔ درگاه محمدشفیع العبد علی عبدالوهاب

عبدالوهاب العبد علی بندهٔ درگاه محمدشفیع

صورت احتجاجی که مستر الس ایلچی دولت انگلیس بسته است (۱)

احتجاجی که جناب قائم‌مقام مستر الس و مستر موریه درحین آمدن مشارالیهما درباب تعبیر عهدنامه فرموده‌اند .

مارا بآن عالیجاهان که ایلچیان دولت بهیهٔ انگلیزه و متکفل مهمات دوستی دولتین میباشند درلزوم قراردادی ومعلم سه حجت‌است :

حجة اول - مبنای این حجت ما همان عهدنامهٔ مبارکهٔ مجمله ومفصله است بیان این سخن‌را چنین میکنم که مادامیکه صلح حقیقتاً واقع نشود باید دولت بهیهٔ انگلیزه ازعهدهٔ تنخواه‌قراردادی برآیند واین صلح مجمل مابار وسیه حقیقتاً مشروط باسترداد ولایات‌است ایلچی ماببایتخت روسیه‌رفته است عهدنامهٔ مفصله درمیان‌است تاایلچی برگردد وعهدنامهٔ‌مفصله بسته‌شود حقیقتاً صلح مشخص نشده‌است‌ومامستحق اخذ تنخواه تاهنگامیکه این‌امر مبهم ونامحقق است خواهیم بود وشاهدما براینمعنی که مصالحهٔ ما با روسیه مشروط باسترداد ولایات است و هنوز باتمام نرسیده است همان کاغذهای ایلچی بزرگ شماست وحجتی که او سپرده وصریحاً در آن نوشته است که تا عهد نامه مفصله نرسد تنخواه را از عهده برآید دلیلی است واضح برعدم تحقق مصالحه واتمام‌آن واین سخن شما که حجت تنخواه سپردن ایلچی بی‌امضای دولت برای ما که ایلچیان‌جدیدیم حجت نیست واگر فرضاً مسلم باشد جواب این سخن ما نمیشود چراکه مابحجت ایلچی مطالبه تنخواه ازشما نمیکنیم بلکه‌بحکم فصل چهارم ودویم عهد نامه مفصله تنخواه را مطالبه مینمائیم وحجت ایلچی‌ودیگر

۱- وزارت خارجه ایران عهدنامجات شاهنشاه مبرورفتحعلیشاه طاب ثراه‌ورسایل اولیای دولت‌علیه سنه ۱۲۲٤ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی

کاغذهای اورا شاهد عدم تحقق مصالحه واتمام آن قرارداده‌ایم .

حجة دویم ـ مبنای این حجت ، برسخنان ایلچی بزرگ شماست، که ایلچی بزرگ دولت انگلیزه‌را موافق اختیارنامهٔ پادشاه ذیجاه مختارمطلق و وکیل آندولت بهیه درطی مهمات یکجهتی دولتین عموماً یافته‌ایم ونامهٔ مبارکهٔ پادشاه و کاغذهای وزرای دولت که دردست هست براختیار وعزتشان و وکالت مطلقه او دلیلی است واضح واینمعنی برهمهٔ ایران وروس وصاحبان شما که درآنجا بوده‌است آشکار است که مارا درسال گذشته هیچ رأیی بمصالحه با روسیه نبود بلکه درجنك اصرار زیـاد داشتیم ایلچی شما مایل وبانی مطالحه وواسطهٔ صلح ومصرترك جنك شد وسخن درین بـود که دولت انگلیزه خواهان این صلح میباشند واین صلح‌را برای دولت خود ودولت ایران افاقه میدانند شمااین صلح‌را مجملا قبول ننمائید (کنید) و درقید قرار ومدار استرداد ولایات باسردار روسیه در عهد نامه مجمله نباشند و خاطر جمع دارید کـه مقصود اصلی‌وشرط کلی مصالحه که استردادولایات است بتوسط دولت انگلیزه‌بعمل خواهدآمد کاغذی های اوبراینمعنی شاهد است وازآنجا که دولت انگلیس درراستی عهدودرستی‌قول مسلم ومشهورعالم است سخن ایلچی بزرگ هم بحکم اختیار نامه پادشاه فلك جاه ومراسلات‌وزرای بزرگ باسخن دولت تفاوتی ندارد ماقبول‌مصالحه مجمله وشروط کردیم خاطرجمعی ما بآندولت وسخنان ایلچی بزرگ آندولت‌بوده وگرنه به‌چنین صلحی بی‌سرانجام اقبال نمودیم (نمینمودیم) وبحکم همین کاغـذها که ازایلچی‌دردست داریم‌استرداد ولایات واتمام‌مصالحه‌راازدولت انگلیزه‌میخواهیم وتاولایات استرداد نشودوعهدنامهٔ مفصله بطریقیکه ایلچی بزرگ آندولت باما قرار داده است باتمام نرسد تنخواه‌را مطالبه مینمائیم .

حجة سیم ـ دراین‌حجة‌قطع نظرازتفصیلهای گذشته میکنیم وهمین میگوئیم ما ازایلچی‌بزرگ آندولت که بحکم اختیارنامه قائم‌مقام پادشاه فلك جاه‌است‌حجتی صریح دردست داریم کـه تا عهدنامه مفصله نرسد تنخواه را ازعهده برآیدوانصاف دولت انگلیزه را ازاین بیشترمیدانیم که حجة ایلچی‌بزرگ راکه در حقیقت حجة

دولت است انکارنمایندشما که حال ایلچیان معتمدآندولت بهیه‌اید وبحکم‌اختیارنامه کفیل مهمات یکجهتی دولتین میباشید بمراتب مرقومه انصاف خواهیدداد مارا بآن عالیجاهان که‌ایلچیان معتمد دولت بهیهٔ انگلیزه‌اند درباب معلمین انگلیس‌سخن‌این است که البته بر شما ظاهر است که نظام‌آلات بانظام دولت علیهٔ ایران دراین سالها بقانون دولت بهیهٔ انگلیس منتظم گشته وهمواره معلمین انگلیس متوجه تعلیم آنها بوده‌اندواگردراینوقت معلمین انگلیس ترك‌تعلیم‌آنها نمایند شیرازهٔ نظام‌آنهامختل خواهد شدواینهمه خسارت ومرارت که دراینمدت برای این نظام رسیده است ضایع وباطل خواهد شد (بود) دولتین هم درحکم دولت واحد است و در حقیقت نقصانهـا بآندولت میرسد و تفاوتی ندارد و اگـرسخن شما این است که دراصلاندوز برخلاف قانون معلمین انگلیس بجنك سپاه روس کرده‌اند البته گوشزد شما شده است که در آن‌هنگام وهنگامیکه وضعی اتفاق افتاد که غیرت فتری معلمین‌انگلیس‌تاب تحمل نیاورد وبعضی خودباختیار نه بحکم کارپردازان این دولت علیه اقدام بجنك کردند روزنامهٔ نواب مستطاب ولیعهد دولت علیه که بدولت انگلیس مرقوم شده دراین باب شرحی‌نگاشته‌وانشاءالله‌تعالی‌من‌بعدازاینگونه‌امور روی نخواهد داد واهتمام والتفاتی زیاده درانتظام این مهام خواهد بودویقین است که انعالیجاهان مضایقه از قرار معلم نخواهند نمودوبه‌نقصان وخسارت دولتین راضی نخواهند شد .

مواد احتجاجی که مستر الس ایلچی دولت انگلیس بسته‌است تاریخ ندارد .

مواد عهدنامهٔ گلستان[1] که فیمابین دولتین علیتین روسیه و ایران بسته‌شده بوکالت عالیجاه میرزا ابوالحسنخان و ینارال لیدنانه[2] نیکولای ردیشخوف بتاریخ ۱۲۲۸

بسم الله الرحمن الرحیم

اعلیحضرت قضا قدرت رأیت پادشاه جمجاه و امپراطور اکرم عالی دستگاه مالك بالاستقلال کل ممالك انمپریه اروسیه اعلیحضرت قدر قدرت کیوان رفعت پادشاه اعظم سلیمان جاه مالك بالاستقلال ممالك شاهانه ایران بملاحظهٔ کمال مهربانی واشفاق علیتین که دربارهٔ اهالی ورعایای متعلقین دارند بدفع ورفع امورعداوت ودشمنی که برعکس رأی شوکت آرای ایشان استطالب وباستقرارمراتب مصالحهٔ میمونه ودوستی جواریت سابقهٔ مؤکده رادر بین الطرفین راغب میباشند باحسن الوجه رأی علیتین قرار گرفته در انجام این امور نیك و مصوبه ازطرف اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم و ایمپراطور بالاستقلال کل ممالك روسیه بعالیجاه معلی جایگاه جنرال لیدنانه روسیه سپهسالار روسیه و مدیر عساکر ساکنین جوانب قفقازیه و گرجستان ناظم امورو مصالح شهریه ولادت غوغانای و گرجستان وقفقازیه وحاجی طرخان و کارهای عالی ثغوروسرحدات این حدودات وسامان امرفرمای عساکرسفاین بحرخزرصاحب حمایل الکسندرنویسکی ذیحمایل مرتبهٔ اولین آنابای مرتبه‌دار رابع عسکریه مقتدره حضرت گیورکی صاحب نشان وشمشیر طلاالمرقوم بجهت رشادت وبهادری (نیکولای رایشخوف) اختیارکلی اعطاشده اعلیحضرت کیوان رفعت والارتبت پادشاه اعظم بالاستقلال ممالك ایران هم عالیجاه معلی جایگاه ایلچی بزرك دولت ایران که مأمور دولتین روس وانگلیس

(۱)- وزارت خارجهٔ ایران عهد نامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه ورسایل دولت علیه سنه ۱۲۲٤ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی

2 – Lieutenat – General

بودند عمدةالامراء والاعیان مقرب درگاه ذیشان ومحرم اسرارنهان ومشیرا کثرامور دولت بهیهٔ ایران ازخانوادهٔ دودمان وزارت وازامرای واقفان حضوردرمرتبهٔ دوم آن صاحب عطایای خاص پادشاهی خودازخنجروشمشیروکارد مرصع و استعمال ملبوس واسب مرصع یراق میرزا ابوالحسنخان‌را که دراین کارمختار بالکل نموده‌اند حال درمعسکرروسیه رودخانه‌زیروه[1] من‌محال گلستان متعلقه ولایت قراباغ ملاقات وجمعیت نمودند. بعدازابرازومبادله مستمسك مأموریت‌واختیار کلی‌خود بیکدیگر وملاحظه وتحقیق‌امورمتعلق مصالحهٔ مبارکه بنام‌نامی پادشاهان عظام قراروبموجب نامجات طرفین قیود وفصول وشروط مرقومه‌را الی‌الابد مقبول و منصوب و استمرار میداریم.

فصل اول - بعد ازاین امورجنك وعداوت ودشمنی که تاحال‌دردولتین‌روسیه وایران بود بموجب این عهدنامه الی‌الابد مقطوع و متروك و مراتب مصالحه اکیده دردوستی ووفاق شدید فیمابین اعلیحضرت قضا قدرت پادشاه اعظم امپراطور مالك بالاستقلال کل ممالك روسیه واعلیحضرت خورشید رأیت پادشاه داراشوکت ممالك ایران و وارث ولیعهدان عظام و میانه دولتین علیتین فخام ایشان پایدار و سلوك خواهد بود.

فصل‌دوم - چون بیشتربموجب اظهار و گفتگوی طرفین قبول و رضا دربین دولتین شده است که‌مراتب مصالحه دربنای اسطاطسکواوپرزندیم باشد یعنی‌طرفین درهرموضع وحالی که الی قرارداد مصالحةالحال بوده است ازآن قرارباقی و تمامی اولکای ولایات خوانین نشین که تاحال درتحت تصرف وضبط هریك از دولتین بوده کماکان درضبطواختیارایشان بماند لهذادربین‌دولتین علیتین روسیه وایران‌بموجب خط مرقومه‌ذیل مستوروسرحدات‌مستقروتعیین گردیده است از ابتدای ارضی‌آدینه بازار بخط درست ازراه صحرای مغان تابه معبریدی بلوك رود ارس وازبالای کنار رود ارس تاالتصال والحاق رودخانهٔ کپینك چای‌به‌پشت کوه مقری وازآنجاخط‌حدود

---

۱ - زیوه

سامان ولایات قراباغ ونخجوان وایروان ونیزرسدی ازسنور گنجه جمع و متصل گردید بعد از آن حدود مزبور که بولایات ایروان و گنجه و هم حدود قزاق و شمس الدین لورا تامکان ایشك میدان مشخص ومفصل میسازد وازایشك میدان نیزاز بالای سر کوههای طرف راست طرق ورودخانه‌های حمزه چمن وازسر کوههای پنبك الی گوشه محال شوره گل واز گوشهٔ شوره گل ازبالای کوه برف الداگوز گذشته از سرحد محال شوره گل ومیانه حدود قریهٔ سدره وارنیك برودخانهٔ آرپه چای ملحق ومتصل شده معلوم ومشخص میگردد وچون ولایات خان‌نشین طالش درهنگام عداوت ودشمنی دست بدست افتادلهذا بجهت زیادهٔ صدق وراستی حدود ولایات طالش مزبور را ازجانب انزلی واردبیل بعد ازتصدیق این صلحنامه ازپادشاهان عظام معتمدان و مهندسان مأموره که بموجب قبول ووفاق یکدیگروبمعرفت سرداران جانبین جبال و رودخانه ها ودریاچه‌ها و امکنه ومزارع طرفین تفصیلا تحریر و تمیز و تشخیص میسازند آنرا نیز معلوم و تعیین ساخته آنچه در حال تحریر این صلحنامه در تصرف جانبین باشدمعلوم نمودآنوقت خط حدودولایت طالش نیز دربنای اسطاطسکو اوپوزندیم مستقر ومعین ساخته هریك ازطرفین آنچه درتصرف دارد برسر آن خواهدماند وهمچنین درسرحدات مزبورهٔ فوقا اگرچیزی ازخط طرفین بیرون رفته باشدمعتمدان و مهندسان مأمورهٔ طرفین هریك طرف اسطاطسکوا و پرزندیم رضاخواهد داد .

فصل سوم ـ اعلیحضرت کیوان رفعت قدر قدرت پادشاه اعظم مالك ممالك ایران بجهت دوستی و وفاقی که به اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم و امپراطور کل ممالك روسیه دارند به این صلح نامه بعوض خود ووليعهدان عظام تخت شاهانه ایران وولایات قراباغ و گنجه که الان موسوم به‌ایلی سابط پول است والکای خوانین نشین شکی وشیروان وقبه ودربندوباد کوبه وهرجا ازولایات طالش را باخاکی که الان درتصرف دولت اروسیه است وتمامی داغستان و گرجستان و محال شوره گل و آچوق باشی و کورنه ومنکریل وابخاز وتمامی اولکاء واراضی که در میانهٔ قفقازیه‌و سرحدات معینه‌الحالیه‌بوده‌و نیز آنچه از اراضی واهالی قفقازیه الی کنار دریای خزر

متصل است مخصوص ومتعلق بممالك آنمپریهٔ روسیه میدانند .

فصل چهارم ـ اعلیحضرت خورشید رأیت امپراطور والاشوکت ممالك روسیه برای اظهاردوستی واتحادخود نسبت به اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم ممالك ایران وبجهت اثبات این معنی که بنابرهم جواریت طالب وراغب است که در ممالك شاهانه‌ایران وارث استقلال‌واختیارپادشاهی‌را دربنای‌اکیده مشاهده وملاحظه‌نمایند لهذا ازخودوازعوض ولیعهدان عظام اقرارمینمایند که هریك ازفرزندان عظام‌ایشان که بولیعهدی دولت ایران تعیین میگردد هرگاه محتاج باعانت یاامدادی از دولت علیهٔ روسیه باشند مضایقت ننمایند تاازخارج کس نتواند دخل وتصرف در مملکت ایران نماید وبه اعانت وامداد روس وایران مستقرومستحکم گرددواگر درسرامور داخلهٔ مملکت ایران فیمابین شاهزادگان مناقشتی روی نماید دولت علیهٔ روس را درآن میانه کاری نیست تاپادشاه وقت خواهش نماید .

فصل پنجم ـ کشتیهای دولت روسیه که برای معاملات بر روی دریای خزر ترددمینمایند بدستورسابق مأذون خواهند بود که بسواحل وبنادرجانب ایران عازم ونزدیك شوند وزمان طوفان وشکست کشتی ازطرف ایران اعانت و یاری دوستانه نسبت به‌آنها بشودوکشتیهای جانب‌ایران بدستورالعمل سابق‌مأذون خواهند بود که برای معامله روانه سواحل روسیه شوند بهمین نحو در هنگام شکست و طوفان از جانب روسیه اعانت ویاری دوستانه دربارهٔ ایشان معمول گردد ودرخصوص کشتیهای عسکریهٔ جنگی روسیه بطریقی که در زمان دوستی ویا درهروقت کشتیهای جنگی دولت روسیه باعلم و بیرق در دریای خزر بوده‌اند حال نیزمحض دوستی اجازه داده میشود که بدستور سابق معمول گردد و احدی از دولتهای دیگر سوای دولت روس کشتیهای جنگی در دریای خزر نداشته باشند .

فصل ششم ـ تمامی اسرائی که در جنگها گرفته شده‌اند یااینکه از اهالی طرفین اسیر شده از کریستیان یا هر مذهب دیگر باشند الی وعدهٔ سه ماهه هلالی از تصدیق و خط گذرادن در این عهد نامه از طرفین مرخص و ردگردیده هر یك

از جانبین خرج و مایحتاج به اسرای مزبوره داده به قراکلیسا رسانند و کلای سرحدات طرفین بموجب نشر اعلامی که در خصوص فرستادن آنها بجای معین بیکدیگر مینمایند اسرای جانبین را باز یافت خواهند کرد. کسانیکه برضا و رغبت خود ارادهٔ آمدن داشته باشند و آنانکه بسبب تقصیر یا خواهش خود از مملکتین فرار نموده‌اند داده شود که بوطن اصلی خود مراجعت نمایند و هر کس از هر قومی چه اسیر وچه فراری که نخواسته باشد بیاید کس را با او کاری نیست و عفو تقصیرات از طرفین نسبت بفراریان عطا خواهد شد .

فصل هفتم ـ علاوه از اقرار و اظهار مزبوره بالا رأی اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم و امپراطور کل ممالك روسیه و اعلیحضرت کیوان رفعت پادشا اعظم ممالك ایران قرار یافته که ایلچیان معتمد طرفین که هنگام لزوم مأمور دارالسلطنهٔ جانبین میشوند بروفق لیاقت رتبه و امور کلیه مرجوعه ایشان را حاصل و پرداخت ومسجل نمایند وبدستورسابق و کلائی که ازدولتین بخصوص حمایت ارباب معاملات دربلادمناسبه طرفین تعیین وتمکین گردیده بهاحوال ایشان هیچگونه زحمت نرسیده بل زحمتی که برعایای طرفین عاید گردد بموجب عرض واظهارو کلای رعایای مزبور رضائی بستمدیدگان جانبین داده شود .

فصل هشتم ـ درباب آمد وشد قوافل وارباب معاملات درمیان ممالك دولتین علیتین اذن داده میشود که هر کس ازاهالی تجاربخصوص بثبوت اینکه دوست رعایا وارباب معاملات متعلق بدولت علیهٔ روسیه یا تجارمتعلق بدولت بهیهٔ ایران میباشند ازدولت خود یاازسرحد داران تذکره ویا کاغذ راه دردست داشته باشند ازطریق بحر وبربجانب ممالك این دودولت بدون تشویش آیند وهر کس هرقدرخواهد ساکن و متوقف گشته باموررمعامله وتجارت اشتغال نمایند وزمان مراجعت آنها باوطان خود از دولتین مانع ایشان نشوند آنچه مال و تنخواه از امکنهٔ ممالك روسیه بولایات ایران ونیز ازطرف ایران اگر بممالك روسیه ببرند بمعرض بیع رسانیده و یا معاوضهٔ بمال واشیاء دیگر نمایند درمیان ارباب معاملات طرفین بخصوص طلب و غیره شکوه

وادعائی باشد بموجب عادت مألوفه به‌نزد و کلای طرفین یاازروی صداقت مراتب ادعای ایشان‌را مشخص ومعلوم کرده خودیابمعرفت دیگرقطع وفصل کار را ساخته نگذارندتعرض وزحمتی بارباب معاملات عایدشودوارباب تجار طرف ممالك اروسیه که وارد بممالك ایران میشوند مأذون خواهند بود که اگرخواهند باتنخواه‌واموال خودشان بجانب ممالك پادشاهانه دیگردوست ایران باشند بروندطرف دولت ایران بی‌مضایقه تذکرات را بایشان بدهندوهمچنین ازطرف دولت علیهٔ اروسیه نیزدرمادهٔ اهالی تجار جانب دولت ایران که ازخاك ممالك اروسیه بجانب سایرممالك‌پادشاهان که دوست اروسیه باشند میروند معمول خواهدشد . وقتی یکی از رعایای متعلقهٔ دولت علیهٔ اروسیه درزمان وقف وتجارت درمملکت ایران فوت شد و املاك واموال اودرایران بماند چون مابعرف اوازمال رعایای متعلقهٔ دولت است لهذا میباید اموال مفوت بموجب قبض‌الواصل شرعی‌ردوتسلیم ورثه مفوت گرددونیزاذن‌خواهندداد که املاك‌مفوت‌رااقوام‌اوبفروشند چنانکه این معنی‌درمیان ممالك اروسیه‌ونیزدرممالك پادشاهان دیگردستوروعایت بوده متعلق بهردولت که باشد مضایقه نمینمایند .

فصل نهم ـ باج‌و گمرك اموال‌تجارطرف دولت بهیهٔ اروسیه که به‌بنادر وبلاد ایران میآورند ازیکتومان مبلغ پانصددیناردریك بلده گرفته ازآنجااموال مذکور بهرولایت ایران که بروند چیزی مطالبه گردد وهمچنین ازاموالی که‌ازممالك‌ایران بیرون بیاورندآنقدر گرفته زیاده بعنوان‌خرج وتوجیه و تحصیل و اختراعات چیزی ازتجارروسیه با شر وشلتاق مطالبه نشود و بهمین نحودریك بلده باج و گمرك تجار ایران که به‌بنادر بلادممالك اروسیه میبرندویابیرون بیاورندبدستور گرفته اختلافی بهیچ وجه نداشته باشند .

فصل دهم ـ بعد ازنقل اموال تجاربه‌بنادر کناردریا ویاآوردن ازراه خشکی

به‌بلاد سرحدات دولتین علیتین اذن واختیاربه ارباب تجار وارباب معاملات طرفین داده شد که اموال و تنخواه خودشانرافروخته واموال دیگرخریده ویامعاوضه کرده دیگرازامنای گمرك ازمستأجرین‌اذن ودستوری نخواسته باشندزیرا که‌برذمهٔ‌امنای گمرك ومستأجرین لازم‌است که ملاحظه نمایند که تامعطلی وتأخیردرکار تجارت

ارباب‌معاملات وقوع نیاید. باج خزانه‌را ازبایع یاازمبیع هرنحو که‌درمیانهٔ‌خودشان سازش مینمایند حاصل وبازیافت دارند .

فصل یازدهم ــ بعد ازتصدیق وخط گذاردن دراین‌شرط نامچه‌بو کلای‌مختار دولتین علیتین بلاتأخیر به‌اطراف جانبین اعلام واخبارو‌امرا کیدبخصوص‌بالمره‌ترك وقطع امور عداوت ودشمنی بهرجا ارسال خواهند کرد این شروط نامه‌الحاله کــه بخصوص‌استدامت مصالحهٔ دائمی‌طرفین‌مستقر‌ودوقطعهٔ‌مشروحه باترجمان‌خط‌فارسی مرقوم ومحرر از و کلای مختارمأمورین دولتین مزبوره بالا تصدیق وبا خط و مهر مختوم گــردیده مبادله بایکدیگرشده است میبایست ازطرف اعلیحضرت خورشید رتبت پادشاه اعظم‌امپراطورا کرم ممالك روسیه وازجانب اعلیحضرت‌قدرقدرت‌پادشاه والاجاه ممالك ایران به امضای خط شریف ایشان تصدیق گردد وچون‌این صلحنامه مشروحــه مصدقه میباید از هردو دولت پایدار بو کلای مختاربرسد لهذا از دولتین علیتین‌درمدت سه‌ماه هلالی وصول گردد. تحریرفی‌معسکر اروسیه و رودخانهٔ زیوه من‌محال گلستان متعلقه بولایات قراباغ بتاریخ ٢٩ شوال ١٢٢٨ مطابق هجریه ٢١ اکتبر١٨١٣ عیسوی من مولود حضرت عیسی سمت تحریریافت .

وکیل‌دولت‌ایران‌میرزاابوالحسنخان- ژنرال‌لیدنانه نیکولای‌ردیسخوف سپاردنی‌الك

عهدنامه[1]

صلح مابین ایران وروسیه درترکمان چای بتاریخ ۱۰/۲۲فوریه۱۸۲۸مطابق پنجم شهرشعبان ۱۲۴۳ امضی‌شد.

فهرست مندرجات

---

(۱)وزارت‌خارجهٔ ایران‌عهدنامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه ورسایل دولت‌علیه سنه۱۲۳٤ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳خطی

ازانتفاع این مهلت محروم هستند .

فصل سیزدهم - اسرای جنگی .

فصل چهاردهم - شرایطی که راجع بفراریان است .

فصل پانزدهم - عفو وبخشش دربارهٔ اشخاصیکه درمدت جنگ و بعد از آن مرتکب ببعضی اعمال شده‌اند ــ اموال منقوله وغیرمنقولهٔ معفوین ومهلتی که ازاین بابت بامومی‌الیهم داده شده‌است ـ کسانیکه ازعفوواغماض محروم هستند .

فصل شانزدهم - ترك مخاصمات ــ تصدیق عهدنامه .

بنام خداوند متعال

چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران واعلیحضرت قویشوکت معظم نامدار امپراطور وصاحب اختیار کل ممالك روسیه بالسویه وازصمیم قلب مایل هستند که برصدمات محاربه که مخالف میل طرفین است نهایتی داده ومجدداً روابط قدیمهٔ حسن همجواری ومودت را مابین مملکتین بوسیلهٔ صلحی که فی حدذاته متضمن اساس امتداد ودافع مبانی اختلافات و برودت آتیه بوده باشد برپایه و بنائی محکم استوار دارند لهـذا وزرای مختار خود راکه برای این امر سودمند مأمورهستند ازاینقرار معین داشتند

از طرف اعلیحضرت امپراطور کل روسیه ژان پاسکیه ویچ آجودان جنرال وسرتیپ پیاده نظام فرمانده اردوی قفقازیه کفیل اموزغیر نظامی گرجستان وحاجی ترخان وقفقازیه رئیس قوهٔ بحریهٔ دریای خزردارای نشان آلکساندرنوسکی مکلل بالماس ونشان سنت آن از درجهٔ اول مکلل بالماس وسن ولادیمیر ازدرجهٔ اول و سن ژرژ از درجهٔ دوم ودو شمشیر افتخاری که یکی مرصع ودیگری طلا که روی آن اینطور نوشته‌شده (برای شجاعت) ودارای نشان عقاب قرمز ازدرجهٔ اول ونشان هلال عثمانی وغیره وآلکساندر ابروسکوف کنسیه‌دتا (۱) وپیشخدمت اعلیحضرت امپراطوردارای نشان سن ولادیمیر ازدرجهٔ سوم وسن استانیسلاس (۲) لهستان ازدرجهٔ دوم سن ژان بیت المقدس وازطرف اعلیحضرت شاهنشاه ایران حضرت اشرف شاهزاده عباس میرزا .

وزرای مختارطرفین پس ازآنکه درتر کمانچای اجلاس کرده واختیارنامهای

(۱) Conséiller - d ’ Etat (۲) Saint – Stanislas

خودرا مبادله و آنرا موافق‌قاعده ومرتب به‌ترتیبات شایسته‌یافتند فصول ذیل‌رامنعقد وبرقرارداشتند .

فصل اول – از امروز به‌بعد مابین اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور روسیه ونیز مابین ممالك ووراث واخلاف واتباع اعلیحضرتین صلح و وداد ومودت برقرار خواهدبود .

فصل دوم – چون‌مخاصمهٔ‌طرفین‌معظمین ، که‌بسعادت امپراطورباختتام‌رسید تعهدات عهدنامهٔ گلستان را باطل‌میدارد لهذا اعلیحضرت شاهنشاه‌ایران واعلیحضرت امپراطور کل‌روسیه چنین صلاح دیدند که بجای‌عهدنامهٔ‌مزبور موادوشرایط‌ذیل‌را که مبنی بر ازدیاد و استحکام روابط آتیهٔ مودت و صلح مابین روسیه و ایران است برقرار نمایند .

فصل سوم – اعلیحضرت شاهنشاه ایران از طرف خود واخلاف و وراث خود خانات ایروان را که در دوطرف رودارس واقع‌است ونیز خانات‌نخجوان را بملکیت مطلقه‌بدولت‌ارس واگذارمیکند بناءعلیهذا اعلیحضرت شاهنشاه‌ایران متعهدمیشوند که دفاتر واسنادیکه راجع بحکومت واداره‌ٔ خانات فوق‌الذکر است منتها درظرف ششماه‌ازامضای این‌عهدنامه بمأمورین‌روس تسلیم‌نمایند .

فصل چهارم – دولتین‌معظمتین معاهدتین‌قبول نمودند که خط سرحدی مابین دولتین‌ازاینقرار ترسیم‌شود .

این‌خط ازنقطهٔ سرحد دولت عثمانی که بخط‌مستقیم نزدیکترین راه‌بقلهٔ کوه آغری کوچك است شروع شده بقلهٔ مزبور رسیده وازآنجا بسرچشمهٔ رود قراسوی سفلی که‌ازدامنهٔ جنوبی‌آغری کوچك جاری‌است‌فرودمیآید پس‌ازآن خط‌سرحدی طول مجرای این‌رود الی‌محل التقای‌آن باروررارس که محاذی شروراست طی‌نموده و ازاینجا مجرای رود ارس را متابعت کرده وبقلعهٔ عباس آباد میرسد از استحکامات خارجی این قلعه که درساحل راست ارس است خطی که طول‌آن نیم‌آقاچ یعنی سه ورست‌ونیم روسی بوده‌باشد به‌تمام جهات کشیده خواهدشد وتمام اراضی که درحدود این‌خط واقع میشود منحصر بدولت روس‌بوده ودر ظرف دوماه ازتاریخ امروز بطور

دقت تخطیط خواهد شد از محلی که طرف شرقی این خط متصل برود ارس میشود خط سرحدی‌مجرای‌رودمزبوررا الی گداریدی بلوك‌متابعت‌میکنند وخاك‌ایران‌ازاین نقطهٔ اخیر الی سه آقاج یعنی بیست ویك ورست روس در طول مجرای ارس ادامه مییابد بعدازوصول‌باین‌محل خط سرحدی جلگهٔ‌مغان‌را بطورمستقیم گذشته‌بمحلی ازمجرای بالها رود خواهد آمد که درسه آقاجی یعنی بیست و یك ورست پائین‌تر از ملتقای دورود آدینه بازار وساری قمیش واقع است پس‌ازآن خط سرحدی از ساحل‌چپ‌بالهارود الی‌ملتقای‌دورود مزبورآدینه‌بازار وساری‌قمیش صعود کرده واز آنجا درساحل‌راست‌رودخانهٔ آدینه‌بازار شرقی‌الی سرچشمهٔ آن ممتد واز سرچشمهٔ مزبور الی قلهٔ‌تپه‌های جگیرمیرسد بطوریکه تمام‌آبهائیکه بطرف‌دریای خزرجاری است متعلق بروسیه بوده وتمام آبهائیکه جریانشان بطرف ایران است تعلق بدولت علیه خواهد گرفت .

چون دراینجا (۱) حدوددولتین بواسطهٔ تیزه کوهها محدود میشود لهذامقرر است که دامنهٔ این کوهها که بسمت دریای‌خزر تمایل دارد متعلق بدولت روس بوده ودامنهٔ آنطرف کوهها اختصاص‌بایران خواهدداشت .

ازتیزهٔ تپهای‌جگیر خط سرحد کوههائی راکه فاصل بین‌طالش و ارشق است متابعت‌نموده وبقلهٔ کمرقوئی‌میرسد وقللی که‌فاصل دامنه‌وطرف کوههای مزبوراست دراینجا تحدید حدودمینماید بهمان قسم که درباب مسافت بین سرچشمهٔ‌آدینه‌بازار وقلهای‌جگیر ذکرشد .

پس‌ازآن خط سرحد ازقلهٔ کمرقوئی تیزهٔ کوههائی که بلوك‌زوند راازارشق جدامینماید متابعت نموده وبمحلی که حدود بلوك ولیکیج است میرسد وترتیبی که درباب جریان‌آب ذکرشده‌است مراعات خواهدشد واز اینقرار بلوك‌زوند باستثنای قسمتی که درآن‌طرف قلهٔ کوههای مزبوراست متعلق‌بروسیه خواهدبود ،

ازمحلی که حدودبلوك ولکیج‌است خط سرحد بین‌الدولتین قلل کوه کلوپوتی وقلل سلسلهٔ عمدهٔ کوههائی که ازبلوك‌ولیکیچی میگذرد متابعت نموده وبسرچشمهٔ

۱ ـ یعنی ازسرچشمهٔ رودآدینه‌بازار الی‌قله تپهای‌جگیر

شمالی رودخانه‌موسوم بآستارامیرسد واینجاهم مسئلهٔجریان آب چنانچه درفوق‌ذکر شده‌است مرعی‌میباشد ،

ازآنجا خط سرحدی مجرای آستارا را الی مصب آن دردریای خزرطی نموده وحدودخاك دولتین‌را باتمام‌میرساند .

فصل پنجم - اعلیحضرت شاهنشاه‌ایران محض اثبات‌دوستی خالصانه که‌نسبت به‌اعلیحضرت امپراطور کل روسیه‌دارند بموجب همین فصل از طرف‌خود واز طرف وراث واخلاف‌خود واضحاً وعلناً‌تصدیق مینمایند که ممالك وجزایری که مابین‌خط تحدیدی فصل‌اخیر وتیزهٔ جبال قفقاز ودریای خزراست وهمچنین اهالی بدوی وغیره این‌نواحی متعلق بدولت‌روسیه میباشد .

فصل ششم - محض تلافی مصارف کثیرهٔ که از این جنگ بین‌الدولتین برای مملکت روسیه حاصل‌شده ودر عوض خسارات وضررهائیکه بدین‌جهت باتباع‌روس رسیده است اعلیحضرت شاهنشاه ایران متعهد میشوند که وجه خسارتی تأدیه کرده مصارف وضررهای مزبوررا جبران‌نمایند .

طرفین‌معظمین‌معاهدین‌این‌وجه خسارات‌رابده کرور تومان‌رایج‌یابیست‌ملیون مناط نقره معین کرده ومقرر میدارند که ترتیب اقساط و تضمین تأدیهٔ‌آن در قرارداد مخصوصی مرتب‌شود اعتبار و استحکام قرارداد مزبور بحدی خواهد بود که کانه لفظ بلفظ درهمین‌عهدنامه درج شده‌باشد .

فصل هفتم - چون اعلیحضرت شاهنشاه‌ایران چنین صلاح دیدند که حضرت اشرف عباس‌میرزا فرزندخودرا وارث وولیعهدفرمایند لهذااعلیحضرت امپراطور کل روسیه محض اینکه نیات دوستانهٔ خودرا مکشوف ومیلی‌را که درمساعدت باستحکام این‌نوع وراثت‌دارد مشهودخاطر اعلیحضرت شاهنشاه ایران‌نمایند متعهدمیشوند که ازامروز شخص حضرت عباس‌میرزا راوارث و ولیعهد دولت ایران شناخته وایشان‌را ازحین‌جلوس بتخت‌سلطنت سلطان‌حقهٔ این‌مملکت بدانند .

فصل هشتم - سفاین‌تجارتی روس‌مثل سابق‌حق خواهند داشت که‌بطور آزادی

دردریای خزرودرامتداد سواحل آن سیر کرده وبکنارههای آن فرود آیند ودرموقع شکست وغرق درایران معاونت وامدادخواهندیافت .

وسفاین تجارتی ایران هم حق خواهند داشت که بقرارسابق دربحر خزرسیر نموده وبسواحل روس بروند ودرصورت غرق وشکست هم بآنها کمك وامداد خواهدشد .

امادرباب کشتیهای جنگی چون آنهائیکه بیدق نظامی روس دارندازقدیم الایام بالانفراد حق سیر دربحرخزر راداشتهاند حال هم بدین سبب این امتیاز منحصر بهمان کشتیها خواهدبود بطوریکه بغیراز دولت روسیه دولت دیگری حق نخواهد داشت کهسفاین جنگی دردریای خزر داشتهباشد .

فصل نهم – چون مکنون خاطر اعلیحضرت شاهنشاه ایران واعلیحضرت امپراطور کل روسیهاست که دراستحکام روابطی که بسعادت ومیمنت مجدداً مابین دولتین استقرار یافتهاست سعی و کوشش نمایند مقرر میدارند که سفراء کبار ووزراء مختار وشارژ ـ دافرهائیکه خواه برای انجام مأموریت موقتی و خواه بجهت اقامت دائمی بدربار یکدیگر فرستاده میشوند بفراخور مقام خود وموافق شأن وحیثیت طرفین و مطابق مودت واتحاد بین الدولتین و نیز برحسب عادات مملکتی موردا عزاز و احترام شوند علیهذادرباب تشریفاتی که بایدازطرفین ملحوظ ومنظورشود دستورالعملی مخصوص مقرر خواهدشد .

فصل دهم – چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران واعلیحضرت امپراطور کل روسیه استقرار وتوسعهٔ روابط تجارتی مابین دودولت را ازنخستین فواید اعادهٔ صلح میدانند صلاح دیدند که ترتیباتی که راجع بهحفظ تجارت وامنیت اتباع دولتین است دریك مقاوله نامهٔعلیحده بطور مرضی الطرفین نگارش یابد واین مقاولهنامه که مابین وزرای مختارطرفین انعقاد وباین عهدنامه انضمام خواهدیافت مثل اینستکه جزو متمم همین عهدنامهٔ صلح بودهباشد .

اعلیحضرت پادشاه ایران بدولت روس حق میدهد که کما فی السابق هرجا که بجهت حفظ منافع تجارتی لازم باشد بآنجا قونسول وو کیل تجارتی بفرستند ومتعهد میشوند که این قونسول وو کلای تجارتی را که من تبع هریك زیاده ازده نفر نخواهد

بود ازحمایت واحترامات وامتیازاتیکه لازمهٔ سمت رسمیت آنهاست بهره‌مند سازد اعلیحضرت امپراطور روسیه‌هم وعده‌میدهد که رفتاربمثل‌را درمادهٔقونسول وو کلای تجارتی‌اعلیحضرت شاهنشاهی منظوردارد .

درصورت‌شکایت حقهٔدولت ایران ازیکی ازمأمورین یاقونسولهای روس وزیر مختار یاشارژدافری که دردربار‌دولت علیهٔ‌ایران‌اقامت وباین‌اشخاص ریاست بلافاصله دارد مشارالیه‌را ازمأموریت خودخلع کرده وموقتاً کفالت کار اورا بهر کس صلاح داندواگذار خواهد کرد .

فصل‌یازدهم - پس از حصول صلح بامور و دعاوی اتباع طرفین که بواسطهٔ وقوع‌جنگ درعهدهٔتعویق مانده‌بود مراجعه‌شده وازروی عدالت قطع وفصل‌خواهد-شد ومطالباتیکه اتباع‌طرفین ازیکدیگر یاازخزانهٔ جانبین‌دارند بالتمام‌عاجلاً تأدیه خواهد شد .

فصل‌دوازدهم - طرفین‌معظمین معاهدین نظربمنافع اتباع‌خود متفق‌الرای شدند که برای‌اشخاصی که دردوطرف رودارس دارای‌اموال‌غیر منقوله هستندمهلتی سه‌ساله قراردهند که مومی الیهم بتوانندآنرا بطور دلخواه بمبایعه ومعاوضه‌برسانند ولی‌اعلیحضرت امپراطور روسیه تاحدی که این‌شرط راجع بخوداوست حسین خان سردارسابق ایروان وبرادرش حسن‌خان و کریم‌خان حاکم‌سابق نخجوان‌را ازانتفاع مداول‌شرط مزبوره مستثنی‌میدارد .

فصل‌سیزدهم - تمام اسراءِ جنگی راکه طرفین درهنگام محاربهٔ اخیره ویا قبل‌ازآن دست گیر کرده‌اند وهمچنین‌اتباع دولتین که‌دراوقات‌سایره اسیراً گرفتار شده‌باشند درظرف چهارماه مسترد خواهندشد .

بعد ازآنکه باین اشخاص ارزاق و اشیاء لازمه داده شد مومی‌الیهم را بطرف عباس‌آباد حرکت‌داده ودرآنجابه کمیسرهائیکه ازطرفین برای‌استرداد وتهیهٔ‌اعزام باوطان‌ایشان مأمورشده‌اند تسلیم خواهند کرد .

دربارهٔ اسراءجنگی واتباع‌دولتین که باسیری گرفتارشده وبسبب‌بعدمکان‌آنها ویابعلت دیگری‌درظرف مدت‌فوق مستردنشده‌آند طرفین‌معاهدین همین ترتیبات‌را

مرعی‌ومجری خواهندداشت .

دولتین‌ایران وروس‌مخصوصاً این‌حق‌رابرای‌خود قرارمیدهند که ای‌وقت‌کان این‌قبیل اشخاص‌را مطالبه نمایند وملتزم میشوند که هروقت‌خود اسراءِ اظهار کرده یااز طرفین مطالبه‌شدند مومی‌الیهم‌را مستردسازند .

فصل چهاردهم - دولتین‌معظمتین معاهدتین اخراج فراری‌ها وترانس‌فوژ - هائی‌را(۱) که‌قبل ازجنگها یادرمدت‌آن بتحت‌اطاعت وحکومت‌طرفین آمده‌باشند مطالبه نخواهند کرد .

ولی چون‌مناسبات خفیهٔ‌بعضی ازترانس‌فوژها باتابعین‌وهموطنان سابق‌موجب حصول‌نتایج مضره میشود لهذا محض دفع وجلوگیری این نتایج دولت علیهٔ ایران متعهد میشود که در متصرفات خود که مابین حدود ذیل واقع است حضور و توقف اشخاصیکه‌الحال‌یابعدهابه‌اسمه‌مشخص‌خواهندشدروانداردومقصوداز‌حدوداز‌یکطرف رود ارس وازطرف دیگر خطی است که بواسطهٔ رود جهریق و دریاچهٔ ارومی ورود جقتو روورود غزل‌اوزن الی‌مصب‌آن دردریای‌خزر ترسیم میشود .

اعلیحضرت‌امپراطور کل روسیه‌نیز وعده‌میدهد که درخانات‌قراباغ‌ونخجوان ودر قسمت خانات ایروان که درسمت راست ارس واقع است ترانس فوژهای ایرانی نگذاردتوطن وسکنانمایند.

ولیکن‌مقرراست که این‌ماده‌صورت لزوم‌نخواهدیافت مگردربارهٔ اشخاصیکه طرف رجوع‌عامه یادارای بعضی‌مقامات دیگرهستند ازقبیل‌خوانین وبیکهاورؤسای روحانی یعنی‌ملاها که باعمال‌شخصی وتحریك ومناسبات خفیهٔ ایشان باعث سوء اثر دربارهٔهموطنان‌وتابعین قدیم‌آنهامیشود وامادرخصوص‌نفوس عامه‌مملکتین مقرراست که‌اتباع‌دولتین که‌بممالك‌یکدیگررفته یادرآتیه‌بروندآزادهستند که‌درهرجائیکه آن‌دولت یعنی‌دولتی که این‌اشخاص درحیطهٔ حکومت واقتدارآن درآمده‌اند صلاح داندتوطن‌وسکنانمایند .

فصل پانزدهم - چون قصدسلیم ونیت‌خیریت عمیم‌اعلیحضرت‌شاهنشاه‌ایران

---

۱ - کسیکه ازاردوی خود باردوی خصم رفته باشد

این است که ممالك خودرا مرفه‌الحال واتباع دولت علیه‌را ازتشیید مصائب وصدمات حاصلهٔ این جنگ که بسلم‌وسعادت ختم شده‌است مصون ومحفوظ دارد لهذا دربارهٔ تمام‌اهالی‌وکارگذاران آذربایجان عفوی کامل‌ورحمتی‌شامل مبذول‌میدارندبطوریکه هیچیك ازاین‌اشخاص چه‌بجهت‌عقاید ونیات‌وچه‌ازحیث‌رفتار و کرداری که درموقع جنگ‌یادرمدت تصرف‌ایالات مزبوره ازایشان بظهوررسیده مورد تعرض واذیت واقع نخواهدشد وعلاوه‌براین‌ازامروز مهلتی‌یکساله بآنهاداده‌میشود تااینکه بطورآزادی ازممالك‌ایران باکسان خود بممالك روسیه‌بروند واموال منقولهٔ خودرا بخارج‌حمل نموده وبفروش‌برسانند بدون‌اینکه دولت‌علیهٔ‌ایران یاکارگذاران محلی‌اندك‌ممانعتی نموده واز اموال واشیائیکه فروخته یابخارج حمل‌میشود حقوق ومرسومی دریافت یاتکلیفی درمورد آن بگذارند امادرباب اموال غیرمنقول بمومی‌الیهم پنج‌ساله مهلت داده‌میشود که اموال مزبوره‌را بفروش برسانند یابطور دلخواه انتقال وانتزاع نمایند

کسانیکه‌دراین مدت‌یکساله مجرم‌به‌جنحه‌وجنایت (کریم) (۱) ومستوجب سیاست‌معمولهٔ‌دیوانخانه‌شوند ازاین عفومستثنی خواهندبود .

فصل‌شانزدهم - وزرای‌مختار طرفین‌بمجرد امضای این‌عهدنامه صلح عاجلاً بتمام‌نقاط‌اعلام واحکام‌لازمه خواهندفرستاد که مخاصمه‌را بلاتأخیر ترك‌نمایند .

این‌عهدنامه که به‌نسختین وبه‌یك‌مدلول نوشته‌شده وبامضاءومهر وزرای‌مختار طرفین رسیده‌است بتصویب‌وتصدیق شاهنشاه‌ایران واعلیحضرت امپراطور کل‌روسیه خواهدرسید وتصدیق‌نامجات معتبره که دارای امضای ایشان‌بوده‌باشد درظرف چهار ماه‌ودرصورت امکان‌زودتر بتوسط‌وزرای مختارطرفین مبادله خواهدشد .

بتاریخ‌دهم ماه‌فوریه سال‌خجسته‌فال سنه‌۱۸۲۸ مطابق‌پنجم‌شعبان سنه‌۱۲۴۳ هجری‌درترکمانچای تحریرشد .

---

1 – Crime

عهدنامه (۱)

تجارتی مابین ایران و روس در ترکمانچای

بتاریخ ۲۲ - ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ مطابق ۵ شعبان ۱۲۴۳ منعقدشده

فهرست مندرجات

فصل اول - تذکره - تجارت اتباع دولتین - ترتیبات راجعه به متروکات تبعهٔروس .

فصل دوم - کنترات وسایرقراردادهای کتبی تبعهٔدولتین و ترتیباتی که بآن راجع است - درباب تعهداتیکه‌مابین اتباع طرفین بوقوع میرسد - افلاس ورشکستگی

فصل سوم - مال‌التجاره دولتین وحقوقی که بآن تعلق میگیرد .

فصل چهارم - آزادی تجارت درصورت جنگ یکی‌از دولتین بادولت ثالثی

فصل پنجم - حقی که درتملیك بعضی مستغلات باتباع روس داده شده است - مصونیت خانه‌ومأوای تبعهٔروس وترتیباتی که درصورت تفحص بایدمعمول‌شود .

فصل ششم - بعضی اشیاء مأمورین روس که از حقوق گمرکی معاف است - درباب اتباع‌ایران که درخدمت مأمورین روس‌هستند .

فصل هفتم - محاکمات مرافعه‌مابین اتباع‌روس درایران - مرافعه‌مابین‌اتباع روس واتباع خارجه - مرافعه اتباع ایران و روس - ترتیباتی که در صورت تجدید رسیدگی بمرافعه‌باید منظورشود .

فصل هشتم - محاکمهٔ امورجنایتی اتباع‌روس درایران .

فصل نهم - مسئولیت کارگذاران دولتی درصورت تخلف‌ازمداول‌عهدنامه .

---

۱ - وزارت‌خارجه ایران عهدنامجات شاهنشاه‌مبرور فتحعلیشاه طاب‌ثراه‌ورسایل اولیای‌دولت علیه‌سنه۱۲۲٤ لغایت۱۱۳۹ نمره۳۰خطی

بنام خداوند متعال

فصل اول - چون طرفین معظمین معاهدین مایل هستند که اتباع خودرا از کلیه فواید ومنابعی که از آزادی تجارت حاصل میشود بهرمند سازند لهذا تفصیل ذیل را مقرر داشتند اتباع روس که دارای تذکرهٔ صحیح بوده باشند میتوانند در تمام نقاط ایران به تجارت اشتغال ورزیده ونیز بدول همجوار آن مملکت بروند درازای آن رعایای ایران هم میتوانند که ازدریای خزر ویا ازسرحد خشکی که فاصل بین دولتین است مال التجارهٔ خودرا بروسیه وارد کرده وبمعاوضه رسانند ونیز درروسیه متاع دیگر خرید کرده وبخارج حمل کنند.

مومی الیهم درممالك اعلیحضرت امپراطور روس ازتمام حقوق وامتیازاتی که بررعایای دول کاملة الوداد داده شده است بهرمند خواهد بود.

درصورت وفات یکی ازاتباع روس درایران اموال منقوله وغیر منقولهٔ او نظر به تعلّق برعیت دولت دوست بالتمام باقوام وشرکاء او داده میشود ومشارالیهم درصورتیکه صلاح دانند حق خواهند داشت که اموال مزبوره را انتقال وانتزاع دهند.

درصورت فقدان اقوام یاشرکاء اختیار اموال مذکوره بسفارت یاقونسول روس مقیم ایران واگذار خواهد شد بدون اینکه ازطرف کارگذاران محل ممانعتی بظهور رسد.

فصل دوم - کنترات وبروات وضمانت نامه وسایر قراردادهای کتبی که راجع بامور تجارتی است ومابین رعایای طرفین منعقد میشود در نزد حاکم (قاضی عرف) وقونسول روس ودرجائی که قونسول نباشد فقط درنزد حاکم ثبت خواهد شد تا اینکه درصورت وقوع منازعه مابین طرفین بتوان تحقیقات لازمه را بعمل آورده وعدلا رفع اختلافات نمود.

اسنادیکه بطور فوق الذکر تصدیق ونگاشته شده باشد درهر محکمهٔ عدلیه معتبر خواهد بود واگر شخصی بدون اسناد مزبوره بخواهد باطرف مقابل ترافع نماید وبغیر ازشهود دلیل دیگری اقامه نکند مسموع نخواهد شد مگر اینکه مدعی علیه اقامهٔ شهود اورا قبول کند.

تعهداتیکه بترتیب فوق الذکر مابین رعایای دولتین وقوع مییابد بدون کم و کسر مرعی و معمول خواهد گردید و اگر یکی از طرفین از اجرای مدلول آن امتناع کرده و باعث ضرر طرف مقابل شود باید خسادت وارده را عهده نماید .

درصورت ورشکستی یکی از تجار روس در ایران حقوق ارباب طلب از اموال واشیاء شخص ورشکست داده میشود ولی اگر از وزیر مختار وشارژدافر یا قونسول روس خواهش شود که تحقیق کرده و معلوم نمایند آیا شخص ورشکست در روسیه بعضی اموال دارد که طلبکاران بتوانند از آن استیفای حق نمایند مشار الیهم نباید در تحقیق این مسئله مساعی جمیلهٔ خودرا مضایقه دارند .

ترتیبات مقررهٔ دراین فصل بالمقابله درمورد رعایای ایران که درروسیه درتحت حمایت قوانین آن مملکت تجارت مینمایند مرعی و معمول خواهد بود .

فصل سوم - محض اینکه تجارت اتباع مملکتین از منافعی که موضوع شروط سابق الذکر است بطور محکم بهرمند شوند مقرر میشود که از مال التجارهٔ که اتباع روس بایران وارد واز آن مملکت خارج میکنند و نیز از امتعهٔ ایران که اتباع دولت علیه ازراه بحر خزر ویا از سرحد خشکی بین الدولتین بمملکت روسیه حمل مینمایند و هکذا از مال التجارهٔ روس که اتباع ایران از مملکت روسیه واز طرق فوق الذکر خارج میکنند کما فی السابق حقوق صدی پنج فقط یکدفعه درموقع ورود یا خروج دریافت شده و علاوه بر آن هیچگونه حقوق گمرکی مطالبه نشود .

دولت روس تعهد مینماید که درصورتی هم که لازم دانست دستور العمل گمرکی و تعرفهٔ جدید برقرار نماید معهذا بر حقوق صدپنج فوق الذکر چیزی نیفزاید .

فصل چهارم - اگر دولت ایران یاروس بادولت دیگری درمقام جنگ بوده باشد رعایای مملکتین ممنوع نخواهند بود از اینکه بامال التجارهٔ خود از خاك یکدیگر عبور کرده و بمملکت محارب روند .

فصل پنجم - چون موافق رسوم جاریهٔ مملکت ایران اتباع خارجه باشکال خانه و مغازه و امکنهٔ وضع مال التجاره برای اجاره پیدا مینمایند لهذا اتباع روس علاوه بر حق اجاره مجاز میباشند که خانهٔ برای سکونت و مغازه و امکنه برای وضع مال التجاره

بحیطهٔ ملکیت در آورند کارگذاران دولت علیهٔ ایران مأذون نیستند که عنفاً داخل خانه‌و مغازه‌و امکنهٔ مزبوره‌شوند درصورت‌لزوم بایدباستیذان وزیر مختار یاشارژدافر یاقونسول‌روس مراجعه کنند ومشارالیهم درکمان (۱) یایکی ازاجزاء خودرا مأمور خواهند کرد که درموقع معاینهٔ‌خانه یامال‌التجاره حضور بهمرساند .

فصل ششم - چون وزیر مختار و شارژدافر اعلیحضرت امپراطور روس و نیز اجزاء سفارت وقونسلها ودرگمانها اشیائی که متعلق بملبوس است و همچنین غالب ضروریاتی که بجهت‌معیشت آنها لازم‌است درایران‌پیدانمیکنند علیهذا مأذون‌هستند که بدون ادای‌حقوق وسایر تکالیف اشیائی که فقط مخصوص مصارف خودشان است وارد نمایند .

دربارهٔ مأمورین‌رسمی اعلیحضرت شاهنشاه ایران مقیمین ممالك روسیه‌رفتار بمثل‌ازاین حیث کاملاً منظور خواهدبود .

اتباع ایران که جزو من‌تبع وزیر مختار و شارژدافر یاقونسول بوده و بجهت خدمت مشارالیهم لازمند مادامیکه درنزد ایشان هستند مانند اتباع روس و بالسویه ازحمایت آنها بهره‌مند خواهندبود .

ولی‌اگر یکی ازاین‌اشخاص مرتکب جنحه وبدین‌سبب مورد سیاست قوانین جاریه شود وزیر ایران یاحاکم ودر صورت فقدان او کارگذاران محلی که حق‌این اقدام را داشته باشند فوراً از وزیر مختار یاشارژدافر یا قونسولی که شخص مظنون درخدمت اواست تسلیم‌مومی الیه‌را خواهند خواست واگر این عنوان مبنی‌بردلایلی است که‌تقصیر شخص‌متهم‌را ثابت‌مینماید وزیر مختار یاشارژدافر یاقونسول درقبولی این‌خواهش‌نبایدهیچگونه اشکالی‌نمایند .

فصل هفتم - تمام امور متنازع فیها ومرافعاتی که مابین اتبـاع روس بوقوع میرسد موافق‌قوانین ورسوم دولت روسیه فقط برسیدگی وحکم‌سفارت یاقونسولهای

---

(۱) Drogman

اعلیحضرت امپراطورروس رجوع خواهدشد (۱) .

وهمچنین است اختلافات ودعاوی واقعه مابین اتباع روس واتباع مملکت دیگری درصورتیکه طرفین بحکومت مشارالیهم تراضی نمایند .

اختلافات ومرافعاتی که مابین اتباع ایران وروس بظهور میرسد مراجعه بمحاکم شده رسیدگی وحکم آن بایددرحضور درگمان سفارت یاقونسولگری بعمل آید .

باین قبیل دعاوی که بروفق قانون عدالت ختم شده است مجدداً رسیدگی نمیشود واگرتجدیدرسیدگی لزوماًاقتضانمود بایدباستحضاروزیرمختاریاشارژدافر یاقونسول روس ودر حضور درگمان سفارت قونسولگری دریکی از دفتر خانهای اعلیحضرت شاهنشاهایران که درتبریزودرطهران منعقداست تجدیدرسیدگی بعمل آمده وحکم داده شود .

فصل هشتم ـ چون وزیر مختار و شارژدافر و قونسول حق قضاوت در مادهٔ هموطنان خود دارند لهذا در صورتیکه مابین اتباع روس قتل و جنایتی بوقوع رسد رسیدگی ومحاکمهٔ آن راجع بمشارالیهم خواهدبود .

اگرشخصی ازاتباع روس یااتباع مملکت دیگری متهم بجنایتی گردید مورد هیچگونه تعرض ومزاحمت ، نخواهدبود مگردرصورتیکه شراکت او درجنایت مدلل وثابت شود ،

ودراینصورت ونیز درصورتیکه تبعهٔ روس بشخصه منسوب بمجرمیت شده باشد محاکمات مملکتی بدون حضور مأموری ازطرف سفارت یاقونسول روس نباید بمسئلهٔ جنایت رسیدگی کرده وحکم دهند واگردرمحل وقوع جنحه سفارت یاقونسولگری وجودندارد کارگذاران آنجا مجرم را بمحلی اعزام خواهند داد که درآنجا قونسول یا مأموری از طرف روسیه بر قرار شده باشد حاکم وقاضی محل استشهاداتی را که برعلیه وله شخص مظنون است تحصیل کرده وامضا منماید و این دوقسم استشهاد که بدین ترتیب نوشته شده وبمحل محاکمه فرستاده میشود سند و نوشتهٔ معتبر دعوی

---

۱ ـ مقصود این است که مرافعات مابین تبعهٔ روسیه باید رجوع بسفارت یاقونسول شود ومشارالیهم موافق قوانین روسیه رسیدگی کرده وحکم دهند .

محسوب خواهد شد مگر اینکه شخص مقصر خلاف و عدم صحت آنرا بطور واضح ثابت نماید .

پس از آنکه کما هوحقه تقصیر شخص مجرم بثبوت رسیده و حکم صادر شد مومی الیه به‌وزیر مختار یاشارژدافر یا قونسول روس تسلیم خواهد شد که به‌روسیه فرستاده‌شده ودرآنجا موافق‌قوانین سیاست‌شود .

فصل نهم - طرفین معظمین معاهدین اهتمام خواهند داشت که شرایط این عهدنامه طابق‌النعل بالنعل‌معمول ومجری گردد حکام‌ولایات و رؤسا وسایرمأمورین دولتین درهیچ‌موقع از مفاد آن تمرد نخواهندنمود والا جداً مسئول و در صورتیکه مجدداً ازمفادآن تخلف کرده و کما هوحقه خلاف‌ایشان محقّق گردید مستلزم‌عزل خواهند بود .

علیهذا ما امضی کنندگان ذیل وزرای مختار اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت‌امپراطورروس‌شرایط‌مندرجهٔ‌این‌عهدنامه‌رامنعقدومقررداشتیم‌واین‌شرایط که‌متمّم‌فصل‌دهم عهدنامهٔ‌عمد است که امروزدرتر کمان چای منعقد شده است همان اعتبارواستحکام‌را خواهدداشت‌کانه لفظ‌بلفظ درهمانجا درج‌شده‌باشد .

بناءعلیهذا این قرارداد جداگانه به‌نسختین نوشته شده بامضی ومهر ما رسید و مبادله گردید .

در تر کمان چای بتاریخ دهم فوریه سال نیکو فال ۱۸۲۸ مطابق پنجم شهر شعبان‌سنهٔ ۱۲۴۳ هجری

صورت مجلس (۱)

در باب تشریفات پذیرائی سفراء کبار و مأمورین سیاسی

در ترکمانچای بتاریخ ۱۰-۲۴ فوریه امضی شده است

وزرای مختار ایران و روس طبق فصل نهم عهدنامهٔ عمده امروز اجلاس کردند که برای پذیرائی سفرای کبار و وزرای مختار و شارژدافرهائیکه از طرفین بدیار یکدیگر فرستاده میشوند تشریفات مناسبی مرتب دارند و بالاتفاق تفصیل ذیل را مقرر داشتند

بمحض اینکه وزیر ایران از ورود سفیر کبیر روس به تفلیس رسماً مطلع گردید بدون اتلاف وقت شخصی که رتبهٔ او مناسب شأن سفیر بوده باشد منتخب نموده تاسرحد باستقبال مشارالیه خواهد فرستاد و در این ضمن وزیر ایران سر کردهٔ کل گرجستان را از عزیمت مهماندار یعنی شخصی که برای همراهی سفیر کبیر معین شده است مطلع داشته و روز ورود اورا بسرحد تخمیناً معین مینماید سفیر کبیر هم اهتمام کرده و مسافرت خودرا بطوری ترتیب خواهد داد که مقارن ورود مهماندار بسرحد برسد از وقتی که مهماندار سفیر کبیر راملاقات مینماید مسئول حفظ امنیت و عزت و احترام مقتضیه جناب معزی الیه خواهد بود .

درهر منزل استقبالی یعنی هیئتی که مرکب ازرئیس یامعتبرترین آن محل وچندنفر ازمعارف است بامن تبع شایسته برای پذیرائی سفیر کبیر خواهد آمد .

اگر سفیر کبیر درحا کم نشین ایالتی مکث نماید هیئت مذکوره درتحت ریاست خودحا کم خواهد بود و مشارالیه بجناب سفیر کبیر تهنیت و تبریك ورود گفته و معزی الیه راالی منزلی که برای او تهیه شده است مشایعت مینماید .

---

(۱) وزارت خارجه ایران عهدنامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه ورسایل دولت علیه سنه ۱۲۲۳ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳۰ خطی

درصورتیکه‌سفیر کبیردریك‌شهری مکث‌نماید که‌حاکم آنجافرزنداعلیحضرت همایونی است حضرت معظم الیه وزیر خودرا برای تبریك و خوش آمد به استقبال معزی‌الیه میفرستد .

اگر سفیر کبیر بدیدن حضرت معظم‌الیه‌آید مشارالیه وتمام‌اشخاصیکه‌جزو سفارت‌هستند دعوت‌بجلوس‌شده وبجناب سفیرصندلی داده‌خواهدشد .

دررهگذر جناب‌سفیر هرجائی که قشون موجود است باید تحت‌السلاح بوده احترامات‌نظامی معموله‌را دربارهٔ معزی‌الیه مرعی‌دارند .

مهماندارا‌هتمام کرده ووزارت رابموقع ازورودسفیر کبیرمطلع‌خواهدساخت تااینکه وزارت‌بتواند تدارکات‌لازمهٔ ورودوپذیرائی رسمی‌مشارالیه‌را بعمل‌آورد .

وقتی که‌سفیر کبیر به‌آخرین منزل‌پایتخت‌یابه‌آخرین منزل‌اردوی‌همایونی رسیدشخص معتبری مشارالیه‌را ازطرف اعلیحضرت‌همایونی خواهدپذیرفت .

در نیمهٔ راه الی پایتخت یانیمهٔ راه ازاردوی همایونی هیئت محترمی ازطرف اعلیحضرت‌شاهنشاهی بریاست‌یکی‌ازرجال‌درباربا‌ستقبال جناب‌معزی‌الیه‌خواهدآمد

وعساکرساخلوی‌شهریاعساکراردوبجناب‌معزی‌الیه‌پیش‌فنگ‌زده واحترامات نظامی لازمه‌را معمول‌خواهندداشت ورئیس‌مستقبلین‌همایونی فی‌الفور سفیر کبیررا بمنزلی‌که برای مشار الیه مهیا شده و در آنجا گارد دونور (۱) گذارده شده است راهنمائی خواهد نمود فردای ورود سفیر کبیر وزرای اعلیحضرت همایونی و رجال سلطنتی بدیدن جناب معزی‌الیه خواهندآمد وپس‌فردای آن‌جناب سفیر کبیررسماً بحضورهمایونی مشرف خواهدشد .

ایشیك آقاسی‌باشی در ساعت مقرر آمده وبجناب معزی‌الیه اطلاع‌خواهدداد که‌برای‌پذیرائی‌او همه‌چیزمهیاست پس‌ازآن جناب سفیر کبیربترتیب ذیل‌حرکت خواهد کرد .

فراشان شاهی در جلو و عقب آنها یك‌قسمتی از گارد یا از پیشخدمتان خود

(۱) گارداحترام

سفیر کبیر درحالتیکه اسبی که از طرف همایونی فرستاده شده یااسب خودرا سوار میباشند یکنفر ازمیر آخوران همایونی درجلوی معزی‌الیه وهیئت سفارت درطرف دست راست و ایشیك آقاسی باشی درطرف دست چپ وشاطران سرکاری در جنبین حرکت‌مینمایندبلافاصله قسمتی‌از گاردیاازپیشخدمتان‌خودجناب‌معزی‌الیه‌ودرعقب آنهافراشان همایونی‌میآیند .

عساکریکه در درون قصر یا درارددوی همایونی الی محل دخول بحیاطهای خلوت یاسراپرده گذارده‌میشوند بسفیر کبیرپیش‌فنك‌خواهندزد وایشیك آقاسی‌باشی که‌درجلوسفیر کبیرمیرود سعی‌خواهد کرد که تمام‌اشخاصیکه درمدخل گذرجناب معزی‌الیه‌هستندسرپاایستند .

سفیر کبیر درمحل دخول‌بحیاطهای خلوت یاسراپرده پیاده‌شده بمنزل‌وزیر اول یابچادر سپهسالار رهنمائی شده ودر آنجا تا بیرون آمدن اعلیحضرت همایونی منتظرمیشود .

پس از آن ایشیك آقاسی باشی جلو افتاده و جناب سفیر کبیر بامن‌تبع‌خود بحیاطهای خلوت یاسرابرده داخل‌میشود .

گاردیاپیشخدمتان‌جناب‌سفیر کبیردرمحوطهٔخارجی‌مانده‌وایشیك آقاسی‌باشی ورود سفیر کبیر را بعرض رسانیده وازطرف اعلیحضرت همایونی معزی الیه‌راتکلیف بجایگاه مخصوص یاچادرمینماید .

جناب سفیرباتمام من‌تبع‌مجاز بدخول‌خواهدبود ودرهیچ‌مورد نه‌بسفیر کبیر ونه‌باتباع معزی‌الیه تکلیف نخواهدشد که لباسی راکه دربردارند تغییر دهند لیکن جناب معزی الیه ومن‌تبع اوسعی کرده و گالشی‌برای‌خود تحصیل خواهند نمود که درمحل‌دخول بجایگاه‌مخصوص یاچادر بیرون‌آورند .

اعلیحضرت‌همایونی بعدازنطق‌سفیر کبیرایشانرادعوت بجلوس‌فرموده‌وصندلی بجناب‌معزی‌الیه داده‌میشود بعداز ختم‌مجلس سفیر کبیر بهمان ترتیبی که آمده‌است مراجعت خواهندنمود بدون‌اینکه بمنزل‌وزیر اعظم‌یاسپهسالار داخل‌شود پس ازاین شرفیابی ازکسانیکه بدیدن‌او آمده‌اند بازدیدخواهد کرد .

برای وزیر مختار یا شارژدافر روس هم همین تشریفات برقرار خواهد بود الا اینکه صاحب منصبانی که باستقبال ایشان فرستاده میشوند در رتبهٔ پست تر واجزاء آنها درعده کمتر خواهند بود و تمام ساخلو برای مشار الیهم بیرون نخواهد آمد فقط عساکر قراولخانه بمشار الیهم پیش فنك میزنند .

وزیر اول اعلیحضرت همایون در ملاقات سبقت نمیکنند ولی بدون تأخیر در روز بعد ببازدید ایشان خواهد رفت .

اگر سفیر کبیر یا وزیر مختار و شارژدافر حامل نامهٔ از طرف سلطان خود بوده باشد اعلیحضرت همایونی آنرا بدست خودشان ازاو خواهند گرفت .

همین تشریفات نیز در روسیه دربارهٔ سفرای کبار و وزرای مختار و شارژدافرهای ایران که بسمت مأموریت بدربار پطرسبورغ میروند مرعی و مجری میشود لیکن تفاوت رسومات جاریهٔ مملکتین هم منظور خواهد بود .

اینصورت که به نسختین نوشته شده و بامضی و مهر وزرای مختار طرفین رسیده است همان حکم و اهمیت را خواهد داشت کانه لفظ بلفظ در عهد نامهٔ عمدهٔ امروز مندرج شده باشد .

در ترکمان چای دهم فوریه سال نیکو فال سنهٔ ۱۸۳۸ مطابق پنجم شعبان سنهٔ ۱۲۴۳ هجری .

II - منابع ومآخذ

۱ - اسناد رسمی

الف - وزارت خارجهٔ ایران : اسناد رسمی وزارت خارجهٔ ایران عهدنامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه و رسایل اولیای دولت علیه سنهٔ ۱۲۲٤ لغایت ۱۲٤۹ نمرهٔ ۳ خطی

ب - وزارت خارجهٔ فرانسه : اسناد رسمی وزارت امور خارجهٔ فرانسه تا ۱۸۷۱ (۱) :

پروندهٔ شمارهٔ ۸ ایران از ۱۷۵۸ تا ۱۸۰۵ مکاتبات اسلامبول - بغداد - بصره حلب وغیره .

پروندهٔ شمارهٔ ۹ ایران از ۱۷۵۸ تا ۱۸۰۸ ژوبر و رومیو مأمورین اعزامی از طرف دولت فرانسه مکاتبات اسلامبول و بغداد و بصره و حلب وغیره

پروندهٔ شمارهٔ ۱۰ ایران از آوریل تا دسامبر ۱۸۰۸ اسناد و مکاتبات هیئت اعزامی ژنرال گاردان

پروندهٔ شمارهٔ ۱٤ ایران از ۱۸۰۷ تا ۱۸۰۹ اسناد و مکاتبات هیئت اعزامی گاردان

ج - اسناد بایگانی ملی فرانسه : قسمت وزارت امور خارجه دورهٔ کنسولی و امپراطوری (۲) .

---

1) ARCHIVES DU MINISTERE DES AFFAIRES ETRAN – GERES : Etât numérique des fonds de la correspondance politique de l' origine â 1871 . Paris , Imprimerie Nationale MXXXVI , In – ventaire des Archives du Ministére des Affaires Etrangéres .

2) ARCHIVES NATIONALES; Fonds de la Secrétairerie d'Etat. Consulat et Empise R . F . IV . 1686 .

د _ **اسناد بایگانی ملی دولت انگلستان :** لندن تالار مطالعات و تحقیقات ادبی بخش ۳ فهرست اسناد وزارت امور خارجه تا ۱۸۷۸ (۱).

جلد اول ۱۸۰۷ تا ۱۸۰۸ سرهارفورد جونس و مسائل مختلف مربوط باوضاع داخلی

جلد دوم ۱۸۰۹ « « « « « «

جلد سوم ۱۸۱۰ « « « « « «

جلد پنجم ۱۸۱۱ تا ۱۸۱۲ « « « « «

جلد ششم ۱۸۱۱ تا ۱۸۱۲ از ژوئیهٔ سر گوراوزلی

جلد هفتم ۱۸۱۲ ازاوت تا دسامبر « «

جلد هشتم ۱۸۱۲ سر گوراوزلی و مسائل مختلف داخلی

جلد بیست و پنجم ۱۸۲۵ هانری ویلوك

جلد بیست و هفتم ۱۷۲۶ « «

جلد سی ام ۱۸۲۷ _ ۱۸۲۸ مسائل داخلی صادق بیك و مسائل مختلف

۲ = کتب و مجلات فارسی

ابوالقاسم حسینی فراهانی قائم‌مقام : منشآت چاپ تهران شعبان ۱۲۸۰

حاج میرزا حسن حسینی : فارسی نامه ناصری تهران ۱۳۱۳

رضاقلیخان هدایت : روضة‌الصفا ناصری تهران ۱۲۶۹

عبدالرزاق ابن نجفقلی : مآثر سلطانیه چاپ تبریز ۲۱٤۱

محمدتقی سپهر لسان‌الملك : ناسخ‌التواریخ تهران ۱۲۶۷

محمدحسن خان اعتمادالدوله : منتظم ناصری تهران ۱۲۹۸ - ۱۳۰۰

محمدحسن خان صنیع‌الدوله : مرآت البلدان ناصری تهران ۱۲۹٤

محمدصادق مروزی خراسانی : تاریخ جهانگشای مروزی

---

1 : PUBLIC RECORD OFFICE : London , Litterary search room Departments3 L · II List of Foreign Office records TO 1978 Persia FO 60 .

مولوی ابوالوالی: وقایع تسلط روسیه بر آسیا و ولایات خان‌تر کستان چاپ بنگال ۱۲۰۰

مجلهٔ آینده :

مجلهٔ کاوه : مقالات مربوط بروابط ایران و روس بقلم آقای جمال‌زاده

۲ ـ کتب و مجلات خارجی

1-OUVRAGES

ALEXANDER J.E.—Travels from India to England, comprehending a visit to Burman Empire and a journey through Persia, Asia Minor, European Turkey, etc., in the years 1825-26. London, Allen and C°, 1827 in 8°.

DEHERAIN Henry— Lettres inédites de membres de la mission Gardane en Perse (1807–1809) Revue de l'Histoire des colonies françaises, 1923, XVI, IV, en trimestre

DROUILLE Gaspard.—Voyage en Perse fait en 1912 et 13. Paris La Librai-Nationale et Etrangère, 1825 deux volumes in 8°.

DUPRE Adrien,—Voyage en Perse fait dans les années 1807-08 et 09. Paris, Paris, J-sG. Dentu, Imprimeur Libraire 1819, 2 vol. in-8°.

FERRIER (J. P.—Voyage en Perse, dans l'Afghanistan, le Béloutchistan et Turkestan, Paris, E'Dentu 1860 9 vol. in-8°.

FEUVRIER (D).—Trois ans à la Cour de Perse: Imprimerie Nationale, 1906, in-8°.

FLANDIN Eugène. -Voyage en Perse. Paris, 1843-54, Deux volumes in-8°.

FRFYGANG Fredirika et Wilhelm Von.—Lettres sur la Caucasie et la Géorgie, suivies d'une relation d'un voyage en Perse 1802 (traduit de l'allemand par M. de Sreve. Ministre de Russie à Hambourg), Hambourg, Purthes et Bresser, 1816. in-8°.

GARDANE (Comte Alfred de).—Mission du Général Gardane en Perse sous le Premier Empire. Paris Librairie de A'-D. Lainé, 1865, in 8°.

GARDANE (Général) Journal d'un voyage dans la Turquie d,Asie et la Perse, fait en 1865, in 8 Paris le Normand, 1809, in-8°.

GOBINEAU (Comte de).-Trois ans en Asie de 1855 à 1858. Paris Hachette, 1859, in-8° Edit 1905.

JAUBERT P. Amédée.—Voyage en Arménie et en Perse fait dans les années 1805 et 1806 Pélicier, 1821, in 8°.

JOHNSON (Lt-Colonel John).—A Journey from India to England, Persia, Georgia, Russia, Poland and Prussia, in the year 1817. London, Longmans 1818, in-8°.

MORIER Jacques (James).—Voyage en Perse, en Arménie, en Asie Minieure et à Constantinople, fait dans les années 1808 et 1809. Traduit de l'nnglais par M. X-., Paris. Nepveu Librairie, 1815, 2 sol. in-8°.

MORIER Jacqûes (James).—Second voyage en Perse, en Arménie et dans l'Asie Minieure, fait de 1810 â 1816, Traduit de l'anglais par M,N,..Paris, Librairie de Gide Fils 1818.

NESSELRODE (Comte de).—Letters et papiers du Chancelier Comte de Nesselrode, extraits de ses archives, publiés et annotés, avec une introduction par le Comte A de Nesselrode. Paris, A Lahure 1908-1912). XI vol. in-8°

OUSELEY (Sir William).—Travels in various countries of the East, more particularly in Persia, 1810-12. London, 1823, 4 vol. in-foi.

BERARD Victor.—La révolte de l'Asie, Paris, A, Colin. 1904, inè8°.

—L'Empire Russe et Tsarisme Paris Armand Colin, 1905 in-8°.

—Rêvolutions de la Perse, les provinces, les peuples et le gouvernement du Roi des Rois, Paris, A Colin, 1910.

BLOCHET E —Catalogue des manuscrits persans de la Bibliothèque Nationale de Paris, 4 vol. Paris, 1905 1934,

BROWNE E.G,— A history of Persian Literature in modern Times. A.D. 1500 1924. Cambridge. At the University Press. 1924 in-8°.

CHAMPOLION FIGEACE,—Histoire de la Perse. Paris 1859, in-8°.

CROZIER (Comte de).—Les intérêts européens en Asie, Paris 1873, in-7°.

CURZON (Lord George Nataniel).—Persia and Persian Question' London, Longmans, 1892, 2 vol. in-8°.

DARMESTETER James.—Coup d'oeil sur l'histoire de la Perse. Paris, E.Leroux, 1885, in-8°.

DEBIDOUR A.—Histoire diplomatique de l'Europe. Paris, F. Alcan, 1931' 2 vol. in-8°.

DEMORGNY Gustave.—La question persane et la guerre' Paris. Le Renier, 1916. in-16°.

DICTIONNAIRE DIPLOMATIQUE.=Puhlié sous la direction de A-F. Franguilis, Paris, 1933. 2 vol. in-4°.

DRIAULT (J. Edouard.—Napoléon à Finkenstein (avril-mai 1807), Paris, Plon, 1899. in-8°.

—La quesrion d'Orient depuis ses origines jusqu'à nos jours. Paris, Felix Alcan. 1921, in-8°.

DUBEAUX Louis.—La Perse. Paris, Firmin-Didot Frères, 1841, in-8°,

DUMAS (Général J.B.).—Un fourrier de Napoléon vers l'Inde,, Paris, Henri,

Charles Lavauzele, éditeur militaire, 1915, in-8°

DUMONT.—Supplément au corps universel diplomatique du droit des gens. Amsterdam, 1739.

DUTEMPLE Edmond. Les Kadjars. Paris, Dentu, 1773, in-8°.

ENCYCLOPFDIE DE L'ISLAM.—Lerden« 1913.

FONTANE F.—La Russie en Asie Minieure. Paris 1840, in-8°.

FRASER James B.—An histörical and descriptive account of Persia from the earliest ages to the present times. Including a description of Afghanistan and Beloutchistan. Edinburg Cabinet Library, Edinburg, 1834, 1866, in-8°.

GILLET Damiette.—La Perse dans l'équilibre politique universel Paris, F. Dupont, 1866, in.8°.

GRANDE ENCYCLOPEDIE.—1885-1901. Paris H. Lamirault et Cie, 31 vol. in-4°.

GROUSSET René.—Histoire de L'Asie Paris, 1914, 3 vol. in-8°.

JOURDAIN A.M.—La Perse ou Tableau de l'histoire du gouvernement, de la religion, de la littérature, etc., de cet Empire. Des mœurs et coutumes de ses habitants. Paris, Ferra Librairie 1814, 5 vol. in-S°.

KLOPROTHE Jules.—Tableaux historiques, ethnographiques et politiques du Caucase et des Provinces limitrophes entre la Russie et la Perse Paris, Ponthieu, etc., 1827, in-8°.

LA MAMYE DE CLAIRAC C.A.—Histoire de Perse depuis le commencement de ce siècle. Paris, 1750, 3 vol.

LAVISSE et RAMBAUD E.—Histoire Gênérale. Paris, A. Colin, 1892-1901 in-8°.

LE BRUN RENAUD (Capitaine).—La Perse politique et militaire au XIX° siècle Histoire de la dynastie des Kajars (1703-1804) Paris, L. Boudoin, 1894, in-8°.

LEFEBVRE Georges.—Napoléon. Peuples et civilisations, Histoire Générale, T. XIV. Paris, Félix Alcan, 1935, in-8°.

MACKENZIE (Sir D. Wallace).—Tarik-rouss of Persian translation of «Russia» Laknau, 1888 (D.M. 14773 F. 9). Département de manuscrits du du British Museum, in-8.

MALCOLM (Sir John).—Histoire de la Perse. Paris, 1821. Pillet Ainé, 4 vol' in-8°.

MALCOLM (Sir John).—Histoire de la Perse. Paris 1821. Pillet Ainé, 4 vol.

MARKHAM Clément R.— A general sketch of the history of Persia, London, Longmane, Green and C°, 1884, in-8°.

MAHAN L. T.—The Problem of the Asia and its effects upon international policies. London, S.Low, 1900. in-16°.

MARTIN DAFTARI.—La suppression des capitulations en Perse, Paris, 1930, (Thèse).

MELICOT Jean-Louis (D). La Révolution russe et les nouvelles républiques Transcaucasiennes: Paris, Félix Alcan 1920, in-8°.

MELIOUKOV P., SEIGNOBOS Ch. EISENMANN L.—Histoire de la Russie Paris, Librairie Ernest Leroux, 2 tomes in-8°.

MINORSKY V.—Esquisse d'une histoije de Nader-Chah. Pub, de la S.E.I., Paris, 1934, in-8°.

PAWLOVITCH M.—La brigade russe en Perse. Paris, F. Leroux, 1911 in-8°.

PERRIN Narcisse.—La Perse ou l'histoire, mœurs et coutumes des habitants de ce royaume. Paris Nepveu Librairie. 1825, 7 vol. in-16°.

PRENTOUT Henri.—Histoire de l'Angleterre. Paris Hachette 1920, 3. édition, 2 vol. in-16°.

RAFFENEL C—D.—Résumé de l'Histoire de la Perse depuis I. origine de l'Empire des Perse jusqu'à ce jour. Paris Lecointe et Durey, 1825, in-12°.

RAMBAUD Alfred.—Histoire de la Russie depuis les origines jusqu'à l'année 1813, in-80°.

RAWLINSON (Sir Hénry) Major général.—England and Russia in the East. London, 1813, in-8°.

RECLUS Elisée.—Nouvelle géographie universelle. La terre et les hommes. Tome IX, Asie, Antérieure, Paris, Hachette, 1884, grand in-8°.

RIEU Ch.—Caralogue of Persian manuscripts in the British Museum, London, 1879-95. 4 vnl.

SAINT YVES G.—A l'assaut de l'Asie, Paris 1901, in-8°.

SYKES (Sir Percy) Brigadier Général.— A History of Persia. London, Macmillan and C°. in two volumes, third edition, 1930, in-8°.

THIEURY Jules—Documents pour servir à l'étude des relations entre la France et la Perse, suivis des traités de commerce conclus entre ces deux pays, Evreux, Imprimerie Auguste Herissey. 1866, in-4°.

VAMBERY Arminius.—The coming struggle of Russia in central Asia. London, 1885, in'8°.

VIDAL DE LABLACHE P. et L. GALLOIS. Géographie universelle. Tome VIII. Asie occidentale, par Raoul Blanchard. Paris Armand Colin. 1936 in-8°.

WATSON Robert Grant.—A History of Persia from the beginnin gof the

XIXth century to the years 1858, with a review of the principal events that led to the establishment to the Kadjar dynastic. London, 1860, in-8°.

WUSTENFELS MAHLER'SCHE VERGLEUCHUNGS—Tabellen der Mohammedanischen ung Christlichen Zeitrecherung. Leipzig 1926, Deutsche Morgenlandische Gesellschaft.

WILSON (L[-Colonei) Sir Arnould.—Persia Loudon, 1909.

A Bibliographie of Persia. Oxford, 1930. in-8°.

V – *Revues consultées.*

Ayendeh.

Blackwood's Edinhurg Magazine.

Calcuta Revinw (The).

Colburn's United Service Magazine.

Kaveh.

Nouvelles Annales des Voyages et des Sciences géographiques.

Quarterly Review

Review Britannique.

Revue de France (La).

Revue de l'Histoire des Colonies françaises.

Revue du Monde mumulsan.

Shatq.

B. *Principaux articles.*

ABOL-QASSEM-QAIM-MAQAM.—Letters d'Abbas Mirza à l'Empereur de Russie, publiées dans la Revue Ayendeh. revue politique et littéraire persane Par le Dr. Afchar T.H. Esfand, 1936.

BLACKWOOD'S EDINBURGH MAGASINE.—War between Persia and Russia, Vol. XXII, April 1828.

CALCUTTA REVIEW (THE).—Our political relations with Persia. From:

1. Progress of Russia in the East. 2nd Ed. 1838.
2. Quarterly Review, n° CXXVII, art. 7.
3. Foreign Office Correspondance relating to Persia and Afhanistan, presented to both Houses of Parliament by her Majesty's command, 1839.
4. Records of the Indian GOvernment,

S. The «Bombay Times». Etc.

Vol. 2XII, Sie 3, Calcutta, July 1849.

DEHERAIN Henri,—Lettres inéedites de Membres de la Mission Gerdane en Perse, publiées dans la Revue de l'Histoire des Colonies Françalses.T,

XVI. Paris, 1123.

DERLIEU André.—Une Ambassade française sous l'Empire, 1806, Publié dans Revue Britannique. T. XX. 7° Sie. Paris mars 1154.

DJAMAL ZADEH.—Ravabet-Irano Russe. Publié dans le revue Kaveh (persan) Djamal Zadeh. écrivain persan, a fait ses études de droit en France. Il est l'auteur de Guandj_Chaïguan. ouvrage économique sur la Perse ses articles, très bien informés, il fait l'histoire des relations russo-iraniennes depuis l'époque moscovite jusqu'en 1135 H.L. (Moharram): (Octobre 1622), chute de Shah-Sultan-Hossein.

NOUVELLES ANNALES DES VOYAGES ET DES SCIENCES GEOGRAPHIQUES.—Relations du meurtre de Gribidoff, t. 48 de la collection et t. 18 de la 2° série, 1830

PASKE (Colonel) E.H,). The relations of Persia with Russia, publié dans Colburn's United Service Magazine, Old Sie vol. CXIX, n° 714. New Sie, vol. L, n° 1, Octobre 1888.

POZZI Jean.—La France et l'Iran, publié dans la Revue de France, janvier 1937.

QAHRAMAMI.—Série de documents historiques publiée dans la revue Sharq T.I. Mehr-Farvardin_Tir-Chahrivar- Azar 1310.

SHELL Lady.—Persia, publié dans Quarterly Review (The). t01, n° 201—02. London, April 1857.

X...—La situation politique de la Perse, dans la «Revue du monde Musulman» T. XXVII. Paris (Juin 1914,) in 8°.

TAKAICHVILI M.—La Géorgie et la Perse au XVII° siècle, Publié dans la «Revue du monde Musulman», T.X. Paris, janvier 1910.

III اسامی اشخاص و طوایف و معاهدات

III اسامی اشخاص و طوایف و معاهدات

حرف «الف»

« حرف نون »

۱۷ - اسامی امکنه وبلاد

IV - اسامی امکنه و بلاد

حرف «الف»

حرف « س »

حرف « ش »

حرف « ص »

حرف « ط »

حرف « ع »

حرف « ف »

حرف «ق»

حرف «ك»

حرف «گ»

حرف «ل»

حرف «م»

حرف « ن »

حرف « و »

حرف « ه »

حرف « ی »



انتشارات دانشگاه تهران

شماره	عنوان	مؤلف / مترجم
۱ـ	وراثت (۱)	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲ـ	A Strain Theory of Matter	« « محمود حسابی
۳ـ	آراء فلاسفه در بارهٔ عادت	ترجمهٔ « برزو سپهری
۴ـ	کالبدشناسی هنری	تألیف « نعمت‌الله کیهانی
۵ـ	تاریخ بیهقی جلد دوم	بتصحیح سعید نفیسی
۶ـ	بیماریهای دندان	تألیف دکتر محمود سیاسی
۷ـ	بهداشت و بازرسی خوراکیها	« « سرهنگ شمس
۸ـ	حماسه سرائی در ایران	« « ذبیح‌الله صفا
۹ـ	مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی	« « محمد معین
۱۰ـ	نقشه برداری (جلد دوم)	« مهندس حسن شمسی
۱۱ـ	گیاه شناسی	« حسین گل گلاب
۱۲ـ	اساس‌الاقتباس خواجه نصیرطوسی	بتصحیح مدرس رضوی
۱۳ـ	تاریخ دیپلوماسی عمومی (جلد اول)	تألیف دکتر حسن ستودهٔ تهرانی
۱۴ـ	روش تجزیه	« « علی اکبر پریمن
۱۵ـ	تاریخ افضل ـ بدایع الازمان فی وقایع کرمان	فراهم آوردهٔ دکتر مهدی بیانی
۱۶ـ	حقوق اساسی	تألیف دکتر قاسم زاده
۱۷ـ	فقه و تجارت	« زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۸ـ	راهنمای دانشگاه	—
۱۹ـ	مقررات دانشگاه	—
۲۰ـ	درختان جنگلی ایران	« مهندس حبیب‌الله ثابتی
۲۱ـ	راهنمای دانشگاه بانگلیسی	—
۲۲ـ	راهنمای دانشگاه بفرانسه	
۲۳ـ	Les Espaces Normaux	تألیف دکتر هشترودی
۲۴ـ	موسیقی دورهٔ ساسانی	« مهدی برکشلی
۲۵ـ	حماسه ملی ایران	ترجمهٔ بزرگ علوی
۲۶ـ	زیست شناسی (۲) بحث در نظریهٔ لامارک	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲۷ـ	هندسه تحلیلی	« « علینقی وحدتی
۲۸ـ	اصول گداز و استخراج فلزات (جلد اول)	تألیف دکتر یگانه حایری
۲۹ـ	اصول گداز و استخراج فلزات (« دوم)	« « «
۳۰ـ	اصول گداز و استخراج فلزات (« سوم)	« « «

عنوان	مؤلف
۳۱- ریاضیات در شیمی	نگارش دکتر هورفر
۳۲- جنگل شناسی (جلد اول)	» مرحوم مهندس کریم ساعی
۳۳- اصول آموزش و پرورش	» دکتر محمد باقر هوشیار
۳۴- فیزیولژی گیاهی (جلد اول)	» » اسمعیل زاهدی
۳۵- جبر و آنالیز	نگارش دکتر محمدعلی مجتهدی
۳۶- گزارش سفر هند	» » غلامحسین صدیقی
۳۷- تحقیق انتقادی در عروض فارسی	» » پرویز ناتل خانلری
۳۸- تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین	» » مهدی بهرامی
۳۹- واژه نامه طبری	» » صادق کیا
۴۰- تاریخ صنایع اروپا در قرون وسطی	» عیسی بهنام
۴۱- تاریخ اسلام	» دکتر فیاض
۴۲- جانورشناسی عمومی	» » فاطمی
۴۳- Les Connexions Normales	» » هشترودی
۴۴- کالبد شناسی توصیفی (۱) - استخوان‌شناسی	» « امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی-دکتر نجم آبادی- دکتر نیك نفس-دکتر نائینی
۴۵- روان‌شناسی کودك	نگارش دکتر مهدی جلالی
۴۶- اصول شیمی پزشکی	» » آ. وارتانی
۴۷- ترجمه وشرح تبصرهٔ علامه (جلد اول)	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۴۸- اکوستیك « صوت » (۱) ارتعاشات - سرعت	» » ضیاء الدین اسمعیل بیگی
۴۹- انگل شناسی	» » ناصر انصاری
۵۰- نظریه توابع متغیر مختلط	» » افضلی‌پور
۵۱- هندسه ترسیمی و هندسه رقومی	» احمد بیرشك
۵۲- درس‌اللغة والادب (۱)	» دکتر محمدی
۵۳- جانور شناسی سیستماتیك	» » آزرم
۵۴- پزشکی عملی	» » نجم آبادی
۵۵- روش تهیه موادآلی	» » صفوی گلپایگانی
۵۶- مامائی	» » آهی
۵۷- فیزیولژی گیاهی (جلد دوم)	» » زاهدی
۵۸- فلسفه آموزش و پرورش	» دکتر فتح‌الله امیرهوشمند
۵۹- شیمی تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
۶۰- شیمی‌عمومی	» مهندس سعیدی
۶۱- امیل	ترجمهٔ مرحوم غلامحسین زیرك‌زاده
۶۲- اصول علم‌اقتصاد	تألیف دکتر محمود کیهان
۶۳- مقاومت مصالح	» مهندس گوهریان
۶۴- کشت گیاه حشره کش پیرتر	» مهندس میردامادی
۶۵- آسیب شناسی	» دکتر آرمین

عنوان	مؤلف
۶۶- مکانیك فیزیك	تألیف دکتر کمال جناب
۶۷- کالبدشناسی توصیفی(۲) - مفصل شناسی	» » امیراعلم- دکترحکیم- دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی- دکتر نیك نفس
۶۸- درمانشناسی (جلد اول)	تألیف دکتر عطائی
۶۹- درمانشناسی (» دوم)	» » »
۷۰- گیاه شناسی - تشریح عمومی نباتات	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۷۱- شیمی آنالیتیك	» دکتر گاگیك
۷۲- اقتصادجلداول	» » علی‌اصغر پورهمایون
۷۳- دیوان سیدحسن غزنوی	بتصحیح مدرس رضوی
۷۴- راهنمای دانشگاه	—
۷۵- اقتصاد اجتماعی	تألیف دکتر شیدفر
۷۶- تاریخ دیپلوماسی عمومی (جلد دوم)	» » حسن ستوده تهرانی
۷۷- زیبا شناسی	» علینقی وزیری
۷۸- تئوری سنتیك گازها	» دکتر روشن
۷۹- کارآموزی داروسازی	» » جنیدی
۸۰- قوانین دامپزشکی	» » میمندی‌نژاد
۸۱- جنگل‌شناسی جلد دوم	» مرحوم مهندس ساعی
۸۲- استقلال آمریکا	» دکترمجیر شیبانی
۸۳- کنجکاویهای علمی و ادبی	—
۸۴- ادوار فقه	» محمود شهابی
۸۵- دینامیك گازها	» دکتر غفاری
۸۶- آئین دادرسی دراسلام	» محمد سنگلجی
۸۷- ادبیات فرانسه	» دکترسپهبدی
۸۸- از سربن تا یونسکو- دو ماه در پاریس	» » علی‌اکبر سیاسی
۸۹- حقوق تطبیقی	» » حسن افشار
۹۰- میکروب‌شناسی (جلد اول)	تألیف دکترسهراب- دکتر میردامادی
۹۱- میزراه (جلد اول)	» » حسین گلژ
۹۲- » (جلد دوم)	» » » »
۹۳- کالبد شکافی (تشریح عملی دست‌وپا)	» » نعمت‌الله کیهانی
۹۴- ترجمه وشرح تبصره علامه (جلددوم)	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۹۵- کالبد شناسی توصیفی (۳) - عضله شناسی	» دکترامیراعلم-دکترحکیم دکتر کیهانی-دکتر نجم آبادی- دکتر نیك نفس
۹۶- » » (۴) - رگ شناسی	» » » »
۹۷- بیماریهای گوش وحلق و بینی (جلداول)	تألیف دکتر جمشیداعلم
۹۸- هندسهٔ تحلیلی	» » کامکار پارسی
۹۹- جبر و آنالیز	» » » »
۱۰۰- تفوق و برتری اسپانیا (۱۵۵۹-۱۶۶۰)	» » بیانی

۱۰۱- کالبدشناسی توصیفی - استخوان‌شناسی اسب	تألیف دکتر میر بابائی
۱۰۲- تاریخ عقاید سیاسی	» » محسن عزیزی
۱۰۳- آزمایش و تصفیهٔ آبها	نگارش » محمد جواد جنیدی
۱۰۴- هشت مقاله تاریخی وادبی	» نصرالله فلسفی
۱۰۵- فیه مافیه	» بدیع‌الزمان فروزانفر
۱۰۶- جغرافیای اقتصادی (جلداول)	» دکتر محسن عزیزی
۱۰۷- الکتریسیته وموارد استعمال آن	» مهندس عبدالله ریاضی
۱۰۸- مبادلات انرژی درگیاه	» دکتر اسمعیل زاهدی
۱۰۹- تلخیص البیان عن مجازات القران	» سید محمد باقر سبزواری
۱۱۰- دو رساله - وضع الفاظ و قاعده لاضرر	» محمود شهابی
۱۱۱- شیمی آلی (جلداول) تئوری واصول کلی	» دکتر عابدی
۱۱۲- شیمی آلی «ارگانیک» (جلداول)	» » شیخ
۱۱۳- حکمت الهی عام و خاص	» مهدی قمشهٔ
۱۱۴- امراض حلق و بینی و حنجره	» دکتر علیم مروستی
۱۱۵- آنالیز ریاضی	» » منوچهر وصال
۱۱۶- هندسه تحلیلی	» » احمد عقیلی
۱۱۷- شکسته بندی (جلد دوم)	» » امیر کیا
۱۱۸- باغبانی (۱) باغبانی عمومی	» مهندس شیبانی
۱۱۹- اساس التوحید	» مهدی آشتیانی
۱۲۰- فیزیك پزشکی	» دکتر فرهاد
۱۲۱- اکوستیك «صوت» (۲) مشخصات صوت - اوله - تار	» » اسمعیل بیگی
۱۲۲- جراحی فوری اطفال	» » مرعشی
۱۲۳- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (۱)	» علینقی منزوی تهرانی
۱۲۴- چشم پزشکی (جلداول)	» دکتر ضرابی
۱۲۵- شیمی فیزیك	» » بازرگان
۱۲۶- بیماریهای گیاه	» » خبیری
۱۲۷- بحث در مسائل پرورش اخلاقی	» » سپهری
۱۲۸- اصول عقاید و کرائم اخلاق	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۲۹- تاریخ کشاورزی	» دکتر تقی بهرامی
۱۳۰- کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن	» » حکیم و دکتر گنج بخش
۱۳۱- امراض واگیر دام	» » رستگار
۱۳۲- درس اللغة والادب (۲)	» » محمدی
۱۳۳- واژه نامه گرگانی	» » صادق کیا
۱۳۴- تك باخته شناسی	» » عزیز رفیعی
۱۳۵- حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)	» » قاسم زاده
۱۳۶- عضله و زیبائی پلاستیك	» » کیهانی
۱۳۷- طیف جذبی و اشعهٔ ایکس	» » فاضل زندی

۱۳۸- مصنفات افضل الدین کاشانی	نگارش دکتر مینوی و یحیی مهدوی
۱۳۹- روان‌شناسی (از لحاظ تربیت)	» » علی‌اکبر سیاسی
۱۴۰- ترمودینامیک (۱)	» مهندس بازرگان
۱۴۱- بهداشت روستائی	نگارش دکتر زوین
۱۴۲- زمین شناسی	» » یدالله سحابی
۱۴۳- مکانیک عمومی	» » مجتبی ریاضی
۱۴۴- فیزیولوژی (جلد اول)	» » کاتوزیان
۱۴۵- کالبدشناسی و فیزیولوژی	» » نصرالله نیک‌نفس
۱۴۶- تاریخ تمدن ساسانی (جلداول)	» سعید نفیسی
۱۴۷- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت اول سلسله اعصاب محیطی	» دکتر امیراعلم-دکتر حکیم دکتر کیهانی-دکتر نجم‌آبادی-دکتر نیک‌نفس
۱۴۸- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت دوم سلسله اعصاب مرکزی	» » » »
۱۴۹- کالبدشناسی توصیفی (۶) اعضای حواس پنجگانه	» » » »
۱۵۰- هندسه عالی (گروه و هندسه)	تألیف دکتر اسدالله آل‌بویه
۱۵۱- اندام‌شناسی گیاهان	» » پارسا
۱۵۲- چشم پزشکی (۲)	نگارش دکتر ضرابی
۱۵۳- بهداشت شهری	« « اعتمادیان
۱۵۴- انشاء انگلیسی	« بازارگادی
۱۵۵- شیمی آلی (ارگانیک) (۲)	« دکتر شیخ
۱۵۶- آسیب شناسی (کانگلیون استلر)	« « آرمین
۱۵۷- تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی	« « ذبیح‌الله صفا
۱۵۸- تفسیر خواجه عبدالله انصاری	بتصحیح علی‌اصغر حکمت
۱۵۹- حشره‌شناسی	تألیف جلال افشار
۱۶۰- نشانه‌شناسی (علم‌العلامات) (جلد اول)	« دکتر محمدحسین میمندی‌نژاد
۱۶۱- نشانه‌شناسی بیماریهای اعصاب	« « صادق صبا
۱۶۲- آسیب‌شناسی عملی	« « حسین رحمتیان
۱۶۳- احتمالات و آمار	« « مهدوی اردبیلی
۱۶۴- الکتریسیته صنعتی	« « محمد مظفری زنگنه
۱۶۵- آئین دادرسی کیفری	« « محمدعلی هدایتی
۱۶۶- اقتصاد سال اول (چاپ دوم اصلاح شده)	« « علی‌اصغر پورهمایون
۱۶۷- فیزیک (تابش)	« « روشن
۱۶۸- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلددوم)	« علینقی منزوی
۱۶۹- « « « « « (جلدسوم-قسمت اول)	« محمدتقی دانش‌پژوه
۱۷۰- رساله بود و نمود	« محمود شهابی
۱۷۱- زندگانی شاه‌عباس اول	« نصرالله فلسفی
۱۷۲- تاریخ بیهقی (جلدسوم)	بتصحیح سعید نفیسی
۱۷۳- فهرست نشریات ابوعلی‌سینا بزبان فرانسه	« « «

عنوان	مؤلف
۱۷۴ـ تاریخ مصر (جلد اول)	تألیف احمد بهمنش
۱۷۵ـ آسیب‌شناسی آزردگی سیستم رتیکولو آندوتلیال	« دکتر آرمین
۱۷۶ـ نهضت ادبیات فرانسه دردوره رومانتیك	« مرحوم زیرك‌زاده
۱۷۷ـ فیزیولژی (طب عمومی)	نگارش دکتر مصباح
۱۷۸ـ خطوط لبه‌های جذبی (اشعهٔ ایکس)	« « زندی
۱۷۹ـ تاریخ مصر (جلد دوم)	« احمد بهمنش
۱۸۰ـ سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین	« دکتر صدیق اعلم
۱۸۱ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم ـ قسمت دوم)	« محمدتقی دانش‌پژوه
۱۸۲ـ اصول فن کتابداری	« دکتر محسن صبا
۱۸۳ـ رادیو الکتریسیته	« « رحیمی
۱۸۴ـ پیوره	« « محمود سیاسی
۱۸۵ـ چهار رساله	« محمد سنگلجی
۱۸۶ـ آسیب‌شناسی (جلد دوم)	« دکتر آرمین
۱۸۷ـ یادداشت‌های مرحوم قزوینی	فراهم‌آورده آقای ایرج افشار
۱۸۸ـ استخوان شناسی مقایسه‌ای (جلد دوم)	تألیف دکتر میربابائی
۱۸۹ـ جغرافیای عمومی (جلد اول)	« « مستوفی
۱۹۰ـ بیماریهای واگیر (جلد اول)	« « غلامعلی بینش‌ور
۱۹۱ـ بتن فولادی (جلد اول)	« مهندس خلیلی
۱۹۲ـ حساب جامع وفاضل	نگارش دکتر مجتهدی
۱۹۳ـ مبدء ومعاد	ترجمه آقای محمود شهابی
۱۹۴ـ تاریخ ادبیات روسی	تألیف « سعید نفیسی
۱۹۵ـ تاریخ تمدن ایران ساسانی (جلد دوم)	« « « «
۱۹۶ـ درمان تراخم با الکتروکوآگولاسیون	« دکتر پرفسور شمس
۱۹۷ـ شیمی وفیزیك (جلد اول)	« « توسلی
۱۹۸ـ فیزیولوژی عمومی	« « شیبانی
۱۹۹ـ داروسازی جالینوسی	« « مقدم
۲۰۰ـ علم‌العلامات نشانه‌شناسی (جلد دوم)	« « میمندی نژاد
۲۰۱ـ استخوان شناسی (جلد اول)	« « نعمت‌اله کیهانی
۲۰۲ـ پیوره (جلد دوم)	« « محمود سیاسی
۲۰۳ـ علم‌النفس ابن‌سینا وتطبیق آن با روانشناسی جدید	« « علی‌اکبر سیاسی
۲۰۴ـ قواعدفقه	« آقای محمود شهابی
۲۰۵ـ تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران	« دکتر علی‌اکبر بینا
۲۰۶ـ فهرست مصنفات ابن‌سینا	« « مهدوی
۲۰۷ـ مخارج‌الحروف	تصحیح و ترجمهٔ دکتر پرویز ناتل‌خانلری
۲۰۸ـ عیون‌الحکمه	از ابن‌سینا ـ چاپ عکسی

۲۰۹- شیمی بیولوژی	تألیف دکتر مافی
۲۱۰- میکربشناسی (جلد دوم)	« آقایان دکتر سهراب- دکتر میردامادی
۲۱۱- حشرات زیان‌آور ایران	« مهندس عباس‌دواچی
۲۱۲- هواشناسی	« دکتر محمد منجمی
۲۱۳- حقوق‌مدنی	« « سیدحسن امامی
۲۱۴- ماخذقصص وتمثیلات مثنوی	نگارش آقای فروزانفر
۲۱۵- مکانیك استدلالی	« پرفسور فاطمی
۲۱۶- ترمودینامیك (جلد دوم)	« مهندس بازرگان
۲۱۸- گروه بندی وانتقال خون	« دکتریحیی پویا
۲۱۸- فیزیك، ترمودینامیك(جلداول)	« « روشن
۲۱۹- روان پزشکی (جلدسوم)	« « میرسپاسی
۲۲۰- بیماریهای درونی (جلداول)	« « میمندی‌نژاد
۲۲۱- حالات‌عصبانی یانورز	ترجمه « چهرازی
۲۲۲- کالبدشناسی توصیفی (۷) (دستگاه گوارش)	تألیف دکتر امیراعلم - دکترحکیم دکتر کیهانی-دکترنجم‌آبادی- دکتر نیك نفس
۲۲۳- علم‌الاجتماع	تألیف دکتر مهدوی
۲۲۴- الهیات	« فاضل تونی
۲۲۵- هیدرولیك‌عمومی	« مهندس ریاضی
۲۲۶- شیمی عمومی‌معدنی‌فلزات(جلداول)	تألیف دکتر فضل‌الله شیروانی
۲۲۷- آسیب‌شناسی آزردکیهای سورنال « غده فوق کلیوی »	« « آرمین
۲۲۸- اصول‌الصرف	« علی‌اکبرشهابی
۲۲۹- سازمان فرهنگی‌ایران	تألیف دکترعلی کنی
۲۳۰- فیزیك، ترمودینامیك (جلد دوم)	نگارش دکتر روشن
۲۳۱- راهنمای‌دانشگاه	—
۲۳۲- مجموعهٔ اصطلاحات علمی	—
۲۳۳- بهداشت غذائی (بهداشت نسل)	نگارش دکتر فضل‌الله صدیق
۲۳۴- جغرافیای کشاورزی ایران	« دکترتقی بهرامی
۲۳۵- ترجمه‌النهایه باتصحیح ومقدمه(۱)	« آقای‌سیدمحمدسبزواری
۲۳۶- احتمالات وآمارریاضی (۲)	« دکتر مهدوی اردبیلی
۲۳۷- اصول‌تشریح چوب	« مهندس‌رضا حجازی
۲۳۸- خون‌شناسی عملی (جلداول)	« دکتر رحمتیان‌دکترشمسا
۲۳۹- تاریخ ملل قدیم آسیای غربی	« « بهمنش
۲۴۰- شیمی‌تجزیه	« « شیروانی
۲۴۱- دانشگاهها ومدارس عالی امریکا	« «ضیاءالدین‌اسمعیل‌بیگی
۲۴۲- پانزده‌گفتار	« آقای مجتبی‌مینوی
۲۴۳- بیماریهای خون (جلد دوم)	« دکتر یحیی پویا

۲۴۴- اقتصاد کشاورزی — نگارش دکتر احمد هومن
۲۴۵- علم العلامات (جلد سوم) — » » میمندی نژاد
۲۴۶- بتن آرمه (۲) — » آقای مهندس خلیلی
۲۴۷- هندسهٔ دیفرانسیل — » دکتر بهفروز
۲۴۸- فیزیولژی گل ورده بندی تك لپه‌ایها — » » زاهدی
۲۴۹- تاریخ زندیه — » » هادی هدایتی
۲۵۰- ترجمه النهایه با تصحیح و مقدمه (۲) — » آقای سبزواری
۲۵۱- حقوق مدنی (۲) — » » دکتر امامی
۲۵۲- دفتر دانش و ادب (جزء دوم) — —
۲۵۳- یادداشتهای قزوینی (جلد دوم ب، ت، ث، ج) — » ایرج افشار
۲۵۴- تفوق و برتری اسپانیا — » دکتر خانبابا بیانی
۲۵۵- تیره شناسی (جلد اول) — » » احمد پارسا
۲۵۶- کالبد شناسی توصیفی (۸) دستگاه ادرار و تناسل - پردهٔ صفاق — تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس
۲۵۷- حل مسائل هندسه تحلیلی — نگارش دکتر علینقی وحدتی
۲۵۸- کالبد شناسی توصیفی (حیوانات اهلی مفصل شناسی مقایسه‌ای) — » » میر بابائی
۲۵۹- اصول ساختمان و محاسبه ماشینهای برق — » مهندس احمد رضوی
۲۶۰- بیماریهای خون و لنف (بررسی بالینی و آسیب شناسی) — » دکتر رحمتیان
۲۶۱- سرطان شناسی (جلد اول) — » » آرمین
۲۶۲- شکسته بندی (جلد سوم) — » » امیر کیا
۲۶۳- بیماریهای واگیر (جلد دوم) — » » بینش ور
۲۶۴- انگل شناسی (بندپائیان) — » » عزیز رفیعی
۲۶۵- بیماریهای درونی (جلد دوم) — » » میمندی نژاد
۲۶۶- دامپروری عمومی (جلد اول) — » » بهرامی
۲۶۷- فیزیولوژی (جلد دوم) — » » علی کاتوزیان
۲۶۸- شعر فارسی (در عهد شاهرخ) — » » یارشاطر
۲۶۹- فن انگشت نگاری (جلد اول و دوم) — نگارش ناصرقلی وادسر
۲۷۰- منطق التلویحات — » دکتر فیاض
۲۷۱- حقوق جنائی — تألیف آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی
۲۷۲- سمیولوژی اعصاب — » » » چهرازی
۲۷۳- کالبد شناسی توصیفی (۹) (دستگاه تولید صوت و تنفس) — تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس
۲۷۴- اصول آمار و کلیات آمار اقتصادی — نگارش دکتر محسن صبا
۲۷۵- گزارش کنفرانس اتمی ژنو — » » جناب دکتر بازرگان
۲۷۶- امکان آلوده کردن آبهای مشروب — نگارش دکتر حسین سهراب - دکتر میمندی نژاد

۲۷۷– مدخل منطق صورت — نگارش دکتر غلامحسین مصاحب

۲۷۸–ویروسها — « « فرج‌الله شفا

۲۷۹– تالفیت‌ها (آلکها) — « « عزت‌الله خبیری

۲۸۰– گیاه‌شناسی سیستماتیک — « « محمد درویش

۲۸۱– تیره‌شناسی (جلددوم) — « « پارسا

۲۸۲– احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی — « مدرس رضوی

۲۸۳– احادیث مثنوی — « آقای فروزانفر

۲۸۴– قواعد النحو — « قاسم تویسرکانی

۲۸۵–آزمایشهای فیزیک — « دکتر محمدباقر محمودیان

۲۸۶– پندنامه اهوازی یا آئین پزشکی — « « محمود نجم‌آبادی

۲۸۷– بیماریهای خون (جلدسوم) — « « یحیی پویا

۲۸۸– جنین شناسی (رویان‌شناسی) جلد اول — « « احمد شفائی

۲۸۹– مکانیک فیزیک (اندازه‌گیری مکانیک نقطه مادی و فرضیه نسبی)(چاپ‌دوم) — تألیف دکتر کمال‌الدین جناب

۲۹۰– بیماریهای جراحی قفسه سینه (ریه، مری، قفسه سینه) — « « محمدتقی قوامیان

۲۹۱– اکوستیک (صوت) چاپ دوم — « « ضیاءالدین اسماعیل‌بیگی

۲۹۲– چهار مقاله — بتصحیح « محمد معین

۲۹۳– داریوش یکم (پادشاه پارسها) — نگارش « منشی‌زاده

۲۹۴– کالبدشکافی تشریح عملی سر و گردن–سلسلهٔ اعصاب مرکزی — « « نعمت‌الله کیهانی

۲۹۵ – درس اللغة والادب (۱) چاپ‌دوم — « « محمد محمدی

۲۹۶– سه گفتار خواجه طوسی — بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه

۲۹۷ – Sur les espaces de Riemann — نگارش دکتر هشترودی

۲۹۸ – فصول خواجه طوسی — بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه

۲۹۹ – فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلدسوم) بخش‌سوم — نگارش محمدتقی دانش‌پژوه

۳۰۰ – الرسالة المعینیة — « « «

۳۰۱ – آغاز و انجام — « ایرج افشار

۳۰۲– رسالهٔ امامت خواجهٔ طوسی — بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه

۳۰۳ – فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلدسوم) بخش‌چهارم — « « «

۳۰۴ – حل مشکلات معینه خواجه نصیر — « « «

۳۰۵ – مقدمه قدیم اخلاق ناصری — « جلال‌الدین همائی

۳۰۶– بیوگرافی خواجه نصیرالدین طوسی (بزبان فرانسه) — نگارش دکتر امشه‌ای

۳۰۷– رساله بیست باب در معرفت اسطرلاب — « مدرس رضوی

۳۰۸– مجموعهٔ رسائل خواجه نصیرالدین — « « «

۳۰۹– سرگذشت و عقائد فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی — « محمد مدرسی (زنجانی)

۳۱۰– فیزیک (پدیده‌های فیزیکی در دماهای بسیار خفیف) — « دکتر روشن

کتاب هفتم

۳۱۱ – رساله جبر و مقابله خواجه نصیرطوسی — بکوشش اکبر دانا سرشت

۳۱۲ ـ آلرژی بیماریهای ناشی از آن	تألیف دکتر هادوی
۳۱۳ ـ راهنمای دانشگاه (بفرانسه) دوم چاپ	—
۳۱۴ ـ احوال و آثار محمد بن جریری طبری	تألیف آقای علی اکبر شهابی
۳۱۵ ـ مکانیک سینماتیک	« دکتر احمد وزیری
۳۱۶ ـ مقدمه روانشناسی (قسمت اول)	« دکتر مهدی جلالی
۳۱۷ ـ دامپروری (جلد دوم)	« « تقی بهرامی
۳۱۸ ـ تمرینات و تجربیات (شیمی آلی)	« « ابوالحسن شیخ
۳۱۹ ـ جغرافیای اقتصادی (جلد دوم)	« « عزیزی
۳۲۰ ـ پاتولوژی مقایسه‌ای (بیماریهای مشترك انسان ودام)	« « میمندی نژاد
۳۲۱ ـ اصول نظریه ریاضی احتمال	تألیف دکتر افضلی پور
۳۲۲ ـ رده بندی دولپه‌ای ها و بازدانگان	« « زاهدی
۳۲۳ ـ قوانین مالیه و محاسبات عمومی و مطالعه بودجه از ابتدای مشروطیت تا حال	« « جزایری
۳۲۴ ـ کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن (توصیفی ـ موضعی ـ طرز تشریح)	« « منوچهر حکیم و « سیدحسین گنج بخش
۳۲۵ ـ ایمنی شناسی (جلد اول)	« « میردامادی
۳۲۶ ـ حکمت الهی عام وخاص (تجدید چاپ)	« آقای مهدی الهی قمشه‌ای
۳۲۷ ـ اصول بیماری‌های ارثی انسان (۱)	« دکتر محمدعلی مولوی
۳۲۸ ـ اصول استخراج معادن	« مهندس محمودی
۳۲۹ ـ مقررات دانشگاه (۱) مقررات استخدامی ومالی	جمع آوری دکتر کی نیا
۳۳۰ ـ شلیمر	دانشکده پزشکی
۳۳۱ ـ تجزیه ادرار	مرحوم دکتر ابوالقاسم بهرامی
۳۳۲ ـ جراحی فك وصورت	تألیف دکتر حسین مهدوی
۳۳۳ ـ فلسفه آموزش و پرورش	« « امیرهوشمند
۳۳۴ ـ اکوستیك (۲) صوت	« « اسماعیل بیگی
۳۳۵ ـ الکتریسته صنعتی (جلداول چاپ دوم)	« مهندس زنگنه
۳۳۶ ـ سالنامه دانشگاه	—
۳۳۷ ـ فیزیك جلد هشتم ـ کارهای آزمایشگاه و مسائل ترمودینامیك	« دکتر روشن
۳۳۸ ـ تاریخ اسلام (چاپ دوم)	« « فیاض
۳۳۹ ـ هندسهٔ تحلیلی (چاپ دوم)	« « وحدتی
۳۴۰ ـ آداب اللغة العربیة و تاریخها (۱)	« « محمد محمدی
۳۴۱ ـ حل مسائل ریاضیات عمومی	تألیف دکتر کامکار پارسی
۳۴۲ ـ جوامع الحکایات	« « محمد معین
۳۴۳ ـ شیمی تحلیلی	« مهندس قاسمی
۳۴۴ ـ ارادهٔ معطوف بقدرت (اثر نیچه)	ترجمه دکتر هوشیا
۳۴۵ ـ دفتر دانش و ادب (جلد سوم)	مقالهٔ دکتر مهدوی
۳۴۶ ـ حقوق مدنی (جلداول تجدید چاپ)	تألیف دکتر امامی

عنوان	مؤلف / مترجم
۳۴۷ ـ نمایشنامه لوسید	ترجمهٔ دکتر سپهبدی
۳۴۸ ـ آب شناسی هیدرولوژی	تألیف دکتر جنیدی
۳۴۹ ـ روش شیمی تجزیه (۱)	» » فخرالدین خوشنویسان
۳۵۰ ـ هندسهٔ ترسیمی	» » جمال عصار
۳۵۱ ـ اصول الصرف	» علی اکبر شهابی
۳۵۲ ـ استخراج نفت (جلد اول)	» دکتر جلال الدین توانا
۳۵۳ ـ سخنرانیهای پروفسور رنه ونسان	ترجمه دکتر سیاسی ـ دکتر سیمجور
۳۵۴ ـ کورش کبیر	تألیف دکتر هادی هدایتی
۳۵۵ ـ فرهنگ غفاری فارسی فرانسه (جلد اول)	مهندس امیرجلال الدین غفاری
۳۵۶ ـ اقتصاد اجتماعی	دکتر سید شمس الدین جزایری
۳۵۷ ـ بیولوژی (وراثت) (تجدید چاپ)	» خبیری
۳۵۸ ـ بیماریهای مغز و روان (۳)	» حسین رضاعی
۳۵۹ ـ آئین دادرسی دراسلام (تجدیدچاپ)	آقای محمد سنگلجی
۳۶۰ ـ تقریرات اصول	» محمود شهابی
۳۶۱ ـ کالبد شکافی توصیفی (جلد ٤ ـ عضله شناسی اسب)	تألیف دکتر میربابائی
۳۶۲ ـ الرسالة الکمالیه فی الحقایق الالهیه	» سبزواری
۳۶۳ ـ بی‌حسی‌های ناحیه‌ای دردندان پزشکی	» دکتر محمود مستوفی
۳۶٤ ـ چشم و بیماریهای آن	» » باستان
۳۶۵ ـ هندسهٔ تحلیلی	» » مصطفی کامکار پارسی
۳۶۶ ـ شیمی آلی ترکیبات حلقوی (چاپ دوم)	» » ابوالحسن شیخ
۳۶۷ ـ پزشکی عملی	» » ابوالقاسم نجم آبادی
۳۶۸ ـ اصول آموزش وپرورش (چاپ سوم)	» » هوشیار
۳۶۹ ـ پرتو اسلام	بقلم عباس خلیلی
۳۷۰ ـ جراحی عملی دهان ودندان (جلد اول)	تألیف دکتر کاظم سیمجور
۳۷۱ ـ درد شناسی دندان (۱)	» » محمود سیاسی
۳۷۲ ـ مجموعهٔ اصطلاحات علمی (قسمت دوم)	ـ
۳۷۳ ـ تیره شناسی (جلد سوم)	» » احمد پارسا
۳۷٤ ـ المعجم	بتصحیح مدرس رضوی
۳۷۵ ـ جواهر الآثار (ترجمهٔ مثنوی)	بقلم عبدالعزیز صاحب الجواهر
۳۷۶ ـ تاریخ دیپلوماسی عمومی	تألیف دکتر محسن عزیزی
۳۷۷ ـ Textes Français	» بانو نفیسی
۳۷۸ ـ شیمی فیزیك (جلد دوم)	» دکتر علی اکبر توسلی
۳۷۹ ـ زیباشناسی	» آقای علینقی وزیری
۳۸۰ ـ بیماریهای مشترك انسان ودام	» دکتر میمندی نژاد
۳۸۱ ـ فرزان تن وروان	» » بصیر
۳۸۲ ـ بهبود نسل بشر	» » محمد علی مولو
۳۸۳ ـ یادداشتهای قزوینی (۳)	ایرج افشار
۳۸٤ ـ گویش آشتیان	تألیف دکتر صادق کیا

۳۸۵ ـ کالبد شکافی (تشریح عملی قفسه سینه وقلب وریه)	نگارش دکتر نعمت‌الله کیهانی
۳۸۶ ـ ایران بعد از اسلام	» عباس خلیلی
۳۸۷ ـ تاریخ مصر قدیم (جلداول چاپ دوم)	» دکتر احمد بهمنش
۳۸۸ ـ آرگونیاتها (۱) سرخس‌ها	» » خبیری
۳۸۹ ـ شیمی صنعتی (جلد اول)	» » رادفر
۳۹۰ ـ فیزیك عمومی الکتریسیته (جلد اول)	» » روشن
۳۹۱ ـ مبادی علم هوا شناسی	» » احمد سعادت
۳۹۲ ـ منطق و روش شناسی	» » علی اکبر سیاسی
۳۹۳ ـ الکترونیك (جلد اول)	» » رحیمی قاجار
۳۹۴ ـ فرهنگ غفاری (جلد دوم)	» مهندس جلال‌الدین غفاری
۳۹۵ ـ حکمت الهی عام وخاص (جلد دوم)	» محیی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای
۳۹۶ ـ گنج جواهر دانش (٤)	» حسن آل طه
۳۹۷ ـ فن کالبد گشائی و آسیب شناسی	» دکتر محمدکار
۳۹۸ ـ فرهنگ غفاری (جلد سوم)	» مهندس جلال‌الدین غفاری
۳۹۹ ـ مزدا پرستی در ایران قدیم	» دکتر ذبیح‌الله صفا
٤۰۰ ـ اصول روشهای ریاضی آمار	» » افضلی پور
٤۰۱ ـ تاریخ مصر قدیم (جلد دوم)	» » دکتر احمد بهمنش
٤۰۲ ـ عدد من بلغاء ایران فی اللغة	» قاسم تویسرکانی
٤۰۳ ـ علم اخلاق (نظری وعملی)	» دکتر علی اکبر سیاسی
٤۰٤ ـ ادوار فقه (جلددوم)	» آقای محمود شهابی
٤۰۵ ـ جراحی عملی دهان‌ودندان (جلددوم)	» دکتر کاظم سیمجور
٤۰٦ ـ فیزیولژی بالینی	» » گیتی
٤۰۷ ـ سهم الارث	» نصر اصفهانی
٤۰۸ ـ جبر آنالیز	» دکتر محمدعلی مجتهدی
٤۰۹ ـ هوا شناسی (جلد اول)	» » محمد منجمی
٤۱۰ ـ بیماریهای درونی (جلدسوم)	» » میمندی نژاد
٤۱۱ ـ مبانی فلسفه	» » علی اکبر سیاسی
٤۱۲ ـ فرهنگ غفاری (جلد چهارم)	» مهندس امیر جلال‌الدین غفاری
٤۱۳ ـ هندسهٔ تحلیلی (چاپ دوم)	» دکتر احمد سادات عقیلی
٤۱٤ ـ کالبد شناسی (عضله‌شناسی مقایسه‌ای) (جلدپنجم)	» » میربابائی
٤۱۵ ـ سالنامه دانشگاه ۱۳۳٦ ـ ۱۳۳۵	ـ
٤۱٦ ـ یادنامهٔ خواجه نصیر طوسی	نگارش دکتر صفا
٤۱۷ ـ تئوریهای اساسی ژنتیك	» » آزرم
٤۱۸ ـ فولاد وعملیات حرارتی آن	» مهندس هوشنگ خسرویار
٤۱۹ ـ تأسیسات آبی	» مهندس عبدالله ریاضی

٤٢٠ ـ بیماریهای اعصاب (جلد نخست) نگارش دکتر صادق صبا

٤٢١ ـ مکانیك عمومی (جلد دوم) « دکتر مجتبی ریاضی

٤٢٢ ـ صنایع شیمی معدنی (جلداول) « مهندس مرتضی قاسمی

٤٢٣ ـ مکانیك استدلالی « پرفسور تقی فاطمی

٤٢٤ ـ تاریخ فرهنگ ایران « دکتر عیسی صدیق

٤٢٥ ـ شرح تبصره آیة الله علامهٔ حلی (جلد دوم) « زین العابدین ذوالمجدین

٤٢٦ ـ حکیم ازرقی هروی بتصحیح مرحوم علی عبدالرسولی

٤٢٧ ـ علوم عقلی نگارش دکتر ذبیح الله صفا

٤٢٨ ـ شیمی آنالیتیك « دکتر گاگیك

٤٢٩ ـ فیزیك الکتریسیته (جلد دوم) « « روشن

٤٣٠ ـ کلیات شمس تبریزی با تصحیحات وحواشی آقای فروزانفر

٤٣١ ـ کانی شناسی (تحقیق دربارهٔ بعضی از کانهای جزیره هرمز) نگارش دکتر عبدالکریم قریب

٤٣٢ ـ فرهنك غفاری فارسی بفرانسه (جلد پنجم) « امیرجلال الدین غفاری

٤٣٣ ـ ریاضیات در شیمی (جلد دوم) « دکتر هورفر

٤٣٤ ـ تحقیق در فهم بشر ترجمه دکتر رضازاده شفق

٤٣٥ ـ السعادة والاسعار بتصحیح مجتبی مینوی

٤٣٦ ـ تاریخ فرهنك اروپا نگارش دکتر عیسی صدیق

٤٣٧ ـ نقشه برداری (جلددوم) « مهندس حسن شمسی

٤٣٨ ـ بیماریهای گیاه (تجدیدچاپ) « دکتر خبیری

٤٣٩ ـ حقوق مدنی (جلد سوم) « دکتر سیدحسن امامی

٤٤٠ ـ سخنرانیهای آقای انیس المقدسی (استاد دانشگاه آمریکائی بیروت)

٤٤١ ـ دردشناسی دندان (جلد دوم) نگارش دکتر محمودسیاسی

٤٤٢ ـ حقوق اساسی فرانسه « « قاسم زاده

٤٤٣ ـ حقوق عمومی واداری « « شیدفر

٤٤٤ ـ پاتولوژی مقایسه‌ای (جلد سوم) « « میمندی نژاد

٤٤٥ ـ شیمی عمومی معدنی « « شیروانی

٤٤٦ ـ فسیل شناسی « « فرشاد

٤٤ ـ فرهنگ غفاری فارسی بفرانسه (جلد ششم) « امیرجلال الدین غفاری

٤٤ ـ تحقیق در تاریخ قندسازی ایران « مهندس ابرهیم ریاحی

٤٤ ـ مشخصات جغرافیای طبیعی ایران « دکتر حسین گل گلاب

٤٥ ـ جراحی فك وصورت (جلد دوم) « « حسین مهدوی

٤٥ ـ تاریخ هرودت « « هادی هدایتی

٤٥ ـ تاریخ دیپلماسی عمومی (چاپ دوم) « « حسن ستوده تهرانی

٤٥ ـ سازمان فرهنگی ایران (تجدید چاپ) « « علی کنی

٤٥ ـ مسائل گوناگون پزشکی « « محمدعلی مولوی

٤٥ ـ فیزیك الکتریسته (جلد سوم) « « روشن

٤ ـ جامعه شناسی یاعلم الاجتماع « « یحیی مهدوی

٤٥ ـ اورمی « « رفعت

٤٥٨ ـ بهداشت عمومی (پیش گیری بیماریهای وا	نگارش دکتر اعتمادیان
٤٥٩ ـ تاریخ عقاید اقتصادی (چاپ دوم)	« مرحوم دکتر حسن شهید نورائی
٤٦٠ ـ تبصره و دو رسالهٔ دیگر در منطق	بکوشش دانش پژوه
٤٦١ ـ مسائل گوناگون پزشکی (جلد سوم)	نگارش دکتر مولوی
٤٦٢ ـ کلیات شمس تبریزی (جزوه دوم)	تصحیح فروزانفر
٤٦٣ ـ ارتدنسی (جلد اول)	نگارش دکتر ریاض
٤٦٤ ـ یادداشتهای قزوینی (جلد اول)	بکوشش ایرج افشار
٤٦٥ ـ فهرست پیشنهادی اسامی پرندگان ایران	» سایمون جرویس رید